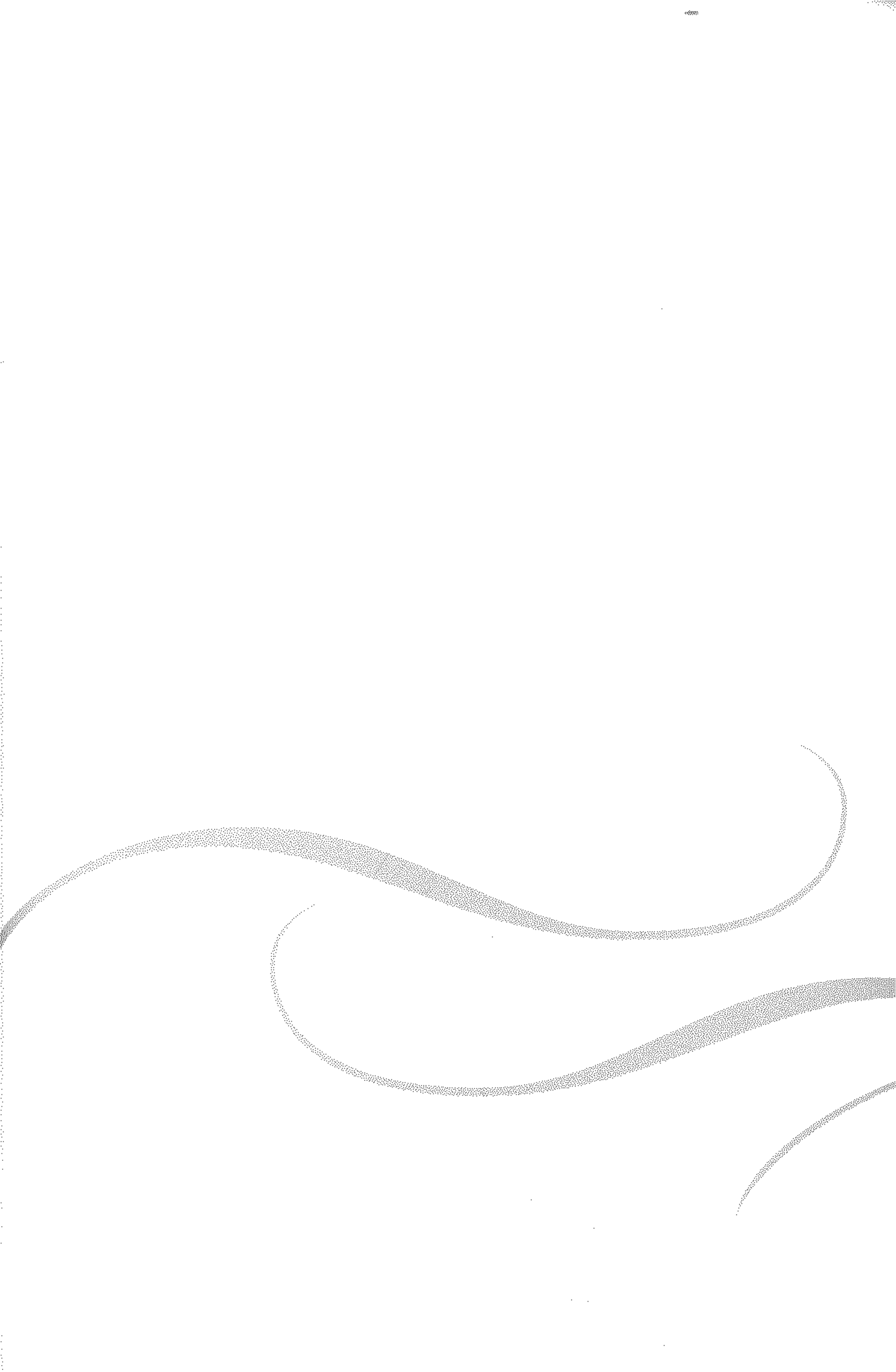


# تذکرہ شاہ فداک



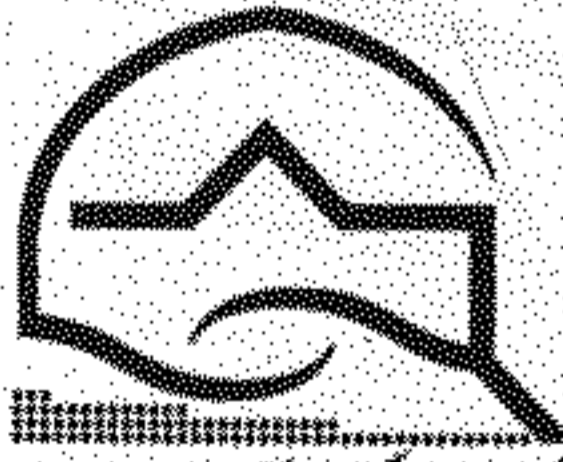
الله اعلم





عنوان	تنها بر فراز
پدیدآورنده	درسنامه‌ی پژوهشی مهدویت
تهیه	یحیی صالح‌نیا
ناشر	مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان
نوبت چاپ	دوم، بهار ۹۱
شمارگان	۴۰۰۰ جلد
قیمت	۴۵۰۰۰ ریال

آدرس: قم، خیابان شهید فاطمی (دورشنی) کوچه ۱۵، پلاک ۱۵  
 تلفن: ۷۸۴۱۲۱۲ ۷۷۳۱۲۴۷ ۰۲۵۱  
 خبرنگار: ۷۷۳۶۳۱۰ ۰۲۵۱ - کد پستی: ۳۷۱۵۶-۵۵۲۳۲  
 مرکز پخش  
 پستخبر کابل: ۷۷۳۶۱۳۸ ۰۲۵۱ - ۹۱۹۵۲۱۲۴۶۲



مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان

وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری  
 در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

# فهرست

مقدمه	۱۵
مقدمه‌ی چاپ دوم	۱۷
<b>درسنامه‌ی اول: مبانی اعتقاد به مهدویت</b>	<b>۱۹</b>
فلسفه و ضرورت مهدویت	۲۱
۱. جایگاه انسان در نظام آفرینش	۲۱
۲. اصل فطرت	۲۲
۳. رابطه‌ی فرد و جامعه	۲۲
۴. رابطه‌ی دنیا و آخرت	۲۳
۵. انواع کمال انسانی	۲۴
۶. واقعی بودن آرمان‌های اسلام	۲۶
۷. تقابل حق و باطل و غلبه‌ی نهایی حق	۲۶
۸. ایمان به غیبت و امدادهای غیبی	۲۷
۹. بعد از قیام مهدی <small>علیه السلام</small>	۲۸
الف. بعد اعتقادی	۲۹
۱. شناخت امام؛ راه معرفت خدا	۳۰
۲. شناخت امام؛ شرط اسلام واقعی	۳۱
۳. شرط قبولی اعمال؛ پذیرش ولایت	۳۲
۴. بایستگی شناخت ولی نعمت	۳۲
۵. امامت؛ سفارش پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۳۳
ب. بعد اجتماعی	۳۴
ج. بعد سیاسی	۳۶
د. بعد تاریخی	۳۷
ح. بعد فرهنگی	۳۸
۱. تعیین استراتژی انتظار	۳۸
۲. آسیب شناسی و لزوم مقابله با آن	۳۹
جمع بندی	۳۹
سوالات پژوهشی	۴۰
منابع مطالعاتی	۴۰
<b>درسنامه‌ی دوم: دوران غیبت</b>	<b>۴۱</b>

سراغاز	۴۳
وقایع قبل از ولادت	۴۴
ازدواج امام عسکری <small>علیه السلام</small>	۴۶
در انتظار ولادت	۴۶
غیبت صغری	۴۷
غیبت کبری	۴۹
فلسفه‌ی غیبت	۵۱
الف. خوف از قتل و شهادت	۵۱
ب. ابتلا و امتحان	۵۲
ج. عدم بیعت با حکام جور	۵۲
سؤالات پژوهشی	۵۴
منابع مطالعاتی	۵۴
<b>درسنامه‌ی سوم : آثار و برکات امام مهدی ارواح العالمین له الفنا</b>	<b>۵۵</b>
۱. وجود رهبر؛ موجب بقای مکتب	۵۸
۲. امام <small>علیه السلام</small> ؛ حجت آشکار خدا	۶۰
۳. خورشید فروزان در پشت ابرهای نار	۶۲
جلوه‌هایی از محبت امام عصر <small>علیه السلام</small> <small>عجل الله فرجه</small> در زمان غیبت	۶۴
۱. یاد کردن حضرت <small>علیه السلام</small> از برخی از دوستان خود به اسم	۶۴
۲. سلام و تحیت امام <small>علیه السلام</small> بر دوستان خود	۶۵
۳. معانقه و در آغوش گرفتن	۶۵
۴. آگاهی از احوال جامعه‌ی شیعه	۶۶
۵. شریک غم و شادی	۶۶
۶. دعا برای دوستان خود	۶۷
۷. گفتن آمین بر دعاهای دوستان خود	۶۸
۸. نامه به شیعیان	۶۸
۹. عبادت از دوستان	۶۸
۱۰. تشییع جنازه‌ی موالیان	۶۸
۱۱. دفع بلا از شیعیان	۷۰
۱۲. پیام به موالیان	۷۰
۱۳. مساجد و مقام‌ها	۷۰
۱۴. نصب نایبان	۷۰
۱۵. درس آموزی به شیعیان	۷۱
۱۶. از غربت تا حکومت	۷۱

۱۷. فریادرسی درماندگان	۷۱
۱۸. دفاع از شیعیان در برابر دشمنان	۷۲
۱۹. هدایت‌گری	۷۳
۲۰. برآوردن حاجات و رفع مشکلات	۷۳
۲۱. شفای بیماران	۷۳
۲۲. همسفره شدن با موالیان	۷۳
۲۳. تذکر و نصیحت به دوستاناران	۷۴
۲۴. زیارت و حج نیایی از طرف دوستان	۷۴
سوالات پژوهشی	۷۵
منابع مطالعاتی	۷۵
<b>درسنامه‌ی چهارم: فصل انتظار</b>	<b>۷۷</b>
ویژگی‌های انتظار فرج	۸۰
۱. انتظار؛ پیوندی عاقلانه و عاشقانه	۸۰
۲. انتظار؛ رابطه‌ای دوطرفه	۸۰
۳. انتظار؛ رابطه‌ای تشکیکی	۸۰
۴. هماهنگ شدن با اهداف؛ عملکرد و اندیشه‌ی امام <small>علیه السلام</small>	۸۱
۵. انتظار و فرصت‌سازی	۸۲
ارزش و جایگاه انتظار	۸۳
لوازم انتظار	۸۳
۱. نفی وضع موجود از طرف منتظر	۸۴
۲. نهضت مداوم در درون و برون برای ساختن و ساخته شدن	۸۴
راهبردهای انتظار فرج	۸۵
انار انتظار	۸۶
اسیب‌شناسی انتظار	۸۶
۱. نگاه بیمارگونه به انتظار	۸۶
۲. انتظار متوقعانه‌ی دیدار	۸۷
۳. افراط و تفریط فکری و رفتاری	۸۸
۴. مرید و مراد باری	۸۸
۵. علم‌زدگی	۸۹
۶. عاطفه‌زدگی	۸۹
۷. نگاه به غرب	۸۹
سوالات پژوهشی	۹۰
منابع مطالعاتی	۹۰



درستنامه‌ی پنجم : سیره‌ی مهدوی	۹۱
هدف از طرح سیره‌ی مهدوی	۹۳
کلیات سیره‌ی مهدوی	۹۳
جزئیات سیره‌ی مهدوی	۹۴
دینی - عبادی	۹۴
اخلاقی - تربیتی	۹۵
علمی - فرهنگی	۹۵
فردی - خانوادگی	۹۶
اقتصادی - عمرانی	۹۶
قضایی - حکومتی	۹۷
سوالات پژوهشی	۹۸
منابع مطالعاتی	۹۸

درستنامه‌ی ششم : یاوران مهدوی	۹۹
صفات یاران مهدی	۱۰۱
خداجویی	۱۰۱
عبادت و بندگی	۱۰۲
شجاعت	۱۰۳
بینش عمیق	۱۰۴
الف. بینش عمیق نسبت به حق تعالی	۱۰۵
ب. بینش عمیق نسبت به امام (علیه السلام)	۱۰۶
ج. بینش عمیق نسبت به انسان و هستی	۱۰۶
محبت	۱۰۷
تقسیم‌بندی یاران مهدی	۱۰۸
گروه اول: ابدال	۱۰۸
گروه دوم: وزرا	۱۰۸
گروه سوم: حکام	۱۰۹
گروه چهارم: حلقه‌ی انصار	۱۱۰
گروه پنجم: اشیاع	۱۱۰
گروه ششم: اتباع	۱۱۰
گروه هفتم: اولیاء	۱۱۰
سوالات پژوهشی	۱۱۱
منابع مطالعاتی	۱۱۱

درستنامه‌ی هفتم : نشانه‌های ظهور	۱۱۳
ضرورت بیان نشانه‌های ظهور	۱۱۵

الف. نشانه‌های عام و خاص	۱۱۶
نشانه‌های عام	۱۱۶
نشانه‌های خاص	۱۱۷
ب. نشانه‌های حتمی و غیرحتمی	۱۱۸
نشانه‌های حتمی	۱۱۸
نشانه‌های غیرحتمی	۱۱۸
سؤالات پژوهشی	۱۲۳
منابع مطالعاتی	۱۲۳
<b>درسنامه‌ی هشتم: زمینه‌سازی ظهور</b>	<b>۱۲۵</b>
لزوم زمینه‌سازی	۱۲۷
بلوغ اجتماعی؛ رمز زمینه‌سازی ظهور	۱۲۷
شاخصه‌های بلوغ اجتماعی	۱۲۸
الف. رغبت اجتماعی	۱۲۹
ب. شکایت اجتماعی	۱۳۰
ج. استعانت اجتماعی	۱۳۱
وظیفه‌ی اول: دعوت	۱۳۴
وظیفه‌ی دوم: دلالت	۱۳۵
وظیفه‌ی سوم: ذب و دفاع	۱۳۵
وظیفه‌ی چهارم: انقاذ و نجات	۱۳۵
چالش‌های عصر غیبت	۱۳۵
سؤالات پژوهشی	۱۳۷
منابع مطالعاتی	۱۳۷
<b>درسنامه‌ی نهم: آسیب‌شناسی فرهنگ انتظار</b>	<b>۱۳۹</b>
سرآغاز	۱۴۱
برداشت‌های غلط	۱۴۱
استعجال ظهور	۱۴۳
تعیین زمان ظهور	۱۴۴
تطبیق علایم ظهور بر مصادیق خاص	۱۴۴
طرح مباحث غیرضروری	۱۴۴
مدعیان دروغین	۱۴۶
فرقه‌های انحرافی	۱۴۶
الف. شیخیه	۱۴۶
ب. کشفیه	۱۵۱

ج. بایه	۱۵۲
بنیان‌گذار فرقه‌ی «بایه»	۱۵۳
تحصیل و تجارت «باب»	۱۵۳
حضور در مجلس درس سید کاظم رشتی	۱۵۴
ریاضت غیر شرعی؛ گام نخست انحراف	۱۵۵
ادعای «بایت»	۱۵۵
ادعاهای دروغین دیگر	۱۵۶
الف. ادعای «ذکریت»	۱۵۶
ب. ادعای «مهدویت»	۱۵۶
ج. ادعای «رسالت»	۱۵۶
اعتراض و مناظره‌ی علما با میرزا علی محمد	۱۵۷
تنبیه و توبه‌ی باب	۱۵۸
اشوب و قتل و غارت بایان	۱۵۸
فتوای علما برای اعدام باب	۱۵۹
د. بهائیت	۱۵۹
آغاز دعوت میرزا حسین علی بهاء	۱۶۰
پیدا شدن فرقه‌ی بهائی	۱۶۰
سرانجام دعوت میرزا بهاء	۱۶۱
جانشینی پسر بعد از پدر	۱۶۲
ریاست شوقی افندی و دیگر رهبران بهائیان	۱۶۲
همبستگی یهودیان و بهائیان	۱۶۳
به رسمیت شناختن یکدیگر	۱۶۴
استعمار انگلیس و بهائیان	۱۶۴
گرایش سران بهائیت به امریکا	۱۶۵
وضعیت فعلی بهائیان در آینه‌ی غربیان و استکبار جهانی	۱۶۶
ه. انجمن حجتیه	۱۶۷
تاریخچه‌ی شکل‌گیری انجمن حجتیه	۱۶۷
مواضع سیاسی و مذهبی انجمن حجتیه	۱۷۰
غرب و مهدویت	۱۷۰
آخرالزمان تکنولوژیک	۱۷۱
آخرالزمان طبیعی	۱۷۱
آخرالزمان تخیلی	۱۷۱
آخرالزمان اسطوره‌ای	۱۷۲
آخرالزمان دینی	۱۷۲

ارماگدون	۱۷۲
مهم‌ترین ابزار غرب برای عملی کردن اهداف آخرالزمانی خود	۱۷۳
۱. فیلم «نوستر آداموس»	۱۷۳
۲. فیلم روز استقلال	۱۷۴
۳. بازی رایانه‌ای «جهنم خلیج فارس» معروف به «یا مهدی»	۱۷۴
۴. کنفرانس تل‌اویو	۱۷۴
سوالات پژوهشی	۱۷۶
منابع مطالعاتی	۱۷۶
<b>درسنامه‌ی دهم : توقیعات امام</b>	۱۷۷
کلیاتی در ارتباط با توقیعات	۱۷۹
۱. رابطه‌ی اعجاز با توقیعات	۱۸۰
۲. استدلال به توقیعات	۱۸۱
۳. خط توقیعات	۱۸۱
۴. چگونگی ارسال توقیعات	۱۸۲
۵. مدت خروج توقیع	۱۸۳
۶. مطالب مطرح شده در توقیعات	۱۸۴
۷. دفع خطر از شیعیان	۱۸۴
۸. بیزارى از منحرفان	۱۸۵
۹. توقیعات در کتاب‌ها و آثار بزرگان	۱۸۵
گلچینی از سخنان امام زمان <small>عجل‌الله فرجه</small>	۱۸۶
۱. توجه امام مهدی <small>عجل‌الله فرجه</small> به شیعیان خویش	۱۸۶
۲. عمل صالح و تقرب به اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۱۸۶
۳. تسلیم در مقابل دستورهای اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۱۸۷
۴. تحقق حتمی حق	۱۸۷
۵. خلقت هدفدار و هدایت پایدار	۱۸۷
۶. ظهور حق	۱۸۸
۷. تفتیش ناروا	۱۸۸
۸. ظهور حق به اذن حق	۱۸۸
۹. مدعیان دروغگو	۱۸۹
۱۰. دنیا در سراسیمه‌ی زوال	۱۸۹
۱۱. ذخیره‌ی بزرگ	۱۸۹
۱۲. حجت خدا	۱۸۹
۱۳. علمدار هدایت در هر زمان	۱۹۰

۱۴. نماز: طردکننده‌ی شیطان	۱۹۰
۱۵. اذن مالک	۱۹۰
۱۶. استعاذه به خدا	۱۹۰
۱۷. اسوه‌های حقیقت	۱۹۰
۱۸. ظهور فرج به اذن خدا	۱۹۱
۱۹. شناخت خدا	۱۹۱
۲۰. ائمه <small>علیهم‌السلام</small> ، دست‌برورده‌های پروردگار	۱۹۱
۲۱. دانش حقیقی	۱۹۱
۲۲. اتفاق و وفای به عهد	۱۹۲
۲۳. بیروان ندادن	۱۹۲
۲۴. بیزاری از غالیان	۱۹۲
۲۵. سجده‌ی شکر	۱۹۲
۲۶. فضیلت تعقیبات نماز	۱۹۳
۲۷. سجده، مخصوص خداست	۱۹۳
۲۸. راه‌اندازی کار مردم	۱۹۳
۲۹. امنیت‌بخش زمین	۱۹۳
۳۰. رجوع به راویان حدیث	۱۹۳
۳۱. مطاع، نه مطیع کسی	۱۹۴
۳۲. آفتاب پشت ابر	۱۹۴
۳۳. سبقت اراده‌ی خدا بر همه چیز	۱۹۴
۳۴. علت اصلی غیبت امام <small>علیه‌السلام</small>	۱۹۴
۳۵. آگاهی‌های امام <small>علیه‌السلام</small>	۱۹۵
۳۶. دعای فراوان	۱۹۵
۳۷. سؤال نامطلوب	۱۹۵
۳۸. آخرین اوصیا	۱۹۵
۳۹. حجت خدا در زمین	۱۹۵
۴۰. بی‌نیازی حجت الهی از دیگران	۱۹۶
سوالات پژوهشی	۱۹۷
منابع مطالعاتی	۱۹۷
<b>درسنامه‌ی یازدهم : حکومت مهدوی</b>	<b>۱۹۹</b>
سرآغاز	۲۰۱
۱. حاکم در عصر ظهور	۲۰۱
۲. حکومت در عصر ظهور	۲۰۲
۳. عدل در عصر ظهور	۲۰۲

۴. علم در عصر ظهور	۲۰۵
۵. ارتباطات در عصر ظهور	۲۰۶
۶. رفاه و آسایش در عصر ظهور	۲۰۸
۷. سفر به فضا در عصر ظهور	۲۱۰
۸. امنیت و سلامت در عصر ظهور	۲۱۱
۹. تربیت در عصر ظهور	۲۱۲
سوالات پژوهشی	۲۱۴
منابع مطالعاتی	۲۱۴
<b>درسنامه‌ی دوازدهم : زن و مهدویت</b>	<b>۲۱۵</b>
الف. نقش زنان در دوران غیبت صغری	۲۱۷
ب. نقش زنان در حکومت امام زمان	۲۱۹
۱. حضور پنجاه زن در بین یاران امام زمان	۲۱۹
۲. زنان آسمانی	۲۲۰
۳. رجعت زنان	۲۲۰
- صیانه ماشطه	۲۲۲
- سمیه؛ مادر عمار یاسر	۲۲۳
- نُسَیبه؛ دختر کعب مازنیّه	۲۲۴
- امّ ایمن	۲۲۵
- امّ خالد	۲۲۵
- زُبَیْده	۲۲۶
- حبابه والیه	۲۲۶
- قنواء	۲۲۶
د. بانوان منتظر	۲۲۷
سوالات پژوهشی	۲۲۸
منبع مطالعاتی	۲۲۸
<b>درسنامه‌ی سیزدهم : تشرفات</b>	<b>۲۲۹</b>
سراغاز	۲۳۱
۱. امکان یا عدم امکان تشرف	۲۳۱
۲. انواع و اقسام تشرفات	۲۳۲
۳. خطرات دامن زدن به موضوع تشرفات	۲۳۳
۴. محوریت یا عدم محوریت تشرف	۲۳۴
سوالات پژوهشی	۲۳۶
منابع مطالعاتی	۲۳۶

درستنامه‌ی چهاردهم : موضوعات فرعی مهدویت	۲۳۷
طول عمر	۲۳۹
الف. طول عمر در پرتو آیات قرآن کریم	۲۴۰
ب. طول عمر از دیدگاه مسائل اعتقادی	۲۴۱
ج. طول عمر در پرتو علم روز	۲۴۲
مکان و مسکن	۲۴۳
الف. مدینه و پیرامون آن	۲۴۴
ب. مکه و پیرامون آن	۲۴۴
زن و فرزند	۲۴۵
رجعت	۲۴۸
علم امام به زمان ظهور	۲۵۰
الف. از طریق الهام	۲۵۰
ب. از راه علایم و قرائن	۲۵۱
ج. از راه دستورالعمل معین شده برای امامان	۲۵۱
بررسی کشتارها هنگام ظهور	۲۵۱
حجم کشتارها	۲۵۲
وقت کشتارها	۲۵۳
چرا استفاده از زور؟	۲۵۴
امامت در سنین کودکی	۲۵۵
داستان جزیره‌ی خضرا	۲۵۶
بررسی و تحلیل داستان	۲۶۰
حرمت تسمیه	۲۶۰
احادیث مهدوی از نگاه اهل تسنن	۲۶۲
تواتر احادیث مهدی در میان اهل سنت	۲۶۳
آغاز غیبت و داستان سرداب	۲۶۵
مراجع تقلید؛ نایبان امام زمان (عج)	۲۶۷
سوالات پژوهشی	۲۷۰
منابع مطالعاتی	۲۷۰
کتابنامه	۲۷۱

## مقدمه

انسان معاصر، تشنه‌ی تحوّل‌ی عظیم در بنیان‌های فکری، عاطفی و رفتاری خویش است. او دیگر با رگ و پی خود درک می‌کند «مدرنیسم» نمی‌تواند منجی قابل اعتمادی باشد. سراب «فرامدرن» نیز لب‌های تفتیده‌ی بشر امروز را در حسرت آب حیات گذاشته است.

«مهدویت»، به عنوان تجربه‌ی دیرین انسان، قدمتی به درازای تاریخ هزار و چند صد ساله‌ی شیعه دارد. مهدی‌باوری و اعتقاد به حضرت بقیة الله عجل الله فرجه به عنوان تنها منجی حقیقی، نظر جهان امروز را به خود معطوف داشته است.

پژوهش در عرصه‌ی مهدویت و تبلیغ این موضوع مقدس، از کارآمدترین روش‌ها جهت برآوردن نیازهای فطری انسان است؛ خصوصاً در شرایط کنونی جهان معاصر که روز به روز نظریه‌های مادی و غیر الهی در مورد انسان، بیشتر در سرایشی سقوط قرار می‌گیرند و چشمان نگران انسان سرگشته، بیش از پیش به دنبال یافتن راهی برای برون‌رفت از این سرگردانی و حیرت، در اندیشه‌ی یافتن یک منجی الهی است.

«تنها بر فراز»، اثری شامل در موضوع مهدویت است. این کتاب در قالب درسنامه‌ی آموزشی با چهارده درس، به تفصیل این موضوع می‌پردازد. در پایان هر درس، سوالاتی برای



پژوهش بیشتر خواننده آورده شده و در ادامه، منابع پژوهشی معتبر معرفی شده‌اند.  
امید است این تلاش بتواند جرعه‌ای از جام طهور مهدویت را در گام تشنه‌کامان حضرتش  
بنوشاند و تا سیراب شدن از چشمه‌ی جوشان آخرین ذخیره‌ی الهی، مشتاقان را نوید بخشد؛  
ان شاء الله.

مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان

بهار ۱۳۹۱

## مقدمه‌ی چاپ دوم

جهان بشریت، به سرعت به سمت تحولات بزرگ پیش می‌رود و زمین و زمان هر روز بیشتر از دیروز، نیاز به حجت آسمانی و درد فراق او را حس می‌کنند. بشر سرگشته‌ی امروز، بیش از همه‌ی ادوار تاریخ، محتاج و مضطر به حجت است و این اضطرار در رغبت اجتماعی ایشان به عدالت و شکایت اجتماعی ایشان از مظاهر ظلم در عالم نمودار شده است. در این میان، وظیفه‌ی شیعیان آگاه، ایجاد زمینه‌های معرفت حجت در خود و دیگران است.

کتاب حاضر که پس از حدود دو دهه تدریس و تبلیغ، به صورت درسنامه‌ی مباحث مهدویت جمع‌آوری و به جامعه‌ی علمی کشور تقدیم می‌شود، در این راستا تألیف شده است؛ امید که مورد قبول حضرت بقیة الله الأعظم <sup>ارواحنا فداه</sup> و عموم شیفتگان آن ولی الهی قرار گیرد.

در همین جا بر خود فرض می‌دانم که از زحمات بی‌شائبه و فراوان دوست فاضل، جناب حجت‌الاسلام و المسلمین منتظری در ویرایش محتوایی و ادبی این اثر سپاس‌گزاری کنم. بدون شک، تلاش‌های ایشان و نیز پی‌گیری‌های ریاست محترم مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان، جناب حجت‌الاسلام و المسلمین نوری، در به ثمر نشستن این اثر و ارتقای علمی آن تأثیر بسیاری داشته است.

یحیی صالح نیا

## درسنامه‌ی اول

### مبانی اعتقاد به مهدویت

انچه این درس به آن می‌پردازد:

- ضرورت آموزش و پژوهش در حیطه‌ی مباحث مهدویت

- موضوع مهدویت و ابعاد آن

## فلسفه و ضرورت مهدویت

اگر بخواهیم شناخت مناسبی از مهدویت به دست آوریم، باید عللی که ضرورت مهدویت را ایجاد کرده، بررسی کنیم. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل ضرورت موعود جهانی، همان فلسفه‌ی بعثت انبیا است که فلسفه‌ی خلقت نیز هست.<sup>۱</sup> فلسفه‌ی خلقت، عبادت و عبودیت است که حقیقت عبودیت، تقرب به خداست و فلسفه‌ی بعثت نیز طبق آیات متعددی از قرآن کریم، توحید و عدالت اجتماعی معرفی شده که عدالت نیز برای توحید است.<sup>۲</sup> مهم‌ترین ضرورت قیام موعود جهانی، پر کردن زمین از عدل و قسط است. اینجا یک پرسش اساسی مطرح می‌شود: اگر قرار است عدالت کامل در آخرت محقق شود، دیگر چه اصراری هست که در دنیا نیز تحقق یابد؟ پاسخ به این سؤال، به نوع نگاه ما به انسان، عدالت و آخرت برمی‌گردد، که در چند بند توضیح داده می‌شود.

### ۱. جایگاه انسان در نظام آفرینش

از منظر قرآن کریم، انسان به زمین نیامده که در زمین بماند، بلکه آمده تا مسیر حرکت به سوی خدا را طی کند و به مقام شایسته‌ی خویش که همان مقام خلیفة‌اللهی است، برسد؛ یعنی مظهر صفات خدا گردد. انسان، آن‌گونه که ملائکه پنداشتند، فقط موجودی نیست که در زمین، فساد و خونریزی کند؛ بلکه سکه‌ی وجودش روی دیگری دارد که همان فلسفه‌ی

۱. مرتضی مطهری، انسان کامل، صص ۶۹ - ۷۳.

۲. همان، صص ۷۴ - ۸۵.

آفرینش او است و در واقع آنچه در انسان اصالت دارد، همان ارزش‌های متعالی وجود اوست.<sup>۱</sup>

## ۲. اصل فطرت

با توجه به مطلب پیشین، انسان موجودی خنثی نیست که صرفاً تحت تأثیر عوامل خارجی واقع شود، بلکه در ذات خود، شخصیت واقعی و جهت‌گیری حقیقی به سمت کمال دارد که این جهت‌گیری، همان فلسفه‌ی اصلی وجود اوست، که می‌توان روی آن سرمایه‌گذاری کرد. این سرمایه‌ی اولیه به قدری اهمیت دارد که وجود هرگونه باطلی، کاملاً تبعی و طفیلی این سرمایه‌ی حق است و در عالم، باطل محض وجود ندارد؛ بلکه همه‌ی باطل‌ها در اثر افراط و تفریط در حق پدید می‌آیند و هویت مستقلی ندارند. به بیان دیگر، انسان یک ظرف خالی محض نیست که از بیرون و تحت تأثیر عوامل خارجی پر شود، بلکه بذریک سلسله بینش‌ها و گرایش‌ها در نهاد او نهفته است و بدین سبب انسان باید «پرورش» داده شود، نه این‌که مانند یک ماده‌ی صنعتی «ساخته» شود.<sup>۲</sup>

## ۳. رابطه‌ی فرد و جامعه

در اسلام، اصالت هم از آن فرد است و هم از آن جامعه. دیدگاه اسلام، نه اصالت فردی محض است که جامعه را فقط اعتباری و قراردادی بداند، نه اصالت جمعی صرف است که هیچ‌گونه اصالت و هویتی برای فرد قائل نباشد؛ بلکه باید گفت:

«افراد انسان که هر کدام با سرمایه‌ای فطری و سرمایه‌ای اکتسابی از طبیعت، وارد زندگی اجتماعی می‌شوند، روحاً در یکدیگر ادغام می‌شوند و هویت روحی جدیدی که از آن به روح جمعی تعبیر می‌شود، می‌یابند. این ترکیب یک نوع ترکیب طبیعی مخصوص به خود است که برای آن شبیه و نظیری نمی‌توان یافت. این ترکیب از آن جهت که اجزا در یکدیگر تأثیر و تأثر عینی داشته و موجب تغییر عینی یکدیگر می‌گردند و اجزا هویت جدیدی می‌یابند، ترکیب طبیعی و عینی است؛ اما از آن جهت که "کل" و مرکب به عنوان یک "واحد واقعی"

۱. همان، صص ۵۲ - ۵۴.

۲. همان.

وجود ندارد، با سایر مرکبات طبیعی تفاوت دارد؛ یعنی در سایر مرکبات طبیعی، ترکیب، ترکیب حقیقی است؛ زیرا اجزا در یکدیگر تأثیر و تأثر واقعی دارند و هویت افراد، هویتی دیگر می‌گردد و مرکب هم یک "واحد" واقعی است؛ یعنی صرفاً هویتی یگانه وجود دارد و کثرت اجزا، تبدیل به وحدت کل شده است. اما در ترکیب جامعه و فرد، ترکیب، ترکیب واقعی است؛ زیرا تأثیر و تأثر و فعل و انفعال واقعی رخ می‌دهد و اجزای مرکب - که همان افراد اجتماع‌اند - هویت و صورت جدید می‌یابند، اما به هیچ وجه کثرت تبدیل به وحدت نمی‌شود و "انسان اکمل" به عنوان یک واحد واقعی، که کثرت‌ها در او حل شده باشد، وجود ندارد. انسان اکمل، همان مجموع افراد است و وجود اعتباری و انتزاعی دارد.<sup>۱</sup>

بنابراین، تحقق سعادت فرد - بما هو فرد - لزوماً به معنای تحقق سعادت جامعه - بما هو جامعه - نیست؛ چرا که هر دو اصالت دارند و زمانی می‌توان واقعاً سعادت انسانی را محقق شده دانست که افزون بر سعادت فرد، سعادت جامعه نیز محقق شود.<sup>۲</sup>

#### ۴. رابطه‌ی دنیا و آخرت

آخرت، باطن دنیا است؛ بدین معنا که عالم آخرت عالمی کاملاً مستقل نیست که بعد از پایان زمانی دنیا، تازه آغاز شود، بلکه با نظر عمیق به آیات و روایات می‌توان دریافت که آخرت در باطن دنیا قرار دارد؛ پس جزای آخرتی، نه جزای قراردادی است و نه حتی رابطه‌ی علی و معلولی با اعمال دنیایی دارد، بلکه جزای آخرتی به ظهور رسیدن باطن همین اعمالی است که در دنیا انجام می‌داده‌ایم.<sup>۳</sup>

پس می‌توان گفت: سعادت آخرتی، تجلی باطنی و واقعی سعادت دنیایی است. بدین لحاظ است که در تعبیر قرآن کریم، انسانی که از یاد خدا غافل باشد، گرچه انواع امکانات رفاهی در

۱. همو، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۵، جامعه و تاریخ، صص ۲۶ - ۲۷.

۲. برای بحثی قرآنی در این زمینه که هم فرد اصالت دارد و هم جامعه، به تفسیر المیزان، ذیل آیه‌ی ۲۰۰ سوره‌ی آل عمران مراجعه کنید (سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۹۴ به بعد).

۳. مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۲۰۱ و نیز مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۶؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی، صص ۳۰ - ۳۲.



اختیارش باشد، باز زندگی‌اش سخت و ناخوشایند است.<sup>۱</sup> و در مقابل، اولیای خدا هر قدر هم که به لحاظ ظاهری در رنج و سختی باشند، در خوشی و آرامش کامل‌اند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، برای تحقق عدالت واقعی در قیامت، باید هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی، انسان کمال‌یافته در دنیا وجود داشته باشد.

### ۵. انواع کمال انسانی

اعمال انسان را در زندگی می‌توان از چهار بعد ارتباطی بررسی کرد: رابطه‌ی او با خود، با خدا، با دیگر انسان‌ها، و با طبیعت. اما می‌توان با نظری دقیق‌تر، دریافت که بازگشت این چهار رابطه به دو رابطه است: رابطه با خدا و رابطه با دیگران.

همچنان که کمال انسانی از نظر رابطه‌ی آدمی با خدا مورد بررسی قرار می‌گیرد، از نظر رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر نیز بحث رسیدن به کمال انسان، قابل کنکاش است. بر این اساس می‌توان گفت: اگرچه حضرت خاتم صلوات الله علیه به لحاظ فردی، تمامی مراتب کمال را پیموده‌اند، اما هنوز بشر تمام مراتب کمال را طی نکرده است؛ زیرا کمال در بعد اجتماعی نیز از ظرفیت‌های انسان است. عدم تحقق یک بعد، نقصان بر پیامبر خاتم صلوات الله علیه وارد نمی‌کند. «الْخَاتِمُ مَنْ خَتَمَ الْمَرَاتِبَ بِأَسْرَها؛ خاتم کسی است که تمامی مراتب الهی را به پایان برده باشد» - بلکه مخاطب این نقص، بشری است که هنوز آماده‌ی تحقق آن کمال جمعی و رشد اجتماعی نشده است.<sup>۳</sup>

۱. و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت) و تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم. طه، ۱۲۴.

۲. آگاه باشید! (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند. یونس، ۶۲.

۳. باید توجه داشت که پیامبر به لحاظ فردی، مرتبه‌ی آخرت را هم پشت سر گذاشته و فوق مرتبه‌ی آخرت قرار گرفته است. بهترین شاهد، حدیث معراج است که در آن، پیامبر احوال مردمی را که در آخرت در حال عذاب و یا تنعم بوده‌اند حکایت کردند. (طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، صص ۱۰ - ۱۱) از این گذشته آن‌گونه که علامه طباطبایی به خوبی با استفاده از آیات و روایات نشان داده، پیامبر اکرم صلوات الله علیه و برخی دیگر از انسان‌ها (مخلصین) با نفخ صور دچار صعقه نمی‌شوند، فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ (زمر، ۶۸) و آن‌ها را مثل بقیه در قیامت حاضر نمی‌کنند؛ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ. (سوره‌ی صافات، ۱۲۷ - ۱۲۸) زیرا قیامت در

به بیان دیگر، از آنجا که علاوه بر فرد، جامعه نیز دارای اصالت است، پس کمال اجتماعی موضوعیت می‌یابد. بنابراین، باید رشد اجتماعی در عالم انسانی تحقق یابد و البته شاید فلسفه‌ی رجعت همین امر باشد.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، همان‌گونه که به لحاظ فردی برای تحقق مقام خلیفة‌اللهی - که خدا برای انسان در نظر گرفته - باید انسانی وجود داشته باشد تا آن مقام در او تحقق یابد، به لحاظ اجتماعی نیز برای تحقق مقام خلیفة‌اللهی، باید جامعه‌ی کاملی در جهان پیدا شود. جالب اینجاست که همان‌طور که انسان به لحاظ فردی «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا»<sup>۲</sup> است، به لحاظ اجتماعی هم سیر حرکتی او از نهادهای اقتصادی آغاز و به نهادهای فرهنگی می‌انجامد. انسان در اثر همه‌جانبه‌بودن تکاملش، به تدریج از وابستگی‌اش به محیط طبیعی و اجتماعی کاسته و به نوعی بر وارستگی‌اش - که مساوی است با وابستگی‌اش به عقیده و ایمان - افزوده است و در آینده به آزادی کامل معنوی دست خواهد یافت.<sup>۳</sup>

سیر تکاملی بشریت به سوی آزادی از اسارت طبیعی مادی، شرایط اقتصادی و منافع فردی و گروهی و به سوی هدفی بودن و مسلکی بودن و حکومت و اصالت بیشتر ایمان و ایدئولوژی بوده و هست. اراده‌ی بشر ابتدایی، بیشتر تحت تأثیر محیط طبیعی، محیط اجتماعی و طبیعت حیوانی خودش شکل گرفته و متأثر شده است؛ اما اراده‌ی بشر متمدنی در اثر تکامل فرهنگ و توسعه‌ی بینش و گرایش به ایدئولوژی متمدنی، به تدریج از اسارت محیط طبیعی، اجتماعی

حضور و محضر آن‌ها حاضر می‌شود، نه این‌که آن‌ها در محضر قیامت حاضر شوند، و برای همین است که آن‌ها خود میزان اعمال‌اند و اعمال خود آن‌ها دیگر سنجیده نمی‌شود.

۱. علامه طباطبایی ذیل آیات ۲۰۸ تا ۲۱۰ سوره‌ی بقره، توضیح داده است که حکومت حضرت مهدی (عج)، رجعت و قیامت، سه مرتبه از ظهور حقیقت هستند که به ترتیب بعد از هم و فوق همدیگر آشکار می‌شوند. (طباطبایی، المیزان، ج ۲، صص ۱۱۰ - ۱۱۱) با توجه به این مطلب، شاید بتوان گفت فلسفه‌ی رجعت همه‌ی امامان (عج) این است که آن‌ها به لحاظ فردی، به مقام کمال انسانی رسیده‌اند؛ اما جامعه‌ی کمال یافته وجود نداشته تا آن‌ها به لحاظ اجتماعی هم کمال انسانی را در خود بروز دهند؛ پس رجعت می‌کنند تا کمال اجتماعی - که فرد در جامعه‌ی عادل واقعی بدان دست می‌یابد - برایشان حاصل شود.

۲. محمد بن ابراهیم قوام، صدرالمآلهین شیرازی، الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، ج ۸، ص ۳۴۷.

۳. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ، ص ۳۷.





و غرایز حیوانی آزادتر شده و آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.<sup>۱</sup>

### ۶. واقعی بودن آرمان‌های اسلام

آرمان‌ها و آموزه‌های اسلام واقعی، عینی و دست‌یافتنی است. مکاتب جدیدی که در چند قرن اخیر، جهان غرب را به خود مشغول کرده‌اند، به‌طور عمده آرمان‌های خود را از نوع ایده‌آل معرفی نموده‌اند. آنان برای رسیدن به آن آرمان‌ها، تنها به توصیه‌های روشی بسنده کرده‌اند. آن‌ها توصیه می‌کنند که بکوشید تا در حد امکان به آن سو بروید؛ هرچند رسیدن به این آرمان‌ها دست‌نیافتنی است. نقطه‌ی مقابل این مکاتب، اسلام است. آرمان‌های اسلامی صرفاً ایده‌آل و غیرعینی نیستند. اسلام، انسان را تا حد خلیفة‌اللہی می‌خواهد و نمونه‌هایی از انسان آرمانی را به جامعه‌ی بشری عرضه می‌کند، تا بدانند این آرمان به وسیله‌ی انسان‌ها دست‌یافتنی است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام نمونه‌هایی از انسان آرمانی هستند.<sup>۲</sup> اسلام اگر از ما می‌خواهد تا جامعه‌ای با عدالت کامل در دنیا برقرار کنیم، تحقق چنین جامعه‌ای را واقعی می‌داند و نه صرفاً آرمانی ایده‌آلیستی و دست‌نیافتنی.

### ۷. تقابل حق و باطل و غلبه‌ی نهایی حق

هرچند در مجموع، حرکت تاریخ، تکاملی است، اما سیر تکاملی آن جبری و لایتخلف نیست و چنین نیست که هر جامعه‌ای در هر مرحله‌ی تاریخی، لزوماً نسبت به مرحله‌ی قبل از خود کامل‌تر بوده باشد. نظر به این که عامل اصلی این حرکت، انسان است - که موجودی مختار، آزاد و انتخاب‌گر می‌باشد - تاریخ در حرکت خود نوسان‌ها دارد، اما در مجموع خود، یک خط سیر تکاملی را طی کرده و می‌کند.<sup>۳</sup>

به بیان دیگر، از ویژگی‌های انسان، تضاد درونی میان غرایز متمایل به پایین است - که

۱. همان، صص ۴۸ - ۴۹.

۲. استاد مطهری این بحث را به نحو مستوفایی در کتاب انسان کامل، هنگام مقایسه‌ی انسان کامل از دیدگاه اسلام با سایر مکاتب انجام داده است.

۳. همان، صص ۴۷ - ۴۸.

هدفی جز امر فردی، محدود و موقت ندارد - و گرایش‌های متمایل به بالا که می‌خواهد از حدود فردیت خارج شود و همه‌ی افراد بشر را در بر گیرد. نبرد درونی انسان - که قدما آن را نبرد میان عقل و نفس می‌خواندند - خواه ناخواه به نبرد میان گروه‌های انسان‌ها هم کشیده می‌شود؛ یعنی نبرد میان انسان‌های کمال‌یافته و آزادی‌معنوی به دست آورده، با انسان‌های منحط و حیوان‌صفت، که قرآن کریم آغاز این نبرد را در داستان دو فرزند آدم - هابیل و قابیل - منعکس کرده است.<sup>۱</sup>

در طول تاریخ گذشته و آینده، نبردهای انسان به‌تدریج بیشتر جنبه‌ی عقیدتی و مسلکی پیدا کرده و می‌کند، و انسان به‌تدریج از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحله‌ی انسان آرمانی و جامعه‌ی آرمانی، نزدیک‌تر می‌شود؛ تا آنجا که در نهایت امر، حکومت و عدالت، یعنی حکومت ارزش‌های انسانی - که در تعبیرات اسلامی از آن به حکومت مهدی تعبیر شده است - مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل، حیوان‌مآبانه، خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد ماند.<sup>۲</sup>

نکته‌ی جالب توجه این است که بر اساس پاره‌ای از احادیث، قیام مهدی عجل الله فرجه زمانی رخ خواهد داد که سعید و شقی به نهایت کار خود رسیده باشند؛ یعنی هرچه حرکت تاریخ به جلو می‌رود، هم شقی شقی‌تر و هم سعید سعیدتر می‌شود و چنین جامعه‌ای است که می‌تواند زمینه‌ساز قیام نهایی حق و باطل شود.<sup>۳</sup>

## ۸. ایمان به غیبت و امدادهای غیبی

نکته‌ی بسیار مهمی که در جنگ حق و باطل نباید مورد غفلت واقع شود، این است که نظام جهان، نظام اخلاقی است. در منظر دین، چنین نیست که جهان در برابر عمل خوب و بد

۱. همان، صص ۳۸ - ۳۹.

۲. همان، ص ۴۴.

۳. استاد مطهری در جایی توجه داده است که «اتفاقاً در جامعه‌هایی که فساد هست و احیاناً فساد بیشتر است، زمینه برای تکامل روحی و اخلاقی بیشتر است، زیرا تکامل روحی، اخلاقی و معنوی نتیجه‌ی مقاومت کردن در برابر جریان‌های مخالف است. (مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان، صص ۳۳ - ۳۴) و از این رو در جامعه‌ای که اشقیای شقی‌تر می‌شوند، خوبان نیز می‌توانند خوب‌تر شوند.

واکنش یکسانی داشته باشد و این همان چیزی است که از آن تحت عنوان امدادهای غیبی یاد می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

«إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»<sup>۱</sup>

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»<sup>۲</sup>

«إِن يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ»<sup>۳</sup>

که همگی حاکی از آن است که معادلات حاکم بر جهان، بسیار بیشتر از معادلات مادی و عادی است که با چشم سر مشاهده می‌شود. یکی از این معادلات مهم، آمدن حضرت مهدی علیه السلام برای نبرد نهایی حق و باطل است. به تعبیر دقیق شهید مطهری: «از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود علیه السلام آخرین حلقه از مجموعه حلقه‌های مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است.»<sup>۴</sup>

و این همان امداد غیبی است که شامل جبهه‌ی اهل حق می‌شود.

باید توجه کرد که در منطق قرآن کریم، شمول امدادهای غیبی، نه تنها منافاتی با تلاش و حرکت ما ندارد؛ بلکه اساساً اگر ما بکوشیم، این امدادها از راه می‌رسند. اگر خدا را یاری کنید، خدا یاریتان می‌کند. در آیه‌ی «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»<sup>۵</sup>؛ این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آن‌ها) انداختی، بلکه خدا انداخت» نمی‌فرماید تو کناری نشسته بودی و تیری از غیب آمد و به دشمن خورد، بلکه می‌فرماید آن تیری را که تو پرتاب می‌کنی، ما به هدف می‌زنیم، که اگر تو باشی و خودت، معلوم نیست که آن تیر به هدف بخورد.

## ۹. بعد از قیام مهدی علیه السلام

آخرین نکته‌ای که در شناخت مهدویت ضرورت دارد، نگاه به حکومت مهدوی است. این که حکومت مهدی علیه السلام <sup>عجل الله فرجه</sup> آغاز حرکت اصلی انسان است، نه پایان کار انسان و این حسن مهم

۱. اگر (ایین) خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند. محمد، ۷.

۲. هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند. طلاق، ۲.

۳. هرگاه بیست نفر از شما با استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند. انفال، ۶۵.

۴. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ، ص ۶۸.

۵. انفال، ۱۷.

آرمان‌های اسلامی است.<sup>۱</sup>

به تعبیر شهید مطهری: «در هر مکتبی وقتی آرمانش محقق شود، دیگر کار آن مکتب تمام می‌شود و می‌میرد. اما انسانی که نبردهای با باطل را به اتمام رسانده، هنوز اصل «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» جلوی چشمش خودنمایی می‌کند. او که نقص‌ها را برطرف کرده، تازه در ابتدای سیر صعودی خود است که باید بالا رود و این سیر، منتها و نهایت ندارد و هر چه بالاتر رود، در دستگاه هستی برای او امکان بالاتر رفتن هست.»<sup>۲</sup>

شاید فلسفه‌ی رشد فوق‌العاده‌ی علمی و معنوی مردم در عصر ظهور همین نکته باشد.<sup>۳</sup>

### بایستگی‌های پرداختن به مباحث مهدویت

دانستن ضرورت هر کار، در انجام با نشاط و پرانگیزه‌ی آن کار بسیار اهمیت دارد. وقتی سخن از مباحث «مهدویت» به میان می‌آید، ممکن است سؤال شود: با وجود موضوعات بسیار و گوناگونی که در جهان علم و دانش وجود دارد و نیازهای آدمی به دانش‌های مختلف و همچنین محدودیت وقت و امکانات، چرا باید به موضوع مهدویت پرداخت؟ آیا مباحث مهدوی، مسائلی کاربردی است که در زندگی روزمره تأثیرگذار است، یا صرفاً بحث‌هایی است که دانستن آن‌ها بهتر از ندانستن‌شان می‌باشد؟ آیا کسانی که از مهدویت چیزی نمی‌دانند یا بسیار کم‌اطلاع‌اند، در زندگی و حیات دنیوی خود، گرفتار بن‌بست شده‌اند؟ بنابراین، ضرورت طرح معارف مهدویت باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. برای اثبات لزوم طرح این معارف، می‌توان از ابعاد مختلف به این بحث نگاه نمود و بایستگی آن را از ابعاد و زوایای گوناگون بررسی کرد.

### الف. بعد اعتقادی

بی‌تردید «اعتقاد»، بنیان اصلی زندگی انسان است و آنچه در میدان عمل محقق می‌شود،

۱. البته این هم می‌تواند یکی دیگر از فلسفه‌های رجعت باشد.

۲. مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه‌ی هدف زندگی و...، صص ۵۷ - ۵۸.

۳. جمعی از نویسندگان، نشریه‌ی قیاسات، سال نهم، پاییز ۱۳۸۳.



به ساختار اعتقادی مربوط است. اگر آدمی از اعتقادی صحیح و منطقی برخوردار باشد، در عمل گرفتار تناقض، بی‌هدفی و سردرگمی نخواهد شد و از همه‌ی فرصت‌های عمر خود برای ساختن شخصیت انسانی و الهی‌اش بهره خواهد گرفت. البته این اعتقاد باید سازنده، حرکت‌آفرین و هویت‌بخش باشد و در همه‌ی فراز و نشیب‌های زندگی، مسیر درست و هموار را برای آدمی بگشاید.

در فرهنگ دینی (قرآن و روایات شیعه و سنی) بحث معرفت و شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که در ردیف اصول اعتقادی؛ یعنی توحید، نبوت و معاد شمرده شده است.

در اینجا اهمیت شناخت امام از نظر اعتقادی، در انگاره‌های مختلف بررسی می‌شود.

#### ۱. شناخت امام؛ راه معرفت خدا

نخستین و مهم‌ترین وظیفه‌ی انسان، شناخت پروردگار و آفریننده‌ی خویش است. تا شناخت او حاصل نشود، راه درست بندگی و اطاعت از او به روی انسان باز نخواهد شد.<sup>۱</sup> به همین جهت در قرآن و روایات، مطالب فراوانی درباره‌ی لزوم «معرفت خدا» مطرح شده است. بعضی از آیات قرآن به توصیف خدا و صفات گوناگون او پرداخته‌اند و امامان معصوم نیز در روایات و دعاها و خطبه‌ها، به شکل گسترده‌ای از خدا و اوصاف او سخن گفته‌اند.<sup>۲</sup>

از منظر روایات، راه معرفت خدا و اوصاف او، شناخت اولیای خدا و امامان معصوم علیهم‌السلام است؛ چون اینان مظهر اسماء و صفات الهی، و آینه‌ی جمال و جلال پروردگارند. معصومین، انسان‌های کاملی هستند که خداوند آنان را خلیفه و نماینده‌ی خود در زمین قرار داده و اراده کرده است که با آنان شناخته شود، و از مسیر اطاعت آنها اطاعت گردد، و ثواب و عقاب را نیز بر مدار اعتقاد و اطاعت آنان قرار داده است.

از امام حسین علیه‌السلام درباره‌ی معرفت خدا و چگونگی آن سؤال شد. حضرت فرمودند:

۱. ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۷، ح ۳۴۷.

۲. برای بررسی اوصاف الهی در قرآن، ر.ک: فهرست موضوعی «تفسیر نمونه» و برای نگاه به روایات، ر.ک: «میزان الحکمه» ذیل کلمه‌ی «الله».

«مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»<sup>۱</sup>

مراد از شناخت خدا، شناخت اهل هر زمانی نسبت به امام خویش است؛ آن امامی که اطاعتش بر آنان واجب است.

به عبارت روشن‌تر، شناخت امام، طریق معرفت خدا است و انسان با شناخت امام و توجه به گفتار و دستورهای او، می‌تواند در جاده‌ی صحیح زندگی گام بردارد و به سعادت برسد که خداوند برای او رقم زده است. معرفت خدا، بدون شناخت کسی که از جانب او سمت راهنمایی و راهبری بندگان را دارد، امکان‌پذیر نیست.

شیخ صدوق رحمته‌الله در تبیین حدیث یاد شده می‌گوید: مراد این است که مردم هر زمان بدانند خداوند کسی است که آن‌ها را در هر زمان از امام معصوم علیه‌السلام خالی نگذاشته است. پس آن کسی که خدایی را عبادت کند که برای آنان حجت قرار نداده، غیر خدا را عبادت کرده است.<sup>۲</sup>

## ۲. شناخت امام؛ شرط اسلام واقعی

شیعه و سنی به اتفاق از پیامبر اسلام نقل کرده‌اند:

«... وَ أَنْ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۳</sup>

و هر آینه هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. بر این اساس، شناخت امام، شرط اسلام است و اگر کسی بی‌شناخت امام بمیرد، گویا از اسلام بی‌بهره بوده است؛ هرچند مناسک و اعمال اسلامی را انجام داده باشد. «امامت»، شاهراه بندگی خداست. آن که در صراط مستقیم قرار گرفت، کارها و اعمال او در مسیر درست، منطقی و عاقبت به‌خیری واقع می‌شود؛ در غیر این صورت، آن اعمال، راه به جایی نمی‌برد و کمالی برای او نخواهد آورد. امامت، ستون اصلی خیمه‌ی اسلام است که اعمال اسلامی وابسته به آن می‌باشد.

۱. شیخ صدوق، عُلل الشرایع، ج ۱، ص ۹، ح ۱.

۲. همان.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹. و قریب به این مضمون، ر.ک: صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۶، صص ۲۱ - ۲۲؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۵۵؛ مسند ابی‌داود، ص ۲۵۹؛ حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۲۴۴؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۷۷؛ ینابیع المودة، ص ۱۱۷.

### ۳. شرط قبولی اعمال؛ پذیرش ولایت

مسأله‌ی «ولایت امامان» چنان جایگاهی دارد که در روایات گوناگون، پذیرش همه‌ی اعمال منوط به آن شده است. امام صادق علیه السلام پیشوای ششم شیعیان، در این باره می‌فرماید:

«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»<sup>۱</sup>

خداوند از بندگان عملی را نمی‌پذیرد، مگر به معرفت و شناخت ما. بر اساس این روایت همه‌ی اعمال انسان، در ظرف معرفت و آگاهی او نسبت به امام زمان ارزش می‌یابد.

### ۴. بایستگی شناخت ولی نعمت

«امام»، واسطه‌ی فیض الهی است و وجود نعمت‌های عالم به واسطه‌ی وجود او است. در این میان، انسان‌ها نیز به واسطه‌ی وجود او از انواع نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند. امام در دو بعد «تشریح» و «تکوین» واسطه‌ی پروردگار با عالم است:

«بِئْمِنِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»<sup>۲</sup>

به برکت او به خلق روزی می‌رسد و به واسطه‌ی وجود او زمین و آسمان پابرجاست. امام هادی علیه السلام می‌فرماید: چون می‌خواهید امامی را زیارت کنید، این‌گونه بگویید:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»<sup>۳</sup>

به واسطه‌ی شما خدا آغاز کرد و به شما پایان می‌دهد و به وسیله‌ی شما باران را فرو می‌فرستد و به واسطه‌ی شما آسمان را نگاه می‌دارد تا بر زمین نیفتد، (و همه‌ی این‌ها نیست) جز به اذن پروردگار.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«يَا عَلِيُّ! لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ لَا حَوَاءَ وَ لَا الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ»<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۱، باب نوادر، ص ۱۴۳، ح ۴.

۲. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵ ح ۳۲۱۳.

۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، ح ۱؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴.

ای علی! اگر ما نبودیم، خدا نه آدم و نه حوّا را می‌آفرید و نه بهشت و نه جهنم را و نه آسمان و نه زمین را.

آیا این خلاف ادب نیست که ما در مورد بسیاری از امور - که تأثیر چندانی در زندگی ما ندارند - آگاهی و اطلاع داشته باشیم، اما از ولی نعمت خود بی‌خبر باشیم؟!

### ۵. امامت؛ سفارش پیامبر اکرم ﷺ

در روایتی از شیعه و سنی آمده است که رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا...»<sup>۱</sup> برابر این فرمایش، مسلمین مأمور شده‌اند همان گونه که به قرآن متمسک می‌شوند، به خاندان پیامبر ﷺ و ائمه‌ی هدی ﷺ نیز تمسک جویند، تا در مسیر هدایت قرار گیرند؛ زیرا این امر ضامن سعادت ابدی آنان است. روشن است که تمسک به قرآن، بدون فهمیدن محتوای آن معنا ندارد و تمسک به امامان معصوم ﷺ نیز بدون معرفت و آگاهی از جایگاه رفیع و ویژگی‌های منحصر به فرد آنان - که الگوی بشریت‌اند - ممکن نیست. بنابراین، از این جهت نیز معرفت و آگاهی از امام زمان عجل الله فرجه لازم است.

کوتاه سخن این که، شناخت امام و حجت الهی چنان مهم است که در روایات فراوان به آن تأکید و به مسلمین سفارش شده است، تا در این مسیر از خدای بزرگ استمداد طلبیده، پیوسته از او بخواهند که راه معرفت حجت‌های الهی بر آنان گشوده شود.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که بهترین دعا برای دوران غیبت آخرین حجت الهی چنین است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَن دِينِي»<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۷۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲؛ امالی طوسی، ص ۱۶۱ و....

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵.



پروردگارا! خودت را به من بشناسان، پس اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خداوندا! رسالت را به من معرفی کن، پس اگر او را به نشناسانی، حجتت را نمی‌شناسم. کردگارا! حجتت را به من معرفی کن، پس اگر او را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد.

### ب. بعد اجتماعی

بشر از روزی که روی زمین قرار گرفت، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی سعادت‌بخش بوده و به امید رسیدن چنین روزی قدم برداشته است. همان‌طور که اگر غذایی نبود، گرسنگی نبود و اگر آبی خلق نمی‌شد، تشنگی به وجود نمی‌آمد؛ اگر تحقق زندگی سعادت‌بخش امکان نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد بشر نقش نمی‌بست.

«مهدویت» یعنی امیدواری به آینده‌ای روشن، پیام‌رهای بخش برای بشر سرخورده و ستم‌دیده و این که روزی یک مرد الهی خواهد آمد و آنچه را که مردم بدان امید دارند، به یقین برآورده خواهد کرد.

اعتقاد به وجود مصلح جهانی (فوتوریسم)<sup>۱</sup> همیشه ما را در عرصه‌های مختلف مبارزات اجتماعی حمایت خواهد نمود؛ زیرا اگر واقعاً معتقد به امام زمان علیه السلام باشیم، خواهیم دید که پشتیبان نیرومندی همواره ما را در کارهای اجتماعی یاری می‌کند. بدون تردید، نتیجه‌ی اعتقاد به امام زمان علیه السلام این نیست که ما از کوشش‌های اجتماعی دست برداریم و در گوشه‌ای نشسته و انجام همه‌ی کارها را به ظهور امام زمان علیه السلام حواله دهیم! «فرد مسلمان معتقد، همواره در کوشش و فعالیت است و برای خدا کار می‌کند و به زندگی فردی و اجتماعی خود خوش‌بین و امیدوار می‌باشد. وی همیشه منتظر تعمیم عدالت و امنیت، بسط عدل و داد، آزادی و برادری و برابری و توسعه‌ی گزاره‌های دینی بر اساس توحید بوده و برای آن‌ها تلاش می‌کند.»<sup>۲</sup>

شخص مسلمان، باور قطعی دارد که تنها نظام اجتماعی عادلانه - که به تمام خواسته‌های مشروع بشری پاسخ داده و منصفانه‌ترین قوانین را برای انسان‌ها آماده کرده است - نظام

۱. «Futurism» یعنی اعتقاد به دوره‌ی آخر الزمان و انتظار ظهور منجی و مصلح جهانی بزرگ. برای آگاهی

بیشتر، ر.ک: سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۵۵.

۲. سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۷۶.

حکومتی اسلام و قانون الهی قرآن است و زیباترین آن در عصر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام تحقق خواهد یافت و این؛ یعنی امید، نشاط و زندگی.

ماربین - فیسلوف و مستشرق آلمانی - درباره‌ی فوتوریسم شیعه می‌گوید:

«از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه موجب امیدواری و رستگاری بوده (می‌تواند باشد)، همانا اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار اوست. چون معتقدات مذهبی از ملل شرق زمین تا دو قرن دیگر، کاملاً آثار خود را خواهد بخشید و می‌توان گفت که در این مدت و با این همه جمعیت و اسباب طبیعی، شیعه پیشرفت محیرالعقولی نموده و از حیث عده، نیرو و قدرت، مقام اول را حائز خواهد شد. و حتی اگر آثار معتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای آن سرمایه‌ای خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و عارضیه؛ شوکت، اقتدار، قوت و حکومت خود را در عالم نگه دارد.»<sup>۱</sup>

بنابراین، اعتقاد به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنا فداه امید را در دل‌ها زنده می‌کند. انسانی که معتقد به این اصل است، هیچ‌گاه ناامید نمی‌شود، چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد... و سعی می‌کند خود را به آن برساند.<sup>۲</sup>

او از حرکت نمی‌ایستد و در برابر ناملایمات و سختی‌ها تن به شکست نمی‌دهد. این بزرگ‌ترین ره‌آورد اجتماعی برای بشر، در پرتو اعتقاد به «مهدویت» است.

شناخت امام زمان علیه السلام و اعتقاد به او، مانع از همکاری شخص معتقد با ستمگران و ظالمان می‌شود. وی در برابر حکومت‌های فاسد تا حد توان پایداری می‌کند؛ چون منتظر امامی است که هرگز با ظلم و ستم سازش نمی‌نماید، بلکه برای عدالت‌گستری قیام خواهد نمود.

آن کس که منتظر مصلح است، در اصلاح خود می‌کوشد، تا برای جامعه‌ی ایمانی عنصری مفید، مؤثر و کارآمد باشد. او برای اصلاح دیگران نیز تلاش می‌کند و بدین‌سان اجتماع به سوی خوبی‌ها و ارزش‌ها پیش می‌رود. «اجتماع منتظر»، جامعه‌ای هدفدار و ارزشی است و

۱. همان، ص ۷۷؛ به نقل از رولسیون بزرگ یا سیاست الحسینیه، فصل ۷، صص ۴۹ - ۵۰، تحت عنوان: فلسفه‌ی مذهب شیعه.

۲. مقام معظم رهبری، رسالت، ۲۶/۹/۷۶.

این از برکات شناخت عمیق نسبت به امام زمان عجل الله فرجه است.

### ج. بعد سیاسی

مردم پیوسته شاهد شکست مکتب‌ها و حکومت‌های مختلف در صحنه‌ی جهانی هستند، که بسیاری از آن‌ها از روی فریب و نیرنگ شکل گرفته‌اند. سالیان دراز دو ایده‌ی غالب - کاپیتالیسم، نماینده‌ی اندیشه‌ی لیبرال دموکراسی غرب؛ و کمونیسم، نماینده‌ی مدّعی دفاع از حقوق کارگر بر اساس اصول دیالکتیک - همچون دو درنده با سلاح‌های اتمی و... جهان معاصر را تهدید کردند. این تهدیدها، آشکارترین دلیل بر عجز و درماندگی برنامه‌ها و ایده‌های این دو مکتب بوده است. این دو تفکر، اگرچه سالیان متمادی بر افکار و اندیشه‌ی سیاسی جوامع بشری تأثیر گذاشته بودند، اما به مرور زمان، یکی از آن‌ها ناکارآمدی خود را نشان داد و به زباله‌دان تاریخ پیوست.

قدرت دوم که در مقابل کمونیسم قرار داشت، سرمست از غرور بی‌رقیب بودن، با نشان دادن چنگال‌های خود به جهان معاصر، خود را تنها ایدئولوژی شایسته برای رهبری بر نظم نوین جهانی می‌داند و سعی دارد به هر شکل ممکن، هر ندای مخالفی را در سینه‌ها خفه کند. اما این خیالی بیش نیست، زیرا می‌توان چالش‌های لیبرال دموکراسی را در جهان به راحتی مشاهده کرد. این مکتب، نه تنها بشر را به ساحل نجات نرسانده، بلکه او را در گردابی از بحران‌های معرفتی، اخلاقی، روانی، تکنولوژی و... گرفتار کرده است، که همه‌ی این‌ها نشان از شکست حتمی و نزدیک این امپراتوری بزرگ دارد.

حال تکلیف این بشر وامانده و سرگشته از ناکامی‌ها و شعارهای بی‌عمل، و نظاره‌گر شکست‌ها و سراب‌ها چیست؟

بشر امروزی با تجربه‌ی گذشته، عطش یک طرح و نگاه جدید به جهان هستی دارد و چیزی نمی‌تواند آن را سیراب کند؛ مگر طرح «مدینه‌ی مهدوی». نظریه‌ی «مهدویت»، یک نظریه‌ی جهانی است نه منطقه‌ای، و این اندیشه‌ی نوین برای جهان و اداره‌ی آن، برنامه و طرح بنیادین و کارسازی دارد و در عرصه‌ی حکومتی دارای اهدافی بلند، متعالی و ارزشی است.

روشن است که اهداف حکومت امام زمان علیه السلام می‌تواند به عنوان اهداف راهبردی و کلان حکومت دینی مطرح شود. کسانی که در این عصر ادعای حکومت دینی دارند، باید همه‌ی مسائل حکومتی‌شان را به آرمان‌های امام زمان علیه السلام نزدیک کنند و سیره‌ی آن حضرت را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی و... در برنامه‌های کلان خود مورد توجه قرار دهند.

اگر مهدویت به‌خوبی تبیین شود، حرکت‌های اصلاحی در سراسر جهان به بهترین شکل، روح و حیات می‌گیرد؛ چنان‌که انقلاب اسلامی ایران به عنوان زمینه و بستر مناسب برای انقلاب بزرگ مهدی علیه السلام شکل گرفت.<sup>۱</sup>

#### د. بعد تاریخی

«مهدویت» در راستای مسأله‌ی امامت و در امتداد نبوت و خاتمیت است. از این‌رو، در مرحله‌ای حساس از تاریخ آغاز شده و تا به امروز ادامه یافته است و تا آخرین لحظه‌ی حیات دنیوی بشر نیز باقی خواهد بود. بنابراین، چگونگی «امامت» (از امام علی علیه السلام تا ولی عصر علیه السلام) و عکس‌العمل مسلمانان نسبت به امامت (به‌طور عام) و مهدویت (به‌طور خاص) و نیز حوادث تاریخی در این زمینه، می‌توانند از موضوعات مهم و حساس تاریخ اسلام به شمار آیند. مسأله‌ی مهدویت در طول تاریخ مطرح بوده و روایات شیعه و سنی مملوّ از بشارات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به آمدن حضرت مهدی علیه السلام <sup>عجل الله فرجه</sup> است.<sup>۲</sup>

موعود باوری اسلامی یا «مهدویت»، نقش مؤثری در ایجاد جریان‌های دینی - سیاسی در تاریخ اسلام ایفا کرده است. پنج یا شش<sup>۳</sup> نهضت متکی به اندیشه‌ی «مهدویت» را - که به توفیقاتی در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی دست یافته‌اند - می‌توان از این میان برشمرد. این چند جریان توانسته‌اند با اتکا بر گستردگی اعتقاد به آمدن «مهدی» به عنوان در هم کوبنده‌ی

۱. «انقلاب مردم ایران، نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت ارواحنا فداه است.» از

بیانات رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام، صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸، سخنرانی ۶۸/۱/۲

۲. رک: سنن ابی‌داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵؛ سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۳ و...

۳. مثل فاطمیان، موحدان و مهدی‌سودانی.

بساط ظالمان و ریاکاران حاکم، توده‌ها را همراه خود کرده و به مقاصد سیاسی خویش دست یابند.

پیدایی و رشد این جریان‌ها - در طول تاریخ اسلام - صرف نظر از راستی یا کژی آن‌ها - بیانگر اصالت و ریشه‌داری اندیشه‌ی مهدویت در نزد مسلمانان است.

### ح. بعد فرهنگی

در بعد فرهنگی، وظیفه‌ی مسلمانان برای زمینه‌سازی و گسترش فرهنگ مهدویت و جلوگیری از انحراف و... بیان می‌شود و کار فرهنگی در عرصه‌ی مهدویت در چند محور ترسیم می‌گردد.

#### ۱. تعیین استراتژی انتظار

استراتژی؛ یعنی «هنر توزیع و به‌کارگیری همه‌ی افراد و امکانات موجود برای نیل به هدفی کلان». این تعریف، مسائل گوناگونی را در برمی‌گیرد؛ از ساده‌ترین مسائل امنیتی گرفته تا تحقق یک امپراتوری و حکومت یکپارچه‌ی جهانی.

در طراحی استراتژی کلان برای مهدویت، باید به سه نکته‌ی مهم توجه کرد:

**نکته‌ی اول:** نظر به «آینده» از جایگاه مهمی برخوردار است؛ زیرا مقصد همه را در نحوه‌ی بودن و زیستن در هیأت فردی و جمعی معلوم می‌سازد. بسیاری از نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های ملت‌ها ناشی از گنگ و مبهم بودن همین موضوع است. وقتی آینده و مقصد نامعلوم باشد، بسیج و سازماندهی هیچ نیرویی امکان‌پذیر نیست.

**نکته‌ی دوم:** تعیین «نقطه‌ی مطلوب و مفروض» در دوردست که اولین گام واقعی در تدوین استراتژی است.

**نکته‌ی سوم:** هرگونه طرح و برنامه‌ی «منفعلا نه» در تدوین استراتژی ممنوع است. باید در تدوین «استراتژی انتظار»، فعال برخورد کرد. فعال بودن برنامه‌ها و طرح‌ها، با مبانی اعتقادی ما در مهدویت سازگاری دارد و به هیچ وجه با طرح‌های منفعلا نه و غیرفعال نمی‌سازد. پس برای رسیدن به این استراتژی، لازم است سه اصل را همیشه مد نظر قرار داد:

- شناسایی وضعیت موجود انسان معاصر؛

- ترسیم وضعیت مطلوب؛

- ترسیم نحوه‌ی سیر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب (آینده‌نگری).<sup>۱</sup>

## ۲. آسیب شناسی و لزوم مقابله با آن

اعتقاد به «مهدویت»، پیامدهای مثبتی برای بشر دارد، زیرا ایمان به امام زمان عجل الله فرجه مانع از تسلیم شدن است. ملت‌های با ایمان که حضور آن حضرت را در میان خود احساس می‌کنند، از حضورش امید و نشاط می‌گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهده می‌کنند. حال کسانی که منافع‌شان به خطر می‌افتد، چه می‌کنند؟ آیا ساکت می‌نشینند تا همه‌ی بافته‌های آنان به راحتی رشته شود؟ به‌طور قطع چنین نخواهند بود، بلکه آنان با روش‌های مختلف به مبارزه با افکار و اندیشه‌های موعودگرایی و مهدویت می‌پردازند.<sup>۲</sup> بنابراین، با شناخت دشمن و آسیب‌شناسی به‌موقع، می‌توان دشمن را در اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایش ناکام گذاشت.

## جمع بندی

هریک از ابعاد «مهدویت» در علوم مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد. بعد اعتقادی آن در علم کلام، بعد سیاسی آن در علومى مانند فلسفه‌ی سیاست و جامعه‌شناسی، و بعد تاریخی آن در مسائل تاریخ اسلام به بحث گذاشته می‌شود.

«ابعاد سیاسی، اجتماعی و تاریخی مهدویت، اختصاص به علمای اسلام ندارد و مبتنی بر داشتن باور اسلامی نیست، اما بحث اعتقادی درباره‌ی آن، مبتنی بر ایمان اسلامی بوده و مخصوص متکلمان اسلامی است. البته اگر کسی کلام اسلامی را از جنبه‌ی تاریخی مطالعه کند، در این صورت بحثی برون‌دینی خواهد بود.»<sup>۳</sup>

۱. اقتباس و تلخیص از: استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی، ج ۱ و ۲.

۲. فصلنامه‌ی انتظار، ش ۵، صص ۲۷۱ - ۲۷۶.

۳. علی ربانی گلپایگانی، عقاید استدلالی، ج ۲، ص ۹۸.

### سوالات پژوهشی

۱. جایگاه مهدویت را در فطرت انسانی تبیین کنید.
۲. بدون وجود و قیام مهدی عج چه ایراداتی بر نظام هستی و جامعه‌ی انسانی وارد می‌شود؟
۳. سنت‌های الهی چه رابطه‌ای با مهدویت دارند؟
۴. اگر یک جوان در مورد وجود و امامت مهدی عج بی‌اطلاع، باشد چه مسیری خواهد یافت؟ جوان آگاه و ملتزم به مهدی عجل الله فرجه چگونه چطور؟

### منابع مطالعاتی

۱. نگین آفرینش، جمعی از نویسندگان، مرکز تخصصی مهدویت، قم، انتشارات بنیاد مهدی موعود، ۱۳۸۳.
۲. قیام و انقلاب مهدی، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
۳. استراتژی انتظار، شفیعی سروستانی، تهران، انتشارات موعود، بی‌تا.
۴. پرچم برافراشته، یحیی صالح‌نیا، قم، آینده‌سازان، ۱۳۸۴.
۵. فصلنامه‌ی انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، شماره‌ی ۵.

## درسنامه‌ی دوم

### دوران غیبت

آنچه این درس به آن می‌پردازد:

- وقایع قبل از ولادت
- غیبت امام و چرایی آن
- نیابت امام عجل الله فرجه در زمان غیبت



## سر آغاز

ولادت و زندگی مهدی موعود عجل الله فرجه از رخدادهای مهمی است که در باور دینی مسلمانان ریشه دارد. اعتقاد به تولد، حیات طولانی، ظهور و امامت آن حضرت، مسائلی اساسی است که نقش سرنوشت‌ساز و جهت‌بخشی را به زندگی و رفتار دین‌باوران، به‌ویژه شیعیان، داده است. وجود احادیث فراوان از پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در کتب روایی عامه و شیعیان، بیانگر ویژگی‌های شخصی امام زمان عجل الله فرجه است و اهم آنها این است که او از خاندان رسالت و از فرزندان فاطمه علیها السلام و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام و دوازدهمین پیشوای شیعیان می‌باشد.<sup>۱</sup>

گزارشگران تاریخ نیز - چه آنان که پیش از ولادت او می‌زیسته‌اند و چه آنان که در زمان ولادت و پس از آن بوده‌اند - از این ولادت پربرکت خبر داده‌اند و برخی از آنان که توفیق دیدار و مشاهده‌ی مهدی عجل الله فرجه را داشته‌اند، از شمایل و اوصاف آن امام سخن گفته‌اند.<sup>۲</sup>

- 
۱. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، تحقیق شیخ عباد الله تهرانی و شیخ علی احمد ناصح، مؤسسه‌ی معارف اسلامیة، صص ۱۳۶ - ۱۴۱؛ کتاب الغیبة، محمد بن ابراهیم نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه صدوق، صص ۱۱۶ - ۱۲۶؛ کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علاء الدین هندی، مؤسسه‌ی الرسالة، ج ۱۴، صص ۲۶۱ - ۲۷۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، با تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ج ۱ و ۲، صص ۲۵۶ - ۲۸۶.
  ۲. اثبات الوصیة، مسعودی، دار الأضواء، بیروت، ص ۲۷۶؛ مروج الذهب و معادن الجواهر، مسعودی، دار المعرفة، بیروت، ج ۴، ص ۱۹۹؛ کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۴۳۴.

با وجود این شواهد و قرائن که در درستی آن‌ها تردیدی نیست، هنوز درباره‌ی زندگی و شخص آن حضرت، مسائل و مطالبی مطرح است که در اینجا به بحث و بررسی بیشتر و دقیق‌تر آن‌ها می‌پردازیم.

### وقایع قبل از ولادت

حضرت مهدی عجل الله فرجه ولادتی استثنایی داشته و این برای بسیاری از افراد سؤال برانگیز بوده و هنوز هست. از این‌رو، ترسیم و شرح مقدمات ولادت و برخورد مخالفان و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در برابر این پدیده ضرورت دارد. جریان امامت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فراز و فرودهای گوناگونی پیدا کرد. امامان علیهم‌السلام با حفظ استراتژی کلی و خطوط اساسی امامت، در رابطه با حفظ مکتب و ارزش‌های آن، تاکتیک‌ها و روش‌های گوناگونی را در برابر ستم‌پیشگان در پیش گرفتند.

این فراز و نشیب‌ها تا زمان امامت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام استمرار داشت. اهل بیت علیهم‌السلام، هر یک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی، موضعی خاص انتخاب می‌کردند. پس از امام رضا علیه‌السلام جریان امامت شکل دیگری یافت. امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم‌السلام در برابر دستگاه حاکم و خلفای عباسی، موضعی یگانه برگزیدند. از آنجا که این بزرگواران زیر نظر مستقیم و مراقبت شدید خلیفه‌ی وقت، در حصر و حبس به سر می‌بردند، حرکت‌ها، هدایت‌ها و رهبری‌های آنان محدود شد و فرصت هرگونه حرکت سیاسی، از آنان سلب گردید.

این محاصره‌ی امامان سه‌گانه و سخت‌گیری نسبت به ایشان، از تزویج دختر خلیفه به امام جواد علیه‌السلام آغاز، و با فراخوانی امام هادی علیه‌السلام و فرزند ایشان، امام حسن علیه‌السلام به مرکز خلافت، «سامرا» و سکونت دادن آنان در محله‌ی «عسکر» ادامه یافت.

گزارش جاسوسان از مدینه به خلیفه رسید و حاکی از آن بود که امام هادی علیه‌السلام محور و ملجأ شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام گردیده است. متوکل عباسی پیامی به والی مدینه

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسه‌ی الوفاء، بیروت، ج ۵، ص ۷۳؛ اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۲۳۷.

نوشت و افرادی را برای آوردن امام به سامرا گسیل داشت. وی به این اقدام هم بسنده نکرد و پس از اقامت امام علیه السلام در سامرا، گاه و بی‌گاه مأموران خود را به خانه‌ی امام می‌فرستاد. بارها و بارها آن حضرت را به نزد خلیفه بردند و مورد آزار و اذیت قرار دادند.<sup>۱</sup> روزبه‌روز حلقه‌ی محاصره تنگ‌تر می‌شد و ملاقات شیعیان با امام علیه السلام دشوارتر می‌گردید. البته علت اصلی این سخت‌گیری‌ها از ناحیه‌ی حکومت، بیم از انقلاب و شورش مردم علیه آنان و جلوگیری از رسیدن وجوه شرعی و اموال به امام علیه السلام و مسائلی از این دست بود.

پس از امام هادی علیه السلام و در زمان امامت امام حسن علیه السلام این فشارها به اوج رسید. دشمن با تمام توان و تلاش در برابر آن حضرت موضع گرفت و ارتباط شیعیان با امام علیه السلام را به پایین‌ترین حد رساند. آزار، شکنجه و زندان‌های مکرر امام یازدهم، گویای این حقیقت است. تشدید فشارهای خلیفه در حالی بود که حکومت جور احساس کرده بود آنچه را که از آن نگران است، در شرف تکوین و وقوع قرار گرفته است. از این‌رو می‌کوشید تا واقعه را پیش از وقوع آن علاج کند.

خبر تولد مهدی عجل الله فرجه به عنوان دوازدهمین پیشوای شیعیان، با نشانه‌هایی چون نهمین فرزند امام حسین علیه السلام، چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام و ... مشهور شده بود و مسلمانان، حتی حکام، این خبر را بارها از زبان راویان و محدثان شنیده بودند و می‌دانستند که تولد این نوزاد با این ویژگی‌ها، از این خاندان، به ویژه خانواده‌ی امام حسن عسکری علیه السلام، بیرون نیست و روزی فرزندی از آن خانواده به دنیا خواهد آمد که حکومت عدل و داد را بر پا خواهد کرد و ضمن فرمان‌روایی بر شرق و غرب، بنیاد ظلم را برخواهد چید.

بر این اساس، بر فشارها و سخت‌گیری‌های خود نسبت به امام عسکری علیه السلام می‌افزودند تا بتوانند با نابودی ایشان، از تولد مهدی عجل الله فرجه و تداوم امامت وی جلوگیری کنند. اما برخلاف برنامه‌ریزی‌ها و پیشگیری‌های دقیق و پی‌درپی آنان، مقدمات ولادت امام زمان عجل الله فرجه آماده شد و توطئه‌های دشمنان راه به جایی نبرد.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۲۰۰؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۳.

۲. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۳۱.

### ازدواج امام عسکری علیه السلام

امام هادی علیه السلام در زمان حیات خویش می‌دانستند که آخرین حجت خدا در زمین، از نسل ایشان است؛ از این رو در مسأله‌ی ازدواج فرزند برومند خود، حسن بن علی، اهتمام تام داشته، برای رویدن و رشد آن شجره‌ی طیبه، به دنبال سرزمینی طیب و طاهر می‌گشتند. داستان ازدواج امام حسن علیه السلام به دو گونه روایت شده است. اما آنچه با قرائن و روند طبیعی مسأله سازگارتر می‌آید، آن است که خواهر امام هادی علیه السلام، حکیمه خاتون، کنیزان فراوان داشت. امام هادی علیه السلام یکی از آنان را به نام «هرجس» که از آغاز زیر نظر وی فرائض و معارف دینی را به‌درستی فراگرفته بود، به نامزدی فرزند خویش برگزیدند. امام پس از انجام مقدماتی (که در کتاب‌های تاریخی آمده است)، این دختر پاکیزه را به عقد ازدواج امام حسن علیه السلام درآوردند.<sup>۱</sup>

### در انتظار ولادت

مدتی از این ازدواج مبارک گذشت. دوستان و شیعیان در انتظار ولادت آخرین ستاره‌ی امامت، روزشماری می‌کردند و نگران آینده بودند. امام حسن علیه السلام گهگاه نوید مولودش را به یاران می‌دادند:

«... سَيْرُ زُقْنِي اللَّهِ وَلِدًا بِمَنِّهِ وَلُطْفِهِ»<sup>۲</sup>

به زودی خداوند به من فرزندی خواهد داد و لطف و عنایتش را شامل من خواهد کرد.

یا با تلاوت مکرر آیه‌ی شریفه‌ی:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>۳</sup>

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند، اما خدا نور خود را کامل می‌کند؛ هر چند کافران خوش نداشته باشند.

حضرت به یاران امید و بشارت می‌دادند که هیچ نقشه و مکرری نمی‌تواند جلوی این قدرت

۱. همان، ص ۶۴۴؛ کمال الدین، صص ۴۱۷ - ۴۲۳؛

۲. اثبات الوصیة، صص ۲۶۸ - ۲۷۰.

۳. صف، ۸.

و حکمت خداوندی را بگیرد و روزی این وعده به تحقق می‌رسد.<sup>۱</sup> از آن سو، دشمن نیز آنچه در توان داشت، به کار گرفت تا این وعده‌ی بزرگ الهی تحقق نیابد. قابله‌های فراوانی در خانواده‌های منسوب به امام حسن علیه السلام، به ویژه در منزل امام علیه السلام گمارد. امام را بارها به زندان افکند. مأمورانی را گمارد که اگر فرزند پسری در خانه‌ی امام دیدند، نابودش کنند و...<sup>۲</sup>

اما برخلاف این تلاش‌ها، نرجس خاتون، حامل نور امامت شد و جز امام حسن علیه السلام و افراد خاصی از وابستگان و شیعیان آن حضرت علیه السلام از این امر آگاه نشدند.<sup>۳</sup> تقدیر الهی بر تدبیر شیطانی ستمگران پیروز شد و در شب نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هـ ق، آن مولود مسعود قدم به عرصه‌ی وجود نهاد، تا نویدبخش امامت مستضعفان و حاکمیت صالحان باشد.<sup>۴</sup>

امام حسن علیه السلام که آرزوی خود را برآورده دیدند، فرمودند: «زَعَمَتِ الظَّالِمَةُ أَنَّهُمْ يَقْتُلُونِي لِيَقْطَعُوا هَذَا النَّسْلَ فَكَيْفَ رَأَوْا قُدْرَةَ اللَّهِ...»<sup>۵</sup> ستمگران بر این پندار بودند که مرا بکشند تا نسل امامت منقطع گردد، اما از قدرت خداوند غافل بودند.

بدین ترتیب، در آن شرایط رعب و وحشت و در آن فضای اختناق و حاکمیت خلفای جور، دوازدهمین ستاره‌ی فروزان امامت و ولایت طلوع کرد و با تولدش، غروب و افول ستمگران و حاکمیت ستمدیدگان را اعلام نمود.

### غیبت صغری

در اوایل نیمه‌ی دوم قرن سوم، جهان تشیع با پدیده‌ی «غیبت» و نهان‌زیستی امام خود

۱. اثبات الوصیة، صص ۲۶۸ \_ ۲۷۰.

۲. ینابیع المودة، حافظ سلیمان، بصیرتی، قم، ص ۴۵۵.

۳. کمال الدین، ص ۴۲۴.

۴. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۳۷.

۵. همان، صص ۲۳۱، ۲۳۲ و ۲۳۹.

مواجه گردید. بدون شک، این پدیده اگر از پشتوانه‌ی تاریخی و دلایل نقلی کافی برخوردار نمی‌بود، برای پیروان ائمه علیهم‌السلام و معتقدان به جریان امامت، به عنوان یک بحران و سردرگمی جدی تلقی می‌شد.

اما این موضوع به دلیل سابقه‌ی تاریخی و پیش‌بینی‌های مکرر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام، از نظر شیعیان - به‌خصوص آگاهان و نخبگان آنان - یک رخداد عجیب و دور از انتظار نبود. با این حال، با توجه به نامأنوس بودن این قضیه برای عموم مردم، این موضوع موجب حیرت و سردرگمی عده‌ای در مورد جانشینی امام عسکری علیه‌السلام و امام بعد از او شده بود، که با پیش‌بینی‌ها و تدابیر حکیمانه‌ی امام عسکری علیه‌السلام در مورد نحوه‌ی معرفی فرزندشان به خواص اصحاب و شیعیان خود، این موضوع (معرفی و شناسایی آخرین حجت الهی عجل‌الله‌فرجه و غیبت آن حضرت از انظار عمومی) به بهترین وجه در میان مردم توجیه گردید.

واقعه‌ی غیبت حضرت، بنا به مصالحی، در دو مرحله‌ی کوتاه‌مدت و درازمدت انجام پذیرفت. با شهادت امام عسکری علیه‌السلام در سال ۲۶۰ هجری، غیبت کوتاه‌مدت امام مهدی علیه‌السلام آغاز شد. این غیبت را به لحاظ این که از جهت زمانی محدود است، غیبت صغری می‌گویند، که تا سال ۳۲۹ هجری قمری (حدود ۷۰ سال) به طول انجامید. این دوره، نقش بسیار مهمی در ایجاد آمادگی شیعه برای پیدا شدن غیبت بلندمدت، یعنی ورود به دوران غیبت کبری، داشته است.

در دوران غیبت صغری، گرچه امام علیه‌السلام از نظرها پنهان بود، اما افرادی محدود در سمت «نواب خاص» امام با آن حضرت در تماس بودند؛ هر یک از شیعیان می‌توانستند به‌وسیله‌ی این نواب، مشکلات و مسائل خود را به عرض آن حضرت برسانند و توسط آنان پاسخ خود را دریافت نمایند. گاهی گروهی از مردم به‌وسیله‌ی آن نایبان به دیدار امام می‌رسیدند. این نایبان، چهار نفر بوده، به «نواب اربعه» مشهور و همگی از علما و بزرگان شیعه هستند و به ترتیب عبارتند از:

- عثمان بن سعید عمری، که از سال ۲۶۰ ه‍.ق تا سال ۲۶۷ ه‍.ق دارای مقام نیابت خاصه بود.

- محمد بن عثمان عمری، که از هنگام وفات پدرش تا سال ۳۰۵ ه‍.ق نماینده و نایب خاص

حضرت بود.

- حسین بن روح نوبختی، که از سال ۳۰۵ ه‍.ق تا سال ۳۲۶ ه‍.ق منصب نیابت خاصه را داشت.

- علی بن محمد سمري، که از سال ۳۲۶ ه‍.ق تا ۳۲۹ ه‍.ق دارای مقام نیابت خاصه بود. هر یک از این چهار بزرگوار، در سامان بخشیدن به امور شیعیان و ایجاد آمادگی شیعیان برای پذیرش غیبت کبری، نقش بسیار مهمی داشتند. با سپری شدن این دوره، مرحله‌ی غیبت طولانی مدت آغاز شد، که تا کنون ادامه دارد و به امر خداوند، تا هنگامی که زمینه‌های پذیرش رهبری و حکومت جهانی حضرت از نظر عده و عده فراهم شود، ادامه خواهد داشت.

این مرحله، بزرگ‌ترین میدان آزمایش انسان‌ها، غربال مؤمنان و سنجش ایمان و عمل آنان است. بر اساس روایات، در این مدت طولانی، «حجت» خدا در پشت پرده‌ی غیبت، پس خورشیدگونه از پس ابرها نورافشانی می‌کند.

## غیبت کبری

سومین بخش از زندگی امام زمان عجل الله فرجه را دوران غیبت کبری تشکیل می‌دهد. پس از آن که شیعه با مسأله‌ی غیبت امام عصر عجل الله فرجه مانوس شد و زمینه‌ی غیبت درازمدت فراهم آمد، امام عجل الله فرجه از نظرها ناپدید شدند و دوران فراق ظاهری شیعیان از امام عجل الله فرجه آغاز گشت. ابتدای این بخش از زندگی حضرت با فوت آخرین سفیر از سفرای چهارگانه‌ی ایشان شروع شد و از پایان آن، کسی جز پروردگار آگاه نیست.

در این قسمت از زندگی حضرت مهدی عجل الله فرجه نیز نکاتی است که به آن‌ها اشاره می‌کنیم. از آنجا که تجربه‌ی طولانی امامت در پیش رو بود و بیم آن می‌رفت که حضور عادی امام در میان مردم به شهادت ایشان بیانجامد و در نتیجه، امامت و رهبری - که رمز تحرک و حیات شیعه است - در اهدافش ناکام بماند، این غیبت طولانی آغاز شد، تا امام زمان عجل الله فرجه به عنوان محور و مصدر اول باقی بمانند و روزی به رهبری حضرت، دین حق، جهان گستر و



فراگیر گردد. به این علت و علت‌های دیگری که در فلسفه‌ی غیبت نهفته است<sup>۱</sup>، حجت خدا در پشت‌پرده‌ی غیبت قرار گرفت و از آن پس، خورشیدگونه از پس ابرها نورافشانی کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### مسأله‌ی نیابت در زمان غیبت

چنان که غیبت به دو مرحله تقسیم می‌شود، نیابت و مقام نمایندگی حضرت نیز دارای دو مرحله است:

- مرحله‌ی اول: نیابت خاصه، که مربوط به دوران غیبت صغری است.
- مرحله‌ی دوم: نیابت عامه، که مربوط به دوران غیبت کبری است و به فقهای جامع الشرایط اختصاص دارد.

در نیابت نوع اول، حضرت افراد خاصی را نماینده‌ی خود قرار داده بودند که با اسم و رسم، آن‌ها را معرفی نموده، هرکدام را به‌وسیله‌ی نایب پیش از او، به مردم شناسانده بودند. اما در نیابت عامه، بر اساس یک ضابطه‌ی کلی و معین که امام علیه السلام، خود فرموده‌اند: نیابت به‌وسیله‌ی خود حضرت مهدی عجل الله فرجه به عالمان واجد شرایط تفویض شده است. از میان فقها، فردی که تمامی ضوابط یک فقیه جامع‌الشرایط را دارا باشد، به عنوان «ولی فقیه»، نایب امام شناخته می‌شود و از سوی حضرت، اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی را بر عهده می‌گیرد. از جمله شرایط ولی فقیه؛ عادل، مدیر، مدبر، عالم و... بودن است.

حضرت ولی عصر عجل الله فرجه این مسئولیت خطیر را بر عهده‌ی فقها گذاشته و مردم را به اطاعت از آنان فراخوانده‌اند. از ایشان نقل شده است:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۳</sup>

در حوادث و رخدادهایی که واقع می‌شود به راویان حدیث ما رجوع کنید، که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.

۱. کتاب الغیبة، نعمانی، صص ۱۵۴، ۱۶۲ و ۱۷۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۳.

۳. محاسن برقی، ج ۱، ص ۱؛ الفصول العشره، ص ۱۰؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۱.



از امام صادق علیه السلام نقل گردیده است که آن حضرت در ضمن حدیثی فرمودند: «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ»<sup>۱</sup>

هر یک از فقها که مراقب و مخالف هوی و هوسش و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عوام لازم است که از او پیروی کنند.

بدین ترتیب، امور مسلمین در زمان غیبت کبری به دست «ولی فقیه» قرار داده شده است، تا با نظر او انجام گیرد. پس همگان باید تابع تصمیمات مرجعیت و زعامت رسمی دینی، یعنی «ولی فقیه» باشند.

### فلسفه‌ی غیبت

فلسفه و دلایل غیبت حضرت، از دو بعد عقلی و نقلی قابل بررسی است. آنچه در این خصوص مهم می‌باشد، تأمل در روایاتی است که از برخی عوامل به عنوان فلسفه و حکمت وقوع غیبت یاد می‌کند. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

#### الف. خوف از قتل و شهادت

در چندین روایت، موضوع ترس از شهادت ولی عصر عجل الله فرجه مطرح شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قَالَ: قُلْتُ وَ لِمَ، قَالَ يَخَافُ»<sup>۲</sup>

برای قائم ما (امام مهدی عجل الله فرجه) قبل از این که به پا خیزد، غیبتی است. راوی سؤال کرد: برای چه؟ حضرت فرمودند: به جهت این که ترس از کشته شدن او وجود دارد.

حضرات معصومین در روایات بسیاری می‌فرمایند: خداوند چند چیز را از شر دشمنان حفظ کرد و دشمنان را از رسیدن به اهدافشان ناکام گذاشت؛ از جمله خداوند به وسیله‌ی غیبت،

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

جان امام دوازدهم علیه السلام را حفظ کرد. اگر مسأله‌ی غیبت مطرح نبود، معتمد عباسی که به خون آن حضرت تشنه بود، ایشان را نیز مانند پدران بزرگوارشان، شهید می‌کرد و زمین از حجت خدا خالی می‌ماند.

### ب. ابتلا و امتحان

سنت الهی همواره این بوده است که انسان‌ها را مورد امتحان و غربال قرار دهد، تا افراد صالح از ناصالح و شایسته از ناشایسته جدا شوند. یکی از عوامل امتحان، غیبت امام و حجت الهی است، تا ایمان مردم در این امتحان مورد آزمایش قرار گیرد و در نتیجه‌ی آن، ریزش افراد بی‌ایمان و رویش افراد ثابت قدم در دوران غیبت انجام گیرد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«أَمَّا وَاللَّهِ لَأَقْتُلَنَّ أَنَا وَ أبنای هَذَانِ وَ لَيَبْعَثَنَّ اللهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَطَالِبُ بِدِمَائِنَا وَ لَيَغِيْبَنَّ عَنْهُمْ تَمِيْزًا لِأَهْلِ الضَّلَالَةِ حَتَّى يَقُوْلَ الْجَاهِلُ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ حَاجَةٍ!»<sup>۱</sup>

به خدا قسم! من و این دو فرزندم (حسن و حسین علیهما السلام) شهید خواهیم شد. خداوند در آخر الزمان مردی از فرزندانم را به خونخواهی ما برخواهد انگيخت و او دوره‌ای غایب خواهد شد تا مردم آزمایش شوند و گمراهان جداگردند، تا جایی که نادان می‌گوید: خدا دیگر به آل محمد علیهم السلام کاری ندارد.

### ج. عدم بیعت با حکام جور

در برخی از روایات آمده که علت و حکمت غیبت این است که حضرت مهدی علیه السلام عجل الله فرجه با وجود غیبت، از بیعت با طاغوت‌های زمان آزاد می‌شوند و تعهد و بیعت هیچ حاکمی را به عهده ندارند تا بتوانند در زمان قیام خود آزادانه عمل کنند. چون هیچ یک از ائمه‌ی ما علیهم السلام آزاد نبودند و حکام جور از ایشان تعهد می‌گرفتند که کار به کار سیاست و خلافت نداشته باشند.

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرمایند:

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۱۴۱.

«ما مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِّطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يَصَلِّي رُوحَ اللَّهِ، عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ، خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَخْفَى وَلادَتُهُ وَ يَغِيبُ شَخْصَهُ لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَاكَ تَاسِعٌ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>۱</sup>

هر کدام از ما (امامان اهل البيت علیهم السلام) در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت‌های زمان را از روی تقیه به عهده گرفته‌ایم؛ مگر امام مهدی (عجل الله فرجه) که عیسی بن مریم علیه السلام به امامت آن حضرت نماز می‌گزارد. خداوند ولادت او را مخفی نگه داشت و برای او غیبتی در نظر گرفت، تا زمانی که قیام می‌کند، برگردنش بیعت حاکمی نباشد.

امام سجاد علیه السلام در این مورد می‌فرمایند:

«وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ»<sup>۲</sup>

و امام هشتم علیه السلام نیز می‌فرمایند:

«لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ»<sup>۳</sup>

علل دیگری برای غیبت امام عصر علیه السلام ذکر شده است، که برای اطلاع از آن‌ها، باید به کتب دیگر از جمله؛ الگوهای گذر از دوران غیبت، از همین نویسندگان مراجعه شود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. کمال الدین، ص ۴۸۰.

### سوالات پژوهشی

۱. چگونه امام عصر علیه السلام را خلاصه‌ی همه‌ی نژادها و ملت‌ها می‌شمارند؟
۲. دو برهه شدن غیبت امام عصر عجل الله فرجه به چه علت بوده است؟
۳. نیابت خاصه و عامه و نیز وکالت خاصه و عامه از امام عصر عجل الله فرجه را تبیین و با هم مقایسه کنید.
۴. علل نقلی و عقلی غیبت را مقایسه کنید.

### منابع مطالعاتی

۱. رهبری بر فراز قرون، سید محمدباقر صدر، تهران، موعود، ۱۳۸۵.
۲. فلسفه و علل غیبت، یحیی صالح‌نیا، قم، دفتر مطالعات راهبردی امام مهدی، ۱۳۸۸.
۳. الغیبة، محمد بن حسن طوسی، قم، جمکران، ۱۳۸۵.
۴. الغیبة، ابراهیم نعمانی، قم، جمکران، ۱۳۸۵.

## درسنامه‌ی سوم

### آثار و برکات امام مهدی ارواح العالمین له الفدا

آنچه این درس به آن می‌پردازد:

- آثار تکوینی و تشریحی امام عصر عجل الله فرجه
- عنایت امام عصر عجل الله فرجه به جامعه‌ی انسانی
- عنایت امام عصر عجل الله فرجه به افراد و اشخاص مختلف

## سر آغاز

از زمانی که امام عصر علیه السلام از دیده‌ها پنهان شده و در پس پرده‌ی غیبت زندگی کرده‌اند، انبوهی از پرسش‌ها پیرامون مسائل غیبت مطرح شده است که بسیاری از آن‌ها پیشینه‌ای دیرینه دارند. بسیاری از این سؤال‌ها در نوشته‌های نویسندگان کتاب‌های مربوط به امام زمان علیه السلام در قرون چهارم و پنجم اسلامی مطرح گردیده و علما پاسخ‌های مناسبی به آن داده‌اند.

از جمله پرسش‌های رایج درباره‌ی امام زمان علیه السلام این چند سؤال است:

- به فرض قبول امامی که فرزند بلافصل امام عسکری علیه السلام است، چه خاصیتی بر وجود ایشان مترتب می‌باشد؟

- پیشوای جامعه باید ظاهر باشد؛ برای وجود امام ناپیدا، چه فایده‌ای می‌توان یافت؟

- امامی که صدها سال غایب است، نه دین را ترویج می‌کند، نه مشکلات جامعه را حل می‌نماید، نه پاسخ مخالفان را می‌دهد، نه امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، نه از مظلومی حمایت می‌نماید و نه حدود و احکام الهی را جاری می‌سازد؛ چه تفاوتی در بود و نبود چنین امامی وجود دارد؟

- در دوران غیبت که آن جمال الهی از دیدگان ما ناپیداست، طریق استفاده‌ی ما از آن حضرت چگونه است؟

پیش از پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق، ذکر نکاتی چند در این باره ضروری است:

**نکته‌ی اول:** معمولاً این اشکالات از زبان کسانی مطرح می‌شود که نه امام علیه السلام را شناخته‌اند و نه به معنای حقیقی امامت پی برده‌اند. آنان امام علیه السلام را مانند رهبری عادی می‌دانند که کار او مسأله‌گویی و حداکثر اجرای حدود و احکام است؛ در حالی که مقام امامت و ولایت به مراتب از مقامات ظاهری شامخ‌تر و والاتر است.

مفهوم غایب بودن امام مهدی علیه السلام این نیست که وجودی نامرئی دارند، که این نگاه به یک وجود پنداری شبیه‌تر است، بلکه او نیز از یک زندگی طبیعی عینی خارجی برخوردار است؛ منتها استثنایی که در زندگی ایشان وجود دارد، عمر طولانی است، و الا آن وجود نازنین در جامعه‌ی انسانی به‌طور ناشناس زندگی می‌کنند.

**نکته‌ی دوم:** اگرچه حضور شخصی امام علیه السلام در بین مردم سبب می‌شود که مسلمانان از برکات بیشتر و در سطح وسیع‌تری بهره‌مند شوند، اما این چنین نیست که شخص امام غایب هیچ‌گونه فایده و ثمره‌ای برای امت اسلام و مردم ندارند، بلکه مردم را تحت نظر خود می‌گیرند. زیرا امام که «بقیة‌الله» در زمین است، آثاری دارد که بر دو قسم می‌باشد: آثار حضور و آثار ظهور؛ و غیبت امام به معنای عدم ظهور اوست، نه عدم حضور ایشان.

**نکته‌ی سوم:** مسأله‌ی فواید وجودی امام غایب عجل الله فرجه از طرق زیر قابل بررسی است:

۱. محاسبات اجتماعی؛

۲. قرآن و نهج‌البلاغه؛

۳. روایات متعدد معصومین علیهم السلام.

هر کس به فراخور فکر خود، یکی از این طرق یا هر سه را می‌پذیرد؛ به‌گونه‌ای که شخص غیرمعتقد به اصالت قرآن و نهج‌البلاغه، از طریق اول می‌تواند فایده‌ی وجود امام غایب عجل الله فرجه را به‌خوبی درک کند.

### ۱. وجود رهبر؛ موجب بقای مکتب

جوامع برای بقای خود نیازمند سازمان و تشکیلات هستند. تشکل‌ها و سازمان‌ها نیز به‌منظور پیشبرد حرکت‌ها و تعقیب اهداف جامعه، نیازمند رهبر می‌باشند.

هرگاه رهبر در دل اجتماع باشد، وجود و مداخله‌اش در رهبری و گردش تشکیلات و سازمان لازم و ضروری خواهد بود، اما هرگاه هم که رهبر به عللی محبوس یا تبعید شد و دور افتاد و یا مریض و بیمار گردید، باز وجود او برای پیگیری امور اجتماع و افراد، کافی خواهد بود؛ زیرا مردم به امید آن رهبر، دست به دست هم داده، کارها را ادامه می‌دهند.

تاریخ ملل گواه صادقی بر این مطلب است. ملت‌هایی که قیام‌ها و انقلاب‌ها را آفریده‌اند، از برکت وجود رهبری زنده و ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با او، پایدار مانده‌اند. اما لحظه‌ای که حیات و زندگی پیشوا به پایان می‌رسد، تفرقه و دو دستگی، تشتت قوا، پراکندگی و نابسامانی در میان جمعیت حکم‌فرما می‌شود.

نبرد احد، بهترین شاهد بر نقش حیاتی رهبر در حفظ نظام و مکتب و مایه‌ی تشکل و یکپارچگی امت است. در جنگ احد، به‌طور اشتباه و یا از روی غرض‌ورزی، ندایی از قلب لشکر بلند شد: «أَلَا قَدْ قُتِلَ مُحَمَّدٌ؟» محمد ﷺ کشته شد. این خبر ناگوار، زمانی در میان مسلمانان منتشر شد که آنان مشغول دفاع در برابر تجاوز و تعدی مهاجمان بودند. وقتی شایعه‌ی مرگ رهبر قوت گرفت، نظام و پیوستگی آنان چنان گسسته گردید که هر کدام به گوشه‌ای فرار کرده، دست از نبرد کشیدند. گروهی نیز فکر پیوستن به لشکر دشمن را در سر می‌پروراندند. اما هنگامی که خبر قتل پیامبر تکذیب شد، لشکر از هم‌پاشیده، بار دیگر به دلگرمی وجود رهبر، از نقاط مختلف دور پیامبر گرد آمدند و نبرد و دفاع را از سر گرفتند. خداوند در قرآن کریم این حقیقت را به‌خوبی بیان فرموده است:

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»<sup>۱</sup>

محمد ﷺ فقط فرستاده‌ی خداست و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند. آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟! (و اسلام را رها کرده، به دوران جاهلیت و کفر بر خواهید گشت؟! ) و هر کس به عقب بازگردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند و خداوند به‌زودی شاکران را پاداش خواهد داد.



در مورد امام زمان عجل الله فرجه باید گفت: آیا اعتقاد به وجود امام حی، حاضر، ناظر، مستعد و آماده برای حکومتی که خدا وعده داده است، در حفظ وحدت جمعیت و تشکیلات، بالأخص آماده کردن افراد برای نهضت و قیام بر ضد جور، خودکامگی، افسانه‌پرستی و تفرقه‌اندازی مؤثر نیست؟ هرگاه جمعیتی معتقد شود رهبر آنان در قید حیات می‌باشد و پیوسته مترقب فرمان الهی است که از پس پرده‌ی غیبت بیرون آید؛ به‌طور مسلم ناامید نمی‌شود، وحدت کلمه‌ی خود را از دست نمی‌دهد و در حفظ مکتب می‌کوشد. محاسبات عقلی و اجتماعی ثابت می‌کند که اعتقاد به وجود چنین امامی در طول دوران، اثری عمیق در اجتماع شیعه داشته است.

## ۲. امام علیه السلام: حجت آشکار خدا

امیرمؤمنان علیه السلام در نهج‌البلاغه برای خدا دو نوع حجت معرفی می‌نمایند: یکی حاضر و آشکار و دیگر غایب و ناپیدا. ایشان می‌فرمایند:

«لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجُّ اللَّهِ وَبَيْنَاتُهُ»؛<sup>۱</sup> هیچ‌گاه روی زمین از حجت‌های پروردگار خالی نمی‌ماند؛ حجت‌هایی که گاه مرئی و آشکار و گاه از بیم مردم پنهان هستند تا دلایل آیین الهی محو و نابود نشود.

مقصود امام علی علیه السلام از «حجت خائف و مغمور» کیست؟ آیا جز آن پیشوای معصوم هستند که بر اثر نبودن شرایط مساعد، در پس پرده‌ی غیبت به‌سر می‌برند تا روزی که جهان برای قیام و نهضت ایشان آماده گردد؟

پس از آگاهی از این دو نوع حجت، به ذکر نام گروهی از اولیای الهی می‌پردازیم که یا غایب و پنهان بوده و با این حال به هدایت می‌پرداختند، یا به‌صورت مستتر به سازندگی افراد اشتغال داشتند و یا این‌که نبی و ولی بودند، اما در انتظار به‌سر می‌بردند تا فرمان حق برسد و سپس انجام وظیفه کنند:

الف. معلم موسی که در اخبار به نام «خضر» معرفی شده است؛

ب. حضرت موسی علیه السلام در مدت غیبت چهل روزه؛

۱. نهج‌البلاغه، کلمات حکمت، شماره‌ی ۱۳۹؛ نهج‌البلاغه، فیض‌الإسلام، ص ۱۱۴۸.

- ج. حضرت یونس علیه السلام که مدت‌ها در شکم نهنگ، و پنهان از دیدگان به‌سر می‌برد؛
- د. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که سه سال از طریق فردسازی مردم را هدایت می‌کرد.
- در برخی روایات، از حضرات معصومین علیهم السلام درباره‌ی نحوه‌ی بهره‌گیری از امام غایب عجل الله فرجه پرسش شده است که در پاسخ آن مطالبی فرموده‌اند. در اینجا به ذکر چند روایت می‌پردازیم.
۱. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: آیا شیعه در زمان غیبت از فیوض قائم آل محمد علیهم السلام برخوردار می‌شوند؟ فرمودند: «آری! قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برانگیخت، از وی نفع می‌برند و از نور ولایتش کسب نور می‌کنند؛ هم‌چنان‌که از خورشید استفاده می‌نمایند، هنگامی که در پشت ابرها پنهان می‌گردد.»<sup>۱</sup>
  ۲. از امام چهارم، حضرت سجاد علیه السلام پرسیدند: شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت ولی عصر عجل الله فرجه چگونه استفاده می‌کنند؟ فرمودند: «آن‌چنان‌که از خورشید استفاده می‌شود، هنگامی که در پشت ابرها پنهان گردد.»<sup>۲</sup>
  ۳. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را آفریده تا روز رستاخیز، زمین خالی از حجت نبوده و نخواهد بود؛ یا حجت ظاهر و روشن، یا غایب و پنهان.»  
راوی پرسید: از امام غایب عجل الله فرجه چگونه استفاده می‌شود؟ فرمودند: «آن‌چنان‌که از خورشید استفاده می‌شود، هنگامی که در پشت ابر قرار گیرد.»<sup>۳</sup>
  ۴. در توقیع مبارکی که از ناحیه‌ی مقدس امام عصر عجل الله فرجه توسط دومین نایب خاص ایشان، محمد بن عثمان؛ به اسحاق بن یعقوب صادر شده، چنین آمده است: «اما چگونگی استفاده‌ی مردم از من همانند استفاده‌ی آنها از خورشید است، آن هنگام که در پشت ابر پنهان شود.»<sup>۴</sup>

۱. کمال‌الدین، ج ۱، صص ۱۴۶ و ۳۶۵؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۰.
۲. دکتر احمد محمود صبحی، نظریه‌ی الإمامه، ص ۴۱۳.
۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.
۴. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۸۸؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۱۶۲؛ طبرسی، الإحتجاج، ص ۲۶۳؛ کشف الغیبه، ج ۳، ص ۳۲۲؛ فیض کاشانی، النوادر، ص ۱۶۴.

### ۳. خورشید فروزان در پشت ابرهای تار

در چگونگی بهره‌مندی از منافع وجودی امام غایب عجل الله فرجه در عصر غیبت و چگونگی استفاده از محضر او، پیشوایان دین تصریح می‌کنند: همگان در زمان غیبت از فیوض بیکران ناموس دهر، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، همچون خورشید پشت ابر برخوردارند؛ اما نکته اینجاست که چرا امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده‌اند؟ الف. نور هستی و هدایت توسط آن حضرت بر عالمیان می‌تابد؛ زیرا حضرات ائمه علیهم السلام علت غایی ایجاد مخلوقات عالم‌اند. اگر آن‌ها نبودند، نور عالم به غیر ایشان نمی‌رسید. همچنین به برکت آن انوار مقدس است که علوم و معارف حقه بر مردم آشکار می‌گردد و گرفتاری‌ها از امت اسلام برطرف می‌شود. اگر آن‌ها نبودند، مردم به وسیله‌ی اعمال سیاه خود مستحق انواع عذاب‌های الهی می‌شدند؛ چنان که خداوند فرموده است:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...»<sup>۱</sup>

ب. همان‌گونه که مردم از آفتاب پشت ابر بهره می‌برند و انتظار دارند که ابرها کنار رفته، دوباره روی زیبای خورشید هویدا شود، تا بیشتر از آن بهره گیرند؛ در ایام غیبت نیز شیعیان با اخلاص، در همه وقت منتظر ظهور امام عصر علیه السلام هستند و هیچ‌گاه مأیوس نمی‌گردند؛ ج. گاه آفتاب از میان ابر رخ می‌نماید، اما یکی به آن می‌نگرد و دیگری بدان توجهی ندارد. ممکن است آن حضرت در ایام غیبت بر عده‌ای آشکار شوند، اما عده‌ای دیگر حضرت را نبینند؛ د. منفعت وجود ملکوتی و نور مطلق الهی ائمه‌ی اطهار علیهم السلام برای عالم، همانند خورشید است؛ تنها کسانی قادر به بهره‌مندی از وجود مقدس‌شان هستند که چشم دلشان کور نباشد. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا»<sup>۲</sup>.

ه. اگر انسان پرده‌های هواپرستی را از پیش روی خود کنار بزند، در زیر آسمان قرار می‌گیرد و نور آفتاب بدون مانع از هر سو او را احاطه می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. انفال، ۳۳.

۲. اسراء، ۷۲.

۳. عباس استاد آقایی، اسرار آفرینش اهل بیت، صص ۲۵۱ - ۲۵۳.

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمودند:

«اینکه خداوند می‌فرماید:

«إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>۱</sup>

به این معناست که خداوند به‌وسیله‌ی قائم عجل الله فرجه، زمین مرده را حیات خواهد داد.»  
تشبیه امام علیه السلام به آفتاب و تشبیه غیبت امام علیه السلام به واقع شدن آفتاب پشت ابر، لطایف بسیاری در بر دارد، که چند مورد آن برشمرده می‌شود.

۱. خورشید در منظومه‌ی شمسی، مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور آن در حرکت‌اند؛ چنان که وجود گرمی حضرت حجت عجل الله فرجه در نظام هستی مرکزیت دارد:  
«بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ.»<sup>۲</sup>

۲. خورشید در این مجموعه، منافع فراوانی دارد: ایجاد جاذبه، که مایه‌ی ثبات و بقای نظام است؛ گرما و حرارت که از پشت انبوه ابر غلیظ نیز به زمین می‌رسد؛ باد و باران، روییدن گیاهان و امثال آن از برکت تابش خورشید است و ابرگرفتگی در آن اثر مهمی ندارد. بله! نور افشانی از پشت ابر کمتر خواهد بود. بدین ترتیب، ابرگرفتگی فقط یکی از منافع آفتاب را - آن هم در برخی نقاط - تقلیل می‌دهد، نه این که از بین ببرد.

۳. ابر هرگز آفتاب را نمی‌پوشاند، بلکه ما را می‌پوشاند؛ در نتیجه ما را از دیدن آن محروم می‌کند، نه آن که در منفعت‌رسانی آن خللی ایجاد نماید. چگونه می‌توان گفت کسی که عالم وجود در قبضه‌ی قدرت اوست و می‌تواند هر لحظه‌ای در هر جا حضور داشته باشد، غایب است؟

۴. پوشاندن ابر، اختصاص به کسانی دارد که در زمین هستند، نه کسی که بر فراز ابر حرکت می‌کند. غیبت آن حضرت نیز برای کسانی است که به دنیا و طبیعت دل بسته‌اند؛ اما کسانی که بر ابرهای شهوات و غبار هواهای نفسانی پا می‌گذارند و در آسمان عبودیت پرواز می‌کنند، در بهره‌گرفتن از خورشید با دیگران قابل مقایسه نیستند.

۵. آفتاب، لحظه‌ای از نورافشانی غفلت نمی‌کند. هر کس به اندازه‌ی ارتباطی که با خورشید

۱. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۲۹۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۹۲ - ۹۳، ج ۷.

۲. مفاتیح‌الجنان، دعای عدیله.



دارد، از نور آن بهره می‌برد و اگر بتواند همه‌ی موانع را کنار بزند و در برابر آفتاب بنشیند، بهره‌ی کاملی می‌برد؛ چنان که حضرت ولی‌عصر عجل الله فرجه مجرای فیض الهی هستند و از این جهت فرقی بین بندگان خدا نمی‌گذارند، ولی هر کس به اندازه‌ی ارتباط خود مستفیض می‌شود. عا اگر این آفتاب پشت ابر هم نباشد، شدت سرما و تاریکی، زمین را غیر قابل سکونت خواهد کرد. اگر وجود گرمی آن حضرت علیه السلام در پس پرده‌ی غیبت نباشد، سختی‌ها و تنگی‌های معیشت و کینه‌توزی دشمنان، مجالی به شیعه نمی‌دهد. آن حضرت در توفیق مبارک خود به مرحوم شیخ مفید رحمته الله نوشته‌اند:

«ما در مراعات حال شما سهل‌انگار نیستیم و هرگز شما را فراموش نمی‌کنیم، و گرنه سختی‌ها و تنگنای فرآوانی به شما می‌رسید و دشمنان، شما را نابود می‌کردند.»<sup>۱</sup>

۷. درست است که امام علیه السلام با حضور و ظهور خود می‌توانند مایه‌ی اضمحلال دشمنان شوند؛ آن‌گونه که از نظر علمی، تابش بدون ابر و مستقیم خورشید - به دلیل اشعه‌هایی که دارد - ضد عفونی‌کننده است و از نظر فقهی نیز جزو مطهرات محسوب می‌شود و برخی نجاسات را پاک می‌کند، اما وجود امام معصوم علیه السلام در نظام آفرینش مثل مغناطیس زمین است که با وجود نامرئی بودن، همه‌ی قبله‌نماها و قطب‌نماهای کشتی‌ها، هواپیماها و... را به حرکت درمی‌آورند و از برکت آن، میلیون‌ها و بلکه میلیارد‌ها انسان جهت قبله یا مسیر مسافرت خود را پیدا می‌کنند و به مقصد می‌رسند.

### جلوه‌هایی از محبت امام عصر عجل الله فرجه در زمان غیبت

#### ۱. یاد کردن حضرت علیه السلام از برخی از دوستاناران خود به اسم

نام هر کس؛ شخصی‌ترین، مورد علاقه‌ترین و عاطفی‌ترین نشانه برای اوست. آن‌گاه که نام ما را می‌خوانند، چه بسیار مایه‌ی شادمانی و سرورمان می‌گردد. حضرت مهدی عجل الله فرجه همه‌ی مردم و به‌ویژه شیعیان خود را نیک می‌شناسند و با نام تک‌تک آنان آشنا هستند<sup>۲</sup> نامه‌ی اعمال

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲. رک: آیه‌ی ۱۰۵ از سوره‌ی توبه و روایت ذیل آن.

ما هر هفته به خدمت حضرتش عرضه می‌شود. ایشان هرگز یاد ما را از خاطر نمی‌برند (و لا ناسینَ لِذِکْرِکُمْ).

آقای پورسید آقایی، از شاگردان آیت الله بهاء‌الدینی، می‌گوید:  
روزی آیت الله العظمی بهاء‌الدینی به من گفت: «امسال در مکه‌ی معظمه در مجلسی که آقا امام زمان عجل الله فرجه تشریف داشتند، اسم افرادی برده شد که مورد عنایت آقا بودند؛ از جمله‌ی آنان حاج آقا فخر<sup>۱</sup> بود.» خودم را به آقای فخر رساندم و از ایشان پرسیدم: «چه کرده‌ای که مورد عنایت حضرت علیه السلام واقع شده‌ای؟» گریه کرد و پرسید: «آقای بهاء‌الدینی نگفت چگونه خبر به ایشان رسیده است؟» گفتم: نه! حاج آقا فخر گفت: «من کاری نداشته‌ام، جز این که مادر من، علویه است و افلیح و زمین‌گیر شده است. تمام خدمات او را خود بر عهده گرفته‌ام؛ حتی حمام و شست‌وشوی او را. من گمان می‌کنم خدمت به مادر، مرا مورد عنایت حضرت علیه السلام قرار داده است.»<sup>۲</sup>

## ۲. سلام و تحیت امام علیه السلام بر دوستداران خود

سلام؛ تحیت، برکت، رحمت و سلامت است؛ نشانه‌ی محبت، صفا، اخلاص و یکرنگی است؛ رمز عاشق و معشوق، مرید و مراد است. سلام خدا و امام بر هر کس، مَهر تأییدی است بر کارنامه‌ی او.

«سَلَامٌ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ، الدَّاعِي إِلَى كَلِمَةِ الصِّدْقِ»<sup>۳</sup>

سلام بر تو ای یاور حق و دعوت کننده به راستی.

## ۳. معانقه و در آغوش گرفتن

از سید بحر العلوم نقل شده است که در بیان امکان رؤیت امام علیه السلام در زمان غیبت، به یکی

۱. حاج آقا فخر، از صالحانی بود که از محضر مرحوم شیخ مرتضی زاهد بهره‌ها برده بود و خود اسوه‌ی زهد و

ساده‌زیستی و پاکی و اخلاص بود و منزل او ماوای تشنگان معنویت و دل‌باختگان سیدالشهدا و امام عصر علیه السلام بود.

۲. سیری در آفاق (زندگی‌نامه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی)، ص ۳۷۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، نامه‌ی حضرت به شیخ مفید، صص ۱۷۵ - ۱۷۶.

از نزدیکان خود فرمود: چرا این‌طور نباشد؛ حال آن‌که حضرت ولی‌عصر<sup>۱</sup> ارواحنا فداه شبی مرا در مسجد کوفه به سینه‌ی خود چسبانیده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. آگاهی از احوال جامعه‌ی شیعه

در توقیع امام<sup>۲</sup> به شیخ مفید آمده است:

«فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ»؛

ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند.

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»؛

ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده‌ایم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.

#### ۵. شریک غم و شادی

مهدی منتظر<sup>عج‌الله‌فرجه</sup> شریک شادی و غم‌های دوستداران خویش هستند. صاحب کتاب مکیال المکارم، گروهی از روایات را متذکر می‌شود که به این موضوع می‌پردازند.<sup>۲</sup> جدای از آن‌ها از دیگر ائمه<sup>۳</sup> نیز در این مورد روایات فراوانی به ما رسیده است.

امام امیرالمؤمنین<sup>۴</sup> می‌فرمایند:

«إِنَّا لَنَفْرَحُ لِفَرَحِكُمْ وَ نَحْزَنُ لِحْزَنِكُمْ...»؛<sup>۳</sup>

ما در شادمانی شما شاد، و برای اندوه شما اندوهگین می‌شویم... .

امام صادق<sup>۵</sup> می‌فرمایند:

«وَ اللَّهِ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ...»؛<sup>۴</sup>

۱. عنایات حضرت مهدی<sup>عج‌الله‌فرجه</sup> به علما و طلاب، محمدرضا باقی اصفهانی، داستان علامه بحرالعلوم، ص ۲۶۲.

۲. ر.ک: ترجمه‌ی مکیال المکارم، ج ۱، صص ۳۴۱ - ۳۴۲.

۳. مکیال المکارم، ج ۲، صص ۵۳ و ۹۴.

۴. همان.

به خدا سوگند که من نسبت به شما از خود شما مهربان‌تر و رحیم‌ترم.

### ۶. دعا برای دوستداران خود

امام علیه السلام همواره برای دوستداران خود دعا می‌کند. صاحب مکیال المکارم در این خصوص، برخی دعاهای امام در حق شیعیانش را نقل کرده است.<sup>۱</sup> شاهد و مؤید این مدعا، روایتی است که قطب راوندی در خرایج آورده است:

جمعی از اهل اصفهان، از جمله ابوالعباس احمد بن النصر و ابوجعفر محمد بن علویه، نقل کردند که شخصی به نام عبدالرحمان مقیم اصفهان و شیعه بود. از او پرسیدند: «چرا به امامت حضرت علی‌النقی علیه السلام معتقد شدی؟» گفت: «چیزی دیدم که موجب شد من این چنین معتقد شوم. من مردی فقیر اما زباندار و پرجرات بودم. در یکی از سال‌ها، اهل اصفهان مرا با جمعی دیگر برای شکایت به دربار متوکل بردند. در حالی که در آن دربار بودیم، دستوری از سوی او بیرون آمد که علی بن محمد بن الرضا علیه السلام احضار شود. به یکی از حاضران گفتم: این مرد کیست که دستور احضارش داده شده؟ گفت: او مردی علوی است که رافضیان معتقد به امامتش هستند. سپس گفت: چنین می‌دانم که متوکل او را برای کشتن احضار می‌کند. گفتم: از اینجا نمی‌روم تا ببینم این مرد چگونه شخصی است؟ گوید:

آن‌گاه او سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ راه، در دو صف ایستاده به او نگاه می‌کردند. هنگامی که او را دیدم، محبتش در دلم افتاد. در دل برای او دعا کردم که خداوند شر متوکل را از او دفع کند. او در بین مردم پیش می‌آمد و به کاکل اسبش نگاه می‌کرد و به چپ و راست نظر نمی‌افکند و من در دل، پیوسته برایش دعا می‌کردم. هنگامی که کنارم رسید، صورتش را به سویم گردانید؛ آن‌گاه فرمود: خداوند دعایت را مستجاب کند، عمرت را طولانی و مال و فرزندان را زیاد فرماید.

از هیبت او بر خود لرزیدم و در میان رفقایم افتادم. پرسیدند: چه شد؟ گفتم: خیر است! و این واقعه را به هیچ مخلوقی نگفتم. پس از این ماجرا به اصفهان برگشتیم. خداوند به برکت

۱. مهج الدعوات، ص ۳۰۲.



دعای او راه‌هایی از مال بر من گشود؛ به‌طوری که امروز من تنها هزارهزار درهم ثروت در خانه دارم و این غیر از اموالی است که خارج از خانه ملک من است و ده فرزند دارم و هفتاد و چند سال از عمرم می‌گذرد. من به امامت این شخص معتقدم که آنچه در دلم، بود دانست و خداوند دعایش را دربارهام مستجاب کرد.<sup>۱</sup>

#### ۷. گفتن آمین بر دعاهای دوستداران خود

امام مهدی عجل الله فرجه آمین گوی دعاهای ما هستند. امام امیرالمؤمنین علیه السلام به زُمَیله می‌فرمایند؛ ای زُمَیله! هیچ مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر این‌که به مرض او مریض می‌شویم و اندوهگین نشود، مگر این‌که به سبب اندوه او اندوهگین گردیم و دعایی نکند، مگر این‌که برای او آمین گوئیم و ساکت نماند، مگر این‌که برایش دعا کنیم.<sup>۲</sup>

#### ۸. نامه به شیعیان

امام علیه السلام درنامه‌ای به شیخ مفید فرمودند:  
 «إِنَّهُ قَدْ أَذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالمُكَاتَبَةِ.»<sup>۳</sup>  
 همانا به ما اجازه داده شد تا تو را با نامه‌ای اکرام کنیم.

#### ۹. عیادت از دوستداران

داستان‌های متعددی از عیادت حضرت حجت عجل الله فرجه از دوستداران خود در کتاب‌ها نوشته شده است؛ از جمله‌ی آنها عیادت حضرت علیه السلام از حاج ملاعباس تربتی و حاج سیدعبدالله رفیعی است.<sup>۴</sup>

#### ۱۰. تشییع جنازه‌ی موالیان

حضرت علیه السلام در تشییع جنازه‌ی برخی از دوستداران مخلص خود شرکت می‌کنند، که در این

۱. الخرائج، باب حادی عشر فی معجزات الإمام علی بن محمد الهادی علیه السلام.

۲. ترجمه‌ی مکیال المکارم، ج ۱، صص ۴۴۷ و ۴۴۹.

۳. ر.ک: الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۴. عنایات حضرت مهدی...، صص ۳۴۹ و ۳۶۰.

مورد، نمونه‌های فراوانی ذکر شده است.

حضرت آیت الله امامی کاشانی در جلسه‌ی سوم مجلس ختمی که در «مسجد اعظم قم» از طرف استادان حوزه‌ی علمیه‌ی قم برگزار شده بود، در سخنرانی خود فرمودند: یکی از افرادی که مورد وثوق است و گاهی اخباری را در دسترس قرار می‌دهد، گفت که به‌منظور شرکت در تشییع جنازه‌ی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی علیه السلام از تهران به قم رفتم و به «مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام» رسیدم. در آنجا به دو نفر از اصحاب حضرت حجت ارواحنا فداه برخورد کردم. آنان به من گفتند: امام زمان علیه السلام در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشریف دارند؛ برو آقا را ملاقات کن. با عجله خودم را به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام رساندم و وارد مسجد شدم. در آن هنگام اذان ظهر را گفته بودند. من متوجه شدم که حضرت علیه السلام با سی نفر از اصحاب مشغول نماز هستند. اقتدا کردم. بعد از نماز، حضرت علیه السلام فرمودند: ما از همین جا تشییع می‌کنیم.... از مسجد خارج شدیم و دنبال جمعیت با آقا رفتیم تا به صحن رسیدیم.<sup>۱</sup>

مرحوم آیت الله سید محمدباقر مجتهد سیستانی - پدر آیت الله العظمی حاج سید علی سیستانی دامت برکاته - در مشهد مقدس، برای آن که به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا را چهل جمعه، هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز می‌کند.

ایشان می‌فرمود: در یکی از جمعه‌های آخر، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه‌ی نزدیک به آن مسجدی که من در آن مشغول به خواندن «زیارت عاشورا» بودم، می‌تابید. حال عجیبی به من دست داد و از جای برخاستم و به دنبال آن نور به در آن خانه رفتم. خانه‌ی کوچک و فقیرانه‌ای بود که از درون آن، نور عجیبی می‌تابید. در زدم. وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم که حضرت ولی‌عصر، امام زمان علیه السلام در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف دارند و در آن اتاق، جنازه‌ای را مشاهده کردم که پارچه‌ای سفید روی آن کشیده بودند. وقتی که وارد شدم و اشک‌ریزان سلام کردم، حضرت علیه السلام به من فرمودند: «چرا این‌گونه به دنبال من می‌گردی و این رنج‌ها را متحمل می‌شوی؟! مثل این باشی (اشاره به آن جنازه کردند) تا من به دنبال شما بیایم.» بعد فرمودند: «این بانویی است که در دوره‌ی بی‌حجابی

۱. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۱۳۷.

(دوران رضاخان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامد، تا مبادا نامحرم او را ببیند!«<sup>۱</sup>

### ۱۱. دفع بلا از شیعیان

از امام علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«أنا خاتمُ الأوصیاءِ و بی یدفعُ اللهُ عزَّ و جَلَّ البلاءَ عن أهلی و شیعتی»؛<sup>۲</sup>

من آخرین وصیم و خداوند به واسطه‌ی من بلا را از اهل و شیعیان من دور می‌سازد.

### ۱۲. پیام به موالیان

آن بزرگوار در فرازهای مهمی از تاریخ، پیام‌هایی برای جامعه‌ی شیعه یا برخی افراد می‌فرستند. داستان حرمت استعمال تنباکو به فتوای میرزای شیرازی<sup>۳</sup> و پیام به سید ابوالحسن اصفهانی و نیز به امام راحل علیه السلام در واقعه‌ی بیست و یکم بهمن، نمونه‌های خوبی از این اقدام است.<sup>۴</sup>

### ۱۳. مساجد و مقام‌ها

امام، جایگاه‌هایی را برای عبادت خدا و توجه به خود برمی‌گزیند و با نشانه‌ها و کراماتی همراه می‌کنند. ایشان همگان را به آن مکان‌های مقدس فرامی‌خوانند تا خدا را بخوانند و متوجه امام خود باشند و فرج او را - که فرج آن‌ها است - از پروردگار بخواهند. «مسجد سهله»، «مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام» و... از جمله مساجد مورد توجه آن وجود نازنین است. در ایران اسلامی، «مسجد جمکران» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.<sup>۵</sup>

### ۱۴. نصب نایبان

حضرت بقیة الله عجل الله فرجه با قرار دادن نایبان برای خود در ایام غیبت، یکی از مهم‌ترین

۱. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۸.

۲. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۴۶.

۳. شیفتگان حضرت مهدی عجل الله فرجه، ج ۲، ص ۳۵۵؛ عنایات حضرت مهدی ...، ص ۴۸.

۴. ر.ک: مجله‌ی انتظار، شماره‌ی ۱، ص ۳۱.

۵. النجم الثاقب، ص ۳۸۳.

جلوه‌های محبت امام علیه السلام به شیعیان را تجلی بخشیدند. شیعیان و جامعه‌ی مسلمین در دوران غیبت کبری، در حادثه‌ها با مراجعه به فقیهان به عنوان عالمان معارف الهی و راویان احادیث معصومین، واقعه‌ها را پشت سر می‌گذارند، تا به سرمنزل ظهور برسند.

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا»<sup>۱</sup>.

### ۱۵. درس آموزی به شیعیان

آن حضرت؛ دعاها<sup>۲</sup>، زیارات، پرسش‌های علمی برخی علما<sup>۳</sup> و... را به شیعیان تعلیم می‌دهند. از جمله‌ی این دعاها، «زیارت آل یاسین»، «الهی عَظَمَ الْبَلَاء»<sup>۴</sup> و «زیارت رجبیه» است که هر یک دارای مضامین بسیار بلندی است.

### ۱۶. از غربت تا حکومت

از هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام شیعه در غربت است و حیرتی جانکاه، حضرت را احاطه کرده است. اما امروز، ایران اسلامی با نام و یاد حضرت علیه السلام قیام می‌کند و با رهبری نایب او، پیروز می‌شود. آیا این چیزی جز عنایت و امداد ایشان است؟

مقایسه‌ی وضعیت گذشته و امروز، درس‌های زیادی را از جلوه‌ی محبت یار با خود به همراه دارد. در این زمینه، کلام حضرت علیه السلام به مرحوم میرزای نایینی رحمته الله علیه نمونه‌ی گویایی از این محبت است: «اینجا (ایران) شیعه‌خانه‌ی ما است؛ می‌شکند، خم می‌شود، خطر هست، اما ما نمی‌گذاریم سقوط کند. ما نگهش می‌داریم.»<sup>۵</sup>

### ۱۷. فریادرسی درماندگان

داستان‌های متعددی دال بر چگونگی فریادرسی حضرت علیه السلام از مستضعفان جهان و

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۳۵.

۲. عنایات حضرت مهدی...، صص ۵۷ و ۷۴.

۳. همان، صص ۱۵ و ۲۸.

۴. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۳۴.

۵. ر.ک: عنایات حضرت مهدی...، ص ۳۱۵.

دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد.

داستان مرحوم نمازی شاهرودی و چگونگی نجات کاروان راه‌گم‌کرده‌ی ایشان در مکه از جمله‌ی این وقایع است.<sup>۱</sup> پس از اطلاع از این موضوع، تعدادی از دانشجویان سرخ‌پوست به اسلام گرویدند.

از دیگر اتفاقات، واقعه‌ای است که برای قبایل داکوتای شمالی و منطقه‌ی قطب به وجود آمد. سه قبیله‌ی سرخ‌پوستان از قبایل داکوتای شمالی در هنگام نیاز و یا زمانی که در یخ‌های قطبی و جنگل راه را گم می‌کنند از فردی به نام «مهدی» یاری می‌طلبند. این افراد تا این اواخر از ارتباط این نام با اسلام و یا اصولاً از وجود مکتبی به نام اسلام بی‌اطلاع بودند.

زبان‌شناسان و محققان زبان‌های بومی امریکای شمالی، کشف کرده‌اند که ریشه‌ی «مهدی» و «مهدی» در زبان‌های بومی اولیه در کشورهای شمالی و جنوبی امریکا، از جنبه‌ی بسیار مذهبی و اسرارآمیزی برخوردار است.<sup>۲</sup>

### ۱۸. دفاع از شیعیان در برابر دشمنان

در موارد متعددی، حضرت علیه‌السلام از برخی دوستداران خود دفاع می‌کنند. داستان «ضربه‌ی صفین»<sup>۳</sup> و دفاع از وحید بهبهانی<sup>۴</sup> از جمله‌ی این موارد است. این دفاع منحصر به موارد شخصی و فردی نیست؛ بلکه در مواردی از جامعه‌ی شیعه دفاع می‌کنند و باعث حفظ آنان می‌شود. «داستان انار» که مربوط به شیعیان بحرین و وزیر آن - که دست‌نشانده‌ی انگلیسی‌ها بوده - از دیگر موارد است.<sup>۵</sup>

۱. ر.ک: پادشه خوبان، ص ۱۰۰. برای آگاهی از موارد دیگر، ر.ک: تشرف یافتگان، ص ۴۹ و عنایات حضرت مهدی ...، صص ۳۰۵، ۳۴۵ و ۴۱۳.

۲. خبرنگاره‌ی فرهنگی - اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی، شماره‌ی منبع ۱۳، خرداد ۱۳۶۶، ص ۶: به نقل از صبح امید، صدر الدین هاشمی دانا، ص ۱۲۶.

۳. برکات حضرت ولی‌عصر (حکایات العبقری الحسان)، ص ۱۲۴.

۴. ر.ک: عنایات حضرت مهدی ...، ص ۹۳.

۵. النجم الثاقب، حکایت ۴۹، ص ۵۵۶.

### ۱۹. هدایت‌گری

افراد متعددی به دست حضرت هدایت شده‌اند؛ از آن جمله بحرالعلوم یمنی است.<sup>۱</sup>

### ۲۰. برآوردن حاجات و رفع مشکلات

در موارد متعددی حضرت علیه السلام در راه برآوردن حاجات و مشکل‌گشایی تلاش کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### ۲۱. شفای بیماران

داستان‌های فراوانی وجود دارد که حضرت بسیاری از بیماران لاعلاجی را که به آن حضرت علیه السلام متوسل شده‌اند، شفا داده‌اند.<sup>۳</sup>

### ۲۲. همسفره شدن با موالیان

شیخ اسدالله زنجانی فرمود: این قضیه را دوازده نفر از بزرگان، از شخصی که در محضر سید بحرالعلوم علیه السلام بود، نقل کردند. آن شخص می‌گوید: هنگامی که جناب آقای شیخ حسین نجفی از زیارت بیت‌الله الحرام به نجف اشرف مراجعت کرد، بزرگان دین و علما برای تبریک و تهنیت به حضور او رسیدند و در منزل ایشان جمع شدند.

سید بحرالعلوم علیه السلام چون با جناب آقا شیخ حسین، کمال رفاقت و صمیمیت را داشت، در اثنای صحبت، روی مبارک خویش را به سمت او گرداند و فرمود: «شیخ حسین! تو آن قدر سربلند و بزرگ گشته‌ای که باید با حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام هم کاسه و هم غذا شوی!» شیخ متغیر و حالش دگرگون شد. حضار مجلس از شنیدن سخن سید بحرالعلوم، اصل قضیه را از ایشان سؤال کردند.

سید فرمود: «آقا شیخ حسین! آیا به یاد نداری که بعد از مراجعت از حج در فلان منزل بودی؟ در خیمه‌ی خود نشسته و کاسه‌ای که در آن آبگوشت بود، برای ناهار خود آماده کرده بودی. ناگاه از دامنه‌ی بیابان جوانی خوش‌رو و خوش‌بو در لباس اعراب وارد گردید و از غذای

۱. رک: عنایات حضرت مهدی ...، ص ۹۱. و همچنین است حکایت شیخ ابوالقاسم حاسمی و رفیع‌الدین حسین؛

رک: همان، ص ۸۹.

۲. رک: عنایات حضرت مهدی ...، صص ۲۷۳ و ۲۸۴؛ شمیم عرش (تشریف یافتگان)، ص ۱۵۰.

۳. رک: عنایات حضرت مهدی ...، صص ۱۷۷ و ۱۹۴ و کرامات‌المهدی.

تو تناول فرمود. همان آقا، روح همه‌ی عوالم امکان، حضرت صاحب الأمر و الزمان بودند.»<sup>۱</sup>

### ۲۳. تذکر و نصیحت به دوستداران

حضرت عجل الله فرجه به کسی که مال خود را از دست داده بود، فرمودند: «برای از دست دادن مال و ضرری که امسال دیده‌ای، غم مخور! زیرا خداوند می‌خواهد بدین وسیله تو را امتحان کند. مال می‌آید و می‌رود. آنچه ضرر کرده‌ای به‌زودی جبران خواهد شد و قرض‌هایت را پرداخت خواهی کرد.»<sup>۲</sup>

### ۲۴. زیارت و حج نیابی از طرف دوستان

حضرت ولی‌عصر عجل الله فرجه در تشریفی، به سیدکریم کفاش فرمودند: بیا با هم به زیارت قبر حاج سید علی مفسر برویم. وقتی در خدمتشان به آنجا رفتیم، دیدم روح آن مرحوم کنار قبرش ایستاده است و به آن حضرت علیه السلام اظهار ارادت می‌کند. بعد سید علی به من گفت: سید کریم! به حاج شیخ مرتضی زاهد سلام مرا برسان و بگو، چرا حق رفاقت و دوستی را رعایت نمی‌کنی؛ به دیدن ما نمی‌آیی و ما را فراموش کرده‌ای؟

حضرت ولی‌عصر عجل الله فرجه به سید علی فرمودند: حاج شیخ مرتضی گرفتار و معذور است؛ من به جای او خواهم آمد.<sup>۳</sup>

۱. برکات حضرت ولی‌عصر علیه السلام، ص ۲۸۸؛ العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. تاریخ الغیبه الکبری، سید محمد صدر، ج ۲، ص ۱۲۵؛ به نقل از النجم الثاقب، ص ۳۶۶.

۳. عنایات حضرت مهدی ...، ص ۳۶۸.

### سوالات پژوهشی

۱. کدام یک از این عبارات درست است و چرا؟ آثار امام مهدی یا فواید امام مهدی؟
۲. اگر امام نباشد؛ چه اتفاقی در عالم می‌افتد؟
۳. فهرستی از آثار و برکات امام مهدی علیه السلام را تهیه کنید.

### منابع مطالعاتی

۱. مکیال المکارم، محمدتقی اصفهانی، قم، جمکران، ۱۳۸۵.
۲. کمال الدین، محمد بن علی صدوق، قم، جمکران، ۱۳۸۴.
۳. عنایات امام مهدی به علما و طلاب، محمدرضا باقی اصفهانی، بی‌نا، بی‌تا.
۴. مجله‌ی انتظار، شماره‌های ۱، ۳، ۷ و ۹.



## درسنامه‌ی چهارم

### فصل انتظار

آنچه این درس به آن می‌پردازد:

- تعریف انتظار

- انتظار صحیح

- راهبردهای عملی شدن انتظار

- آسیب‌های انتظار

## تعریف انتظار فرج

انتظار، برگرفته از ریشه‌ی «نظر» و در لغت به معنای تأمل در یک چیز و چشم‌داشت به آن و چشم به راه آن بودن است.<sup>۱</sup> اما در مباحث مهدویت، مراد از «انتظار»، چشم به راه ظهور آخرین حجت الهی بودن است. البته با در نظر گرفتن مجموع روایات، نمی‌توان انتظار را فقط چشم به راه ظهور بودن معنا کرد؛ بلکه بر اساس روایات انتظار فرج، انتظار؛ یعنی امید به فردایی بهتر و تلاش در جهت ایجاد فردایی روشن‌تر و اعتقاد به این‌که فردای روشن جز با حضور انسان کامل و امام معصوم علیه السلام محقق نخواهد شد.

بر این اساس، می‌توان ماهیت انتظار را در سه عنصر امید، عمل و اعتقاد خلاصه کرد؛ چراکه اساساً هر انتظاری بر پایه‌ی امید به رخداد خاصی شکل می‌گیرد و به‌طور ویژه، انتظار فرج افزون بر امید، تلاش برای برداشتن موانع تحقق آن امید را نیز به همراه دارد و بر همین اساس، از آن به «افضل الاعمال» یاد شده است.<sup>۲</sup> بهترین روز بشری با ظهور انسان کامل رقم خواهد خورد، که فضایل همه‌ی پیامبران الهی و خوبی‌های بندگان شایسته‌ی الهی را با خود دارد. بی‌حضور و ظهور او، هر خوبی آمیخته با نقصان و هر روشنایی همراه تاریکی خواهد بود و این عقیده‌ای ثابت در مکتب انسان‌ساز اسلام است.

۱. جوهری، صحاح، ذیل ریشه‌ی «نظر».

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ برترین اعمال امت من، انتظار فرج است. بحار الانوار،

## ویژگی‌های انتظار فرج

در اینجا پنج ویژگی انتظار فرج را به اختصار برمی‌شماریم.

### ۱. انتظار؛ پیوندی عاقلانه و عاشقانه

رابطه‌ی آدمی با انسان کامل، رابطه‌ای عاقلانه و عاشقانه است. انسان کامل از نظر فضایل انسانی و عدالت رفتاری، مطلوب عقل می‌باشد. او به عنوان زیباترین حقیقت در عالم خلقت، دل را به خود می‌خواند و عشق انسانی را جهت می‌دهد. در نگاه مکاتب عرفانی بشری، میان عقل و عشق، تضاد و دوگانگی حاکم است. این مکاتب با نگاه ناقص خود، از ایجاد وحدت میان عقل و عشق ناتوان بوده‌اند.

اگر ما عقل را به «ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَانُ وَ اِكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»<sup>۱</sup> تعریف کنیم و عشق و مهرورزی را با این نگاه که «هَلِ الدِّينُ اِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ فِي اللهِ»<sup>۲</sup> محک بزنیم، آن‌گاه این دو جریان به اتحاد خواهند رسید و هدف آن‌ها عبودیت الهی و محور هدایت آن‌ها، انسان کامل خواهد بود.

### ۲. انتظار؛ رابطه‌ای دوطرفه

بعضی از پیوندها جز با تصور دو طرف رابطه و وجود حقیقی آن‌ها ایجاد نمی‌شود. رابطه‌ی پدر و فرزند، زن و شوهر و... از جمله‌ی این موارد است. رابطه‌ی منتظر و منتظر نیز همین‌گونه است. دوطرفه بودن روابط یادشده، معانی زیادی به همراه دارد. از جمله‌ی این معانی، احساس وابستگی به یکدیگر است. این وابستگی؛ نوعی شور، شوق، عشق و حماسه را می‌آفریند.

### ۳. انتظار؛ رابطه‌ای تشکیکی

هر اقدام و حرکتی که از یک طرف این رابطه‌ی عاشقانه شکل بگیرد و یا تشدید شود، حرکت‌های امیدبخش و فرحزایی را در طرف مقابل رقم خواهد زد. بر این اساس، دعای منتظر، دعای اوست؛ توجه به حضرت علیه السلام، عنایت ایشان را به همراه خواهد داشت؛ سلام

۱. «عقل آن چیزی است که خدا با آن پرستش می‌شود و بهشت به واسطه‌ی آن به دست می‌آید»؛ اصول کافی،

ج ۱، ص ۱۱.

۲. «آیا دین چیزی جز دوستی و دشمنی در راه خداست؟»؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲.

ما با سلام گرم او همراه خواهد بود؛ عشق و ارادت ما، عشق و محبت او را به دنبال خواهد داشت؛ حرکت ما، حرکت او را در پی دارد؛ و زمینه‌سازی ما، ظهور آن حضرت علیه السلام را به دنبال خواهد داشت.

عنایت‌های او را نباید در خواب‌ها و رؤیاهای و مسائلی از این قبیل جستجو کرد؛ زیرا این چنین ارتباط با انسان کامل و خلاصه کردن همه‌ی فواید وجودی او در مسائل شخصی و احساسی، از معرفت به امام علیه السلام فرسنگ‌ها فاصله دارد. رؤیت و دیدار ایشان در زمان غیبت، گرچه مطلوب هر منتظر عاشق است، اما هرگز نمی‌تواند غایت انتظار یا تمام همت منتظر و وظیفه‌شناس باشد. افزون بر آن، هر رؤیتی، دلیل بر عنایت ویژه و هر عنایتی، محصور در رؤیت و جواز تشریف نیست.

تصور و اعتقاد به دوطرفه بودن و تشکیکی بودن رابطه‌ی بین انسان و ولی امر و حرکت بر اساس این اعتقاد، آثار بسیاری در زندگی انسان منتظر و حتی جامعه‌ی منتظر دارد. امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی، داستان نزول بلایی چهارصد ساله بر بنی‌اسرائیل را شرح دادند و از وعده‌ی نجات آن‌ها به دست موسی علیه السلام سخن به میان آوردند و این‌که به دلیل ضجه‌ی کودکان و ناله‌ی مادران و اضطراب مردان، در عذاب بنی‌اسرائیل و ابتلای چهارصد ساله‌ی آن‌ها صد و هفتاد سال تخفیف داده شد؛ آن‌گاه فرمودند:

«هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا وَ أَمَا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ»<sup>۱</sup>

اگر شما نیز چنین به اضطراب رسیدید، همانا خداوند فرج ما را تحقق خواهد بخشید؛ وگرنه سیر تاریخ همین‌گونه که هست، پیش خواهد رفت تا به انتهای خود برسد.

#### ۴. هماهنگ شدن با اهداف؛ عملکرد و اندیشه‌ی امام علیه السلام

انتظار، رفته‌رفته منتظر را با اقتضائات خود هماهنگ می‌کند، و دید، فکر و عمل او را هم‌سنگ نگاه، تفکر و عملکرد محبوب خود می‌سازد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد هرچه از عمر منتظر می‌گذرد، او بیشتر به محبوب نزدیک می‌گردد و شاید بر همین اساس باشد که امام صادق علیه السلام

۱. همان، ج ۲، ص ۱۳۲.

فردی را که از دوری فرج شکایت می‌کرد، به این امر آگاه کردند و فرمودند:

«إِذَا عَرَفْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَنْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ»<sup>۱</sup>

هنگامی که صاحب این امر را شناختی، تقدم و تأخر فرج او ضرری به حال تو نخواهد داشت. روایت فوق به این معنا است که با معرفت امام و قرار گرفتن در مدار وی، انسان به غایت فرج دست می‌یابد و پیوسته خوشه‌چین باغ حضور خواهد بود.

### ۵. انتظار و فرصت سازی

می‌توان پنجمین ویژگی انتظار را ایجاد فرصت برای بسیاری از کارهای عقب‌مانده‌ی بشر دانست. کارهایی که حتی با حضور امام معصوم علیه السلام نیز مورد غفلت بشر قرار گرفته است. یکی از این تلاش‌ها، جدیت در راه کسب معرفت امام علیه السلام است، تا با او مانند اجداد مظلوم ایشان رفتار نشود.

انتظار، به بشر فرصت خودشناسی و خداشناسی می‌دهد؛ آدمی کیست، به کجا می‌رود و چه کسی در مسیر پر پیچ و خم دنیا او را رهنمون می‌شود؟ این‌ها سوالاتی است که ذهن بشر منتظر را به خود می‌خواند. آدمی در این فرصت خواهد فهمید که همه چیز از خود او آغاز می‌گردد؛ انسانیت با دین، و دین با رسول و حجت‌زنده حیات می‌یابد. او باید این شروع‌ها را باور کند و رفتار خویش را بر این اساس تعادل بخشد، تا زمینه‌ی حضور حجت‌عدل را فراهم آورد. در غیر این صورت، حجت‌عدل در پس فتنه‌ها، تباهی‌ها و فسادها به فراموشی سپرده خواهد شد؛ مانند جمل، صفین و نهروان غبارهایی ولی خدا را پنهان خواهد کرد. قرآن‌ها بر نیزه‌ی ستم در برابر قرآن ناطق به هماوردی خواهد پرداخت و ولی خدا در برابر غفلت و جهالت امت سر در چاه خواهد نهاد و یا رأس خونین امام علیه السلام بر بالای نیزه‌ها شهر به شهر خواهد گردید. انتظار، چشم‌ها را می‌گشاید و منتظر می‌فهمد که قرآن آن نبود که در صفین بر نیزه‌ها زدند؛ بلکه آن بود که در کربلا بر نیزه آویختند.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۱.

## ارزش و جایگاه انتظار

منتظران ظهور او، بهترین اهل همه‌ی دوران‌ها هستند.<sup>۱</sup> منتظران وی در فضیلت و استقامت، همپای یاران حسین علیه السلام و پهلوانان کربلا می‌باشند. آنان گوی سبقت را از همه‌ی مجاهدان حق در همه‌ی دوران‌ها ربوده‌اند. ایشان در بین عباد صالح، پیشتازان جبهه‌ی حق، شرف و عدالت‌اند. آنان که به امر امامت او چنگ زنند، در باغ‌های بهشت همراه پدران وی خواهند بود و ثواب کسی را خواهند برد که در راه خدا در خون خود غلتیده باشد.<sup>۲</sup> آن‌ها که در سختی‌های زمان غیبت بر ولایت او ثابت‌قدم باشند، چونان هزار نفر از شهدای بدر و احد پاداش خواهند گرفت.<sup>۳</sup> این همه بذل و بخشش در ثواب و پاداش و چنین فضیلت و ارزشی برای افرادی که در دورانی خاص زندگی می‌کنند، گویای سنگینی مسئولیت ساکنان آن دوران و اوج امتحاناتی است که خداوند از آن‌ها خواهد گرفت.

این همه به گونه‌ای است که صحابه نیز با همه‌ی صبرها و استقامت‌های خود در صدر اسلام، اگر در این زمان باشند، صبر از کف خواهند داد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله روزی رو به اصحاب کرده، فرمودند: «بعد از شما قومی خواهند آمد که هر یک از آنان پاداش پنجاه نفر از شما را خواهد داشت.» اصحاب که از چنین سنجش سهمگینی در شگفت شده بودند، پرسیدند: ای پیامبر خدا! ما در بدر و حنین همراه تو بوده‌ایم، چگونه اینان بر ما این گونه برتری خواهند داشت؟ فرمودند: «اگر مسئولیتی را که بر آنان است، بر دوش شما بگذارم، صبر آن‌ها را نخواهید داشت.»<sup>۴</sup>

## لوازم انتظار

درباره‌ی لوازم انتظار، اشاره‌ای گذرا به دو مورد خواهیم داشت.

۱. همان، ص ۱۲۲.

۲. همان، ص ۱۲۳.

۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۳۵.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

### ۱. نفی وضع موجود از طرف منتظر

اساساً منتظر به دلیل تناقضی که در نظام اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی دوران غیبت می‌بیند و با تصویری که از جامعه‌ی مهدوی دارد، وضعیت موجود را بر نمی‌تابد و برای رسیدن به جامعه‌ی مهدوی، در لوای حکمت و حکومت انسان کامل، لحظه‌شماری می‌کند.

وی به این نتیجه رسیده است که حتی متن دین نیز بی حضور امام علیه السلام، آنچه که باید، نیست و نماز، روزه، حج و جهاد، حقیقت خود را در نبود او از دست داده‌اند. شاهد این امر، روایاتی است که امام معصوم علیه السلام را عین نماز و روزه می‌شناساند<sup>۱</sup> و یا شرط تمامیت و صحت حج را ملاقات امام علیه السلام می‌داند.<sup>۲</sup> واقعیت موجود در نمازها و همه‌ی اعمال عبادی متدینین در نبود امام معصوم علیه السلام همین امر را تأیید می‌کند. تاریخ‌نگاران از زبان یک صحابی (ابوموسی اشعری) نقل کرده‌اند که یکی از اصحاب، روز اول خلافت ظاهری امیر مؤمنان، علی علیه السلام در مدینه و در مسجد النبی پشت سر علی علیه السلام نماز را به جماعت خواند و بعدها در محافل مختلف می‌گفت: «صَلَّيْنَا خَلْفَ عَلِيٍّ فَذَكَرْنَا صَلَاتَهُ بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ»<sup>۳</sup>؛ پشت سر علی علیه السلام نماز خواندیم و نماز او ما را به یاد نماز رسول خدا صلوات الله عليه انداخت. این سخن صحابی دلیل روشنی بر تفاوت نماز با حضور امام معصوم (علی علیه السلام) و نماز بی حضور اوست.

### ۲. نهضت مداوم در درون و برون برای ساختن و ساخته شدن

این امر، هم توصیه‌ی امام غایب و پدران او و هم نوع کاملی از زمینه‌سازی ظهور به شمار می‌رود، زیرا اصولاً حکمت انتظار ایجاب می‌کند که انسان به غایات آن انتظار پایبند باشد. شاید مهم‌ترین غایت انتظار فرج، ساختن و ساخته شدن در مسیر عبودیت است. این دیدگاه، اندک اندک به تربیت انسان‌هایی می‌انجامد که موعود را در انقلاب جهانی‌اش یاری می‌کنند.

۱. عن علی علیه السلام: أَنَا صَلَوَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ صِيَامُهُمْ. ر.ک: حافظ رجب البرسی الحلی، مشارق أنوار الیقین فی حقائق أسرار امیر المؤمنین، ص ۳۱۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۴.

۳. ر.ک: تاریخ خلفاء، نوشته‌ی رسول جعفریان.

## راهبردهای انتظار فرج

راهبردهای انتظار، نمودهای عینی تفکر توحید باور در اعمال و رفتار منتظران است، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ورع: بر اساس برخی از روایات، می‌توان نخستین راهبرد انتظار را «ورع» دانست. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ»<sup>۱</sup>  
هر که از شما بخواهد منتظر امر امامت باشد، باید در همان حال که انتظار می‌کشد، عملش همراه با ورع باشد و حسن خلق پیشه کند و به حال انتظار بماند.

ورع را اوج ملکه‌ی تقوا و ملکه‌ای قوی دانسته‌اند که انسان را حتی از میل به گناه بر حذر می‌دارد. این امر با توجه به گسترش امیال و هوس‌ها و اسباب گناه توسط دجال و کسان دیگر در زمان غیبت، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

۲. حسن خلق: از روایت یادشده برمی‌آید که «حسن خلق» نیز راهبرد منتظران ظهور است و این خود هزار نکته‌ی باریک‌تر از مو را به همراه دارد. بیشتر آنان که در زمان غیبت به حضور صاحب الامر علیه السلام رسیده یا به گونه‌ای از عنایت او بهره‌مند شده‌اند، به حسن خلق شهره بوده‌اند؛ مانند مرحوم حاج آقا فخر تهرانی<sup>۲</sup> و میرزا جواد آقای تهرانی<sup>۳</sup> که تفقد ولی عصر علیه السلام از آنان به اثبات رسیده و حسن خلق ایشان با ملازمانشان، پیوسته الهام‌بخش و درس‌آموز بوده است.

۳. عبادت رسوخ کرده در جان آدمی به همراه عبودیت

۴. ولایتمداری و ترجیح خواسته‌های مولا علیه السلام بر هوس‌های خویش

۵. شهادت‌طلبی و آرزوی جهاد در رکاب امام علیه السلام

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۰۰.

۲. همان گونه که قبلاً گذشت، حاج آقا فخر تهرانی تا انتهای عمر از مادر زمینگیر خود به بهترین وجه سرپرستی نمود و به نقل از آیت الله بهاء‌الدینی، در عرفات و در مجلسی که با حضور امام مهدی علیه السلام برپا بود، مورد دعا واقع شد.

۳. سبزی‌فروشی در مشهد نقل می‌کند که: میرزا دسته‌ای سبزی خرید و مدتی بعد برگشت و در حالی که مورچه‌ای را روی سبزی‌ها نشان می‌داد، گفت: من مورچه را از خانه‌اش دور کرده بودم و اینک سبزی‌ها را آورده‌ام اینجا بگذارم تا مورچه لانه‌ی خودش را پیدا کند.



## آثار انتظار

اگر با راهبردهای ذکرشده، انتظار صحیح را در زندگی خود تحقق ببخشیم، نتایج و آثار بی‌بدیلی به ارمغان خواهد آورد. می‌توان گفت که انتظار، چهار اثر و نتیجه‌ی بزرگ دارد:

۱. تنظیم فکرها؛
۲. بازسازی روحیه‌ها؛
۳. پرورش طرح‌ها؛
۴. انگیزه‌سازی برای اعمال.

انتظار، با تنظیم و مهندسی فکر منتظر، فکر عمیق و صحیح دینی را در او شکل می‌دهد و برای او بستری نظام‌مند برای حل شبهه‌ها می‌سازد و او را از اتلاف عمر در پیچ و خم شبهه‌های فکری و شهوت‌های عملی نجات می‌دهد. انتظار، با بازسازی روحیه‌ی منتظر، ظرفیت او را در برابر گرفتاری‌ها و رویارویی با مشکلات افزایش می‌دهد. روح وی را همچون کوهی می‌سازد که در مقابل تندبادهای حوادث، خم به ابرو نمی‌آورد. از سوی دیگر، در فرصت انتظار، طرح‌ها و برنامه‌ها پرورش می‌یابند، تئوری‌ها پخته می‌شوند، پراکنده‌کاری‌ها و دوباره‌کاری‌ها و بیهودگی‌ها به کمترین اندازه می‌رسند، و سرانجام در سایه‌ی انتظار، انگیزه‌های نیرومند شکل می‌گیرند و عمل‌ها را زاینده و قوت می‌بخشند و به خمودی‌ها و سستی‌ها پایان می‌دهند.

## آسیب‌شناسی انتظار

هر پدیده و اتفاق، زمانی به آسیب می‌رسد که در ورطه‌ی افراط و تفریط گرفتار آید و یا با نگاهی ناقص و به دور از جامع‌نگری، مورد قبول واقع شود. به لحاظ واقعیت‌های جامعه‌ی منتظر، می‌توان این امور را از آسیب‌های انتظار برشمرد:

### ۱. نگاه بیمارگونه به انتظار

از آسیب‌های اساسی انتظار، ورود از دریچه‌ی خواب، داستان‌ها یا راههایی از این قبیل به حیطة‌ی ارتباط با امام عصر عجل الله فرجه است؛ بدین معنا که منتظر همه‌ی شخصیت امام

عصر عجل الله فرجه را همان انگارد که در خواب دیده و یا در داستان‌های تشریف خوانده و برای تکمیل نگاه خود، منتظر خواب بعدی یا تشریف بعدی است و یا همه‌ی پیوند با امام را منحصر در رؤیا یا تشریف بداند. این نگاه، علاوه بر آن که از منتظر، فردی تک‌بعدی در حیطه‌ی انتظار خواهد ساخت، می‌تواند آسیب‌های بزرگ و حتی انحراف‌های خطرناک و پیچیده‌ی اعتقادی، عملی و اجتماعی را بیافریند؛ زیرا بسیاری از رؤیاها یا داستان‌های تشریف، که گاه امری مشتمل بر کارهای نامتعارف اخلاقی و عملی از ساحت معصوم علیه السلام است، به‌یقین نادرست و از تسویلات شیطان رجیم است. منتظر نباید با هوس‌بازی یا جاه‌طلبی، خود یا اجتماع را دچار آثار این شیطنت‌ها یا خیال‌پردازی‌ها کند.

## ۲. انتظار متوقعانه‌ی دیدار

مسلم است که غیبت ولی‌عصر عجل الله فرجه بر اساس مصالح حکیمانه‌ی الهی است و طبق برخی روایات، تا بعد از ظهور، حکمت اصلی غیبت پوشیده خواهد ماند.<sup>۱</sup> بنابراین، خروج فرد یا افرادی از حیطه‌ی غیبت و توفیق تشریف به محضر ایشان نیز به مصلحت حکیمانه‌ی دیگری است.<sup>۲</sup> رؤیت در زمان غیبت، اگر همراه با نوعی توقع باشد، به‌طور قطع انتظار بجا و صحیحی نخواهد بود و تشویق، ترغیب یا ایجاد حالت‌های افراطی عاطفی در افراد از طریق بیان داستان‌های مشکوک تشریف و خیال‌پردازی‌های آمیخته با هوس‌بازی - که در برخی کتاب‌ها، سخنرانی‌ها یا مداحی‌ها به چشم می‌خورد - مورد رضایت شارع مقدس نیست. این امور، گاه سبب رفتارهای غیرمؤدبانه یا ابراز کلمات خالی از متانت خطاب به بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه می‌شود و شخصیتی عظیم که خدمت به او آرزوی انبیا و اولیای الهی است، با سخنانی ساده‌لوحانه و دور از معرفت، مخاطب قرار می‌گیرند.<sup>۳</sup>

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۲.

۲. همان‌گونه که از داستان تشریف علی بن عیسی بحرینی، این نکته به‌خوبی استفاده می‌شود.

۳. متأسفانه هرچه که پیش می‌رویم، مصادیق متعدد و بیشتری از این پدیده‌ی نامطلوب در جامعه پیدا می‌شود. از جمله‌ی این پدیده‌های نامطلوب، عبارتند از:

- نوشتن کتاب‌هایی که مروج دیدارهای بی‌حساب و کتاب با امام علیه السلام حتی برای فاسقان و بدکاران است!

### ۳. افراط و تفریط فکری و رفتاری

سخنان و یا رفتارهایی غلوآمیز درباره‌ی امام معصوم علیه السلام و بر زبان راندن کلمات یا انجام دادن رفتارهای سبک و نابجایی که در شأن و مقام مجالس معصومین علیهم السلام نیست، هر دو به یک اندازه خطرناک و معصیت هستند. چه بسا این اعمال در تاریخ، گروه فراوانی را از حیطة‌ی ولایت یا اصل دین بیرون برده است؛ کلماتی از قبیل «لا اله الاّ زهرا»، «هو یا علی، حسین اللّهی»، «خدای من مهدی است». و نیز رفتارهایی همچون بستن قلاده‌ی سگ به گردن و خواستن نان از امام مهدی یا امام حسین علیهم السلام، زخمی کردن سر و صورت، درآوردن صدای سگ، الاغ و... نه تنها ابراز علاقه به خاندان توحید و نبوت شمرده نمی‌شود، بلکه نهایت حماقت و نهایت بی‌دینی و فسق اعتقادی و عملی را نشان می‌دهد و چاره‌ای جز توبه‌ی سریع و ابراز پشیمانی در مجالس همگانی ندارد.

### ۴. مرید و مراد بازی

به بهانه‌ی مجالس مهدوی، گاه کسی - اعم از بانی مجلس، سخنران یا دیگری - در مجلسی آن قدر اهمیت می‌یابد که در نبود او، دیگر بهانه‌ای برای برگزاری «دعای ندبه» یا «مجلس مهدوی» نمی‌ماند؛ گویا امام معصوم علیه السلام را جز از طریق این شخص یا این جلسه‌ی خاص نمی‌توان شناخت! آری! علاقه‌ی مردم به جلسه یا شخص خاصی بر پایه‌ی دلیل مشروع و معقول، نه تنها عیب نیست، بلکه مطلوب نیز هست، اما پیوند زدن انتظار و ارتباط عاطفی و عملی مردم با امام عصر علیه السلام به این امور، بنابر ادله‌ی نفی نیابت خاص و ادله‌ی دیگر، به طور قطع مردود است.

باید تأکید کرد که جز مراجع عظام تقلید و فقهای عظیم الشان - که نواب عام حضرت‌اند

- ادعای رؤیت امام علیه السلام در برخی هیأت‌ها و تکایا.

- ادعای همسفره بودن امام با برخی در مجالس گوناگون.

- امضا گرفتن از امام علیه السلام.

- ادعای همسری امام علیه السلام.

- بی‌توجه جلوه دادن امام علیه السلام به حال شیعیان با عباراتی از قبیل: آقا! مگر تو این همه ظلم و فساد را نمی‌بینی؟ و...

هیچ کس و هیچ چیز دیگری نسبت به امام مهدی عجل الله فرجه اولویت خاص ندارد و نمی‌تواند ادعای باب یا رابط بودن یا مرشد و مراد بودن داشته باشد. روی آوردن برخی به این اشخاص، نه دلیل حقانیت، که ناشی از ترکیب دو عنصر هوس‌بازی و جاه‌طلبی از یک طرف و ساده‌لوحی و بی‌معرفتی از سوی دیگر است.

### ۵. علم‌زدگی

گاه غرق شدن در مطالعه‌ی مباحث دینی، به‌ویژه مباحث امامت، به‌گونه‌ای است که فرد همین اندازه از ارتباط با امام عصر عجل الله فرجه را کافی می‌بیند و در بعد عواطف و احساسات، میان خود و امام پل نمی‌زند. البته خوشبختانه این آسیب کمتر دیده می‌شود.

### ۶. عاطفه‌زدگی

پرورش احساسات و عواطف، بی‌اعتنا به غنی‌سازی معرفتی، گونه‌ای از آسیب است که بهره‌ی مؤمن را از دین و امام خویش بسیار کم می‌کند. متأسفانه این آسیب در جامعه‌ی ما بسیار جدی به نظر می‌رسد.

### ۷. نگاه به غرب

برخی به مباحث مهدویت، فقط از زاویه‌ی دید فیلم‌سازان غربی یا مستشرقانی می‌نگرند که در این عرصه، فیلمی ساخته و یا قلم زده‌اند. این امر، اگر بحثی حاشیه‌ای و به عنوان دشمن‌شناسی مطرح باشد، مطلوب است، اما اگر محتوای جلسات مهدوی بدان خلاصه شود، فرسنگ‌ها از حیطة‌ی انتظار و معرفت به دور خواهد بود و دور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

۱. در کارنامه‌ی برخی مراکز، از فرهنگ عظیم مهدویت کاری جز برگزاری جلسه‌ی نقد فیلم‌های هالیوودی به چشم نمی‌خورد. این آسیب در برخی مراکز دانشگاهی بسیار جدی است.

### سوالات پژوهشی

۱. تعریف‌های گوناگون انتظار را از روایات و گفتارهای اندیشمندان اسلامی استخراج کنید.
۲. انتظار منفی و مثبت به چه معنا است و هر کدام چه اثری دارند؟
۳. نمونه‌های انتظار را در تاریخ بررسی کنید.
۴. مؤلفه‌های فرد منتظر و جامعه‌ی منتظر را بررسی کنید.
۵. چه مباحث دیگری حول انتظار می‌توان مطرح کرد؟

### منابع مطالعاتی

۱. استراتژی انتظار، ابراهیم شفیعی سروستانی، تهران، موعود، بی تا.
۲. مجله‌ی انتظار، شورای نویسندگان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۳، شماره‌های ۱ تا ۵.
۳. در انتظار مهدی، سید جواد بهشتی، تهران، نهضت سوادآموزی، بی تا.
۴. گفتمان مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، جمکران، ۱۳۸۲.
۵. پرچم برافراشته، یحیی صالح‌نیا، قم، مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان، ۱۳۸۵.

## درسنامه‌ی پنجم

### سیره‌ی مهدوی

انچه این درس به آن می‌پردازد:

- هدف از طرح سیره‌ی مهدوی

- شباهت‌ها و تفاوت‌های سیره‌ی مهدوی با سیره‌ی سایر پیامبران و امامان علیهم‌السلام

- بررسی سیره‌ی مهدوی در ابعاد مختلف

### هدف از طرح سیره‌ی مهدوی

الف. از آنجا که امام معصوم علیه السلام با گفتار و رفتار خود و بر اساس رسالت الهی خویش، در صدد است که مردم را در راستای هدف خلقت، که همان عبودیت است، قرار دهد، از این رو تأسی به او مسیر مطمئن و مستقیمی به سمت این هدف خواهد بود. به عبارت کامل‌تر، طرح سیره‌ی مهدوی از یک طرف، تشخیص هدف‌ها و از طرف دیگر، تعیین راهبردهای رسیدن به آن اهداف و از طرف سوم، تأسی به الگوهای به هدف رسیده را در پی خواهد داشت.

ب. طرح سیره‌ی مهدوی و تأسی به آن سیره، موجب ایجاد سنخیت بین امام علیه السلام و مأموم در سه حوزه‌ی اندیشه، عاطفه و رفتار خواهد شد؛ از یک طرف اندیشه‌ی مأموم را به اوج عقلانیت رسانده و ملاک‌های مصالح و مفاسد را در او تنظیم خواهد کرد و معیار حق و باطل را برای او روشن خواهد ساخت؛ و از طرف دیگر، حب و بغض‌های مأموم را با مصادیق محبوب و مبعوض در نظر مولا علیه السلام و امام هماهنگ خواهد ساخت؛ و از طرف سوم، بایدها و نبایدهای رفتاری مأموم منتظر را تصحیح خواهد کرد.

ج. طرح سیره‌ی مهدوی و تأسی به آن در بین یک‌یک منتظران مصلح، جریان صالح‌سازی را به وجود خواهد آورد و بدین گونه، زمینه‌های ظهور - که همانا وجود یاورانی صالح برای یاری مصلح موعود است - تحقق خواهد یافت.

### کلیات سیره‌ی مهدوی

با توجه به سیره‌ی عمومی حجت‌های الهی و روایاتی که دلالت بر عینیت سیره‌ی مهدوی

با سیره‌ی رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ دارد، می‌توان نتیجه گرفت که سیره‌ی مهدوی نیز از دو نوع اصول ثابت و متغیر پیروی می‌کند.

از اصول ثابت سیره‌ی مهدوی، می‌توان به اقامه‌ی شعائر الهی، اجرای حدود و احکام دین، حسن خلق، تخلق به فضایل عالی‌ه‌ی انسانی و دوری از رذایل، صفات و رفتارهای نامتناسب با شئون اولیای دین اشاره کرد. هر یک از این موارد - که به عنوان اصول ثابت مطرح هستند - مصادیق و موارد متعدد دیگری را در پی دارند.

اصول متغیر نیز رفتارهایی هستند که به تناسب زمان و مکان، عرف عقلا، حکم به لزوم تغییر یا تصحیح کیفیت آن‌ها می‌کند؛ یعنی برای یک امر در دو زمان و مکان، ممکن است دو گونه رفتار توصیه شود.

طرز نشستن، طرز تنظیف دست‌ها و پاها و اموری از این قبیل، به تناسب زمان‌ها و مکان‌های مختلف، تفاوت پیدا می‌کنند و نمی‌توان حکم کرد که حتماً یکی از موارد آن‌ها درست و بقیه‌ی موارد دیگر نادرست است.

در تکمیل این بحث و برای مثال می‌توان گفت که اصل ادب، یک اصل ثابت است، اما این که کدام طرز نشستن و یا چه نحو حرف زدن مؤدبانه است، ممکن است به نسبت زمان و مکان تغییر کند. همان‌گونه که اصل جهاد، یک اصل ثابت است، اما وقوع آن با شمشیر یا سلاح آتشین به نسبت زمان‌ها تفاوت کرده است و نیز اصل نظافت، یک اصل ثابت است؛ اگرچه در یک زمان با آب خالی صدق می‌کرده و اکنون بیشتر با آب و صابون صدق می‌کند.

## جزئیات سیره‌ی مهدوی

### دینی - عبادی

او نسبت به خدا فروتن خواهد بود؛ همان‌گونه که پرنده‌ی شکاری در هنگام فرود آمدن نسبت به بال‌های خویش سر به زیر دارد. او خدا را به حقیقت عبادت، عبادت خواهد کرد و در عبادت،



خلوت، مناجات، تضرع، ورع و تقوا گوی سبقت را از همه‌ی اطرافیان خود خواهد ربود.<sup>۱</sup>

### اخلاقی - تربیتی

خلق او به گونه‌ای دلنشین و آرامش‌بخش است که بهار مردم و سرسبزی روزگاران خواهد بود و با ظهور او، کینه‌ها از قلوب بندگان خدا رخت بر خواهد بست. توجه و مراعات او نسبت به مردم، از خودشان بیشتر خواهد بود و از پدران و مادرانشان با آنها مهربان‌تر رفتار خواهد کرد؛ و تواضع او برای خدا از همه‌ی مردم بیشتر است و در زمان خود، امن‌ترین پناهگاه برای پناهجویان خواهد بود.<sup>۲</sup>

### علمی - فرهنگی

با ظهور او، خیمه‌هایی برای آموزش قرآن - همان‌گونه که نازل شده است - با معارف عالی و بی‌حد و حصرش در بین مردم دایر خواهد شد. او دست عنایت خود را بر سر بندگان الهی خواهد کشید و با عنایت، و توجهات و ارشادات خود، اندیشه‌های آنها را جمع، و آرزوها و افکارشان را تکمیل خواهد کرد.

همانا زمانی که حضرت ﷺ برخیزد، خداوند گوش‌ها و چشم‌های پیروان او را یاری خواهد کرد؛ به گونه‌ای که بین ایشان و امامشان پیام‌رسانی نخواهد بود و امام آنها در هر کجا که باشند، با آنان سخن خواهند گفت و آنان هر کجا که باشند، او را خواهند دید و سخن او را خواهند شنید.

در زمان او، زنان خانه‌دار به کرسی فقاقت خواهند نشست؛ مردم طعم حکمت را خواهند چشید و مصاحف پیامبران الهی - که آکنده از علوم الهی هستند - آشکار خواهد شد. او آسمان‌ها را مسخر مردم خواهد کرد و دانش و معرفت، که تا قبل از او به اندازه‌ی دو حرف رشد کرده، به بیست و هفت حرف خواهد رسید؛ یعنی ظهور او علم و معرفت را به بیش از سیزده برابر خواهد رساند.

۱. رک: منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

۲. رک: الزام الناصب، ص ۱۰.

امکانات ارتباطی مردم به حدی خواهد بود که مردم در مشرق و مغرب همدیگر را خواهند دید و به راحتی و بدون هزینه‌ی خاصی با همدیگر مراوده و مبادله خواهند داشت.<sup>۱</sup>

### فردی - خانوادگی

مردم، مهدی عجل الله فرجه را به آرامش در رفتار، وقار در برخورد، به شناخت حلال و حرام و به احتیاج مردم به او خواهند شناخت؛ در حالی که او به احدی احتیاج نخواهد داشت. لباس او جز پوششی خشن و غذای او جز خورشتی خشک نخواهد بود و بدین ترتیب، او با تأسی به سیره‌ی جد خویش، امیر مؤمنان علیه السلام نوع اسلامی حاکم را مصداق خواهد بخشید و آلوده به زر و زیور متداول حکومت‌های قبل از خود نخواهد شد.

به احتمال قریب به یقین، او در زمان ظهور خویش ازدواج خواهد کرد و صاحب فرزندی نیز خواهد شد و اهل و عیال خویش را در «مسجد سهله» جای خواهد داد؛ برای ساختن خانه برای خویش، خشتی روی خشت نخواهد گذاشت و ثروت اندوزی نخواهد کرد. او زندگی ساده، بی‌آلایش و زاهدانه‌ای پیش خواهد گرفت و در عین این که مردم و هر که را بخواهد، صاحب رفاه خواهد کرد، زخارف دنیوی را در زندگی خویش راه نخواهد داد.<sup>۲</sup>

### اقتصادی - عمرانی

مهدی عجل الله فرجه ثروت را بین مردم پخش خواهد کرد و آن را بی‌شمار در اختیار مردم قرار خواهد داد. او با این کار، ارزش پول را در بین مردم خواهد کاست و قلب‌های امت را با غنا پر خواهد کرد. او مال را به‌طور مساوی تقسیم خواهد نمود و عدل او فراگیر خواهد شد. منادی او روزهای جمعه کسانی را که دنبال مال‌اند، ندا خواهد داد و جز عده‌ی معدودی به او مراجعه نخواهند کرد و همان عده نیز از مراجعه‌ی خویش برای گرفتن مال دنیا، بعد از دیدن کثرت عطایای امام علیه السلام به آن‌ها و بی‌ارزش بودن مال دنیا برای دیگران، پشیمان خواهند شد. زمین، گنج‌های نهان خویش را برای او آشکار خواهد کرد. با آمدن او، مردان از کیسه‌ی

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲. ر.ک: الغیبة نعمانی، ص ۱۲۷.

برادران خود خرج خواهند نمود و مورد اعتراض واقع نخواهند شد. او راه‌ها را توسعه خواهد داد و در زمان او هیچ راهی کوچک‌تر از شصت ذراع نخواهد بود و هر مسجدی که بر سر راهی باشد، تخریب خواهد گردید. بالکن‌های مشرف بر نوامیس مردم برجیده خواهد شد و پنجره‌هایی که رو به حریم دیگران باشد، مسدود خواهد گردید. هر چاه فاضلاب و عامل آلودگی و ناودان‌هایی که رو به کوچه‌ها باشند، از بین خواهند رفت. فرمانداران او به آباد کردن شهرها و سرزمین‌ها مأمور خواهند شد و کسی حق تملک سرزمین‌های عمومی و موجب رفاه مردم را نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

### قضایی - حکومتی

مهدی علیه السلام در پیگیری اصلاحات خود، از سرزنش هیچ‌کس باکی نخواهد داشت. وی در مرکز امامت و حکومت خویش، حاجب و دربان نخواهد گماشت و در اداره‌ی امور با اصحاب خویش مشورت خواهد کرد. پیوسته از خشم الهی بر حذر خواهد بود و اسیر تبار و فامیل‌بازی نخواهد شد و ثروت‌اندوزی نخواهد کرد و در حکومت خویش، هیچ‌کس را - جز در مورد حد - حتی یک شلاق نخواهد زد. ظلم‌ستیزی او، به گونه‌ای خواهد بود که حتی تکه نان باقیمانده در میان دندان‌های ظالم را، که به ظلم خورده باشد، بیرون خواهد کشید تا به صاحب‌حق بازگرداند.

او در بذل و بخشش مال، سهل‌گیر و بر کارگزاران خویش، سخت‌گیر و بر بیچارگان و مسکینان، مهربان خواهد بود.

سیستم اداری عصر ظهور، سیستم شهود و حضور در ابلاغ دستور و نظارت بر اجرای آن است و کاغذبازی در آن راه ندارد.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: الغیبة، طوسی، ص ۲۸۳.

۲. ر.ک: الملاحم و الفتن، ص ۱۰۷.

### سوالات پژوهشی

۱. چه تفاوتی در سیره‌ی امام مهدی علیه السلام با دیگر انبیا و اولیای الهی وجود دارد؟
۲. تفاوت سیره‌ی زندگی شیعیان امام را با سیره‌ی خود ایشان بررسی کنید.

### منابع مطالعاتی

۱. الزام الناصب، علی حائری یزدی، ترجمه‌ی سید محمد جواد مرعشی نجفی، قم، علمیه، بی‌تا.
۲. روزگار رهایی، سلیمان کامل، ترجمه‌ی علی اکبر مهدی‌پور، تهران، آفاق، بی‌تا.
۳. رهبری بر فراز قرون، سید محمد باقر صدر، ترجمه‌ی مصطفی شفیعی، تهران، موعود عصر، بی‌تا.

## درسنامه‌ی ششم

### یاوران مهدوی

آنچه این درس به آن می‌پردازد:

- صفات یاران حضرت ولی عصر عجل الله فرجه

- شرح وظایف یاران حضرت ولی عصر عجل الله فرجه

## سر آغاز

آنان که گام در راه انتظار نهاده و دل به مهدی عجل الله فرجه سپرده‌اند، خصال و ویژگی‌های فکری، عاطفی و رفتاری آنان، به این واسطه‌ی فیض الهی نزدیک‌تر می‌شود. این درس به برخی از صفات یاران آن مولای غایب علیه السلام می‌پردازد.

## صفات یاران مهدی

### خداجویی

خداجویی و توحید، سرلوحه‌ی عقاید و خصال یاران مهدی عجل الله فرجه است. آنان خدا را به‌شایستگی شناخته و همه‌ی وجودشان غرق جلوه‌ی نور ایزدی است. همه چیز را جلوه‌ی او دیده و جز یاد او سخن دیگران در نظرشان بی‌لطف و جاذبه است. غیب را چونان شهود دیده و از صفای روحانی عالم معنا نوش کرده‌اند. ایمانی خالصانه در سینه دارند که شک و تردید با آن بیگانه است.<sup>۱</sup> در شناخت حقیقت، به مرتبه‌ی یقین رسیده‌اند و حقایق را بدون پرده مشاهده می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۱.

کمال معرفت و آشنایی با حقایق، آنان را به مرحله‌ی عالی خشیت رسانده و از کوتاهی در انجام وظیفه هراس دارند (زیرا آن کس که به خدا نزدیک‌تر است و به عزت و قدرت بی‌پایان او بیشتر آگاهی دارد، ترسش از خدا فزون‌تر است و در انجام وظیفه شکیباتر). شوق دیدار محبوب، دل‌هایشان را به وجد آورده است و در اشتیاق وصل او شب و روز نمی‌شناسند.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی اینان می‌فرمایند:

«رِجَالٌ كَانَ قُلُوبُهُمْ زُبْرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ... كَالْمَصَابِيحِ كَانَ قُلُوبُهُمُ الْقَنَادِيلَ وَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ يَتَمَنُّونَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup>

مردانی که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدا خاطرشان را نمی‌آلاید.... همانند چراغ‌های فروزانند؛ گویا دل‌هایشان نورباران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خداینند.

امیر مؤمنان علیه السلام یاران مهدی عجل الله فرجه را گنج‌هایی می‌داند آکنده از معرفت خدایی:

«بَخَّ بَخٌّ لِلطَّالِقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ لَكِنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»<sup>۲</sup>

خوشا به حال طالقان، که خدای بزرگ در آن گنج‌های نهفته‌ای دارد برتر از طلا و نقره. آن گنج‌ها مردانی مؤمن‌اند که خدا را به‌شایستگی شناخته‌اند؛ آنان یاران مهدی عجل الله فرجه در آخر الزمان هستند.

### عبادت و بندگی

یاران مهدی عجل الله فرجه مردان عبادت و نیایش، و شیران روز و نیایش‌گران شب هستند؛ آن‌هم نه عبادتی عادت‌گونه و یا چون پرستش مزدوران و تاجران، بلکه نیایشی عارفانه و پاکبازانه. پیوند روح یاران مهدی عجل الله فرجه با ابدیت، عالی‌ترین عکس‌العمل سپاسگزارانه‌ی ایشان در برابر خداست. عبادت آنان عبادت آزادگان است و روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در هم آمیخته

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. ينابيع الموده، ص ۴۴۹.

و همواره خود را در محضر خدا می‌یابند و از یاد او لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزند. از ترس خداوند، نیمه‌شب چونان مادران فرزندمرده، شب‌زنده‌داران و روزه‌داران می‌گیرند.<sup>۱</sup>

«رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ أَسَدٌ بِالنَّهَارِ»؛<sup>۲</sup>

مردانی که سبک خوابند و در نماز همانند زنبور عسل زمزمه‌کنان. در حال قیام و عبادت شب را سحر می‌کنند. عابدان شب و شیران روزند.

امام علیه السلام در سفر و حضر و جنگ و صلح، یاران را به تعبد و تضرع سفارش می‌کند، تا مقصد فراموش نگردد و پیروزی‌های پیاپی، آنان را به غفلت و غرور دچار نسازد و همواره پیروزی را از جانب خدا ببینند و مناجات و نماز را کلید نصرت او.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«حَتَّىٰ إِذَا صَعِدَ النَّجْفَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ تَعَبَّدُوا لِيَلْتَكُم فَيَبْتَئُونَ بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ يَتَضَرَّعُونَ إِلَيَّ اللَّهُ»؛<sup>۳</sup>

چون بر فراز نجف بر آید، به یاران خطاب کند: امشب را با عبادت به روز آورید. آنان برخی در رکوع و برخی در سجده، شب را به سحر می‌رسانند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند. یا می‌فرمایند:

«گویا قائم عجل الله فرجه و یارانش را در نجف اشرف می‌نگرم، توشه‌هایشان به پایان رسیده و لباس‌هایشان مندرس گشته، جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است، شیران روزند و راهبان شب.»<sup>۴</sup>

### شجاعت

یاران مهدی عجل الله فرجه، دلیرمردان و جنگاوران میدان‌های نبرد هستند؛ دل‌هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن هراسی به دل راه نمی‌دهند. ایمان به هدف، همه‌ی وجودشان را

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه‌ی ۱۵۰.

۲. الزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری، ج ۲، ص ۲۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴. همان، ج ۵۱، ص ۳۴۴.



تسخیر کرده و عشق به خاندان پیامبر ﷺ به بازوانشان قوت بخشیده است. اراده‌ی سرشار از شجاعتی بی‌همانند، آنان را به رزمگاه می‌کشاند. دلِ مردن دارند و عشق به شهادت. عزت نفس و بلندی همت، آنان را از کوه بلندپایه‌تر کرده و هیبتشان را در سینه‌ی ستمکاران دو چندان نموده است. غیورمردانند و ترسویان و زبوان در جمعشان راه ندارند.

مولایشان اندامی پهلوانانه، سینه‌ای ستبر و بازوانی پولادین و ورزیده دارد.<sup>۱</sup> یارانش قوت چهل مرد دارند. شیران میدان رزم‌اند و جان‌هایشان از سنگ خارا محکم‌تر است.<sup>۲</sup> شجاعت بی‌بدیلشان، ترس را بر دل‌های مستکبران چیره ساخته، پیشاپیش راه گریز پیش می‌گیرند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِمْ مُصْعِدِينَ مِنْ نَجْفِ الْكُوفَةِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ... يَسِيرُ الرَّغْبُ أَمَامَهُ شَهْرًا وَ خَلْفَهُ شَهْرًا»<sup>۳</sup>

گویا آنان را می‌نگرم سیصد و اندی مرد بر بلندای نجف کوفه ایستاده‌اند. دل‌هایی چون پولاد دارند. در هر سو تا مسافت یک ماه راه، ترس بر دل‌های دشمنان سایه می‌افکند.

در سوارکاری و تیراندازی بی‌نظیرند: «خیر الفوارس». در رزمگاه نشان شجاعان بر تن دارند و چونان یاران پیامبر ﷺ در نبرد بدر، نشانه‌ی ویژه بر سر نهاده‌اند.<sup>۴</sup>

دلیری، ویژه و مختص یاران برگزیده نیست. همه‌ی خداجویان و مستضعفان از پدیدار شدن طلایه‌ی حق و عدالت قویدل می‌گردند و حیاتی دوباره می‌یابند؛ ترس را کنار می‌نهند و به صف رزم‌آوران می‌پیوندند.

### بینش عمیق

یاران امام مهدی عجل الله فرجه از بینشی عمیق و ژرف نسبت به خداوند، امام، انسان و هستی برخوردارند.

۱. منتخب الاثر، ص ۳۱۱.

۲. کشف الغمه فی معرفه الائمه، علی بن عیسی اربلی، دار الکتاب الاسلامی، ج ۳، ص ۲۷۱.

۳. خصال، شیخ صدوق، ترجمه‌ی کمره‌ای، اسلامی، ج ۲، ص ۳۱۸.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

### الف. بینش عمیق نسبت به حق تعالی

اساسی‌ترین ویژگی یاران امام مهدی عجل الله فرجه معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است. این معرفت آن‌چنان استوار است که نه شبهات در آن خللی ایجاد می‌کند و نه تردیدها و شکست‌ها در حریم آن راه می‌یابد.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»<sup>۱</sup>

مردانی که خدا را آن‌چنان که شایسته است، شناخته‌اند و آنان یاوران مهدی عجل الله فرجه در آخر الزمان‌اند.

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران امام زمان عجل الله فرجه می‌فرمایند:

«رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ»<sup>۲</sup>

آنان مردانی‌اند که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است؛ از سنگ سخت‌ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.

این باور آن‌قدر باصلابت و استوار است که مرارت‌ها و مصیبت‌ها در آن خللی ایجاد نمی‌کند و بلاها و امتحانات، آرامش آن‌ها را به تلاطم نمی‌افکند و شبهات و سؤالات در آن رخنه‌ای ایجاد نمی‌کند. آنان از سرچشمه‌ی توحید ناب سیراب‌اند و به حضرت حق - آن‌چنان که شایسته است - اعتقاد دارند.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«فَهُمُ الَّذِينَ وَحَّدُوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ»<sup>۳</sup>

آنان به وحدانیت خداوند، آن‌چنان که حق و وحدانیت اوست، اعتقاد دارند.

حرم دل‌هایشان را بت‌های نفس، ثروت و مقام نیالوده و در آن حریم امن، جز خداوند حضور ندارد. نتیجه‌ی این بینش عمیق، ایمان و تقواست. این دو را هم در چهره‌ی عبادت‌ها و راز و

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹؛ منتخب الأثر، ص ۶۱۱

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. کامل سلیمان، بوم الخلاص، ص ۲۲۴؛ به نقل از بشاره الاسلام، ص ۲۲۰.

نیازشان می‌توان دید و هم در آینه‌ی تلاشی که در طریق عبادت و بندگی حضرت حق دارند.

ب. بینش عمیق نسبت به امام علیه السلام

یاران امام مهدی علیه السلام امام خود را می‌شناسند و به او اعتقاد دارند.

امام سجاد علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند:

«... القائلین بِإِمَامَتِهِ»<sup>۱</sup>

آنان به امامت امام مهدی (عجل الله فرجه) اعتقاد راسخ دارند.

این معرفت، شناخت شناسنامه‌ای، دانستن نام و نشان ایشان، دانستن اسم پدر و مادر و محل تولد ایشان نیست؛ بلکه معرفت به «حق ولایت» است؛ یعنی فهم این حقیقت که ایشان از من، به من نزدیک‌تر و سزاوارترند.

نتیجه‌ی این بینش عمیق، محبت و اطاعت است.

ج. بینش عمیق نسبت به انسان و هستی

یاران حضرت در اهداف بلندپایه و حرکت فراگیرشان، آرمان‌های کم‌ارزش و اهداف کم‌مایه را دنبال نمی‌کنند. با تأمل در خویشتن و استعدادهای شگفت‌انگیزشان، قدر و عظمت خود را می‌یابند و مسیر بودن در دنیا و سالک بودن خویش را می‌فهمند. آنان با این نگاه به معبودی پیوند می‌خورند که از تمام کاستی‌ها و زشتی‌ها مبرا است و می‌تواند آنان را سرشار از هستی نموده و ظرفیت‌هایشان را تکمیل کند. عمق و ژرفای این نگاه، آنان را از سیل امتحانات سرفرازانه بیرون می‌برد:

«إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ إِتْلَوْا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ» وَإِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ يَبْتَلُونَ بِمِثْلِ ذَلِكَ»<sup>۲</sup>

سپاهیان طالوت با نهر آبی آزمایش شدند؛ همان‌که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: «خداوند شما

۱. منتخب الأثر، ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

را با نهر آبی می‌آزماید.» و یاران امام مهدی (عجل الله فرجه) نیز مثل آنان آزمایش می‌شوند. همچنین این اعتقاد و نگرش، آنان را مشتاق شهادت و لقای الهی می‌کند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

«... وَ يَمْنُونَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup>

آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند.

### محبت

دل‌های یاران امام مهدی علیه السلام سرشار از محبت ایشان است. این علاقه‌مندی تا بدان حد است که حتی زین اسب ایشان را مایه‌ی برکت می‌دانند و به آن تبرک می‌جویند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ»<sup>۲</sup>

به عنوان تبرک بر زین اسب امام علیه السلام دست می‌کشند.

به جهت همین عشق آتشین است که آنان در آوردگاه رزم، حضرت علیه السلام را مانند نگینی در بر می‌گیرند و جانشان را سپر بلای او می‌کنند.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«يَحْفُونَ بِهِ وَ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُونَ...»<sup>۳</sup>

آنان در میدان رزم، او را در میان می‌گیرند و در جنگ‌ها با جان خود از ایشان محافظت می‌کنند....

چه بسیار است فاصله‌ی میان ما و یاران او؛ چراکه ما از جان و حتی وقت خود برای ایشان سهمی قرار نداده‌ایم و چه اهداف و آرمان‌هایی از ایشان که به جهت سستی ما بر زمین مانده و چه دعوت‌هایی از ایشان که بی‌پاسخ مانده است.

۱. همان، ص ۳۰۸.

۲. همان.

۳. همان.

## تقسیم‌بندی یاران مهدی

یاران مهدی به هفت گروه تقسیم می‌شوند و هر گروه از شرح وظایف خاصی برخوردارند. این هفت گروه را می‌توان تحت اسامی ذیل بیان کرد:

- ابدال

- وزرا

- حکام

- حلقه‌ی انصار

- اشیاع

- اتباع

- اولیا

اینک به معرفی هریک از این گروه‌ها می‌پردازیم.

### گروه اول: ابدال

ابدال، یاران ویژه‌ی حضرت در زمان غیبت هستند. تعداد آنان حدود سی نفر بوده و مأموریت‌های زمان غیبت را از طرف حضرت علیه السلام انجام می‌دهند. مشخصه‌ی ویژه‌ی آن‌ها، قوت قلب آنان است؛ به‌گونه‌ای که وحشت و حیرتی بر دل آن‌ها راه ندارد. البته در برخی از روایات، تعداد ابدال چهل نفر مرد و چهل نفر زن یاد شده است، که از قرائن موجود مشخص می‌شود این تعداد، تعداد ابدال زمان ظهور خواهد بود که به احتمال قوی همان وزرا (و یا بازوان مشورتی امام علیه السلام) خواهند بود. برخی از این ابدال برای ما شناخته شده هستند. از میان آن‌ها می‌توان شیخ غلامرضا کسایی، خادم سابق «مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز» را نام برد که داستان او در بین خواص علما مشهور است.<sup>۱</sup>

### گروه دوم: وزرا

ویژگی بارز این گروه، خلوص ویژه‌ی آنان است که در بین یاران دیگر، آنان را ممتاز کرده

۱. همان، ص ۱۵۳.

است. تعداد آنان به درستی مشخص نیست، اما همگی از نژادهای غیرعربی هستند؛ اگرچه به زبان عربی سخن خواهند گفت. آنان سنگینی‌های حکومت را از دوش مهدی عجل الله فرجه بر خواهند داشت.<sup>۱</sup>

### گروه سوم: حکام

اینان همان ۳۱۳ نفر اصحاب ویژه‌ی امام علیه السلام می‌باشند. ایشان، فرماندهان انقلاب و فرمانداران بعد از انقلاب خواهند بود. جای‌جای روایات، مشحون از صفات، ویژگی‌ها و عملکردهای آنان است. برخی از روایات، دلالت بر وجود ۵۰ نفر زن در کنار ۳۱۳ نفر مرد، دارد که در مجموع ۳۶۳ نفر خواهند شد، اما از ظاهر همان روایات استفاده می‌شود که این ۵۰ نفر جزء آن ۳۱۳ نفر هستند و از باب تغلیب، تعداد ایشان ۳۱۳ نفر ذکر شده است.

اینان کسانی خواهند بود که قلب‌هایشان چون پاره‌های آهن محکم است و شک به ذات خدا در وجود آن‌ها راهی ندارد؛ آنان از صخره‌ها محکم‌تر هستند.<sup>۲</sup>

آنان مردانی هستند که خدا را به حقیقت معرفت شناخته‌اند. شب‌هنگام، آنان همانند مادران جوان‌مرده، از خشیت الهی گریه‌ها سر می‌دهند و شب را به عبادت و روز را به روزه سپری می‌کنند. آنان برای صبر در راه خدا، منتی بر خدا نمی‌گذارند و بذل جانشان در راه حق را بزرگ نمی‌شمارند.

آنان از شدت عشق به امام علیه السلام، خود را به مرکب امام علیه السلام متبرک می‌کنند و دور او حلقه زده، در جنگ، خود را سپر بالای حضرت علیه السلام می‌نمایند. آنان نسبت به مولای خویش از کنیزکان نسبت به مولایشان مطیع‌تر بوده، در پیروی از او جدی هستند.

آنان همگی به یک شیوه رفتار می‌کنند و دل‌هایشان آکنده از مهربانی و خیرخواهی است. در راه خدا جهاد کرده، از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند. در مقابل مؤمنان، متواضع و در مقابل کافران، عزیز هستند.

۱. منابع الموده، ج ۳، ص ۱۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

در میان ایشان، بیست و هفت نفر از قوم موسی علیه السلام و هفت نفر از اصحاب کهف و وصی موسی علیه السلام و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابا دجانیه انصاری و مالک اشتر نخعی حضور خواهند داشت.<sup>۱</sup>

### گروه چهارم: حلقه‌ی انصار

یاران امام که در برخی روایات از آنان به حلقه‌ی یاران مهدی عجل الله فرجه یاد شده است، ده هزار نفر مرد جنگی هستند که تا قبل از تکمیل تعداد آنها، امام از مکه خارج نخواهند شد.<sup>۲</sup>

### گروه پنجم: اشیاع

اشیاع، شیعیان امام علیه السلام هستند که تا قبل از آمدن امام علیه السلام ایمان خود را حفظ کرده‌اند و اگرچه به هر دلیلی جزء ابدال، وزراء، حکام و حلقه‌ی یاران امام علیه السلام نیستند، اما به دلیل حفظ ایمان خویش، به‌مرور آمادگی یاری حضرت را پیدا کرده، به او می‌پیوندند.

### گروه ششم: اتباع

اتباع، کسانی هستند که از زمان ظهور، اعتقاد به امام علیه السلام پیدا کرده و به او می‌گروند و اگرچه اعتقادات صحیح شیعی را هنوز تکمیل نکرده‌اند، اما در پیروی از امام علیه السلام، ثبات قدم نشان می‌دهند.

### گروه هفتم: اولیاء

اولیاء، دوستداران امام هستند که رابطه‌ی آنها با امام علیه السلام به عرصه‌ی اعتقاد کشیده نشده و سرمایه‌ای جز دوستی امام علیه السلام ندارند، اما به واسطه‌ی همین دوستی، مستحق الطاف بیکران امام علیه السلام شده‌اند.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۳۶۸.

۲. همان، ص ۳۶۷.

۳. رک: مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

### سوالات پژوهشی

۱. ملاک دسته‌بندی یاران امام چیست؟
۲. کدام دسته از یاران امام بر دیگران برتری دارند و چرا؟
۳. مسیر قرار گرفتن در یاران خاص امام چیست؟

### منابع مطالعاتی

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
۲. پرچم برافراشته، یحیی صالح‌نیا، قم، مؤسسه‌ی آینده‌سازان، ۱۳۸۵.
۳. روزگار رهایی، سلیمان کامل، تهران، آفاق، بی‌تا.
۴. مجلات انتظار، شماره‌های ۱ تا ۶، مرکز تخصصی مهدویت.



## درسنامه‌ی هفتم

### نشانه‌های ظهور

- آنچه این درس به آن می‌پردازد:
- ضرورت بیان نشانه‌های ظهور
- تفاوت علایم ظهور و شرایط ظهور
- انواع نشانه‌های ظهور

## ضرورت بیان نشانه‌های ظهور

هر مسأله‌ای که اهمیت و مقبولیت عمومی داشته باشد، مخاطرات و تهدیدها نسبت به آن از ناحیه‌ی سودجویان و فرصت‌طلبان بیشتر خواهد شد. از جمله‌ی این مسائل که دارای شاخصه‌های جهانی و همگانی است، «ظهور منجی» می‌باشد، که به‌منزله‌ی اعتقاد و باور عمومی در همه‌ی ادیان مطرح شده است. افرادی که به‌دنبال منفعت و سودجویی فردی‌اند، با آزمندی بسیار و با ظاهرسازی فریبنده، به اغفال مردم می‌پردازند، تا به نیت سوء خود برسند. از این‌رو بیان نشانه‌ها و علایم ظهور ضروری است.

رهبران و بزرگان دین، برای جلوگیری از این انحراف‌ها و کج‌روی‌ها، و برای حفظ باورهای اصیل مردم، باید منجی و مصلح آخر زمان را با تمام شاخصه‌ها و خصال معرفی نمایند و برای ظهور و قیام او علایمی را بیان کنند، تا مردم در تمیز سره از ناسره در تحیر و تردید نمانند. از همین‌رو در روایات و احادیث بسیاری، منجی آخرالزمان (حضرت مهدی عجل الله فرجه) و کیفیت ظهور او با تمام نشانه‌ها بیان شده است.

در رویکرد کلی و کلان، می‌توان علایم ظهور امام زمان عجل الله فرجه را به انواع مختلف تقسیم کرد، که به یکایک آن‌ها خواهیم پرداخت.

## الف. نشانه‌های عام و خاص

## نشانه‌های عام

آن دسته از نشانه‌هایی که شاخصه‌های کلی و عمومی دارند و در قالب پدیده‌ی خاص، در برهه‌ی خاص و در افراد خاصی متصف نشده‌اند، علایم عمومی نامیده می‌شوند؛ نظیر احادیث و روایاتی که از احوال و اوضاع مردمان آخرالزمان خبر می‌دهند و از انحرافات و کج‌روی‌هایی که در آن دوره رخ می‌دهد، سخن به میان آورده‌اند، که در واقع نوعی بیان علایم ظهور امام زمان علیه السلام در قالب و معیار کلی و عمومی است.

برای نمونه به دو روایت اشاره می‌کنیم.

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَدِيثٍ: أَنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيْهِ لَيْلَةَ أُسْرَى بِهِ أَنْ يُوصِيَ إِلَى عَلِيٍّ وَ أَخْبَرَهُ بِالْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ آخِرَ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا... فَقُلْتُ إلهي وَسَيِّدِي مَتَى يَكُونُ ذَاكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - إِلَيَّ: يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ وَ كَثُرَ الْقِرَاءَةُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ وَ كَثُرَ الْقَتْلُ وَ قَلَّ الْفُقَهَاءُ وَ الْهَادُونَ وَ كَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَةِ وَ الْخَوْنَةُ... وَ كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَ أَمَرَ أُمَّتَكَ بِهِ وَ نَهَى عَنِ الْمَعْرُوفِ...»<sup>۱</sup>

ابن عباس می‌گوید: «در شب معراج مطالبی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شد که باید به حضرت علی علیه السلام سفارش کند و به او در مورد ائمه‌ی بعد از آن حضرت که از فرزندان او هستند، خبر داد؛ تا آنجا که فرمود: آخرین آن‌ها [نشانه‌هایی دارد، از جمله این‌که] عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌خواند، زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان‌چه پر از ظلم و جور شده باشد... عرض کردم: خداوند! آن کی خواهد شد؟ خداوند به من وحی کرد: هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی ظاهر شود، قرائت‌های قرآن [زیاد، اما عمل کم شود، قتل و کشتار زیاد شود، فقها و هدایت‌کنندگان واقعی کم شوند، علمای فاسق و خیانتکار زیاد شوند... جور و فساد زیاد شود، منکر ظاهر شود و امت تو امر به منکر و نهی از معروف کنند...»

۱. اثبات الهداء، ج ۷، ص ۳۹۰.

حضرت علی علیه السلام در جواب سؤال صعصعة بن صوحان - که از یاران آن حضرت بود - در باب دجال و خروجش و پیرامون نشانه‌هایی از ظهور امام زمان علیه السلام چنین فرمودند:

«فَإِنَّ عَلَامَةَ ذَلِكَ إِذَا آمَتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحَلُّوا الْكِذْبَ وَ أَكَلُوا الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شَيَّدُوا الْبُنْيَانَ وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَخَفُّوا بِالْذَّمَاءِ...»<sup>۱</sup>

علامت خروج و قیام دجال، زمانی است که مردم نماز را ترک کنند (و در میان مردم بمیرد)، امانت‌ها را ضایع کنند، دروغ گفتن را حلال شمارند، ربا بخورند، رشوه بگیرند، ساختمان‌ها را محکم سازند و دین را به دنیا فروشند، مردمان کم عقل را بر کارها گمارند، قطع صله‌ی ارحام کنند، از هوا و هوس پیروی نمایند و (کشتار و) خونریزی را کوچک شمارند....

### نشانه‌های خاص

بعضی از علایم ظهور به صورت خاص و با شاخص‌های ویژه در افراد متعین تبلور می‌یابد. برای مثال، در روایات بسیاری ذکر شده است که ظهور امام زمان علیه السلام در سال فرد و در روز فرد تحقق پیدا خواهد کرد؛ و یا ظهور و خروج افرادی به نام دجال و سفیانی که مظهر ضلالت، و نیز قیام افرادی مثل یمانی و سید خراسانی، که سمبل هدایت هستند و در احادیث با اسم و رسم و ویژگی‌های مخصوص شان وارد شده است، جزء نشانه‌های خاص شمرده می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ. فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ»<sup>۲</sup>

پرچم‌های سیاهی از ناحیه‌ی خراسان بیرون می‌آید و به جانب کوفه به حرکت درمی‌آید. پس چون مهدی علیه السلام ظاهر شود، اینان وی را دعوت به بیعت می‌کنند.

امام باقر علیه السلام همچنین فرمودند:

«برای مهدی علیه السلام ما دو نشانه است، که از هنگامی که خداوند آسمان‌ها و زمین را خلق فرمود،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

۲. همان، ص ۲۱۷.

سابقه ندارد: خسوف در شب اول ماه رمضان و کسوف در نیمه‌ی همان ماه. و این دو از زمانی که خداوند آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است، [این چنین] وجود نداشته است.<sup>۱</sup> چنان که می‌بینیم، در روایات فوق برای ظهور امام زمان علیه السلام علایم خاصی تعیین شده است.

## ب. نشانه‌های حتمی و غیرحتمی

### نشانه‌های حتمی

این گروه از نشانه‌ها، حاکی از حتمیت ظهور تا فاصله‌ی زمانی معینی بعد از تحقق آن‌ها هستند. به بیان دیگر، این علایم، فاصله‌ی زمانی معینی با ظهور دارند و ادعای ظهور قبل از تحقق آنها، کذب و دروغ است.

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«پیش از ظهور قائم عجل الله فرجه پنج نشانه حتمی است: قیام یمانی، فتنه‌ی سفیانی، صیحه‌ی آسمانی، قتل نفس زکیه و شکافتن زمین و فرو رفتن عده‌ای در بیابان.»<sup>۲</sup>

### نشانه‌های غیرحتمی

این نشانه‌ها هیچ دلالتی بر حتمیت ظهور در زمان خاصی ندارند. به عبارت دیگر، علایم مذکور فاصله‌ی زمانی مشخصی با ظهور ندارند. این نشانه‌ها گروه پرشماری از علایم را تشکیل می‌دهند.

امام صادق علیه السلام در یک روایت طولانی به یکی از یاران خود فرمودند:

«هرگاه دیدی که حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند و ظلم و ستم فراگیر شده است؛ و قرآن فرسوده و بدعت‌هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن به وجود آمده است؛ و دیدی دین خدا عملاً توخالی شده، همانند ظرفی که آن را واژگون سازند!

و همچنین هرگاه دیدی که اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته‌اند و کارهای بد آشکار شده و از

۱. منتخب الاثر، ص ۴۴۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۵۰.

آن نهی نمی‌گردند و بدکاران بازخواست نمی‌شوند؛ و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند؛ و هنگامی که دیدی افراد باایمان سکوت کرده و سخنشان را نمی‌پذیرند؛ و دیدی که شخص بدکار دروغ می‌گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی‌کند؛ و دیدی که بچه‌ها به بزرگان احترام نمی‌گذارند و قطع رحم می‌شود؛

و وقتی دیدی که بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد؛ و هنگامی که دیدی انسان‌ها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می‌کنند و کسی مانع آن‌ها نمی‌شود؛ و دیدی که افراد از دیدن کار و تلاش مؤمنانه [تعجب می‌کنند و] به خدا پناه می‌برند؛

و دیدی که مداحی دروغین از اشخاص، زیاد شود؛ و همسایه، همسایه‌ی خود را اذیت می‌کند و از آن جلوگیری نمی‌شود؛ و دیدی که کافران از صعوبت زندگی مؤمن شاد می‌شوند؛ و دیدی مردم شراب را آشکارا می‌آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می‌نشینند و از خداوند متعال نمی‌ترسند؛ و کسی که امر به معروف می‌کند، خوار و ذلیل است؛

و همچنین هنگامی که دیدی آدم بدکار در چیزی مورد ستایش است که خداوند آن را دوست ندارد؛ و دیدی که اهل قرآن و دوستان آن‌ها خوارند؛ و راه نیک بسته و راه بد باز است؛ و دیدی که انسان‌ها به زبان می‌گویند، اما عمل نمی‌کنند؛

و وقتی دیدی خانه‌ی کعبه تعطیل شده و به تعطیلی آن دستور داده می‌شود؛ و مؤمن خوار و ذلیل شمرده شود؛ بدعت و زنا آشکار شود و مردم به شهادت و گواهی ناحق اعتماد کنند؛ و دیدی که حلال، حرام و حرام، حلال می‌گردد و دین بر اساس میل اشخاص معنا می‌شود و کتاب خدا و احکام آن تعطیل می‌گردد و جرأت بر گناه آشکار شود و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد؛

و آن‌گاه که دیدی مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش، و ثروت بسیار زیادی در راه خشم خدا خرج گردد؛ و سردمداران به کافران نزدیک شوند و از نیکوکاران دور گردند؛ و والیان در قضاوت رشوه بگیرند؛ و پست‌های مهم والیان، بر اساس مزایده است نه بر اساس شایستگی؛

و آن زمان که دیدی مردم را به تهمت و یا سوءظن بکشند؛ و دیدی که مرد برای همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد؛ و هنگامی که زن بر شوهر خود مسلط شود و کارهایی که مورد خشنودی شوهر نیست، انجام می‌دهد و به شوهرش خرجی می‌دهد؛ و همچنین آن گاه که دیدی سوگندهای دروغ به خدا، بسیار گردد؛ و آشکارا قماربازی شود؛ و مشروبات به‌طور آشکار، بدون مانع، خرید و فروش می‌شود؛ و وقتی دیدی که مردم محترم توسط حاکمان قلدر، خوار شوند؛ و نزدیک‌ترین مردم به فرمانداران، آنانی هستند که به ناسزاگویی به ما (خانواده‌ی عصمت علیهم‌السلام) ستایش شوند؛ و هر کس ما را دوست دارد، او را دروغگو خوانده و گواهی‌اش را قبول نمی‌کنند؛

و آن گاه که دیدی مردم در گفتن سخن باطل و دروغ با هم رقابت می‌کنند؛ و شنیدن سخن حق بر مردم سنگین، اما شنیدن باطل برایشان آسان است؛ و دیدی که همسایه، از ترس زبان همسایه، به او احترام می‌کند؛

و وقتی دیدی حدود الهی تعطیل شود و طبق هوا و هوس عمل گردد؛ و دیدی که مسجدها طلاکاری (زینت داده) شود؛ و دیدی که راستگوترین مردم نزد آن‌ها مُفتری و دروغگو است؛ هنگامی که دیدی بدکاری آشکار شده و برای سخن‌چینی کوشش می‌شود؛ و ستم و تجاوز شایع شده است؛ و غیبت، سخن خوش آن‌ها گردد و بعضی، بعضی دیگر را به آن بشارت دهند؛

وقتی دیدی حج و جهاد برای خدا نیست؛ و سلطان به‌خاطر کافر، شخص مؤمن را خوار کند؛ و خرابی بیشتر از آبادی است؛ و معاش انسان از کم‌فروشی به‌دست می‌آید؛ و خون‌ریزی آسان گردد؛ و مرد برای دنیایش ریاست می‌کند؛

و هنگامی که دیدی مردم نماز را سبک شمارند؛ و انسان ثروت زیادی جمع کرده، اما از آغاز آن تا آخر، زکاتش را نداده است؛ و قبر مرده‌ها را بشکافند و آن‌ها را اذیت کنند؛ و هرج و مرج بسیار شود؛ و مرد روز خود را با مستی به شب می‌رساند و شب خود را نیز به همین منوال صبح می‌کند و هیچ اهمیتی به آیین مردم نمی‌دهد؛

آن گاه که با حیوانات آمیزش شود؛ و مرد به مسجد (محل نماز) می‌رود و زمانی که برمی‌گردد،

لباس در بدن ندارد (یعنی لباسش را دزدیده‌اند)؛ هنگامی که دیدی حیوانات همدیگر را بدرند؛ و دل‌های مردم سخت و دیدگان‌شان خشک و یاد خدا برایشان گران است و بر سر کسب‌های حرام، آشکارا رقابت می‌کنند؛ و دیدی که نمازخوان برای خودنمایی نماز می‌خواند؛ و فقیه برای دین خدا فقه نمی‌آموزد؛ و مردم در اطراف قدرتمندان هستند؛ و طالب حلال، مذمت و سرزنش و طالب حرام، ستایش و احترام می‌گردد؛

آن‌گاه که در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خدا دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند و هیچ کس بین آن‌ها و کارهای بدشان مانع نمی‌شود؛ و آلات موسیقی و لهُو و لعب در مدینه و مکه آشکار گردد؛ و مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند، اما دیگران او را از این کار بر حذر می‌دارند؛

هنگامی که دیدی مردم به همدیگر نگاه می‌کنند (یعنی چشم و هم‌چشمی می‌کنند) یا معیارشان برای خوب و بد اعمال، خدا نیست و از مردم بدکار پیروی نمایند؛ و راه نیک پیرو ندارد؛ و مرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود؛ و دیدی که سال به سال بدعت و بدی‌ها بیشتر شود؛ و مردم جز از سرمایه‌داران پیروی نکنند؛ و به فقیر چیزی را دهند که برایش بخندند، اما در راه غیر خدا ترحم می‌کنند؛

وقتی که دیدی علایم آسمانی آشکار شود و کسی از آن نگران نشود؛ و مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی انجام می‌دهند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی‌کند؛ و انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند، ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد؛

و آن‌گاه که دیدی عقوق پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آن‌ها قائل نیستند؛ بلکه نزد فرزند از همه بدترند؛ هنگامی که دیدی زن‌ها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته‌ی آن‌ها پیش نرود؛ و دیدی پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، پدر و مادر را نفرین کند و از مرگشان شاد شود؛ و دیدی که اگر روزی بر مردی بگذرد و او در آن روز از این که گناه بزرگی مانند بدکاری، کم‌فروشی و زشتی انجام نداده، ناراحت است؛

و وقتی دیدی قدرتمندان غذای عمومی مردم را احتکار کنند؛ و اموال خمس در راه باطل تقسیم گردد و با آن قماربازی و شراب‌خواری شود؛ و به وسیله‌ی شراب بیمار را مداوا و برای



بهبودی، آن را تجویز کنند؛ و دیدی که مردم در امر به معروف و نهی از منکر و ترک دین، بی تفاوت و یکسانند؛

و دیدی که سروصدای منافقان برپا، اما صدای حق طلبان خاموش است؛ و دیدی که برای اذان و نماز مزد می گیرند؛ و مسجدها پر از کسانی است که از خدا نمی ترسند و غیبت هم می نمایند؛ هنگامی که دیدی خورندگان اموال یتیمان، ستوده شوند و قاضیان برخلاف دستور خداوند، قضاوت کنند و استانداران از روی طمع، خائنان را امین خود قرار دهند و فرمانروایان، میراث مستضعفان را در اختیار بدکاران از خدا بی خبر قرار دهند؛ و دیدی که بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می گویند، اما گویندگان آن پرهیزکار نیستند؛

و سرانجام هنگامی که دیدی صدقه را با وساطت دیگران، بدون رضای خداوند و برای درخواست مردم بدهند؛ و دیدی وقت نمازها را سبک بشمارند؛ و همت و هدف مردم شکم و شهوتشان است و دنیا به آنها روی کرده است؛ و دیدی نشانه‌های برجسته‌ی حق ویران شده است؛ [این آخرالزمان است.]

در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرهای گناه نجات بدهد.<sup>۱</sup> در پایان این درس، ذکر این نکته ضروری است که علایم ظهور به گونه‌های دیگری نیز تقسیم‌بندی شده است، که به دلیل کاربردی نبودن این تقسیمات و نیز ذوقی و غیر واقع‌بینانه بودن آنها، از ذکرشان صرف نظر شد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۶ تا ۲۶۰، با تصرف اندک در متن.

### سوالات پژوهشی

۱. تعاریف متفاوت در بیان علایم حتمی و غیر حتمی را مقایسه کنید.
۲. چه تعداد از علایم ظهور تاکنون محقق شده است؟
۳. شرایط ظهور را چگونه باید فراهم کرد؟

### منابع مطالعاتی

۱. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه‌ی عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۰.
۲. در انتظار موعود، ابراهیم شفیع‌ی سروستانی، تهران، موعود، ۱۳۸۶.
۳. نگرشی بر اخبار و علایم ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه، علی اکبر عارف، تهران، شریعت، بی تا.

## درسنامه‌ی هشتم

### زمینه‌سازی ظهور

آنچه این درس به آن می‌پردازد:

- زمینه‌سازی برای ظهور
- راه‌های زمینه‌سازی ظهور
- عوامل تعجیل یا تأخیر در ظهور



## لزوم زمینه‌سازی

روشن است که حکومت صالحان و ولایت دینی، نعمتی بزرگ است که خداوند به جامعه ارزانی می‌دارد. به فرموده‌ی قرآن، خداوند هیچ نعمتی را بدون دلیل و استحقاق تغییر نمی‌دهد: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup>. بنابراین، همان‌گونه که خداوند حکومت دینی را که با پیامبر ﷺ به جامعه عطا فرموده بود، در اثر عدم فرمانبرداری مردم از آن‌ها گرفت، برای برخورداری از این نعمت نیز مردم (قوم) باید تغییر و ایجاد استحقاق نمایند.

در میان عوامل تغییردهنده‌ی مردم، حکومت و حاکمان؛ برنامه‌ریزان و مدیران جامعه نقشی کلیدی دارند. بنابراین، سهم حکومت برای «زمینه‌سازی ظهور» حضرت ولی‌عصر عجل الله فرجه سهمی اساسی و سرنوشت‌ساز است.

ایجاد استحقاق برای فراهم شدن بزرگ‌ترین نعمت، ولایت، که ظهور حضرت ولی‌عصر است، زمینه‌سازی ظهور نامیده می‌شود.

## بلوغ اجتماعی؛ رمز زمینه‌سازی ظهور

بی‌تردید آرمان‌ها، قدرت شگرفی در عرصه‌ی زندگی انسان دارند؛ استعدادهای آدمی را می‌پروراندند و او را تربیت می‌کنند. شیعه، پیوسته در کوهسار آرمان‌های بلند؛ به جریان رشد،

بالندگی و پرورش خود ادامه داده، بار مسئولیت را در گردنه‌های سخت تاریخی به دوش کشیده، از حرکت باز نایستاده و همیشه به این آرمان‌ها دلگرم بوده است.  
امام کاظم علیه السلام فرمود:

«الشَّيْعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ مُنْذُ مَاتَنِي سَنَةً»<sup>۱</sup>

شیعه دویست سال است که در سایه‌ی آرمان‌ها تربیت می‌شود.

تربیت و آمادگی شیعه بر اساس آرمان‌ها، جریان پیوسته‌ی تاریخ است. با همین جریان، روند رشد و شکوفایی شیعه و بلوغ اجتماعی او به ظهور می‌رسد و این آرمان‌ها را به عموم جوامع بشری سرایت می‌دهد و همگان را به آستانه‌ی بلوغ اجتماعی و بلندای آرمان‌های خویش فرامی‌خواند.

بنابراین، تا مردم به این غایت نرسند و شیعه بر اساس آرمان‌های خود تربیت نشود، بلوغ اجتماعی رقم نمی‌خورد؛ یعنی بر اساس آن تربیت آرمانی است که جامعه‌ی شیعی به بلندای قامت آرمانشان - که همان تحقق حکومت محمد صلی الله علیه و آله و فرج مهدی آل محمد عجل الله فرجه است - دست می‌یابد و افزون بر این، نه تنها در سطح جامعه‌ی شیعی بدان افق بلند، دل مشغول می‌شوند، بلکه با تلاش خود، آن را در سطح جوامع بشری مطرح می‌کنند و به دغدغه و گفتمان مسلط زمانه تبدیل می‌نمایند.

جامعه‌ی شیعی، برای رسیدن به این غایت و هدف، نیازمند بلوغ اجتماعی است. کانونی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مسأله در عصر غیبت، موضوع بلوغ اجتماعی و قابلیت یافتن بندگان خدا و عموم مردم است. وقتی چنین التفات و توجهی یافتیم، به حلّ مسأله و راهکار آن خواهیم پرداخت. بر این اساس، در می‌یابیم که چگونه می‌توان سامانه‌های بلوغ اجتماعی را سامان داد و به مهندسی اجتماعی و مهم‌ترین محور زمینه‌سازی ظهور پرداخت.

### شاخصه‌های بلوغ اجتماعی

مهندسی بلوغ اجتماعی به شناخت شاخصه‌ی آن نیازمند خواهد بود، تا براساس آن‌ها بتوانیم

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۹۵.

ساختار نظام‌مند مهندسی اجتماعی خود را استوار سازیم. از این رو به شاخصه‌های سه‌گانه‌ی زیر اشاره می‌کنیم: رغبت اجتماعی به دولت کریمه، شکایت اجتماعی از وضعیت موجود و استعانت اجتماعی.

### الف. رغبت اجتماعی

مدیریت میل جوامع بشری، از جمله محورهای کلیدی استراتژیست‌های استکباری است؛ تا آنجا که پس از تغییر میل و ذائقه‌ی پیشین آن‌ها، بر آنند که میل متناسب با اهداف خویش را برای ایشان تعریف، تعیین و جایگزین نمایند. این مشق را از استاد و راهنمایشان، شیطان، گرفته‌اند؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

«و بدین گونه برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان‌های انس و جن برگماشتیم. بعضی از آن‌ها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست، چنین نمی‌کردند. پس آنان را با افترایشان و اگذار تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، به آن (سخنان باطل و گفتار فریبنده‌ی اهریمنان) بگراید و آن را بپسندند، و تا این که آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند.»<sup>۱</sup>

آن‌ها می‌خواهند قلوب کسانی را که ایمان و باور به ادامه و استمرار خود ندارند و عشق به آخرت در وجودشان موج نمی‌زند، به وسوسه‌های زودگذر خود متمایل نمایند. در واقع، قلوب آدمیان در کشاکش دو مبدأ میل قرار گرفته است: میل به ادامه و استمرار خویش و آخرت، و میل به وسوسه‌های محدود در هفتاد سال عمر انسان در دنیا.

انبیاء، اوصیا و اولیای الهی، میل به استمرار؛ و شیاطین انس و جن، میل به وسوسه‌های محدود را مدیریت و سرپرستی می‌کنند. شیاطین، پیوسته بر آن هستند که از طریق شنیدن و دل سپردن به وسوسه‌های محدود، مخاطب را موافق و متمایل به خود سازند.

در طول تاریخ، بستر جهل آدمی، میدان تاخت و تاز شیاطین بوده و او را در ایستگاه خودمحوری و خودپرستی بازیچه‌ی خویش ساخته و از بهره‌ها و هدایت‌های آسمانی محروم

۱. انعام، ۱۱۲ - ۱۱۳.

کرده است. از همین‌رو معمولاً به مدل‌های حکومت آسمانی و الهی از طریق انبیا و اوصیا تن نداده و به بافته‌های اومانیستی خودپرستانه، سر سپرده است. بدین‌سان مبدأ میل انسان‌ها با فرایند تمایلات شیطانی رقم خورده و مدیریت و سرپرستی شده است؛ به گونه‌ای که تنگ‌ترین و دیکتاتوری‌ترین الگوهای حکومتی مدیریتی تا گشاده‌ترین و لیبرالی‌ترین آن‌ها را تجربه نموده و محک زده است. انسان چموش و خسته، آماده می‌شود تا از این پس گوش جان خود را از ناطق ابلیسی رهانده و به ناطق الهی بسپارد و مبدأ میل خویش را با آسمانیان آغاز نموده و از زمینیان و خودمخوران به خدامخوران، و از خودپرستان به خداپرستان پیوندد. همان‌گونه که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

«دنیا پس از چموشی‌ها و روگردانی‌های خود به ما رو می‌کند، همانند مهربانی ماده‌شتر ناسازگار به فرزند خویش.»<sup>۱</sup>

انسان چموش و خسته‌ی آخرالزمان، به دولت کریمه و شاخصه‌های آن اندیشیده و دل می‌سپارد و رغبت و شوق به آن را فریاد می‌زند و حضور امام مهربان و شفیق را احساس می‌کند؛ با پاهای خسته و رنجور خویش، ندای او را لبیک می‌گوید و آماده می‌گردد. این سرآغاز بلوغ اوست که از حضور لطف امام آخرین عجل الله فرجه حکایت می‌کند؛ چرا که:

رغبت ما از تقاضای تو است

جذبه‌ی حق است هر جا رهرو است<sup>۲</sup>

### ب. شکایت اجتماعی

انسان تا زمانی که از وضعیت موجود ناراضی نباشد و نسبت به آن احساس شیفتگی کند، هیچ‌گونه تغییر، تحول و حرکتی به سوی وضعیت مطلوب نخواهد داشت و این خود نشان عدم بلوغ و رشد اوست. اگر جامعه‌ای به بلوغ برسد، به هیچ وجه به وضعیت موجود قانع نخواهد بود. وی با شکایت از اوضاع برای تحقق وضعیت مطلوب به تلاش و تکاپو می‌افتد.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۲. مثنوی، دفتر پنجم.



جوامع بشری پس از گذر از گردنه‌های سخت و رنج‌آور و تجربه‌ی تمامی مدل‌های حکومت بشری، از خود و بافته‌های خود خسته می‌شود و چشم امید می‌بندد؛ به آسمان رو می‌کند؛ دست شکایت به سوی جهان‌آفرین می‌برد و به درگاه او تضرع می‌نماید. این‌گونه است که زمینه‌های اضطرار به آفریدگار و حجت او در خلوتگه دل‌های انسان‌ها فراهم می‌شود؛ جوانه‌های آن سر می‌کشد؛ یکپارچه زبان شکایت به درگاه پروردگار می‌برند؛ از دردها و رنج‌های خود حکایت می‌کنند و از فقدان نبی و غیبت ولی شکایت می‌نمایند. این همه، در سایه‌ی درک انتظار و اضطرار به حجت الهی است.

### ج. استعانت اجتماعی

زمانی که انسان نیاز خود را درک کرد و دریافت که بافته‌هایش کارساز و چاره‌ساز نیست، رو به آسمان کرده، جویای سبب متصل بین زمین و آسمان می‌گردد و این فریاد را طنین می‌اندازد: «أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»؛

آن‌گاه خواستن در او جوانه می‌زند و این همان توانستن است و به پای خود ایستادن؛ زیرا خواستن، توانستن است و به پا ایستادن. از این‌رو، دعا و خواستن از هستی‌آفرین و کسی که پیوسته تدبیر هستی در دست اوست، معرفت‌های عمیقی را به همراه می‌آورد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

– اظهار میل به دولت کریمه از درگاه الهی

– شکایت از وضعیت موجود به درگاه الهی

– استعانت و درخواست فتح و گشایش سریع از خداوند متعال

از این‌رو؛ دعا، نماد بلوغ اجتماعی می‌شود. وقتی جوامع به منجی و موعود میل بیابند، از وضعیت موجود شکایت کرده و از درگاه او درخواست و استعانت کنند، حکایت از آن دارد که آن‌ها بلوغ اجتماعی یافته و از دام خودمحوری و خودپرستی رسته و به نعمت خدامحوری و خداپرستی نایل گشته‌اند.

دعا، مخ و مغزافزار عبودیت است: «الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ»<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰.

عبودیت که غایت آفرینش و نهایت و قله‌ی رشد و بلوغ انسان‌هاست، با مغزافزار دعا شکل می‌یابد و تجلی می‌نماید. از این رو دعا، نماد عبودیت و نماد بلوغ می‌شود.

حضرت مهدی <sup>ارواحنا فداه</sup> در توقیع شریفشان به اسحاق بن یعقوب می‌فرمایند:

«درهای سؤال را بر آنچه برای شما سودی ندارد و آن را از شما نخواسته‌اند، ببندید و برای تعجیل در امر ظهور و فرج ما بسیار دعا کنید که فرج شما در همین دعا کردن است.»<sup>۱</sup>

دعا، انسان را از سؤال‌های بیهوده، بی‌ثمر و رهن می‌رهاند و به مسیر اصلی که رشد و بلوغ را به همراه دارد، هدایت می‌کند.

دعا، از جمله وظایف کانونی، مغزافزار عبودیت و نماد بلوغ بشری به شمار می‌رود و به آن سفارش جدی می‌شود؛ زیرا دعا بشر را به این معرفت می‌رساند که:

«خداوندا! تو وجود خود را به بی‌نیازی از همه‌ی خلق ستوده‌ای؛ تو به بی‌نیازی از ایشان شایسته‌ای و ایشان را به نیازمندی و فقر نسبت داده‌ای و در واقع آن‌ها سزاوار چنین نسبتی هستند. از این جهت هرکس رفع نیاز خود را از جانب تو بخواهد و برگرداندن فقر را از خویشتن به وسیله‌ی تو طلب کند، حقا که حاجتش را در جایگاه اصلی خود خواسته و به دنبال مطلبش از راه صحیح برآمده، و هرکه در نیاز خود به یکی از آفریدگان تو رو کند، یا او را به جای تو وسیله‌ی برآمدن حاجت قرار دهد، بی‌شک خود را در معرض نومیدی قرار داده و از جانب تو سزاوار محرومیت از احسان گشته است.»<sup>۲</sup>

قرآن می‌فرماید:

«بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند. در حقیقت شما به تکذیب پرداخته‌اید و به زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد.»<sup>۳</sup>

آنچه به انسان در پیشگاه خداوند ارزش می‌بخشد، توجه به پروردگار، دعا و بندگی به درگاه اوست؛ چنان که ادامه‌ی آیه این را نشان می‌دهد که: شما در گذشته، خدا، پیامبران و آیاتش

۱. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۱۷۶.

۲. صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۱۳.

۳. فرقان، ۷۷.

را تکذیب کردید و اگر به‌سوی دعا و بندگی خدا نشتابید، هیچ ارج و مقامی نزد او نخواهید داشت و نتیجه‌ی تکذیب شما دامنگیرتان خواهد شد.

بنابراین، زمانی انسان از گرفتاری‌های تکذیب حق و بریدن از خداپرستی و پیوستن به خودپرستی رها می‌شود که به خودپرستی پشت کند و به خدا، دعا و بندگی او روی آورد، تا مورد عنایت و توجه او قرار گیرد و ارزش بیابد.

بشر، پس از تجربه‌های گران و خستگی‌های پیایی و تکرارهای کور و خودمحو‌رانه، رو به درگاه آفریدگار می‌کند و در همین جهت به راه و «سبیل الله»، «صراط»، «وجه» و «باب الله» رو می‌نماید؛ همچنان که فرموده‌اند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ»؛

سلام بر آن راه الهی که سلوک بر غیر آن با هلاکت همراه است؛ یعنی سلام بر تنها راه.

«أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى. أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ»؛

کجاست آن باب الهی که از آن درگاه وارد می‌شوند؟ کجاست آن وجه الهی که دوستان خدا به‌سوی او روی می‌آورند؟

«أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ»؛

شما هستید آن راه پایدار و استوار.

شایان ذکر است که شاخصه‌های بلوغ اجتماعی، وقتی معنا می‌یابد و کارآمد و اثربخش خواهد بود که در بستر جمعی، عمومی و اجتماعی تجلی یابد؛ همچنان که در توفیق شریف حضرت علیه السلام به شیخ مفید آمده است:

«اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد - در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد داشتند و آن را محترم می‌شمردند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و هرچه زودتر به سعادت دیدار ما نائل می‌شدند؛ در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راستگویی و صداقت آنها نسبت به ما باشد.»<sup>۱</sup>

بر این اساس، آنچه به تعجیل یا تأخیر سعادت لقاء و ظهور آن حضرت می‌انجامد، بود یا نبود

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.



اجتماع قلبی مردم است، که بر معرفت و صداقت ایشان مبتنی است. همان‌طور که گفتیم، برای دست یافتن به بلوغ اجتماعی و شاخص‌های آن، ناچار از مهندسی آن هستیم، تا زمینه‌های ظهور آن «موفور السرور» را تمهید و هموار سازیم. این مهم، ممکن نیست، مگر آن‌که طلایه‌داران این ساحت و فقهای عظیم‌الشان به این عرصه درآیند و زمام قلوب و اندیشه‌ی جامعه را به دست گیرند و با این سکان‌داری، آنان را به ساحل رشد، بلوغ و بالندگی رهنمون شوند. همان‌گونه که امام هادی علیه السلام فرموده‌اند:

«اگر در روزگار غیبت قائم علیه السلام عالمانی نبودند که ظهور و فرج او را یاد کرده و مردم را به سوی او هدایت کنند و با استدلال‌های محکم از دین او به دفاع برخیزند و کسانی را که ایمان سستی دارند، از تور ابلیس و پیروانش و از شکار ناصیبان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام رهایی بخشند، هیچ کس باقی نمی‌ماند؛ مگر آن‌که راه ارتداد پیش می‌گرفت. اما آنان چونان ناخدای کشتی، که سکان کشتی را در دست دارد، زمام دل‌های شیعیان را در دست می‌گیرند. اینان نزد خداوند عزوجل افضل و برترین مردم هستند.»<sup>۱</sup>

بدین‌سان جامعه به فرهیختگان و اندیشه‌ورزان فقیه و فهیمی نیازمند است که این‌گونه مسئولیت بلوغ جامعه را بر دوش کشند و با وظایف چهارگانه‌ای که به شرحشان می‌پردازیم، از حریم دین و امامت پاسداری نمایند.

### وظیفه‌ی اول: دعوت

در عصر غیبت کانون فعالیت‌های فرهنگی و دینی عالمان فرهیخته و فقهای عظیم‌الشان، گلوازه‌ی انتظار است. محور توسعه‌ی فرهنگی و فرهنگ‌سازی آنان، دعوت به دین قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و فرهنگ انتظار است. بنابراین، اساس کار عالمان دینی در عصر غیبت، مدیریت ذهن‌ها و اراده‌ها، جهت‌دهی مردمان به سوی خلیفه‌ی خدا و حجت اوست، زیرا «آن‌که خدا را اراده کند، از شما می‌آغازد و هر که آهنگ آموزه‌های توحیدی نماید، از شما می‌گوید و هر که خداجو باشد، باید به شما رو کرده و توجه کند.»<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت جامعه‌ی کبیره.

### وظیفه‌ی دوم: دلالت

عالمان دین، افزون بر دعوت، به دلالت و راهنمایی نیز دست می‌یازند؛ یعنی علاوه بر فکر مهدی‌باوران، با قلب آنان نیز سر و کار داشته و ارتباط برقرار می‌سازند. آن عالمان، پیوسته به سه حیطة‌ی شناختی، عاطفی و رفتاری مهدی‌باوران عنایت دارند، تا در هنگامه‌های هجوم شهوات و شبهات، به کام زهرآگین شیاطین فرو نغلتند. آنان به فراخور توان افراد و اقدار عقول ایشان، هم‌زبانی و هم‌نوایی کرده، چراغ راه آن‌ها می‌شوند و رشته‌های قلوب مردم را به عشق امام علیه السلام گره می‌زنند و با ارائه‌ی نظام‌های مورد نیاز و راهکارهای وحیانی، راهنمایی دینی امت را مدیریت می‌کنند.

### وظیفه‌ی سوم: ذب و دفاع

عالمان در عصر غیبت، گذشته از وظایف دعوت و دلالت به حجت خدا، از مرزهای دین امام خویش دفاع می‌کنند، تا از گزند فتنه‌ها و شبهات پیاپی محفوظ بماند و خارهای دشمنان در باور مهدی‌باوران خراشی نیفکند و با حضور زنده و فعال خود در عرصه‌ها و لایه‌های زمان و آشنایی با زبان زمان خویش، می‌خواهند عالم به زمان باشند و امواج فتنه‌ها را رصد کنند و چاره‌ها اندیشند.

### وظیفه‌ی چهارم: انقاذ و نجات

جوامع بشری به‌میزان فاصله‌ای که از فرهنگ وحیانی پیدا می‌کنند، به قعر مشکلات و فتنه‌های خطرناکی فرو می‌غلتند و در امواج تبعات آن دست و پا می‌زنند. عالمان دینی، پیوسته فریادرس آنان هستند و به نجات و انقاذ آنان می‌شتابند و شیاطین را به خشم می‌آورند. از همین رو هرگاه عالمی از جهان رخت برمی‌بندد، بزم سرور و شادمانی شیاطین برپا می‌شود.

### چالش‌های عصر غیبت

ناکامی بشر، از نابالغی او سرچشمه می‌گیرد و اوج محرومیت و ناکامی، در غربت عصر غیبت تجلی می‌یابد. از این‌رو، با غیبت آن عنصر لطیف آسمانی، «فترت» و فاصله‌ای از حجت الهی

به وجود آمد. این «فترت»، به دنبال خود «حیرت» زایی خواهد داشت و مردم را در گرداب سرگردانی‌ها به بازی خواهد گرفت و تا سرحد تهاجم «فتنه»‌ها خواهد کشاند؛ به گونه‌ای که انبوه فتنه‌ها او را به حصار خود در خواهد آورد و به بند خواهد کشید و تا او را به تاریکی‌ها و شب دیجور «یأس» نشانند، آرام نمی‌گیرد.

با نگاهی گذرا به مجموع روایات، چالش‌های چهارگانه‌ی «فترت»، «حیرت»، «فتنه» و «یأس» را در عصر غیبت می‌توان مشاهده نمود. از این رو، عالمان دینی بر اساس راهبردهای چهارگانه‌ای که در عصر غیبت فراسویشان است، به مصاف چالش‌های چهارگانه‌ی عصر غیبت می‌روند، تا از این معبر به سوی مهندسی بلوغ اجتماعی راه بکشایند.

عالمان در عصر غیبت با «دعوت» خویش به مصاف «فترت» می‌روند و در حد خود آن را پوشش می‌دهند؛ با «دلالت» خویش به مصاف «حیرت»‌ها می‌روند و حیرت‌زدایی می‌کنند؛ با «ذب و دفاع» به مصاف «فتنه»‌ها می‌روند و گره‌های کور آن را از ذهن، دل و دست و پای مردم می‌کشایند، تا امواج طوفان فتنه‌ها ایشان را در شهوات و شبهات فروغلتانند؛ و با «انقاذ و نجات» خویش به مصاف «یأس» می‌روند، تا ناامیدان را از قعر هلاکت برهانند.

بدین‌سان نظام راهبردی عالمان دینی در عصر غیبت بر اساس فقه آنان شکل می‌گیرد و ماجرای فقه و تفقه را می‌توان از بار مفهومی این کلیدواژه دریافت که به معنای «فهم، دقت و تأمل» است.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

«به خدا سوگند، کسی از شیعیان خود را فقیه نمی‌شماریم، تا این‌که به رمز، سخنی به او گفته شود و آن رمز را دریابد.»<sup>۱</sup>

فقیهان با ظرفیت‌ها و ظرافت‌ها، راهبردهای فرهنگی را در رگه‌ها و لایه‌های جامعه به جریان می‌اندازند، تا در مصاف با چالش‌های یادشده، به مهندسی بلوغ اجتماعی بشتابند و بدین گونه، بسترها و زمینه‌های ظهور را فراهم سازند.

۱. الغیبه، نعمانی، باب ۱۰، ص ۱۹۸.

### سؤالات پژوهشی

۱. تئوری‌های زمینه‌سازی ظهور را بررسی کنید.
۲. انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری در زمینه‌های ظهور داشت؟

### منابع مطالعاتی

مجموعه کتاب‌های همایش چهارم و پنجم دکترین مهدویت، قم، مؤسسه‌ی آینده‌ی روشن، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸.

درسنامه‌ی نهم

## آسیب‌شناسی فرهنگ انتظار

- آنچه این درس به آن می‌پردازد:
- ضرورت آسیب‌شناسی فرهنگ انتظار
- مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ انتظار
- راه‌های مقابله با آسیب‌های فرهنگ انتظار
- نقش فرقه‌های انحرافی در تخریب فرهنگ مهدوی
- غرب و مهدویت



## سر آغاز

برای هر فرهنگ و مجموعه‌ی معرفتی، ممکن است آفتهایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن باشد. فرهنگ دینی نیز گاهی به آفتهایی گرفتار می‌شود که حرکت رو به کمال آن را کند می‌کند. بحث «آسیب‌شناسی دینی» عهده‌دار شناخت آن آفت‌ها و شیوه‌ی مقابله با آنهاست.

مناسب است در این فصل درباره‌ی آسیب‌های فرهنگ ناب مهدوی بحث شود، تا ضمن آشنایی با آنها، به راه‌های خنثی‌سازی و مقابله بیندیشیم. آسیب‌های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آنها موجب سستی اعتقاد مردم و به‌ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی علیه السلام و یا عدم شناخت ابعاد مختلف آن بزرگوار و گاهی نیز سبب گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف می‌شود. بنابراین، آشنایی با این آسیب‌ها، منتظران آن امام بزرگ را از کج‌روی در اعتقاد و عمل حفظ خواهد کرد. در این درس، مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ مهدویت در عنوان‌هایی جدا از یکدیگر مورد بحث قرار می‌گیرد.

## برداشتهای غلط

از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشتهای نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. تحلیل نادرست و ناقص از روایات، به دریافت غیر صحیح می‌انجامد، که چند نمونه از آن در اینجا بیان می‌شود.

۱. برداشت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است که بعضی گمان کنند چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام عصر عجل الله فرجه خواهد بود، ما در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداریم و حتی ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل الله فرجه باید برای ترویج بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه اقدام کنیم! این اندیشه‌ی نادرست، در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می‌داند.

۲. برخی، از ظاهر بعضی از روایات این‌گونه برداشت کرده‌اند که هر قیامی قبل از قیام امام مهدی عجل الله فرجه محکوم و مردود است. بنابراین، در برابر قیام و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، که قیامی بر ضد طاغوت و استکبار و در جهت برقراری احکام الهی بوده است، موضع نادرستی گرفته‌اند.

در پاسخ باید گفت که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه‌ی حدود و قصاص و نیز جهاد با دشمنان و مبارزه‌ی فراگیر با فساد، جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست. بنابراین، تلاش برای برقراری نظام اسلامی کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات، به معنای شرکت در قیام‌های باطل است، که انگیزه‌ی الهی ندارد و یا قیام‌هایی است که بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم انجام می‌گیرد و یا حرکت‌هایی است که به عنوان قیام مهدوی آغاز می‌گردد؛ نه این‌که هر انقلاب و حرکتی که در مسیر اصلاح جامعه است، مردود شمرده شود.

۳. یکی دیگر از برداشت‌های غلط در فرهنگ مهدویت، نشان دادن چهره‌ی خشونت‌آمیز از امام مهدی عجل الله فرجه است. برخلاف تصور بعضی افراد، که می‌اندیشند حضرت حجت عجل الله فرجه با شمشیر عدالت، دریایی از خون به راه می‌اندازند و بسیاری را از دم تیغ می‌گذرانند، امام عصر علیه السلام مظهر رأفت و رحمت پروردگار بوده، مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله ابتدا همگان را با بیان روشن و دلایل آشکار به اسلام و قرآن می‌خواندند، و اکثر مردم دعوت آن حضرت صلی الله علیه و آله را پاسخ داده، به حضرت می‌پیوندند. بنابراین، امام عجل الله فرجه تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سر باز می‌زنند و جز زبان شمشیر نمی‌فهمند، با سلاح برخورد می‌کنند.

### استعجال ظهور

یکی دیگر از آسیب‌های جدی در فرهنگ مهدویت استعجال ظهور است. استعجال به معنای عجله کردن و خواستن چیزی، قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آن است. انسان‌های عجول، به دلیل ضعف نفس و کم ظرفیت بودن؛ متانت، سکون و آرامش خود را از دست می‌دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده‌ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسأله‌ی انتظار امام غایب عجل الله فرجه، انسان منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور می‌باشد. منتظر برای تعجیل امر فرج دعا می‌کند، اما هرگز عجله نمی‌نماید. هرچه غیبت به درازا کشد و انتظار طولانی شود، باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد؛ بلکه به رغم شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده‌ی پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان داده، برای تحقق همه‌ی زمینه‌های لازم جهت ظهور تلاش کرده و بردباری می‌کند.

عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مِهْزَم داخل شد و عرض کرد: «قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می‌شود؟» امام علیه السلام فرمودند:

«ای مِهْزَم! دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب‌کنندگان و نجات یافتند تسلیم‌شدگان.»<sup>۱</sup> نهی از عجله و شتاب‌زدگی در امر ظهور، به این دلیل است که به دنبال این پدیده، روحیه‌ی یأس و نومیدی در انسان منتظر به وجود می‌آید؛ آرامش و صبوری را از دست می‌دهد و حالت تسلیم او به حالت گله‌مندی و شکایت تبدیل شده و از تأخیر ظهور بی‌قرار می‌شود، حتی ممکن است این بیماری را به دیگران نیز سرایت دهد و گاهی به علت استعجال ظهور، به حالت انکار وجود امام، گرفتار شود.

شایان ذکر است که منشأ استعجال ظهور، آن است که (فرد منتظر عجول) نمی‌داند ظهور، از سنت‌های الهی است و مانند همه‌ی سنت‌ها باید پس از تحقق همه‌ی شرایط و زمینه‌ها انجام گیرد، بنابراین برای وقوع آن عجله می‌کند.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۱.

### تعیین زمان ظهور

یکی از آسیب‌های فرهنگ مهدویت، آن است که بعضی به‌دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند؛ در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است و در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به‌شدت نهی شده است و وقت‌گذاران، دروغگو شمرده شده‌اند. از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا برای ظهور وقت (معینی) است؟ فرمودند: «آن‌ها که برای ظهور، تعیین وقت می‌کنند، دروغ می‌گویند.» (و سه بار این جمله را تکرار کردند.)<sup>۱</sup> با این حال، بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور، تعیین وقت می‌کنند، که کمترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده‌های دروغین را باور کرده، اما خلاف آن را مشاهده نموده‌اند.

### تطبیق علایم ظهور بر مصادیق خاص

در روایات فراوانی نشانه‌هایی برای ظهور امام مهدی عجل الله فرجه بیان شده است، اما کیفیت دقیق و خصوصیات آنها روشن نیست و این بستری برای تحلیل‌ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی شده است. بعضی در پی تطبیق علایم ظهور بر پدیده‌های موجود برمی‌آیند و بدین‌وسیله خبر از نزدیکی ظهور و احتمال قریب‌الوقوع بودن آن را می‌دهند. این جریان نیز از آسیب‌های فرهنگ مهدویت است، که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می‌انجامد. برای مثال، وقتی شخصیت سفیانی به فردی خاص که در فلان منطقه است، تفسیر شود و درباره‌ی دجال تحلیل‌های بی‌دلیل مطرح گردد و به‌دنبال آن، بشارت ظهور در زمانی بسیار نزدیک به همگان داده شود، اما پس از طی شدن سالیانی امام عجل الله فرجه ظهور نکنند، عده‌ای به انحراف و اشتباه گرفتار شده و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می‌شوند.

### طرح مباحث غیرضروری

گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب گفتارها، مقاله‌ها، نشریات و حتی کنفرانس‌ها به بحث‌هایی

۱. الغیبه، شیخ طوسی، ج ۴۱۱، ص ۴۲۶.

روی می‌آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آن‌ها دیده نمی‌شود؛ بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه‌ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه‌ی منتظران می‌گردد.

برای نمونه، پرداختن به بحث «ملاقات با امام زمان عجل الله فرجه» و ترغیب و تشویق فراوان و به‌شکل افراطی نسبت به این موضوع، پیامدهای ناگواری دارد و سبب ناامیدی و گاهی انکار امام عجل الله فرجه می‌شود. در حالی که آنچه در روایات بر آن تأکید شده، حرکت در جهت رضایت امام مهدی عجل الله فرجه و پیروی از آن حضرت علیه السلام در گفتار و کردار است. بنابراین، آنچه مهم می‌نماید، تبیین وظایف منتظران در عصر غیبت امام علیه السلام است، تا اگر توفیق ملاقات با امام علیه السلام دست داد، در حالت رضایتمندی آن بزرگوار باشد.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت علیه السلام و یا وجود فرزند برای آن بزرگوار و یا محل زندگی حضرت علیه السلام نیز از نمونه بحث‌های غیرضروری است که گاه جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار در مسیر زندگی منتظران می‌دهد.

این نکته نیز مهم است که در طرح مباحث مهدویت، جامع‌نگری ضرورت دارد؛ به این معنا که هنگام گفتگو درباره‌ی این موضوع، مجموعه معارف مهدویت مورد مطالعه قرار گیرد. گاهی بعضی افراد با مطالعه‌ی برخی از روایات و بدون در نظر گرفتن روایات دیگر، تحلیل‌های نادرستی از جریان مهدویت بیان می‌نمایند.

برای مثال، با ملاحظه‌ی روایاتی که از جنگ طولانی و خون‌ریزی فراوان در زمان ظهور خبر داده است، چهره‌ی بسیار خشنی از امام غایب عجل الله فرجه ترسیم می‌کنند و از روایات دیگر غافل می‌مانند که جلوه‌های محبت و مهربانی امام مهدی عجل الله فرجه را بیان، و سیره و اخلاق او را همانند خلق و خوی جد گرامی‌اش، پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله معرفی کرده‌اند. بدیهی است که دقت در هر دو دسته روایات، این حقیقت را بیان می‌کند که برخورد امام عجل الله فرجه با همه‌ی انسان‌های حق‌طلب - چه رسد به شیعیان و دوستداران آن بزرگوار - با دریایی از مهربانی، صفا و صمیمیت همراه خواهد بود و شمشیر انتقام آن ذخیره‌ی الهی، تنها بر گرده‌ی ستمگران و پیروان آن‌ها فرود خواهد آمد.

### مدعیان دروغین

یکی دیگر از آسیب‌های معارف مهدویت، ظهور مدعیان دروغین در این جریان مقدس است. در طول سالیان غیبت مهدی موعود عجل الله فرجه افرادی به دروغ ادعا کرده‌اند که با آن حضرت علیه السلام ارتباط خاص دارند و یا از سوی آن بزرگوار به مقام نیابت خاص رسیده‌اند. امام زمان علیه السلام در آخرین نامه‌ی خود به نایب چهارم، تصریح کردند: «تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را سامان ده و درباره‌ی جانشینی از خود، به هیچ کس وصیت نکن، که غیبت کامل فرا رسیده است... و در آینده بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده (و ارتباط با من) می‌کنند. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه (آسمانی) ادعای مشاهده داشته باشد، دروغگو است.»<sup>۱</sup>

با این بیان روشن، هر شیعه‌ی آگاهی وظیفه دارد مدعیان ارتباط با امام علیه السلام و نیابت خاص از ایشان را تکذیب کرده، راه نفوذ و سودجویی این فرصت‌طلبان و دنیاخواهان را ببندد. بعضی از این دروغگویان پا را فراتر نهاده و پس از ادعای نیابت، مدعی مهدویت شده‌اند و در پی این ادعای باطل، مکتب و فرقه‌ای انحرافی را بنیان نهاده و زمینه‌ی انحراف اعتقادی عده‌ی بسیاری را فراهم کرده‌اند. با مطالعه‌ی تاریخچه‌ی این گروه‌ها، روشن می‌شود که بسیاری از آن‌ها با پشتیبانی استعمار به وجود آمده و به حیات خود ادامه داده‌اند.

### فرقه‌های انحرافی

#### الف. شیخیه<sup>۲</sup>

مؤسس فرقه‌ی شیخیه، شیخ احمد احسائی است. وی فرزند زین‌الدین بن ابراهیم بن صفر بن راغب بن رمضان، در سال ۱۱۶۰ ه‍.ق در قریه‌ای به نام مطیرفی از قراء احساء (یا لهسا)

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۵، ص ۲۹۴، ح ۴۵.

۲. مباحث بسیار ارزشمندی که درباره‌ی شیخیه آورده شده، حاصل تلخیص جزوه‌ی آموزشی «مهدویت و فرقه‌های انحرافی»، اثر استاد جعفر خوشنویس است، که تا کنون به زیور طبع آراسته نشده است.

متولد شد. او از اعراب صحرائشین بود، اما به دلیل اختلافی که بین جد دوم و سومش (دائر و رمضان) پیدا شد، به منطقه‌ی احساء رفت. اجداد شیخ احمد از سنی‌های متعصب بودند، اما آمدن آن‌ها به منطقه‌ی احساء، که شیعه‌نشین بود، باعث شد تحت تأثیر شیعه قرار گیرند. با این حال، به دلیل سابقه‌ی تعصب و صحرائشینی، به نظر می‌رسد تشیع آن‌ها از روی تحقیق و تعقل نبوده و چه‌بسا از باب هم‌رنگ شدن با محیط جدید بوده است.

برخی از مریدان احسائی، اوصاف عجیب و غریبی را به او نسبت داده و از وی، فردی استثنایی و دارای الهامات و امدادهای غیبی ساخته‌اند. بیشتر اوصافی که به او نسبت داده شده، از ناحیه‌ی پسرش بوده که کتابی هم در وصف او نوشته است. برای مثال، قبل از پنج سالگی، یادگیری قرآن را تمام کرد. خود می‌گوید:

«در ایام طفولیت، جسمم با بچه‌ها در حال بازی بود، اما روحم در عالمی دیگر سیر می‌کرد. همیشه فکر می‌کردم، تدبیر می‌نمودم و بر همه مقدم بودم. در سنین کودکی بر این عادت بودم که در خلوت‌هایم درباره‌ی اوضاع جهان و مردم می‌اندیشیدم که: کجایند ساکنان این عمارات که این بناها و کاخ‌ها را ساخته‌اند و وقتی متذکر احوالشان می‌شدم، می‌گریستم. به مجالس لهوی که در آن زمان رایج بود، می‌رفتم، ولی از آن کناره‌گیری می‌کردم. اگر چه جسمم با آن‌ها بود، اما روحم در ملاً اعلی بود.»

شایان ذکر است که در منطقه‌ای که او سکونت داشت، موسیقی، غنا و امثال این‌ها بسیار رایج بود؛ تا آنجا که دستگاه موسیقی را بر درب خانه‌هاشان آویزان می‌کردند.

درباره‌ی حافظه و هوشمندی خویش نیز می‌گوید: «دو ساله که بودم، سیلی آمد و همه چیز را برد، جز یک مسجد و خانه‌ی عمه‌ام، حبابه.» این سخن، حافظه‌ی قوی او را می‌رساند. گویند زمانی بر مقتولی گذر کرد. با عبارت فصیح به او خطاب نمود: «أَیْنَ مُلْکُک؟ أَیْنَ شُجَاعَتُک؟ أَیْنَ قُوَّتُک؟؛ ملک و شجاعتت چه شد؟ نیرو و توانت کو؟» و بعد بر دگرگونی زمان می‌گریست. این فضایل مربوط به دوران طفولیت اوست که مقدمه‌ای برای ادعاهایی دیگر است. در هر حال، اوصافی برای او ذکر نموده‌اند که لازمه‌اش، قداست و نبوغی خارق‌العاده است که در اصلا ب وی بی‌سابقه بوده و هدف از این کار، چیزی جز اغواء و فریفتن مردم نبود.

از علمای معاصر و غیرمعاصر او، به دلیل عقاید باطل وی، چیزی جز تکفیر، تفسیق، نکوهش و ذم او نقل نشده است، که اسامی بعضی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۱. سید محمد مجاهد، نویسنده‌ی مناهل (متوفی ۱۲۴۲ هـ.ق)؛ ۲. سید مهدی طباطبایی، فرزند نویسنده‌ی کتاب ریاض (متوفی ۱۲۶۰ هـ.ق)؛ ۳. شیخ محمد حسین، نویسنده‌ی فصول (متوفی ۱۲۶۱ هـ.ق)؛ ۴. سید ابراهیم قزوینی، مؤلف ضوابط (متوفی ۱۲۶۲ هـ.ق)؛ ۵. شهید سوم، شیخ محمدتقی قزوینی (متوفی ۱۲۶۴ هـ.ق)؛ ۶. شیخ شریف‌العلماء (متوفی ۱۲۶۵ هـ.ق)؛ ۷. شیخ محمدحسن، مؤلف جواهر (متوفی ۱۲۶۶ هـ.ق)؛ ۸. ملا آقا دربندی، مؤلف کتب خزائن الاصول و خزائن الاحکام (متوفی ۱۲۸۵ هـ.ق)؛ ۹. میرزا محمدباقر خوانساری، نویسنده‌ی روضات الجنات (متوفی ۱۳۱۳ هـ.ق).

احسائی، بعضی علوم و معارف را تحصیل نمود، بی‌آن‌که برای او شفای قلبی حاصل شود و توشه‌ای معنوی برگیرد. خود می‌گوید: «در ۲۵ سالگی خوابی دیدم که بر اثر آن، انقلابی عجیب در من ایجاد شد و مرا از ادامه‌ی تحصیل علوم - که ظاهری و غیرواقعی بود - باز داشت.»  
 مریدان او ادعا کرده‌اند که شیخ، علمش را از عالم اعلی گرفته است؛ برخلاف دیگران که با همه‌ی سعی و کوشش وافر خود از آن عاجز هستند؛ تنها یک هزارم فضایل او مطرح شده است و در هر فن و علمی از تمام متخصصان بالاتر است؛ برای او در علوم مختلف ۳۰۰ تألیف ذکر کرده‌اند.

گفته شده او سفرهای زیادی به بلاد مختلف داشته؛ به‌خصوص بلادی که دارای حوزه‌ی علمیه بوده است و علمای بزرگ در آن زندگی می‌کردند. شرکت در درس آن علما، باعث فراگیری علوم زیادی شد و از او عالمی بزرگ و شخصیتی مقدس و متقی ساخت. البته این ادعا را اموری تکذیب می‌کند و از اهمیت آن می‌کاهد، که در ذیل آن‌ها را برمی‌شماریم.

الف. بنابر آنچه که از او نقل شده یا به او نسبت داده‌اند، وی نه برای آموختن، بلکه صرفاً برای آزمایش علما در دروس شرکت می‌کرد.

ب. بنابر تصریح خود یا نقلی که از او شده است، با دیدن آن خواب، حقایق علوم را - که به او الهام گشت - دریافت.



ج. ادعای این که علم او «لدنی» بود.

می‌گویند: برخی از علوم، مانند فلسفه و تصوف و بعضی علوم غریبه را در سفرهایش آموخت و به دلیل همین علوم یا به سبب اعتماد بر بعضی از روایات که معنای آن را نفهمیده بود، دچار چنین سرانجامی شد.

شیخ احمد احسائی در اوایل امر، به تقوا، زهد و ورع توصیف شده است و از این رو بعضی او را مدح کرده‌اند. اما با بیان اعتقادات غلوآمیز و ادعاهایش، انحراف او مشخص شد. بدین سبب علما به تکفیر او حکم دادند.

دارای مسلکی اخباری بود. او به امور غریبی معتقد بود که با اعتقادات شیعه‌ی امامیه - که در طول قرون متمادی در کتب کلامی و اعتقادی خود به صورت مختصر و مطول بیان کرده‌اند فاصله‌ی زیادی دارد. در اینجا مواردی از اعتقادات شیخ را برمی‌شماریم.

۱. ائمه علیهم‌السلام را به عنوان علل اربع (علل فاعلی، مادی، صوری، غایی) برای عالم ذکر کرده است. این غلوی است که عقل و شرع مقدس، از آن ابا دارد.

۲. اصول دین چهار تا است: معرفت الله، معرفت انبیا علیهم‌السلام، معرفت ائمه علیهم‌السلام، معرفت رکن رابع، که شیوخ و بزرگان شیخیه هستند.

۳. قرآن، کلام نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. شیخ با این کلام، منکر وحی بودن قرآن است.

۴. اتحاد حق با خلق؛ یعنی، الله تعالی با انبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شیء واحدی هستند.

۵. تفسیر معاد به معنای غیرمتعارف و بیگانه از آنچه علمای کلام می‌گویند.

۶. تفسیر امام به شیء غریب، که همراه با غلو، شرک و خرافه است، که قرآن و شرع مقدس، مخالف چنین امری است.

۷. اعتقاد به رکن رابع، که از مختصات این فرقه است. دلیل این اعتقاد، آن است که می‌گویند:

برای هر سلطانی چهار وزیر است که عبارتند از: وزیر عدل، وزیر انفاق، وزیر جنگ و وزیر دارایی و مالیات. اگر این چهار وزیر نباشند، ملک و سلطنت از بین می‌رود و کم و زیاد کردن آن‌ها هم جایز نیست.

(همین‌طور) چون خدا، نبی و امام از جنس بشر نیستند، لازم است بین آن‌ها و خلق، شیوخ آن‌ها واسطه و موضوع تجلی حق باشند. این‌ها این اصل را در مقابل سفارش ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در رجوع به فقها قرار داده‌اند، که قدرت استنباط احکام را از کتاب، سنت، عقل و اجماع دارند و حجت بر عوام هستند.

۸. اعتقاد عجیب و غریب شیخ در مورد امام عصر عجل الله فرجه استهزای آن حضرت است، که شبیه به کلام منکران می‌باشد. شیخ گفته است امام غایب در پشت پرده‌ی غیبت چه فایده‌ای دارد؟ وی گفته:

«إِنَّ الْإِمَامَ الْحُجَّةَ خَافَ وَفَرَّ إِلَى الْعَالَمِ حُورِ قَلْيَائِي»؛

امام عصر به دلیل ترس، به عالم حور قلیایی گریخت.

۹. اعتقاد به حقانیت فرقه‌ی شیخیه و عقاید آن و تصریح به بطلان جمیع فرق شیعه؛ حتی امامیه.

۱۰. نفی عدل، که نزد شیعه از اصول دین است.

شیخ احمد احسائی در یکی از کتاب‌هایش به خلفا حمله کرد. به همین دلیل، حکومت عثمانی که در آن وقت بر عراق سیطره داشت؛ به کربلا حمله نمود، عده‌ای از اهالی آنجا را کشت، خانه‌ها را آتش زد و آنجا را ویران کرد. در این میان، خانه‌ای جز خانه‌ی سید کاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسائی، سالم نماند. شیخ که مسبب این فتنه بود، خود در امان ماند. او مدتی بعد به حجاز رفت و در آنجا مورد احترام قرار گرفت؛ این در حالی بود که حکام آن دیار، سنی بودند و زیر نظر حکومت عثمانی قرار داشتند.

شیخ در ۵۷ سالگی در سال ۱۲۴۱ ه.ق. از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد.

شاگردان شیخ، مروجان عقاید او و مورد عنایت ناصرالدین شاه (که به دنبال معارضه و مقابله با قدرت علمای شیعه بود) بودند و کارهای آنان به اختلاف بین صفوف شیعیان انجامید؛ به‌خصوص در آن زمان که شیعیان عراق تحت حکومت متعصب سنی عثمانی بودند و نیاز شدید به اتحاد داشتند. سعی همیشگی استعمار بر این بود که مراجع را که ملجأ و پناه شیعیان بودند، از میان بردارد.

سید کاظم رشتی که در کلاس درس او شرکت و عقاید او را ترویج می‌کرد، بعدها فرقه‌ی کشفیه را تأسیس نمود.

بعد از مرگ شیخ، فرقه‌ی او به شعب مختلف تقسیم شد؛ مانند: کرامیه، احقاقیه، حجت‌الاسلامیه و باقریه که هریک از این‌ها افکار مخصوص به خود را داشتند.

نتیجه‌ی سخنان شیخ احمد، پیدا شدن مذاهب ضالیه‌ی بابیت و بهائیت و سرانجام، بی‌دینی به اسم آیین پاک به‌وسیله‌ی کسروی بود و این میدان عمل و نتایج اسفبار سخنان شیخیه، خود محک و ملاک خوبی بر ضعف و سستی این سخنان است.

#### ب. کشفیه

سید کاظم رشتی، فرزند سید قاسم رشتی گیلانی حائری، ایرانی‌الاصل بود و در سال ۱۲۱۲ هـ. ق متولد شد. بعضی گفته‌اند نسبش از سادات حسینی است، اما بعضی دیگر گفته‌اند اصلاً سید نیست؛ و سید کاظم نام مستعار اوست، زیرا در یزد با نام احمد احسائی به فعالیت می‌پرداخت.

وی در ۲۱ سالگی به کربلا رفت و تا آخر عمر در آنجا ماند و عقیده‌ی شیخ احمد احسائی را ترویج می‌کرد. بعد از وفات شیخ، وی چون جرأت زیادی در اظهار عقاید سلف خود داشت یا به علت اسباب و سیاستمداران خارجی، از بین مشایخ شیخیه به عنوان رئیس انتخاب شد. او بر عقاید سلف خود، اوهام جدیدی افزود و ادعاهایی شبیه به کشف داشت. شاید به همین دلیل به آن‌ها کشفیه می‌گویند.

سید کاظم به مدت ۲۰ سال رئیس فرقه بود و بین پیروانش در ایران و عراق، به عنوان رکن رابع معروف بود. او می‌گفت: «فقط ما شیعه‌ی کامل هستیم.»

سید رشتی، کتب زیادی تألیف کرد، که در بر دارنده‌ی امور غریبه و ادعاهایی عجیب است، که از غلو و خرافه درباره‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام آکنده است. او اغلب، کتاب‌هایش را با رمز می‌نوشت.

سید محمود آلوسی - مفتی بغداد - که در عناد با شیعه معروف است، سید کاظم را مورد

احترام قرار داد. وی وصف عجیبی را برای او بیان می‌کند و می‌گوید: «اگر سید رشتی در زمانی بود که آمدن نبی امکان داشت، پیامبر بود و من نخستین کسی بودم که به او ایمان می‌آوردم، زیرا سید شرایط نبوت را از نظر اخلاقی، علم کثیر و عمل به سجایای انسانی داراست.»

آیا چنین ستایشی از طرف مخالفان، دلالت بر رضایت آن‌ها از این فرد فاسدالعقیده ندارد و آیا دلیل بر این نیست که آنچه رشتی گفته و نشر داده، مخالف راه و روش اهل بیت علیهم‌السلام بوده است؟ سید کاظم رشتی، مهدویت را به‌صورتی موهوم مطرح می‌کرد. برای مثال، می‌گفت: «الان مهدی علیه‌السلام در بین شماست.» او حتی مبلغانش را به اطراف می‌فرستاد که: «آماده باشید! آقا می‌آید.» و گاهی می‌گفت: «آقا بین خود شماست.» به دلیل همین افکار خرافاتی و موهوم، یکی از شاگردان بارز وی به نام علی محمد باب ادعا کرد که من باب امام زمان عجل‌الله فرجه هستم. بعد ادعا کرد که من خود مهدی عجل‌الله فرجه هستم. مردم هم دور او را گرفتند و زیربنای «بابیت» شکل گرفت.

سید کاظم رشتی شاگردانی تربیت کرد و آنان عقاید و افکار او را در مناطقی از ایران و از جمله کرمان و آذربایجان ترویج دادند.

احسائی و رشتی، نایبی را معرفی نکردند، اما عده‌ای در بعضی مناطق ادعا کردند که نایب سید هستند.

سید کاظم، نزدیک به ۱۵۰ تألیف داشت که برخی از آن‌ها شرح بعضی از ادعیه با تأویلاتی غریب و شبیه به داستان است. وی در سال ۱۲۵۹ هجری درگذشت و فرزندش، سید احمد، رئیس فرقه شد.<sup>۱</sup>

### ج. بابیه

از رویدادهای مهم در فرقه‌ی شیخیه، پس از درگذشت سید کاظم رشتی، ادعای جانشینی وی از سوی میرزا علی محمد شیرازی و اعلام حمایت برخی از عالمان شیخی و شاگردان سید

۱. اقتباس و تلخیص از: جعفر خوشنویس، «مهدویت و فرقه‌های انحرافی».

از او بود. این ادعا و اعلام حمایت نامیمون، منشأ بسیاری از انحرافات عقیدتی، کفر و ارتداد رئیس گروه و سایر طرفداران وی گردیده است.

چنان که اشاره شد، ادعای «شیعه‌ی کامل» یا «رکن رابع» و «ناطقیت» در میان فرقه‌ی شیخیه، زمینه‌ساز ادعای «بابیت»، و پذیرش آن از سوی جمعی از طرفداران این فرقه شد که خود، فرقه‌ی مستقل دیگری را تشکیل داده و به نام «بابیت» شناخته شده‌اند.

ادعای دروغین «بابیت» هر از چند گاهی، از زمان ائمه علیهم‌السلام تا قرن حاضر، کم و بیش رواج داشته است، اما هیچ یک از مدعیان دروغین آن به اندازه‌ی میرزا علی محمد باب، جامعه‌ی اسلامی را به انحراف نکشاند. علاوه بر آن - چنان که خواهد آمد - میرزا علی محمد باب، غیر از ادعای دروغین بابیت، ادعای دیگری را مطرح کرد که زمینه‌ساز فرقه‌ی دیگری به نام «بهائیت» شد.

#### بنیانگذار فرقه‌ی «بابیه»

فرقه‌ی «بابیه» به دست میرزا علی محمد شیرازی، ملقب به باب، تأسیس شد. بابیه، او را «حضرت اعلی» و «نقطه‌ی اولی» هم لقب داده‌اند. وی فرزند سید رضای بزاز است.<sup>۱</sup> او تحصیلات ابتدایی‌اش را در شیراز آغاز کرد و در نوجوانی به بوشهر رفت و نزد شخصی به نام شیخ محمد که به «شیخ عابد» شهرت داشت، به تحصیل پرداخت. شیخ عابد که از شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود، در بوشهر (ایران) به تعلیم و تربیت و تدریس اشتغال داشت. سید علی محمد نزد او به خواندن و نوشتن پرداخت و قسمتی از ادبیات فارسی، عربی و کلیات مطالب و آموزه‌های شیخیه را آموخت و بدین ترتیب، از همان دوران با نام رؤسای شیخیه (احسائی و رشتی) آشنا شد.

#### تحصیل و تجارت «باب»

تحصیلات سید علی محمد اندک بود. او در نوشتن مطالب به زبان فارسی و به‌ویژه عربی دچار اشتباه‌های فاحشی شده که نشانه‌ی عدم اطلاع کافی وی از ادبیات زبان عربی و فارسی

۱. کتاب آیین باب، ص ۴.

است. او پس از مدت کوتاهی که به تحصیل پرداخته بود، دست از آن کشید و در هفده سالگی همراه دایی خویش، میرزا سید علی تاجر، شغل پدر را پیشه‌ی خویش ساخت. او حدود پنج سال در بوشهر - که دارای هوایی گرم است - اقامت گزید و با داد و ستد در بندر بوشهر، زندگی خویش را می‌گذراند.

برخی آورده‌اند چون وی مجذوب مسائل مذهبی بود، در پناه سیمای محجوب و چهره‌ی زیبا و حسن خلق و سلوک با مردم، توانست عده‌ای را به سوی خود جلب کند.

#### حضور در مجلس درس سید کاظم رشتی

سید علی محمد پس از توقف پنج‌ساله در بوشهر، با رها کردن تحصیل و تجارت، به شیراز بازگشت و از آنجا به مکه سفر کرد. سپس برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام و تحصیل علم به کربلا رفت و در آنجا به جهت سنخیت فکری و شنیدن آوازه‌ی سید کاظم رشتی - شاگرد، جانشین و مفسر آرای شیخ احمد احسائی - به وی گرایش پیدا کرد.

چنان‌که پیش از این آمد، شیخ احمد احسائی معتقدات باطل خویش را به بعضی از شاگردان خود، از جمله سید کاظم رشتی، انتقال داد. از مهم‌ترین آن افکار، ترکیب معجونی از افکار غلوآمیز درباره‌ی ائمه‌ی اطهار علیهم السلام است. او معتقد بود که آنان «مظاهر تجسم یافته‌ی خدا» یا «خدایان مجسم» اند و لازم است در هر زمان یک نفر میان مردم و امام زمان، «باب» و «واسطه‌ی فیض روحانی» باشد.

سید علی محمد در مدت توقف خود در کربلا - که ظاهراً دو یا سه سال طول کشید - در سلک شاگردان و مریدان سید کاظم رشتی درآمد و مورد توجه استادش قرار گرفت. وی در مدتی که نزد سید کاظم رشتی شاگردی می‌کرد، با مسائل عرفانی، تفسیر و تأویل آیات قرآن و احادیث و مسائل فقهی به‌روش شیخی آشنا شد و از آرای شیخ احسائی، هم آگاهی یافت. وی هنگام اقامت در کربلا، از درس ملا صادق خراسانی، که او نیز مذهب شیخی داشت، بهره برد و چندی نزد وی بعضی از کتب ادبی متداول آن ایام را فراگرفت. سید علی محمد در سال ۱۲۵۷ هـ. ق به شیراز بازگشت.

### ریاضت غیر شرعی؛ گام نخست انحراف

سید علی محمد شیرازی پیش از ابراز ادعاهای دروغین خویش، به ریاضت‌های سخت و بی‌فایده مشغول شد. وی در ایامی که به تجارت مشغول بود، کم‌کم دست از آن کشید و ذوق ریاضت و ذکر و فکر و مراقبه‌ی غیر شرعی - که شیوه‌ی درویش‌ها و صوفیه بود - در سرش افتاد و در پی آن به این ریاضت‌های غیر معمول و طاقت‌فرسا پرداخت. شاید از همین رو باشد که بعضی گفته‌اند انجام دادن ریاضت‌های سخت، اعتدال مزاج و حواس او را بر هم زد و اختلالی در افکارش پدیدار شد. این وضعیت، تأثیر زیادی در روحیه‌ی او باقی گذاشت و زمینه‌ی انحراف اعتقادی‌اش را فراهم ساخت.

ملا حسین بشرویه که مجذوب لباس زهد و پرهیزکاری (ظاهری) سید علی محمد شیرازی شده بود، تصمیم گرفت نام او را بلند کند. بدین منظور، با عده‌ای از شاگردان سید کاظم صحبت کرد، تا در تعیین شخص شایسته‌ای برای جانشینی سید کاظم کوشش کنند و خود اظهار داشت: «این کار جز از راه مکاشفه به دست نخواهد آمد.» از این رو به مسجد کوفه رفت و چله نشست و پس از یک اربعین بیرون آمد و گفت: «مکاشفه‌ای صورت نگرفت.» بار دیگر چهل روز در مسجد کوفه به عبادت پرداخت و سپس از مسجد بیرون آمد و اظهار داشت: «مکاشفه رخ داد و دریافتم که جانشین بحق سید کاظم رشتی، سید علی محمد است.» با انتشار این مطلب، عده‌ای از فرقه‌ی شیخیه که با این نوع ادعا مانوس بودند، به سید علی محمد شیرازی گرایش بیشتری نشان دادند و وی در سال ۱۲۶۰ هـ. ق. در سن ۲۵ سالگی جانشینی استاد خود، سید کاظم رشتی را اعلام کرد.

### ادعای «بابیت»

پس از انتشار رویداد جانشینی سید علی محمد در سال ۱۲۶۰ هـ. ق، وی فرصت را غنیمت شمرد و از استقبال عده‌ای از شیخیه استفاده کرد؛ پای را از جانشینی استاد فراتر نهاد و در خانه‌ی خود، در شیراز، نخستین بار دعوت را به ملا حسین بشرویه آشکار ساخت و خود را «باب» امام دوازدهم شیعیان (یعنی واسطه‌ی میان مردم و امام زمان ع) معرفی کرد.

او بر این اعتقاد اصرار داشت که مردم برای پی بردن به اسرار و حقایق بزرگ و مقدس ازلی و ابدی، به‌ناچار باید از «در» بگذرند و به حقیقت برسند. از این رو می‌گفت: «مردم باید به من ایمان آورند تا به کمک من - که واقف به اسرار هستم - بر آن اسرار دست‌یابند.» ادعای سید علی‌محمد شیرازی، چون شگفت‌آورتر از دعاوی سایر رقیبان بود، واکنش بزرگ‌تری یافت و نظر گروهی از شیخیان به سوی او معطوف شد؛ تا آن‌که در مدت پنج ماه، هجده تن - که اغلب آنان از شاگردان سید کاظم رشتی و همگی شیخی مذهب بودند - پیرامونش را گرفتند. بعدها سید علی‌محمد، آنان را حروف «حی» نامید.

### ادعاهای دروغین دیگر

#### الف. ادعای «ذکریت»

سید علی‌محمد شیرازی پس از آن‌که لقب «باب» را به‌طور رسمی یدک کشید، در آغاز امر، بخش‌هایی از قرآن کریم را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود، تأویل نمود، و تصریح کرد که امام دوازدهم شیعیان، او را مأمور داشته تا جهانیان را ارشاد کند و خویشان را «ذکر» نامید. مقام «ذکر» و «فؤاد»، بالاترین مراحل سلوک است.

#### ب. ادعای «مهدویت»

همین‌که از دعاوی «بابیت» و «ذکریت» سید علی‌محمد شیرازی مدتی گذشت و گروهی نزد او جمع شدند، وی ادعای خود را تغییر داد و از «مهدویت» سخن به میان آورد و گفت: «منم آن کسی که هزار سال است که منتظر او می‌باشید.» برخی آورده‌اند خود باب از عراق به مکه رفت و چنان‌که بایبان گفته‌اند، در آنجا دعوی مهدویت خود را علنی ساخت.<sup>۱</sup> سپس به بوشهر بازگشت و در آنجا رحل اقامت افکند.

#### ج - ادعای «رسالت»

علی‌محمد شیرازی به ادعاهای واهی «بابیت»، «ذکریت» و «مهدویت» بسنده نکرد و

۱. در اخبار ظهور مهدی علیه السلام آمده است که آن حضرت ابتدا در مسجد الحرام خود را معرفی می‌کنند. پس به مکه رفتن او نیز از این جهت است.



انحراف و گمراهی را به حدی رسانید که مقام ادعای مهدویت را به مرتبه‌ی «رسالت» تبدیل کرد و مدعی نزول کتاب جدید و دین نو شد و به گمان خود، احکام جاودانه‌ی اسلام را با نوشتن کتاب بیان نسخ کرد! وی در این باره نوشت: «در هر زمان، خداوند عزوجل کتاب و حجتی از برای خلق مقدر فرموده و می‌فرماید: در سنه‌ی هزار و دویست و هفتاد از بعثت رسول الله ﷺ کتاب بیان و حجت را ذات حروف سبع [علی‌محمد که دارای هفت حرف است] قرار داد.» آری! بدین سان بود که «ادعای بابیت» به انحراف بزرگی چون «ادعای رسالت» منجر شد و عده‌ای به گمراهی روی آوردند.

وی خود را برتر از تمام انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار می‌پنداشت و عقیده داشت که با ظهورش، آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن به پا شده است. بدین ترتیب، علی‌محمد شیرازی هر از چند گاهی، دعاوی خود را به مقامات بالاتری تغییر می‌داد و سخنان پیشین را برای یارانش تأویل کرده، آنان را در پی خود می‌کشید.

#### اعتراض و مناظره‌ی علما با میرزا علی‌محمد

اظهار دعاوی دروغین، تأویلات سخنان و ادعاهای متناقض سید علی‌محمد، مورد اعتراض شدید علمای دین و بزرگان شیعه در آن عصر قرار گرفت. برای روشن شدن حقایق و آگاهی بیشتر مردم، جلسات نقد، بررسی و مناظره تشکیل شد که اجمالی از آن‌ها چنین است: پس از مراجعت سید علی‌محمد از سفر مکه به بوشهر، زمانی که هنوز از ادعای بابیت پا را فراتر نگذاشته بود، به سبب اعتراض علما و مردم متدین، به دستور والی فارس، در ماه رمضان سال ۱۲۶۱ هـ. ق دستگیر و به شیراز فرستاده شد. در شیراز پس از تنبیه، نزد امام جمعه‌ی آن شهر اظهار ندامت و توبه کرد و به قول یکی از مریدانش، بر فراز منبر در حضور مردم گفت: «لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب عجل الله فرجه بداند! لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند!...»

پس از آن، شش ماه در خانه‌ی پدری خود تحت نظر بود و از آنجا به اصفهان و سپس به قلعه‌ی ماکو تبعید شد. در زمان تبعید در قلعه، با مریدان خود ملاقات و مکاتبه داشت و از

این‌که می‌شنید آنان در کار تبلیغ دعاوی او سعی وافر دارند، به شوق می‌افتاد و سخنانی را به عنوان کلمات الهی به مریدان عرضه می‌داشت. وی کتاب بیان را در همان قلعه نوشت و مدعی شد که به وی وحی شده است.

دولت محمد شاه قاجار برای آن‌که پیوند او با مریدانش را قطع کند، در صفر ۱۲۶۴ وی را از قلعه‌ی ماکو به قلعه‌ی چهریق در نزدیکی ارومیه منتقل کرد. در اواخر سلطنت محمد شاه، به دستور حاجی میرزا آغاسی (وزیر محمد شاه) سید علی‌محمد را از قلعه‌ی چهریق به تبریز بردند و با حضور ناصرالدین میرزا - که در آن وقت ولیعهد بود - و چند تن از علما، مجلسی ترتیب دادند و سید علی‌محمد را در آن مجلس حاضر کردند. علی‌محمد در آن جلسه، آشکارا از مقام «مهدویت» خود سخن گفت و ادعای «باییت» امام زمان عجل الله فرجه را که پیش از آن بدان تصریح کرده بود، به «باییت علم خداوند» تأویل کرد و چون از او درباره‌ی برخی مسائل دینی پرسیدند، از پاسخ فروماند.

### تنبیه و توبه‌ی باب

پس از آشکار شدن عجز سید علی‌محمد در اثبات ادعای خود، وی را چوب زده و تنبیه کردند. او از دعاوی خویش تبری جست و اظهار پشیمانی کرد. سپس توبه‌نامه‌ای تنظیم نمود و به قصد طلب عفو برای شاه ارسال داشت.

### آشوب و قتل و غارت بابیان

بدین‌گونه سید علی‌محمد از دعاوی خود بازگشت، اما توبه‌ی او صوری بود. پیش از توبه‌ی اخیر، در شیراز نیز بر فراز منبر و در برابر مردم، نیابت و باییت خود را انکار کرده بود، اما چیزی نگذشت که ادعاهای بالاتری را به میان آورد و از پیامبری و رسالت خویش سخن گفت. در اواخر سلطنت محمد شاه و پس از مرگ او، از سوی مریدان سید علی‌محمد آشوب‌هایی در کشور پدید آمد که از جمله‌ی آن‌ها رویداد قلعه‌ی شیخ طبرسی در مازندران بود. در این آشوب، جمعی از بابیان به رهبری ملا حسین بشرویه و ملا محمدعلی بارفروشی، طبرسی را پایگاه خود قرار دادند و اطراف آن را خندق کردند و خود را برای جنگ با قوای دولتی آماده

ساختند. از سوی دیگر، به مردم ساده‌دل که در پیرامون قلعه زندگی می‌کردند به جرم «ارتداد» هجوم آورده، به قتل و غارت ایشان می‌پرداختند.

سپس میان ایشان و نیروهای دولتی جنگ درگرفت و فتنه‌ی آنان با پیروزی قوای دولت و کشته شدن ملا محمدعلی بارفروشی در جمادی الثانی ۱۲۶۵ ه.ق پایان گرفت. در زنجان و تهران نیز اتفاقات مشابهی رخ داد.

### فتوای علما برای اعدام باب

پس از مرگ محمد شاه و بالا گرفتن فتنه‌ی بابیه، میرزا تقی خان امیرکبیر، صدر اعظم ناصرالدین شاه، مسامحه در کار سید علی محمد باب را روا ندید و سید علی محمد به همراه یکی از پیروانش در بیست و هفتم شعبان ۱۲۶۶ ه.ق در تبریز تیرباران شد.

با اعدام باب، همه‌ی قضایای این طایفه به پایان نرسید؛ بلکه عده‌ای از طرفداران، باز به تبلیغ این مرام ادامه دادند؛ تا آن که سرانجام کارشان با ادعای واهی شخص دیگری به نام حسین علی نوری گره خورد و مسلک «بهائیت» پی‌ریزی شد.<sup>۱</sup>

### د. بهائیت

میرزا حسین علی، ملقب به بهاء، فرزند میرزا عباس نوری مازندرانی، معروف به میرزا بزرگ، در اول شوال سال ۱۲۳۳ قمری در تهران تولد یافت. خاندان او از دهکده‌ی کوهستانی کوچکی به نام تاکر از نور مازندران بودند.

میرزا حسین علی، ادبیات و علوم مقدماتی را در تهران تحصیل نمود و با عرفا، فضلا و نویسندگان - که با پدرش رفاقت و دوستی داشتند - معاشرت داشت. وی در حکومت قاجار به خدمت دیوان در آمد و برحسب آن که شوهر خواهرش، میرزا مجید، منشی کنسول روس بود، درک زیر و بم کارها در روابط متقابل و ویژه با سفارتخانه‌ها برایش ساده و آسان بود.

وی پس از چندی به حلقه‌های درویشان پیوست و مانند آن‌ها زلف و گیسوی بلند گذاشت و جُبّه و کلاه‌ی ترتیب داد.

۱. اقتباس و تلخیص از: عزالدین رضائزاد، مجله‌ی انتظار، سلسله مقالات از بابی‌گری تا بهایی‌گری.

پس از آن که آوازه‌ی دعوت سید علی‌محمد باب انتشار یافت، میرزا حسین‌علی دعوت او را شنید و به مسلک اصحاب او درآمد. وی که در این زمان ۲۷ بهار از عمرش را سپری کرده بود، به تبلیغ و ترویج بابیت پرداخت و با ارتباطاتی که با سفارتخانه‌های خارجی داشت، در هنگام ضرورت به سید باب کمک می‌کرد.

### آغاز دعوت میرزا حسین‌علی بهاء.

در سال ۱۲۶۸ ناصرالدین شاه از سوی طرفداران سید باب در تهران مورد سوء قصد و حمله قرار گرفت، اما جان سالم به در برد. پس از این حادثه، بابی‌ها مورد تعقیب قرار گرفته، عده‌ای از آنان دستگیر و زندانی شدند. میرزا بهاء نیز از جمله‌ی دستگیرشدگان بود و در تهران زندانی شد. وی پس از حدود یک سال زندانی، در سال ۱۲۶۹ از زندان آزاد و به کمک سفیر روس به سوی بغداد حرکت کرد.

پس از یازده سال اقامت وی در بغداد، در نتیجه‌ی شکایت اهالی و نفرت و مخالفت مردم، در سال ۱۲۸۰ به دستور سلطان عثمانی، میرزا بهاء و جمعی از بابیه به استانبول تبعید گردیدند. آنان چهار ماه در استانبول توقف داشته، سپس به آدرنه تبعید شدند. در سال چهارم اقامت در آدرنه، میرزا بهاء زمزمه‌ی دعوت به خویش را شروع کرد.

با آغاز دعوت میرزا بهاء، اختلاف شدیدی میان او و برادرش، میرزا یحیی، رخ داد. وی آشکارا اعلان نمود: «من همان شخص موعودِ باب، «مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ»، هستم و میرزا یحیی، صبح ازل باید از من پیروی کند و احکام و حدود «بیان»، متوقف به تصدیق و امضای من است و من مسلک باب را نسخ نمودم.»

### پیدا شدن فرقه‌ی بهائی

با آغاز دعوت میرزا حسین‌علی، رقابت دو برادر بر سر فرماندهی بر بابیان به طور علنی آغاز و کم‌کم به اوج خود رسید؛ تا جایی که طرفین، یکدیگر را تهدید به مرگ می‌کردند. به همین سبب، دولت عثمانی هر دو را به دادگاه کشانید. دادگاه دستور داد هریک از دو برادر با گروه پیرو خود به نقطه‌ای دور از هم فرستاده شوند. از این رو، در سال ۱۲۸۵ به دستور سلطان

عبدالعزیز، یحیی صبح ازل با خاندان و پیروانش به قبرس و حسین‌علی بهاء و طرفدارانش به عکا (در سرزمین فلسطین اشغالی) تبعید شدند.

در همین ایام بود که برای تشخیص طرفداران آن دو، اطرافیان صبح ازل، فرقه‌ی «ازلیه» و پیروان میرزا حسین‌علی بهاء، فرقه‌ی «بهائی» نامیده شدند و آن‌هایی که به این دو برادر ملحق نشدند، به نام قبلی «بابی» باقی ماندند.

سرانجام رقابت و کشمکش بین دو برادر به پیروزی میرزا حسین‌علی ختم شد و او توانست نظر اربابان استعمارگر خویش را به کارایی خود در اجرای اوامر آنان جلب کند و برادر را از معرکه بیرون سازد. پس به تدریج میرزا یحیی صبح ازل به زوال گرایید و «ازلیه» نیز برای ابد فراموش شدند.

#### سرانجام دعوت میرزا بهاء

وقتی که میرزا حسین‌علی احساس کرد دعوت او مؤثر افتاده است و عده‌ای بر گرد او حلقه زدنده‌اند، نوع دعوتش را در مراحل مختلف زمانی تغییر داد. وی پس از ادعای «مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ» و مهدویت، دعوی «رجعت حسینی» و «رجعت مسیحی» نمود و به تدریج این ادعاها به رسالت، شاریت و حلول خدا در او با تجسم خداوند (و در نهایت دعوی خداوندی «أَنَا الْهَيْكَلُ الْأَعْلَى») منتهی شد.

شایان ذکر است که بهاء در بغداد، استانبول و ادرنه و نیز در عکا همواره با تقیه و تظاهر به اسلام زندگی می‌کرد، تا خشم حکومت عثمانی علیه او برانگیخته نشود. وی در نماز جمعه‌ی عکا شرکت می‌جست و ماه رمضان به روزه‌داری تظاهر می‌نمود و با این حال، رابطه‌ی سری خود را با بابیان ایران - که بعدها بهائی نام گرفتند - قطع نکرد و همواره مکتوبات و وحی‌های ادعایی یا تجلیات «خدا منشانه‌ی» خود را برای آنان می‌فرستاد یا باز می‌گفت.

وی سرانجام در سال ۱۸۹۲ میلادی<sup>۱</sup> بعد از سال‌ها سکونت در عکا، به دلیل ابتلا به اسهال خونی درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.

۱. سال ۱۸۹۲ میلادی برابر با ۱۳۱۰ هـ.ق.



### جانشینی پسر بعد از پدر

با مرگ میرزا حسین‌علی، بابیان و بهائیان در حالت صبر و انتظار به سر می‌بردند، تا این که پسر ارشد میرزا حسین‌علی به نام عباس افندی - که بعدها عبدالبهاء لقب گرفت - تلاش گسترده‌ای را آغاز کرد و ضمن هدایت و رهبری این فرقه، به تبلیغات فراگیر دست زد. وی که در محیط حکومت عثمانی و در داخل ایران مجالی برای تبلیغ نمی‌یافت، در سال ۱۹۱۱ میلادی به اروپا مسافرت کرد و در سال ۱۹۱۲، نه ماه در امریکا توقف کرد و برخلاف رهبران پیشین، به جای روسیه، با انگلستان و سپس با امریکا رابطه‌ی ویژه‌ای برقرار نمود.

### ریاست شوقی افندی و دیگر رهبران بهائیان

در سال ۱۹۲۱ با مرگ عبدالبهاء، شوقی افندی، نوه‌ی دختری میرزا حسین‌علی، زعامت بهائیان را بر عهده گرفت که تا سال ۱۹۵۷ ادامه یافت. بنا به نقلی، شوقی افندی پیش از مرگش، طرح تأسیس تشکیلاتی به نام «بیت العدل» را صادر کرد و چون می‌دانست که بعد از وی این تشکیلات را باید شخصی مطمئن اداره کند، چارلز میسن ریمن امریکایی را به جای خود انتخاب کرد. از این رو وقتی که شوقی افندی<sup>۱</sup> در سال ۱۳۳۶ ش. به طرز مشکوکی در لندن جان سپرد، میسن ریمن - فرزند یکی از روحانیون کلیسای اسقفی - جای وی را گرفت و خود را «شبان بهائیان» نامید. پس از او نیز افرادی همانند وی رهبری بهائیان را بر عهده گرفتند. (و بدین ترتیب حرکتی که از یکی از محلات شیراز شروع شد، از ایالات متحده‌ی امریکا سر در آورد!)

از سوی دیگر، بهائیان ساکن در فلسطین اشغالی و کشورهای همسایه‌ی دیگر، با نپذیرفتن رهبری ریمن، یک گروه نه نفری را مسئول بیت العدل (در حیفای اسرائیل) و رهبر بهائیان قرار دادند و به این وسیله داعیه‌ی همکاری جهانی یهود و بهائیت، علیه منافع ملت‌های شرق اسلامی اعلان موجودیت کرد.

۱. سال ۱۳۳۶ هجری شمسی برابر با ۱۹۵۷ میلادی.

### همبستگی یهودیان و بهائیان

با آغاز دعاوی مسلک جدید از سوی سران بابیت و بهائیت، انجمن جهانی یهودیان به تأیید و تقویت و کمک مالی و عملی به آنان پرداختند. دلیل اشتیاق یهود برای چنین کاری، این بود که یهودیان از قرن نوزدهم میلادی در صدد ایجاد یک کشور مستقل بودند، که یکی از بزرگ‌ترین موانع در برابر آن‌ها، قدرت اسلام و امت اسلامی بود و مسلمانان بیشترین کینه را نسبت به یهود داشتند. از این‌رو، یهودیان برای زدودن افکار اصیل اسلامی و مقابله با آن، به تعریف و تمجید از سران بهائیت پرداختند، تا در کنار ادعای نسخ شریعت اسلامی و برداشتن جهاد و دفاع در مسلک نوظهور، زمینه‌های همزیستی با یهودیان آماده گردد.

از سوی دیگر، در دوره‌ای حدود یکصد و شصت سال، بایبگری در ایران با ادعای میرزا علی‌محمد باب آغاز شده بود و برای مدتی ایران مرکز اصلی، و به اصطلاح کعبه‌ی آمال بهائیان بود. اما با رویدادهایی مانند حکم ارتداد بهائیان از سوی مجتهدان و علمای اسلام، سخت‌گیری بر آن‌ها، فرار رهبران بهائیان به بغداد و استانبول و سرانجام به جزیره‌ی قبرس و گریختن پیروان میرزا حسین‌علی بهاء به عکا (در فلسطین اشغالی)، موقعیت این کعبه‌ی آمال تغییر یافت. نام و عناوین رهبران بهائیت که با میرزا و سید آغاز می‌شد، به افندی که عنوان عثمانی بود، تغییر شکل یافت. در چنین دورانی بود که با تشکیل غاصبانه‌ی حکومت اسرائیل، شوقی افندی رهبری بهائیت را به دست گرفت و برای اولین بار نام «ارض اقدس» و «مشرق‌الاذکار» از زبان وی شنیده شد.

ناگفته نماند که یهود کوشش فراوانی کرد تا میرزا حسین‌علی بهاء و عباس افندی را مظهر پیروزی خود و مصداقی از پیشگویی عهد قدیم مبنی بر تجلی نور الهی در جهان هستی و... قرار دهد! یکی از نویسندگان بهائی به نام ابوالفضل جرفادقانی (گلپایگانی) با توجه به بند دوم از فصل سی و سوم سفر تثنیه‌ی کتاب تورات، که بیان کرده «پروردگار از کوه سینا آمد و از ناحیه‌ی ساعیر بر مردم طلوع کرد و از کوه فاران درخشش نمود و از ربواتِ قدس آمد و از سمت راستش نور سه بیعت بود»، می‌گوید:

«قبل از برپایی قیامت خداوند، باید چهار مرتبه بر مخلوقات تجلی کند و چهار ظهور واقع

گردد تا بنی اسرائیل به کمال رسد و کارشان به خداوند بزرگ منتهی شود. پس پراکندگی آنان از دورترین نقطه جمع می‌گردد و شر همه‌ی افراد از آن‌ها دفع شده و در زمین مقدس ساکن می‌شوند و موازین گذشته به آنها برمی‌گردد.»

### به رسمیت شناختن یکدیگر

به‌رغم سابقه‌ی دشمنی میان یهودیان و مسلمانان در طول تاریخ اسلام، چون بهائیت هم ریختن خون مسلمانان و غارت اموال آنان را مباح اعلام کرده بود، چهارمین پیشوای بهائیت در صدد برآمد تا با استفاده از اختلافات دیرینه‌ی مسلمانان و یهودیان، سرزمین اشغالی فلسطین (اسرائیل) را به عنوان مرکز اصلی بهائیان بپذیرد و دولت غاصب یهود را به صورت پناهگاه و تکیه‌گاه جهانی این فرقه درآورد.

دولت غاصب اسرائیل از وضعیت به‌وجود آمده به‌خوبی استفاده کرد و برای سرمایه‌گذاری در حیطه‌ی حکومت غاصبانه‌اش از همگان دعوت نمود و با نشان دادن روی خوش به سرمایه‌داران بهائی در فلسطین اشغالی، زمینه‌ی سرمایه‌گذاری آنان را فراهم کرد. (چنان‌که تدفین رهبران بهائی در فلسطین اشغالی، بهانه‌ای دیگر برای تفاهم بیشتر بهائیان و یهودیان به‌دست داده است.)

از این‌رو، شوقی افندی در تلگراف ۹ ژانویه‌ی ۱۹۵۱ م. رسماً از تشکیل دولت غاصب اسرائیل حمایت نمود. میرزا حسین‌علی بهاء هم پیش از آن در مدت حیاتش، مردم را به اجتماع صهیونیسم در سرزمین اشغالی فلسطین دعوت کرد و در کتاب الاقدس - که می‌پنداشت وحیی است از آسمان نازل شده - به تأیید و تمجید دولت غاصب صهیونیستی پرداخت.

### استعمار انگلیس و بهائیان

استعمار پیر انگلیس از دیرزمان برای تفرقه و ایجاد مسلک‌های ساختگی در خاورمیانه، به‌ویژه هندوستان و سپس ایران، تلاش می‌کرد و در این راستا کمک شایانی به شکل‌گیری و ادامه‌ی حیات سیاسی - اجتماعی بهائیان نموده است.

موضع‌گیری انگلستان در ایران - همچون نفوذش در هندوستان - مصیبت‌های زیادی را



به بار آورد، که می‌توان این موارد را برشمرد: از بین بردن صفوف متحد و یکپارچه‌ی امت اسلامی، روشن کردن شعله‌های آتش تفرقه و نفاق در میان مسلمانان، کمک به حرکت‌های مخرب علیه تعالیم اسلامی و از جمله، تشویق رهبران بهائیت و همکاری و همراهی با آنان در رسیدن به هدفشان.

آنان به کمک دولت روس در نجات میرزا حسین‌علی بهاء از اعدام، کمک شایانی کردند، چنان که خود میرزا حسین‌علی بهاء می‌گوید: «... در حالی از کشور خارج شدیم که با سواره‌هایی از سوی دولت ایران و دولت روس همراه بودیم، تا این که با عزت و احترام وارد کشور عراق شدیم.»

وی به‌طور شگفت‌انگیزی از محبت انگلستان و مردم آن و نیز برتری آرای غربیان بر شرقیان نزد خارجی‌ها سخن گفته است. در مقابل، انگلیسی‌ها هم با اعلان وفاداری به عبدالبهاء گفته‌اند که لندن مرکز خوبی برای انتشار عقاید شما خواهد بود. مهم‌ترین اقدامی که از سوی دولت انگلیس نسبت به بهائیان صورت گرفت، دادن لقب «سر»<sup>۱</sup> و نشان (به‌اصطلاح مدال قهرمانی) «نایت هود»<sup>۲</sup> از طرف دولت انگلستان به عبدالبهاء بود.

### گرایش سران بهائیت به امریکا

در سده‌ی اخیر، کاهش قدرت انگلیس در منطقه‌ی خاورمیانه و نفوذ و پیشرفت سریع امریکا موجب شد که عباس افندی (از پیشوایان بهائیان) به‌جانب امریکا روی آورد. وی در سفرش به امریکا، در یکی از سخنرانی‌ها گفته است:

«... امشب من نهایت سرور را دارم که در همچو مجمع و محفلی وارد شدم. من شرقی هستم و به لطف خدا در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی را می‌بینم که در سیمای آنان، نور انسانیت در نهایت جلوه و ظهور است. و این مجلس را دایر بر امن می‌گوییم که ممکن است

۱. SIR.

۲. KNIGHT HOOD.

ملت شرق و غرب متحد شوند و ارتباط تام میان امریکا و ایران حاصل گردد.»

### وضعیت فعلی بهائیان در آئینه‌ی غربیان و استکبار جهانی

با توجه به تبلیغات گسترده‌ی رسانه‌های غرب مبنی بر حمایت از فرقه‌ی بهائیت در ایران و سایر کشورهای جهان، نکات تازه‌ای در موضع‌گیری غرب و به‌ویژه استکبار جهانی در مورد این گروه کشف می‌شود. تحلیل عمیق این موضوع، خود، فرصت دیگری می‌طلبد، اما به‌طور اجمال به بعضی از ترفندهای استعمارگران، تبلیغات، حمایت‌ها و تلاش گسترده‌ی رهبران فعلی بهائیان اشاره می‌کنیم.

#### ... تلاش بهائیان در افزایش جمعیت

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، جایی برای ادامه‌ی تبلیغات گمراه‌کننده‌ی فرقه‌ی مرتد بهائیت در این کشور باقی نماند. به همین دلیل، تعدادی از آنان به دین اسلام برگشتند، برخی پا به فرار گذاشتند و بعضی دیگر به تبعیت از این مسلک ادامه دادند. آنان که در ایران ماندند، به‌رغم محدودیت‌های اعلام‌شده از سوی دولت جمهوری اسلامی در خصوص کنترل جمعیت، در جلسات خود نسبت به این مسأله با حساسیت برخورد کرده، تصمیم گرفتند که همچنان به تولید نسل و افزایش جمعیت خود ادامه دهند. اهداف آن‌ها از این تصمیم عبارت است از:

- الف. افزودن جمعیت فرقه‌ی بهائیت برای گرفتن امتیازات بیشتر؛
  - ب. منزوی نشدن به دلیل کمی جمعیت در شهرها و روستاها؛
  - ج. آماده نمودن جو برای افزایش فعالیت‌های سیاسی خود؛
  - د. تلاش غرب برای جلوه دادن فرقه‌ی بهائیت در ردیف ادیان الهی؛
- برخی از کشورهای اروپایی و امریکایی در سال ۱۳۸۷ اقدام به چاپ و انتشار یک سری تمبر با نام معرفی ادیان الهی کردند، که یکی از این تمبرها به فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیت اختصاص دارد. این تمبرها به‌صورت یک مجموعه، شامل ادیان اسلام، مسیحیت و زرتشت است. تمبرها حاوی تصاویر و اشکالی است که به عنوان سمبل دین شناخته شده است. چاپ این

تمبرها، نشانگر تلاش و شگردهای مختلف استکبار برای ترویج فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیت و مقابله با آیین مقدس اسلام است.

و. حمایت امریکا از فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیت

امریکا در پی حمایت‌های مستمر از فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیت، هر از چند گاهی در صدد تصویب لایحه برمی‌آید؛ چنان که در سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی،<sup>۱</sup> در مجلس سنای امریکا پنج مصوبه در حمایت از این فرقه به تصویب رساندند. رؤسای جمهور امریکا نیز همواره از این فرقه پشتیبانی کرده‌اند. در اواخر قرن بیستم میلادی، کنگره‌ی امریکا از رئیس جمهور این کشور تقاضا کرد که خواستار عملکردهای (به اصطلاح) حقوق بشر در ایران شود. کلینتون در پاسخ به این درخواست اعلام داشت: «من عمیقاً درباره‌ی موقعیت جامعه‌ی بهائی و سایر اقلیت‌های مذهبی! در ایران نگران هستم و به شما اطمینان می‌دهم که ما به اصرار خود نسبت به رعایت حقوق بشر (در مورد) اقلیت‌های مذهبی در ایران ادامه خواهیم داد.»

## ه. انجمن حجتیه

### تاریخچه‌ی شکل‌گیری انجمن حجتیه

انجمن ضد بهائیت، توسط یک روحانی به نام شیخ محمود ذاکرزاده‌ی نولایی، مشهور به شیخ محمود حلبی، تشکیل شد و فعالیت‌های خود را علیه بهائیت آغاز کرد. به دلیل نیاز مذهبی و زمینه‌هایی که در این باره حس می‌شد، کار وی با استقبال بسیاری از سوی روحانیون مواجه گردید و روزبه‌روز گسترش یافت. در واقع، پس از سال‌ها مسلمانان شاهد تشکیل سازمانی برای مقابله با بهائیت بودند و به همین جهت این انجمن که به «حجتیه» موسوم شد، به‌زودی در دل عموم روحانیون، مسلمانان و به‌خصوص جوانان راه یافت و توفیق بسیاری هم در این زمینه - یعنی مبارزه با بهائیت - کسب کرد.

از دیگر زمینه‌های شکل‌گیری انجمن حجتیه، می‌توان به شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوره اشاره کرد.

۱. سال ۱۹۸۲ و دهه‌ی ۸۰ قرن بیستم میلادی.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - که به شکست نهضت ملی نفت انجامید - بسیاری از مبارزان سیاسی و مذهبی از ادامه‌ی فعالیت بازماندند. شرایط دوران به‌گونه‌ای بود که راه را بر هر نوع فعالیت علیه حکومت بسته بود. علاوه بر آن، بسیاری از افراد هم دچار یأس و ناامیدی شده و خانه‌نشین بودند. در چنین شرایطی، بخشی از نیروهای مذهبی به فعالیت‌های غیرسیاسی و به‌خصوص فرهنگی و مذهبی (بدون جنبه‌ی سیاسی آن) روی آوردند. انجمن حجتیه از بدو تأسیس خود<sup>۱</sup> به‌هیچ وجه داعیه‌ی مبارزه با حکومت را نداشت. به همین دلیل، حکومت وقت منعی برای تشکیل چنین انجمنی نمی‌دید؛ بلکه از جهاتی نیز به نظر می‌رسید که مایل به تشکیل چنین سازمان‌هایی باشد، زیرا در این صورت بسیاری از نیروها توان خود را در جایی به غیر از مبارزه با حکومت صرف می‌کردند و این امر مطلوب حکومت بود. نگاهی به اساسنامه‌ی انجمن، می‌تواند مؤید این موضوع باشد. در این اساسنامه آمده است:

«انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت.»

گروهی نیز درباره‌ی زمینه‌های پیدایش انجمن ضدبهاثیت، معتقد به دست داشتن قدرت‌های استعمارگر هستند. اینان معتقدند که ساختن فرقه و ضدفرقه، یکی از روش‌های استعماری برای سرگرم ساختن مبارزان و ملت‌ها است. بنابراین، حضور فرقه‌ی بهائیت و انجمن ضدبهاثیت را یکی از ضربه‌های استعمارگران می‌دانند.

گروهی نیز معتقدند آماده بودن شرایط اجتماعی، سیاسی و مذهبی در آن دوره، نیاز به حضور تشکیلاتی با این ویژگی را موجه می‌نماید؛ داستان حلبی و یکی از دوستانش مؤید این نظر است. آقای حلبی - که در حوزه‌ی مشهد درس می‌خوانده و استاد وی میرزا مهدی اصفهانی بوده و علاقه‌ی خاصی به امام زمان عجل الله فرجه داشته - به‌همراه طلبه‌ی دیگری به نام سید عباس علوی، توسط یک مبلغ بهائی به آئین انحرافی بهائیت دعوت می‌شوند و این‌ها که با پدیده‌ی ناشناخته‌ای روبه‌رو می‌گردند، چند ماهی از وقت خود را به مطالعه‌ی بهائیت صرف می‌کنند و سرانجام سید عباس علوی به دلیل مطامع دنیوی و شهوانی - که به احتمال بهائیت در

۱. تأسیس انجمن حجتیه، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

اختیارش می‌گذارد - لغزیده و بهائی می‌شود و به عنوان یکی از مبلغان بزرگ بهائیت، کتاب‌هایی در اثبات آن می‌نویسد.

آقای حلبی با مشاهده‌ی این مسأله، بهائیت را خطر بزرگی تشخیص می‌دهد. او با برقراری تماس با افراد فریب خورده‌ی بهائیت، راهیابی به جلسات تبلیغی آن‌ها، مناظره و مباحثه با آنان و مطالعاتی که کرده بود، کم‌کم در بحث‌ها تبخیر پیدا می‌کند. آقایان محمدتقی شریعتی و امیرپور نیز از همکاران ایشان بودند. سپس آقای حلبی به تهران می‌آید و نیرو جذب می‌کند و اطلاعات و تجربیات بحثی خود را منتقل می‌نماید و چون بهائیت مثل مساجد ما، علنی و با پرچم فعالیت می‌کرد و خطر آن نزد علما منعکس شده بود، پس از یک سری موفقیت‌ها، آقای حلبی و دوستانش مورد حمایت علما قرار گرفتند. این حمایت تا جایی بود که علما اجازه‌ی استفاده از سهم امام علیه السلام را نیز به وی دادند.

نظر دسته‌ای دیگر که خود از انجمنی‌ها هستند، این است که شیخ محمود حلبی، رئیس انجمن، مدعی شده که در سال ۱۳۳۲ خوابی دیده است که امام زمان علیه السلام به وی فرموده‌اند گروهی را برای مبارزه با بهائیت تشکیل بدهد.

نظر دیگری حاکی از این است که پس از بروز اختلاف بین آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق و شکست نهضت ملی نفت، تبلیغات بهائیت نضج گرفت و گروهی را که در بین آنان طلبه نیز بود - از جمله هم‌حجره‌ای شیخ حلبی - جذب کردند. از این رو، بهائیت در ذهن شیخ محمود حلبی، بزرگ جلوه کرد و به این نتیجه رسید که باید سیاست را رها کرد و دست به اقدام‌های فرهنگی زد.

به علت شکست نهضت، تا اندازه‌ای یأس بر جامعه حاکم شد و عده‌ای که به دنبال جریانی می‌گشتند تا با پیوستن به آن، یأس و بریدگی خود را توجیه ایدئولوژیکی و سیاسی کنند، به این جریان پیوستند.

با توجه به گستردگی تبلیغات بهائیت در آن دوران، بعید به نظر می‌رسد که شیخ محمود حلبی، بدون هیچ‌گونه آگاهی و به‌طور تصادفی با یک مبلغ بهائی برخورد کرده باشد. آنچه که منطقی‌تر به نظر می‌آید، این نکته است که شیخ محمود حلبی از مدت‌ها قبل مترصد برخورد

با بهائیان بوده و به احتمال زیاد اطلاعاتی هم در این زمینه داشته است. در ابتدا شاید به همراه هم‌حجره‌ای خود قصد نفوذ در تشکیلات بهائیت را داشته است، اما بعدها هم‌حجره‌ای وی از این راه باز می‌ماند. این شیوه؛ یعنی نفوذ در تشکیلات بهائیت از طریق اظهار اشتیاق به این فرقه، راهی بود که بعدها به اعضای انجمن نیز آموزش داده می‌شد.

### مواضع سیاسی و مذهبی انجمن حجتیه

مواضع سیاسی انجمن حجتیه از بحث‌انگیزترین موارد به شمار رفته و مخالفان بسیاری را علیه انجمن برانگیخته است. شیخ محمود حلبی که خود از مبارزان نهضت ملی بود، پس از شکست نهضت ملی، ظاهراً به این نتیجه می‌رسد که باید از سیاست کناره‌گیری کند و سپس تمام توان خود را یکسره صرف مبارزه با بهائیت می‌نماید، اما در این راه هم به نظر می‌آید در مواقع بسیاری مجبور به سیاسی‌کاری بود.

اخذ مجوز برای تأسیس و فعالیت انجمن، خود از مواردی بود که نیاز به تأیید حکومت وقت داشت. ایجاد تشکیلات برای مبارزه با بهائیت که در دستگاه حکومت آن روز نفوذ داشتند، بدون دادن امتیازاتی به حکومت و بدون پاره‌ای از همکاری‌ها با آن میسر نبود. در کتاب در شناخت حزب قاعدین زمان، متن اسنادی از ساواک آورده شده که دلیلی برای برخی از همکاری‌های انجمن با ساواک است. البته این نکته را هم باید در نظر گرفت که انجمن برای ادامه‌ی فعالیت خود، مجبور به این همکاری بود و شاید در این مورد، انجمن از اصل تقیه - که در موارد بسیاری به اعضای انجمن توصیه می‌شد - استفاده می‌کرد.

در هر حال، موضوع مسلم این است که هدف انجمن به‌هیچ وجه مبارزه با حکومت وقت نبود و علاوه بر آن، سبب می‌شد تا بسیاری از نیروهایی هم که می‌توانستند در خط مبارزه با حکومت فعالیت کنند، جذب این انجمن شوند و از فعالیت علیه حکومت بازمانند. این موضوعی بود که مخالفت بسیاری از مبارزان را علیه انجمن به همراه داشت.<sup>۱</sup>

### غرب و مهدویت

۱. تلخیص و اقتباس از: رسول جعفریان، جریان‌های سیاسی و مذهبی ایران، صص ۳۶۷ - ۳۷۸.

یکی از اصول مشترک بین تمام ادیان الهی و اساطیر اقوام مختلف، بحث «منجی موعود» و «آخرالزمان» است؛ همان کسی که مسلمانان او را مهدی، مسیحیان او را عیسی، زرتشتیان او را سوشیانت و قوم‌های دیگر او را با نام‌های دیگر می‌خوانند. تمامی منتظران ظهور به مرحله‌ای معتقدند که یک ضدمنجی، که عصاره‌ی تمام شرارت‌هاست و تمامی نیروهای شیطانی را به همراه خود دارد و مهم‌ترین مانع منجی موعود است، ظهور می‌کند و در نبرد نهایی میان این دو، که جنگی بسیار بزرگ و خونین است، منجی موعود به همراه یارانش به کمک امدادهای الهی بر لشکر شیطان پیروز می‌شوند. سربازان و یاران منجی، انسان‌هایی باایمان و نیرومند هستند که خود را از قبل برای چنین روزی آماده کرده‌اند. تفکر غرب در ارتباط با پایان تاریخ، نشأت گرفته از منجیان متنوع آخرالزمان است که دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند.

### آخرالزمان تکنولوژیک

در آخرالزمان تکنولوژیک، ربات‌ها و ساخته‌های دست بشر به مرحله‌ای از تکامل و هوش می‌رسند که علیه انسان‌ها دست به شورش زده، قصد نابودی نسل بشر را داشته و انسان‌ها نیز توانایی مبارزه با آن‌ها را ندارند. در این زمان، یک منجی شجاع، که دارای قدرت عشق و ایمان است - خصیصه‌ای که ماشین‌ها از آن بی‌بهره‌اند - با آن‌ها به مبارزه برمی‌خیزد و پس از نبردهای طولانی و سخت، نسل بشر را نجات می‌دهد.

### آخرالزمان طبیعی

در آخرالزمان طبیعی، طبیعت سر به شورش برمی‌دارد و بشر را با حربه‌هایی مانند زلزله، گردباد، طوفان، آتشفشان، سیل و... تهدید می‌کند و یا دخالت‌های بیجای انسان در ساختارهای ژنتیک، باعث پدید آمدن غول‌ها و حیوانات ناشناخته‌ی عظیم‌الجثه‌ای می‌شود.

### آخرالزمان تخیلی

در آخرالزمان تخیلی، موجودات ناشناخته‌ی فضایی، زمین و نسل بشریت را به مخاطره

می‌اندازند. این بار یک منجی بسیار دانا، با قدرت ماورای انسانی به مبارزه با این موجودات می‌پردازد.

### آخرالزمان اسطوره‌ای

در آخرالزمان اسطوره‌ای، یک ضدمنجی از دل افسانه‌ها و اسطوره‌های باستانی پا به دنیای ما گذاشته، قصد نابودی بشر را دارد که در این حال یک منجی آگاه از دنیای اسطوره‌ها و مجهز به جادو و سحر، ظهور می‌کند و به مبارزه با این دشمنان می‌پردازد.

### آخرالزمان دینی

در میان آخرالزمان‌های مختلف، آخرالزمان دینی مورد توجه خاصی قرار گرفته است. در این آخرالزمان، انسان‌های شیطان‌صفت در قالب گروه‌های تروریستی و... قصد به‌دست گرفتن قدرت و نابودی تمامی عناصر پاک و خدایی را دارند و غرب به عنوان منجی و در نقش جاسوس خبره و باایمان و یا سربازان ماهر و معتقد (عمدتاً سربازانی از ارتش امریکا و انگلیس) به عنوان پلیس صلح جهانی ظاهر شده، به مبارزه با دشمنان بشریت می‌پردازد. حال ممکن است این دشمن قبلاً در زمین به جنایت پرداخته باشد و شما مجدداً به مبارزه با آن بپردازید و یا شاید باشند دشمنانی که در آینده پا به عرصه‌ی جهان خواهند گذاشت.<sup>۱</sup>

### آرماگدون

یکی دیگر از ایده‌های حاکم بر غرب، جنگ هسته‌ای است که از آن با عنوان آرماگدون<sup>۲</sup> یا نبرد نهایی حق علیه باطل یاد می‌شود، که استفاده از سلاح اتمی در آن قابل پیشگیری نیست و ظهور حضرت مسیح علیه السلام بدون وقوع این حادثه ممکن نیست.

۱. اقتباس و تلخیص از: محمد حسنی، رسانه‌های نوین، صص ۱۵۰ - ۱۵۴.

۲. armageddon.



### مهم‌ترین ابزار غرب برای عملی کردن اهداف آخرالزمانی خود

یکی از ابزارهای بسیار مؤثر غرب در مبارزه با مهدویت، رسانه‌های تصویری است. جهان امروز، جهان تصویر است و میداندار آن، سینما و صنعت فیلم‌سازی است که تأثیر فراوانی بر افکار عمومی جهان دارد.

از آنجا که آینده‌ی جهان (فیوچرسیم یا فوتوشسیم) برای بشریت اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده، غرب در تلاش است که این آینده را تاریک و خونبار ترسیم کند، تا در پرتو آن، به اهداف قدرت‌طلبانه و استثمارگرانه‌ی خود برسد.

امریکا با کمک سرمایه‌داران صهیونیست و با در دست داشتن بزرگ‌ترین مرکز فیلم‌سازی جهان، هالیوود، سالانه چند هزار فیلم تولید و نزدیک به ۸۰ درصد شبکه‌ها و سینماهای جهانی را تغذیه‌ی رسانه‌ای می‌نماید. تقریباً تمامی این فیلم‌ها در مسیر اهداف غرب برای حکومت بر جهان قرار گرفته‌اند و پیوسته این هدف را دنبال می‌کنند.

یکی از راه‌های تحریف و تضعیف دین، ایجاد یأس و ناامیدی در مردم جهان نسبت به روحیه‌ی خداجویی و کارآمدی دین در زندگی است؛ نشان دادن آینده‌ی تاریک و ترسناک و القای این نکته که آموزه‌های ادیان هرگز نمی‌توانند مشکلات امروز و آینده‌ی جهان را برطرف کنند و تنها نجات‌بخش جهان، قدرت و تفکر غرب است. این هدف با انواع فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای و ایجاد بحران‌ها و جنگ‌های مصنوعی در جهان به جوامع انسانی القا می‌گردد. برای نمونه، مواردی را ذکر می‌کنیم.

#### ۱. فیلم «نوستر آداموس»

این فیلم بر اساس پیشگویی‌های یک پزشک فرانسوی ساخته شد، اما محتوای فیلم مطابق با اهداف غرب برای سلطه‌ی بلامنازعش بر جهان تهیه شده است.

در این فیلم، نجات‌دهنده‌ی جهان از نگاه اسلام، امام مهدی عجل الله فرجه، با نام‌های «پادشاه وحشت»، «خدای جنگ علیه غرب»، «ضد مسیح بزرگ» معرفی می‌شود! آینده‌ی جهان وحشتناک تلقی شده، تنها راه نجات را اتحاد با ابرقدرت غرب می‌داند و در نهایت غرب را

پیام‌آور «صلح جهانی» و اسلام و مسلمانان را «ضد صلح و امنیت» معرفی می‌کند. در این فیلم در مورد حضرت مهدی عجل الله فرجه آمده است: «او مردی خون‌ریز و بی‌رحم است و با جنگ‌های خود، تعداد زیادی از زنان را بیوه می‌کند و بچه‌های یتیم بر جای می‌گذارد». آن حضرت علیه السلام را با لباس عربی نشان می‌دهد و در حالی که با فشار دادن یک کلید، هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد، این مطلب را به بیننده القا می‌کند که «ما باید متحد شویم و مانع قیام او گردیم، زیرا چیزی جز مصیبت و ناامنی برای مردم جهان نمی‌آورد؛ باید مردم جهان از او متنفر شده و از وی فاصله بگیرند!»

### ۲. فیلم روز استقلال

این فیلم محتوایی تخیلی دارد و امریکا را نجات‌دهنده‌ی بشریت در برابر حمله‌ی فضایی به زمین نشان می‌دهد. سرانجام با پیروزی نیروهای مدافع زمین در روز استقلال امریکا، دشمن شکست می‌خورد و امریکا بر سکوی نجات می‌ایستد.

### ۳. بازی رایانه‌ای «جهنم خلیج فارس» معروف به «یا مهدی»

این بازی، خلیج فارس و به‌خصوص ایران را مرکز حرکت‌های تروریستی جهان نشان می‌دهد و امریکا با حضور نظامی در منطقه، سردمدار مبارزه با این‌گونه حرکت‌ها می‌شود.

### ۴. کنفرانس تل‌آویو

در این کنفرانس، نظریه‌پردازان غربی در تحلیل انقلاب اسلامی ایران اعتراف می‌کنند که شیعه دارای دو نگاه است: نگاه سرخ و نگاه سبز؛ و معتقدند شیعه به اسم امام حسین علیه السلام قیام را شروع و به اسم امام زمان عجل الله فرجه آن را حفظ می‌کند.

تصمیم‌نهایی در این کنفرانس، نشان دادن تصویری سیاه از انتظار سبز شیعه به جهان است. پس از این کنفرانس، کتاب‌ها، فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای بسیاری برای این هدف تهیه و به جهان عرضه شد؛ مانند: فیلم صهیون، فیلم آرماگدون و بازی‌های رایانه‌ای ماتریکس، نفرین‌شدگان، سام ماجراجو، شیطان مقیم، بازگشت به قلعه‌ی ولفن اشتاین، دلتا فورس، قیام

ملت‌ها و طوفان صحرا (حمله به عراق) و همچنین کتاب‌هایی نظیر:

۱. جنگ بعدی، کاسپار واین برگر (وزیر دفاع سابق امریکا).

۲. زمین، سیاره‌ی بزرگ مرحوم.

۳. جهان نوینی در حال فرا رسیدن است.

۴. شما و سال ۲۰۰۰.

۵. چه بر سر ما می‌آید؟

۶. آمادگی‌های فردی برای بحران سال ۲۰۰۰.

۷. تدارک جنگ بزرگ، گرس هال سل.<sup>۱</sup>

---

۱. اقتباس و تلخیص از: بلخاری و جعفری، سلسله مقالات دشمنان مهدویت، مجلات انتظار.

### سوالات پژوهشی

۱. مبانی، اهداف و ماهیت فرقه‌های ضالّه را در ارتباط با موضوع مهدویت با هم مقایسه کنید.

۲. مهدویت در آینده با چه چالش‌هایی روبرو خواهد بود؟

### منابع مطالعاتی

۱. مجله‌ی انتظار، مقاله‌های استادان صابر جعفری و عزالدین رضانژاد، شماره‌های ۱ تا ۴.

۲. پرچم برافراشته، یحیی صالح‌نیا، قم، مؤسسه‌ی آینده‌سازان، ۱۳۸۵.

## درسنامه‌ی دهم

### توقیعات امام

آنچه این درس به آن می‌پردازد:

- فضای توقیع
- جایگاه توقیعات در هدایت جامعه
- موضوعات مطرح شده در توقیعات
- کاربرد توقیعات در زمان حاضر



## کلیاتی در ارتباط با توقیعات

توقیع به معنای امضا کردن نامه و فرمان و نشان کردن برنامه و منشور می‌باشد، و نیز پاسخ‌هایی است که بزرگان و دولتمردان، زیر سؤال‌ها و درخواست‌هایی کتبی که از ایشان می‌شود، می‌نویسند.<sup>۱</sup> توقیع‌نویسی از دیرباز بین حکام و فرمانروایان رواج داشته و موارد بسیار زیادی از توقیعات آن‌ها در متون تاریخی و غیره به چشم می‌خورد. کتاب توقیعات کسری، نمونه‌ای از این آثار است. دو جلد یازدهم و دوازدهم و قسمتی از جلد سیزدهم کتاب صبح الأعشی به ذکر توقیعاتی با موضوعات مختلف پرداخته است.<sup>۲</sup> در کتاب العقد الفرید نیز طی چند فصل، توقیعات مختلفی آمده است.<sup>۳</sup> در کتب روایی، فقهی و تاریخی شیعه، قسمتی از مکتوبات ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام به عنوان «توقیعات» ذکر شده است. عمده‌ی این مکتوبات از لحاظ کمیت و کیفیت، توقیعاتی است که از سوی امام زمان، حضرت حجة بن الحسن ارواحنا فداه صادر گردیده است. توقیعات صادره از ائمه‌ی دیگر بسیار کمتر است و از بعضی از ایشان هیچ توقیعی به دست نیامده است. برای نمونه، چند توقیع کوتاه از حضرت امیرالمؤمنین<sup>۴</sup>، توقیعی از حضرت موسی بن جعفر<sup>۵</sup> علیه‌السلام، توقیعاتی از امام رضا<sup>۶</sup> علیه‌السلام و چندین توقیع از ائمه‌ی دیگر،

۱. لغتنامه‌ی دهخدا.

۲. صبح الأعشی، ج ۱۰، ص ۲۹۲ به بعد.

۳. العقد الفرید، ج ۲، ص ۲۲۶ به بعد.

۴. ر.ک: نهج البلاغه، بخش نامه‌ها.

۵. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳.

۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰۷.

همچون حضرت جواد، حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم‌السلام را می‌توان نام برد.<sup>۱</sup> اکنون به طور اجمال، بخش‌هایی از ویژگی‌ها و مزایای توقیعات مقدسه‌ی حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه را بیان می‌کنیم و به بررسی عمومی و کلی مسائل طرح‌شده در آن‌ها می‌پردازیم.

### ۱. رابطه‌ی اعجاز با توقیعات

توقیعاتی که در پاسخ به سؤالات و درخواست‌ها صادر می‌شد، معمولاً ظرف مدت سه روز انجام می‌گرفت. شاید نتوان ادعا کرد که همه‌ی آن‌ها توأم با اعجاز باشد؛ گرچه نحوه‌ی صدور توقیعات و چگونگی ارتباط نواب خاص امام زمان عجل‌الله‌فرجه با آن حضرت فاش نشده است، اما در بخشی از توقیعات، معجزه‌آمیز بودن آن‌ها کاملاً مشهود می‌باشد و به طور قطع می‌توان گفت صدور آن‌ها به طور عادی صورت نگرفته است. برای مثال، در سال ۳۱۲ ق. از سوی حضرت عجل‌الله‌فرجه در مورد گمراهی و انحراف ابن ابی‌عزافر شلمغانی توقیعی صادر گشت. ناظران عینی گفته‌اند که هنوز مُرکب آن تر بود و خشک نشده بود.<sup>۲</sup>

محمد بن فضل موصلی، شیعه بود، اما نیابت جناب حسین بن روح را قبول نداشت. روزی او هنگام بحث با یکی از دوستانش به نام حسن بن علی وَجَنَاء و به پیشنهاد او برای آزمودن نایب امام علیه‌السلام مطلبی کاملاً محرمانه را با هم توافق کردند. حسن بن علی وَجَنَاء کاغذ سفیدی از دفتر موصلی جدا کرد و قلمی تراشید و بدون مُرکب، مطالبی بر روی آن ورقه نوشت، سپس آن را مهر کرد و توسط خدمتکار نزد حسین بن روح فرستاد. ظهر همان روز جواب نامه در همان ورقه‌ی ارسالی آمد که فصل به فصل با مُرکب نوشته بود.<sup>۳</sup>

همچنین از ابو‌حسین اسدی روایت شده که گفت: توقیعی توسط شیخ ابو‌جعفر، محمد بن عثمان عمروی به من رسید و این در حالی بود که من از او هیچ سؤالی نکرده بودم. عبارت توقیع این بود: «بسم الله الرحمن الرحیم، لعنت خدا، فرشتگان و همه‌ی مردم بر کسی که درهمی از اموال ما را حلال شمارد.» اسدی گوید. به خاطر رسیدن که این توقیع درباره‌ی

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۱ و ج ۵، صص ۱۰۳، ۲۸۰ - ۳۰۲.

۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۹۵ به بعد؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۷۶.

۳. الغیبه، شیخ طوسی، صص ۱۹۲ - ۱۹۳ و مشابه این اعجاز در کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۸ به بعد.



کسی است که درهمی از مال ما را حلال شمارد، نه کسی که حلال نداند و از آن بخورد، و می‌گوید: به خدا سوگند! چون بار دیگر در توقیع نظر کردم، دیدم به همان مضمونی که در دلم بود، تغییر یافته است: «لعنت خدا، فرشتگان و همه‌ی مردم بر کسی که درهمی از مال ما را به حرامی بخورد.»<sup>۱</sup>

این کرامات در مرحله‌ی صدور بود، اما در متن خود توقیعات، موارد بسیار زیادی از کرامات مشهود است، که بیشتر به صورت خبرهای غیبی از حوادث آینده، کارها و مذاکرات خصوصی، شفای بیماران، حاملگی و خصوصیات مولود و غیره می‌باشد.<sup>۲</sup>

## ۲. استدلال به توقیعات

علمای شیعه در رشته‌های مختلف اعتقادی، فقهی و اخلاقی به توقیعات شریف حضرت مهدی عجل الله فرجه استناد و استدلال می‌کنند. بعضی از علما اصل صدور توقیع از آن حضرت را از جمله دلایل وجود شریف آن بزرگوار شمرده‌اند. مرحوم شیخ علی‌اکبر نهایندی در این باره چنین گفته است: «تمامت این توقیعات شریفه و مکتوبات منیفه - چنان که در اول رقم دوم از توقیعات ذکر نموده‌ایم - از جمله دلایل بر ثبوت و اثبات وجود فائض‌الجود آن بزرگوار است؛ زیرا که مکتوب و توقیع بدون کاتب و موقع، بلکه مطلق اثر بدون مؤثر نشود و نشاید.»<sup>۳</sup>

در فقه نیز توقیعات را به منزله‌ی دلیل و حجت شرعی می‌شمارند و در استنباط احکام به آن‌ها استناد می‌کنند. این کار با بررسی سند و ارزیابی راویان توقیع - از جهت دیانت و وثاقت - شروع می‌شود. طبق قواعد علم درایه و فقه، به چگونگی جمع بین هر دو و ترجیح نص بر ظاهر می‌پردازند (اخبار علاجیه، تعادل و تراجیح) و این قاعده‌ی برخورد با احادیث و روایات است.

## ۳. خط توقیعات

در چندین مورد راویان تصریح کرده‌اند که توقیعات مقدسه‌ی حضرت مهدی عجل الله فرجه به

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۰ به بعد.

۲. کلمة الامام المهدی، ترجمه‌ی فارسی، ج ۱، ص ۱۹۴ به بعد؛ فهرست موضوعی توقیعات.

۳. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۲۰۸.

دستخط شریف آن حضرت صدور می‌یافته و جمعی از بزرگان محدثین و وکلای حضرتش با آن آشنا بوده و آن را می‌شناختند. عباراتی همچون: «فَوَقَعَ بِخَطِّهِ، بِخَطِّ أَعْرَفُهُ، رَأَيْتُ التَّوْقِيعَ بِخَطِّهِ و...» دلیل این مطلب است.<sup>۱</sup> بنا بر بعضی از روایات، خط مبارک امام زمان به خط پدر بزرگوار ایشان بسیار شباهت داشته است.<sup>۲</sup>

با توجه به این که در طول مدت نیابت نواب اربعه، این توقیعات به طور یکنواخت ظاهر می‌گشت، شیوه‌ای کاملاً مطمئن برای یقین به صدور آن‌ها از شخص امام علیه السلام بود و راه را برای افراد فرصت‌طلب و مغرض می‌بست، تا هرگز نتوانند نامه‌های جعلی به نام آن حضرت درست کنند و مردم را به وسیله‌ی آن‌ها فریب دهند. البته توقیعاتی که به خط امام علیه السلام بود، تنها توسط بعضی از افراد معتمد مشاهده می‌گردید، سپس از روی آن‌ها نسخه‌برداری و رونویسی می‌شد و یا مضمون آن‌ها را به ذهن می‌سپردند، اما بعضی از توقیعات را هم به اقتضای مصلحت در بین عموم شیعیان منتشر می‌ساختند.

#### ۴. چگونگی ارسال توقیعات

تمامی توقیعات حضرت مهدی عجل الله فرجه توسط نواب خاص آن جناب برای افراد ظاهر می‌گشت و ارتباط کتبی با حضرتش تنها از طریق ایشان انجام می‌گرفت. وکلای آن حضرت که در بلاد مختلف بودند، نامه‌های خود و دیگر افراد را به بغداد نزد نایب امام می‌فرستادند و از او پاسخ دریافت می‌کردند. شیخ طوسی می‌گوید: «و در زمان سفیران ستوده‌ی آن حضرت، جمعی از افراد مورد وثوق بوده‌اند که از سوی سفرای منصوب‌شده‌ی اصلی، توقیعات بر آنان وارد می‌شد...»<sup>۳</sup> و نیز صاحب‌نظران در شرح احوال و ذکر خصوصیات جمعی از وکلا، این نکته را متذکر شده‌اند.<sup>۴</sup>

۱. تاریخ الغیبة الصغری، ص ۴۳۰ به بعد؛ حکمة الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۹۹.

۲. مناقب، ج ۳، ص ۵۳۳.

۳. کتاب الغیبة، ص ۲۵۷.

۴. کلمة الامام المهدی، ج ۱، ص ۱۴۵ به بعد.

طبرسی دو نامه از حضرت مهدی <sup>(ارواحنا فداه)</sup> به شیخ مفید نقل کرده است.<sup>۱</sup> این نامه‌ها توسط شخص مورد اعتمادی به شیخ مفید رسیده، اما نام آن شخص ذکر نشده است. چند تن از مؤلفین، این دو نامه را در شمار توقیعات آن حضرت آورده‌اند.<sup>۲</sup> همچنین بعضی از معاصران، پیامی را که از سوی آن حضرت برای مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی توسط مرحوم شیخ محمد کوفی شوشتری نقل شده، به عنوان توقیع ذکر کرده‌اند.

### ۵. مدت خروج توقیع

توقیعاتی که در پاسخ به سؤال‌ها صادر می‌شد، به طور معمول ظرف مدت دو تا سه روز به مقصد می‌رسید. از روایات این‌گونه برداشت می‌شود که معمولاً افراد بعد از دو تا سه روز منتظر پاسخ‌های خود می‌شدند. برنامه‌ی نایبان چنین بود که سؤال‌ها و تقاضاهای مراجعه‌کنندگان را در یک ورقه می‌نوشتند و به حضرت می‌رساندند، سپس جواب‌ها یکجا برای شیعیان و دوستداران فرستاده می‌شد.<sup>۳</sup>

نحوه‌ی دیدار نایب امام با آن حضرت فاش نشده است. از روایات برداشت می‌شود که گاه ایشان جواب سؤالی را شفاهی می‌گفتند و نایب شخصاً آن را ابلاغ می‌کرد. بسا اتفاق می‌افتاد که از جهت مصلحتی ایشان اصلاً جواب نمی‌فرمودند. برای مثال، کسی از امام علیه السلام تقاضای دعایی می‌کند تا خداوند به او فرزند پسری عطا فرماید، اما چون امام می‌دانند که مصلحت نیست چیزی نصیب آن شخص شود، پاسخی نمی‌دهند.<sup>۴</sup> و یا جواب نامه‌ی شخصی نیامد، بعد معلوم شد که از مذهب تشیع برگشته و قرمطی شده است.<sup>۵</sup>

اما توقیعاتی که بدون سؤال و درخواست افراد صادر می‌گشت، وقت معینی نداشت و هر موقع که امام صلاح می‌دانستند، توقیعی می‌نوشتند و مطلبی اظهار می‌فرمودند.

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۱۸ و ج ۵، ص ۳۲.

۲. مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۳۴۱.

۳. الغیبة، شیخ طوسی، صص ۱۸۴ و ۱۹۰؛ تاریخ الغیبة الصغری، ص ۴۳۵.

۴. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۹۵.

۵. الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۳۲.

### ۶. مطالب مطرح شده در توقیعات

موضوعاتی که در توقیعات حضرت ولی عصر عجل الله فرجه آمده، شامل بسیاری از معارف و حقایق دینی، امور تربیتی و برنامه‌های زندگی فردی و اجتماعی است که فهرست اجمالی آن‌ها بدین قرار است:

- مباحث عقیدتی در زمینه‌های مختلف توحید، نبوت، امامت، معاد و غیره.
- امور اجتماعی شامل مسائل اخلاقی، تربیتی، و شئون اقتصادی و مشکلات مالی.
- وظایف و تکالیف شیعیان در عصر غیبت، بیان چگونگی توجه به خداوند، ایجاد زمینه‌های خودسازی، نحوه‌ی ارتباط با ایشان و پیروی از آن حضرت و آمادگی برای برپایی حکومت عدل گستر ایشان.
- بیان قسمتی از احکام و مسائل فقهی در مورد نماز، روزه، حج، نذر، خمس، نکاح و غیره.
- مطالبی در امور شخصی کسانی که از آن حضرت درخواست می‌کردند، از قبیل نام‌گذاری فرزند، آزادی برده و کنیز، انتخاب دوست، اجازه‌ی سفر و غیره.
- نصب و تأیید وکلا و نواب و دیگر امور مربوط به ایشان، افشا کردن تزویر مدعیان دروغین و طرد و لعن غلات و منحرفان.

### ۷. دفع خطر از شیعیان

در آن عصر که حکام ستمگر برای شناسایی، شکنجه، آزار و نابودی شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت علیهم السلام کمر بسته بودند، و احياناً نقشه‌های ماهرانه‌ای طرح می‌کردند تا بلکه بتوانند تمامی آن‌ها را از بین ببرند، تنها راه خلاصی از دام‌های شیطانی بدخواهان، همین توقیعات بود. به دو نمونه در این باره اشاره می‌شود:

مورد اول: یک بار که در مورد وکلا و نمایندگان حضرت علیه السلام نزد خلیفه‌ی غاصب سعایت شده بود، وی برای شناسایی و دستگیری آنان دستور داد: «افراد ناشناسی را همراه با پول نزد آن‌ها به جاسوسی بفرستید. اگر کسی از آن‌ها چیزی پذیرفت، او را دستگیر کنید.» در این هنگام از ناحیه‌ی مقدسه‌ی حضرت مهدی عجل الله فرجه خطاب به همه‌ی وکلا فرمانی صادر

شد که از هیچ کس چیزی نپذیرند و از گرفتن خودداری کرده، خود را بی اطلاع نشان دهند.<sup>۱</sup> مورد دوم: در یک زمان از سوی حضرت ولی عصر عجل الله فرجه دستوری صادر شد که از زیارت کاظمین و کربلا نهی کرده بودند. پس از چند ماه معلوم شد خلیفه در آن موقع دستور داده بود که هر کس به زیارت رود، در کمینش باشند و او را دستگیر کنند.<sup>۲</sup>

### ۸. بیزاری از منحرفان

در عصر «غیبت صغری» افرادی به عناوین مختلف و با مقاصد گوناگون به دروغ ادعاهایی می کردند و سعی بر آن داشتند که دوستان و پیروان ائمه علیهم السلام را به سوی خود جلب کرده، آن‌ها را فریب دهند و گمراه سازند. با توجه به این که این قبیل افراد کم و بیش در بین شیعیان آن زمان - و یا دست کم در بعضی از مناطق شیعه‌نشین - شهرت و احترامی داشتند و غالباً زیر پوشش ادعای نیابت و سفارت حضرت مهدی عجل الله فرجه دام‌های خود را می گسترانیدند، بنابراین خطر آن‌ها برای شیعیان و مسلمانان از خطر کفار مشرکین بدتر بود و افشای تزویر و کشف نقاب از چهره‌ی کریه ایشان و طرد آن‌ها از جوامع دینی ضرورت داشت. از همین رو، توقیعات مهمی درباره‌ی این افراد و بیزاری حضرت ولی عصر عجل الله فرجه از آن‌ها از سوی آن جناب صدور یافت و مایه‌ی رسوایی و انزوای آن‌ها شد.

### ۹. توقیعات در کتاب‌ها و آثار بزرگان

نخستین کسی که توقیعات را جمع‌آوری کرده، محدث گران قدر، ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری است. او از جمله اصحاب امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام بوده، که وی عصر «غیبت صغری» را نیز درک کرده و توقیعات را به خط امام عجل الله فرجه دیده است.<sup>۳</sup> از عبارت نجاشی برمی آید که وی توقیعات امام حسن عسکری علیه السلام را تدوین می کرده است. فرزندان او احمد، جعفر، حسین و محمد نیز همگی با حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مکاتبه داشتند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۲۵.

۲. همان.

۳. رجال، نجاشی، ص ۱۵۲ به بعد؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۱۴۵.

سه توقیع در پاسخ به سؤالات محمد بن عبدالله حمیری در کتاب احتجاج آمده است. زیارت معروف «آل‌یس» و دعای بعد از آن، ضمن توقیعی خطاب به او صادر شده است. همچنین در منابع اولیه‌ی حدیث؛ همچون کافی، کمال‌الدین، ارشاد، غیبت شیخ طوسی، احتجاج و غیره و نیز مجموعه‌های بزرگ حدیث و کتب معتبر متأخرین؛ مانند بحار الانوار، وسائل الشیعه، وافی، مستدرک الوسائل و الصحیفة المهدیة در فصل‌های خاص و یا به طور پراکنده، توقیعات بسیاری آمده است. در عصر حاضر نیز آثار ارزشمندی در این زمینه انتشار یافته؛ از جمله تاریخ الغیبة الصغری، کلمة الامام المهدی، توقیعات مقدسه، مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه‌ی حضرت بقیة الله عجل الله فرجه<sup>۱</sup>.

\*\*\*

### گلچینی از سخنان امام زمان عجل الله فرجه

۱. توجه امام مهدی عجل الله فرجه به شیعیان خویش  
 «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءَ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ. فَاتَّقُوا اللَّهَ - جَلَّ جَلَالُهُ - وَ ظَاهِرُونَا.»<sup>۲</sup>  
 ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود، گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند. از خدا بترسید و ما را پشتیبانی کنید.

### ۲. عمل صالح و تقرب به اهل بیت علیهم‌السلام

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا يَبْغْتُهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَذْمٌ عَلَى حَوْبِهِ.»<sup>۳</sup>

۱. اقتباس از: سید مهدی حائری، دایرة المعارف تشیع، ج ۵، ص ۱۵۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۳. همان، ص ۱۷۶.

هریک از شما باید به آنچه که او را به دوستی ما نزدیک می‌سازد، عمل کند و از آنچه که خوشایند ما نبوده و خشم ما در آن است، دوری گزیند؛ زیرا خداوند ناگهان جان انسان را می‌گیرد؛ آن‌گاه که توبه برای او سود نمی‌بخشد و پشیمانی، آدمی را از کیفر از ما نجات نمی‌دهد.

### ۳. تسلیم در مقابل دستورهای اهل بیت علیهم‌السلام

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا، فَعَلَيْنَا الْإِضْدارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِیرَادُ وَ لَا تَحَاوَلُوا كَشْفَ مَا عُطِيَ عَنْكُمْ وَ اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوْدَةِ عَلَى السَّنَةِ الْوَاضِحَةِ.»<sup>۱</sup>

از خدا بترسید و تسلیم ما شوید. کارها را به ما واگذارید. بر ماست که شما را از سرچشمه سیراب برگردانیم؛ چنان که بردن شما به سرچشمه از ما بود. در پی کشف آنچه از شما پوشیده شده، نروید. مقصد خود را با دوستی ما براساس راهی که روشن است، به سوی ما قرار دهید.

### ۴. تحقق حتمی حق

«أَبَى اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهُوقًا، وَ هُوَ شَاهِدٌ عَلَىٰ بِمَا أَذْكَرُهُ.»<sup>۲</sup>

خداوند مقدر فرموده است که حق به مرحله‌ی نهایی و کمال خود برسد و باطل از بین برود، و او بر آنچه بیان نمودم، گواه است.

### ۵. خلقت هدفدار و هدایت پایدار

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَ لَا أَهْمَلَهُمْ سُدى بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ جَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَ أَبْصَارًا وَ قُلُوبًا وَ الْبَابَ ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَ يُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهِلُوا مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَ دِينِهِمْ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً يَأْتِينَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَنْ بَعَثَهُمُ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ الَّذِي جَعَلَهُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ.»<sup>۳</sup>

خداوند متعال خلق را بیهوده نیافریده و آنان را مهمل نگذاشته است؛ بلکه آنان را به قدرتش آفرید و برای آن‌ها گوش، چشم، دل و عقل قرار داد. آنگاه پیامبران را که مژده دهنده و ترساننده

۱. همان، ص ۱۷۹.

۲. همان، ص ۱۹۳.

۳. همان، ص ۱۹۴.

هستند، به سویشان برانگیخت تا به طاعتش دستور دهند و از نافرمانی‌اش جلوگیری کنند و آنچه را از امر خداوند و دینشان نمی‌دانند، به آن‌ها تفهیم کنند. بر آنان کتاب فرستاد و به سویشان فرشتگانی برانگیخت، تا آن‌ها میان خدا و پیامبران - به واسطه‌ی تفضلی که بر ایشان روا داشته - واسطه باشند.

#### ۶. ظهور حق

«إِذَا أذنَ اللهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَانْحَسِرَ عَنْكُمْ»<sup>۱</sup>

هرگاه خداوند به ما اجازه دهد که سخن گوییم، حق ظاهر خواهد شد و باطل از میان خواهد رفت و خفقان از (سر) شما برطرف خواهد گردید.

#### ۷. تفتیش ناروا

حضرت مهدی عجل الله فرجه در خصوص کسانی که در جستجوی او بوده‌اند تا به حاکم جور تحویلش دهند، فرموده‌اند:

«مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ، وَمَنْ طَلَبَ فَقَدْ دَلَّ، وَمَنْ دَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ، وَمَنْ أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ»<sup>۲</sup>

«آن که بکاود، بجوید و آن که بجوید، دلالت دهد و آن که دلالت دهد، به هدف رسد و هر که (در مورد من) چنین کند، شرک ورزیده است.»

#### ۸. ظهور حق به اذن حق

«فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ - تَعَالَى دِكْرُهُ - وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا»<sup>۳</sup>

ظهوری نیست، مگر به اجازه‌ی خداوند متعال و آن هم پس از گذشت زمانی طولانی، قسی شدن دل‌ها و فراگیر شدن زمین از جور و ستم.

۱. همان، ص ۱۹۶.

۲. همان.

۳. الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۷۸.



### ۹. مدعیان دروغگو

«سَيَأْتِي إِلَى شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ. أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»<sup>۱</sup>

آگاه باشید! به زودی کسانی ادعای مشاهده‌ی (نیابت خاصه) مرا خواهند کرد. آگاه باشید هر کس قبل از «خروج سفیانی» و شنیدن صدای آسمانی، ادعای مشاهده‌ی مرا کند، دروغگو و افترازننده است. حرکت و نیرویی جز به خدای بزرگ نیست.

### ۱۰. دنیا در سرایشی زوال

«إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فَنَائِهَا وَ زَوَّالُهَا وَ أَذِنْتُ بِالْوِدَاعِ وَ أَنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ﷺ وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَ إِمَاتَةِ الْبَاطِلِ وَ أَحْيَاءِ السُّنَّةِ.»<sup>۲</sup>

دنیا، فنا و زوالش نزدیک شده و در حال وداع است، و من شما را به سوی خدا و پیامبرش که درود خدا بر او و آتش باد و عمل به قرآنش و میراندن باطل و زنده کرن سنت دعوت می‌کنم.

### ۱۱. ذخیره‌ی بزرگ

«أَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحَ وَ مُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ.»<sup>۳</sup>

من باقی‌مانده از آدم و ذخیره‌ی نوح و برگزیده‌ی ابراهیم و خلاصه‌ی محمد - درود خدا بر همگی آنان باد - هستم.

### ۱۲. حجت خدا

«رَزَعَمَتِ الظُّلْمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ وَ لَوْ أَدِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ.»<sup>۴</sup>

ستمگران پنداشتند که حجت خدا از بین رفته است؛ در حالی که اگر به ما اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شد، هر آینه تمام شک‌ها را از بین می‌بردیم.

۱. همان، ج ۲، ص ۴۷۸.

۲. فتن ابن حماد، ص ۹۵.

۳. الغيبة نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷.

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴.

۱۳. علمدار هدایت در هر زمان

«كُلَّمَا غَابَ عِلْمٌ بَدَأَ عِلْمٌ، وَإِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ.»<sup>۱</sup>

هرگاه علم و نشانه‌ای پنهان شود، علم دیگری آشکار گردد و هر زمان که ستاره‌ای افول کند، ستاره‌ای دیگر طلوع نماید.

۱۴. نماز؛ طردکننده‌ی شیطان

«مَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلَ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَ أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ.»<sup>۲</sup>

هیچ چیز مثل نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد. پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.

۱۵. اذن مالک

«لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ.»<sup>۳</sup>

تصرف در مال هیچ کس، بدون اجازه‌ی او جایز نیست.

۱۶. استعاذه به خدا

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ وَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى وَ مِنْ مُوبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَ مُرْدِيَاتِ الْفِتَنِ.»<sup>۴</sup>

پناه به خدا می‌برم از نابینایی، بعد از بینایی و از گمراهی، بعد از راه‌یابی و از اعمال ناشایست و فرو افتادن در فتنه‌ها.

۱۷. اسوه‌های حقیقت

«إِنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَ فِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُفْتَرٌ.»<sup>۵</sup>

۱. همان، ج ۵۳، ص ۱۸۵.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

۳. همان، ص ۱۸۲.

۴. همان، ص ۱۹۰.

۵. همان.

حق با ما و در میان ماست. کسی جز ما چنین نگوید، مگر آن‌که دروغگو و افترازننده باشد.

۱۸. ظهور فرج به اذن خدا

«وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. كَذَبَ الْوَقَاتُونَ. وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْحُسَيْنَ ع لَمْ يُقْتَلْ، فَكُفْرٌ وَتَكْذِيبٌ وَضَلَالٌ.»<sup>۱</sup>

اما ظهور فرج موكول به اراده‌ی خداوند متعال است و هر كس برای ظهور ما وقت تعیین کند، دروغگوست. و اما گفته‌ی کسانی که پنداشته‌اند امام حسین ع کشته نشده، کفر و دروغ و گمراهی است.

۱۹. شناخت خدا

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَ لَا حَالٌ فِي جِسْمٍ؛ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»<sup>۲</sup>

همانا خداوند متعال کسی است که اجسام را آفریده و ارزاق را تقسیم فرموده است. او جسم نیست و در جسمی هم حلول نکرده؛ چیزی مثل او نیست و او شنوا و داناست.

۲۰. ائمه ع، دست‌پرورده‌های پروردگار

«نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعِنَا.»<sup>۳</sup>

ما دست‌پرورده‌های پروردگارمان هستیم، و مردمان، دست‌پرورده‌های ما هستند.

۲۱. دانش حقیقی

«الْعِلْمُ عِلْمُنَا وَ لَا شَيْءٌ عَلَيْكُمْ مِنْ كُفْرٍ مِنْ كُفْرٍ.»<sup>۴</sup>

دانش، دانش ماست. از کفر کافر گزندی بر شما نیست.

۱. الغيبة، شیخ طوسی، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۱۷۸.

۳. همان، ص ۱۷۲.

۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۰.

## ۲۲. اتفاق و وفای به عهد

«لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا.»<sup>۱</sup>

اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد - در وفای به عهد و پیمان الهی اتحاد و اتفاق می‌داشتند و عهد و پیمان را محترم می‌شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی‌افتاد و زودتر به سعادت دیدار ما نائل می‌شدند.

## ۲۳. پیروان نادان

«قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَحُمَقَائُهُمْ وَمَنْ دِينَهُ جَنَاحُ الْبُعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ.»<sup>۲</sup>

حضرت مهدی (عجل الله فرجه) به محمد بن علی بن هلال کرخی فرموده‌اند: «نادانان و کم‌خردان شیعه و کسانی که بال پشه از دینداری آنان محکم‌تر است، ما را آزرده‌اند.»

## ۲۴. بیزاری از غالیان

«أَنَا بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ يَقُولُ إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ وَنُشَارِكُكَ فِي مُلْكِهِ أَوْ يُحِلُّنَا مَحَلًّا سِوَى الْمَحَلِّ الَّذِي رَضِيَ اللَّهُ لَنَا.»<sup>۳</sup>

من از افرادی که می‌گویند ما اهل بیت (مستقلاً از پیش خود و بدون دریافت از جانب خداوند) غیب می‌دانیم و در سلطنت و آفرینش موجودات با خدا شریکیم، یا ما را از مقامی که خداوند برای ما پسندیده است، بالاتر می‌برند، نزد خدا و رسولش بیزاری می‌جویم.

## ۲۵. سجده‌ی شکر

«سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَأَوْجَبِهَا.»<sup>۴</sup>

سجده‌ی شکر، واجب‌ترین مستحبات است.

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲. همان، ص ۴۷۴.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۸۷.

۲۶. فضیلت تعقیبات نماز

«إِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ.»<sup>۱</sup>

فضیلت دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب، در مقایسه با دعا و تسبیح پس از نمازهای مستحبی، مانند فضیلت واجبات بر مستحبات است.

۲۷. سجده، مخصوص خداست

«فَأَمَّا السُّجُودُ عَلَى قَبْرِ فَلَا يَجُوزُ.»<sup>۲</sup>

سجده بر قبر جایز نیست.

۲۸. راه‌اندازی کار مردم

«إِرْحِصْ نَفْسَكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيْزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ.»<sup>۳</sup>

خودت را (برای خدمت) در اختیار مردم بگذار و محل نشستن خویش را در ورودی خانه قرار بده و حوائج مردم را برآور.

۲۹. امنیت بخش زمین

«إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النَّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ.»<sup>۴</sup>

وجود من برای اهل زمین سبب امان و آسایش است؛ همچنان که ستارگان سبب امان آسمان هستند.

۳۰. رجوع به راویان حدیث

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.»<sup>۵</sup>

۱. همان.

۲. همان، ص ۴۹۰.

۳. فرمایش‌های حضرت بقیة‌الله، ص ۱۷۰.

۴. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۸۰.

۵. همان.

در پیشامدهای مهم اجتماعی به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من هم حجت خدا بر آنان هستم.

۳۱. مطاع، نه مطیع کسی

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيَّةٍ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي.»<sup>۱</sup>

هر یک از پدرانم بیعت یکی از طاغوت‌های زمان به گردنشان بود، اما من در حالی قیام خواهم کرد که بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نباشد.

۳۲. آفتاب پشت ابر

«وَ أَمَا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ.»<sup>۲</sup>

کیفیت بهره‌وری از من در دوران غیبت مانند کیفیت بهره‌وری از آفتاب است؛ هنگامی که ابر آن را از چشم‌ها پنهان سازد.

۳۳. سبقت اراده‌ی خدا بر همه چیز

«وَلَكِنْ أَقْدَارُ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَا تُغَالَبُ وَ إِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ وَ تَوْفِيقُهُ لَا يُسْبَقُ.»<sup>۳</sup>

به‌راستی که مقدرات خداوند متعال مغلوب نشود و اراده‌ی الهی مردود نگردد و چیزی بر توفیق او پیشی نگیرد.

۳۴. علت اصلی غیبت امام علیه السلام

«وَ أَمَا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - قَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءَ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ.»<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۹۱ (چاپ ایران).

۴. همان، ج ۷۸، ص ۳۸۰.

اما علت و فلسفه‌ی آنچه از دوران غیبت اتفاق افتاده (که درک آن برای شما سنگین است)، آن است که خداوند در قرآن فرموده: «ای مؤمنان! از چیزهایی نپرسید که اگر آشکارتان شود، بدتان آید.»<sup>۱</sup>

### ۳۵. آگاهی‌های امام علیه السلام

«إِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَغْزِبُ عَنَا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ.»<sup>۲</sup>  
علم ما به خبرهای شما احاطه دارد و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی‌ماند.

### ۳۶. دعای فراوان

«أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.»<sup>۳</sup>  
برای تعجیل در فرج زیاد دعا کنید؛ زیرا همین دعا کردن، فرج و گشایش شماست.

### ۳۷. سؤال نامطلوب

«فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَغْنِيكُمْ.»<sup>۴</sup>  
درهای سؤال را از آنچه که مطلوب شما نیست، ببندید.

### ۳۸. آخرین اوصیا

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَ شِيعَتِي.»<sup>۵</sup>  
من آخرین نفر از اوصیا هستم. خداوند به وسیله‌ی من بلا را از خانواده و شیعیانم برطرف می‌گرداند.

### ۳۹. حجت خدا در زمین

«إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ حُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا وَ إِمَّا مَغْمُورًا.»

۱. مائده، ۱۰۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۵. همان، ص ۳۰.

زمین، خالی از حجت خدا نیست؛ یا آشکار است و یا نهان.<sup>۱</sup>

۴۰. بی‌نیازی حجت الهی از دیگران

«إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا وَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَىٰ غَيْرِهِ وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا.»<sup>۲</sup>

خداوند با ماست و به جز ذات پروردگار به چیزی نیاز نداریم و حق با ماست. اگر کسانی با ما نباشند، هرگز در ما وحشتی ایجاد نمی‌شود.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱.

۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۸.



**سوالات پژوهشی**

۱. اصلی‌ترین مسائل مورد تأکید امام عصر علیه السلام در سخنانشان چیست؟
۲. در سخنان امام، چه راهکارهایی برای خودسازی و جامعه‌سازی در عصر غیبت ارائه شده است؟

**منابع مطالعاتی**

۱. مجموعه سخنان امام عصر علیه السلام، محمد خادمی شیرازی، قم، انتشارات جمکران، ۱۳۸۵.
۲. صحیفه‌ی مهدیه، سید مرتضی مجتهدی، تهران، انتشارات الماس، ۱۳۸۶.

## درسنامه‌ی یازدهم

### حکومت مهدوی

آنچه این درس به آن می‌پردازد:

- تفاوت حکومت مهدوی و دیگر حکومت‌ها

- عدالت در عصر ظهور

- علم در عصر ظهور

- هدف نهایی تربیت در عصر ظهور

## سر آغاز

مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، که در عصر ظهور به دست مهدی آل محمد علیهم‌السلام بنا می‌شود، با همه‌ی جوامعی که بشر تاکنون تجربه کرده، متفاوت است. این تفاوت‌ها در برخی موارد، ناشی از حکومت یک معصوم و در برخی موارد دیگر، ناشی از نظام خاص حاکم بر آن دوران است. مدینه‌ی مذکور، ویژگی‌هایی دارد که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

### ۱. حاکم در عصر ظهور

پیشرفت‌ها در عصر ظهور، معلول عوامل مختلفی است. یکی از این عوامل، وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص (از قبیل احساسات حیوانی، خشم، غضب بیجا، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی) است. او فقط وابسته به خدا است و به همه‌ی ملت‌ها، جمعیت‌ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می‌کند و فرقی بین اقوام و قبایل قائل نیست. رهبران دنیای مادیت، ناتوان از چنین عدالتی هستند. عالی‌ترین همتِ قدرتمندترین آنان، استثمار دیگران یا هضم یک جامعه در جامعه‌ی قوی‌تر و کوشش برای (تنها) یک ملت است. نگاه منفعت‌گرایانه‌ی آنان، استثمار مدرن را رقم می‌زند. آنان تمام توان خویش را به کار می‌برند و از تمامی ابزارها استفاده می‌کنند تا روح، فکر و رفتار جوامع را به استثمار خود درآورند و استعدادهای انسانی و ذخایر خدادادی را به نفع خود مصادره نمایند.

رهبران الهی، خود را متصل به عرش پروردگار می‌دانند و وجود و استمرار انسان را وابسته به خداوند قادر می‌شمارند و با نگاه کرامت به جامعه نظر می‌اندازند. کرامت و غایت حرکت

انسان، از اهداف حکومت صالحان است. جامعه‌ی متعبد به آداب الهی و ایجاد تشکیلاتی بر مدار بندگی پروردگار، از اهداف حرکت رهبران الهی است. در چنین جامعه‌ای آسایش، آزادی، برابری، عدالت و... جامعه را پر می‌کند.

## ۲. حکومت در عصر ظهور

حکومتی که در مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی و در عصر حاکمیت امام مهدی عجل الله فرجه مستقر خواهد شد، از تمامی جهات با حکومت‌های موجود متفاوت است. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظام‌های جاری در آن، هیچ شباهتی با حکومت‌های موجود ندارد. معیار در این حکومت، مصالح کل الهی، ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدف حکومت، اتحاد جماعت‌ها و ملت‌ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه و ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم می‌باشد. حاکم جامعه‌ی ظهور، احیاکننده‌ی شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورهای الهی است. براساس این حکومت، تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد. اختلاف دینی نیز باید کنار گذاشته شود و همه در زیر پرچم اسلام، تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که کره‌ی زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می‌شود.

اسلام برای بشر چنین حکومتی را پیش‌بینی کرده و در حدودی که وظیفه‌ی تشریح است، مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را موکول به آماده شدن زمینه‌ی کامل آن کرده است. اساساً حفظ انسان کامل به عنوان ولی الله الاعظم و نگهداری آن در پشت پرده‌ی غیبت، برای تشکیل چنان حکومت واحد جهانی است، زیرا تشکیل چنین حکومتی از عهده‌ی انسان‌های عادی خارج است.

## ۳. عدل در عصر ظهور

در اسلام، مسأله‌ی عدل از روز نخست مورد توجه و عنایت بوده است. از قرآن و سنت برمی‌آید که عدل و مظاهر آن، پسندیده و موجب خشنودی حضرت حق می‌باشد. گستره‌ی

عدالت، تمام لایحه‌های جامعه را فرا می‌گیرد. گستردگی پدیده‌ی عدالت، زمانی تحقق پیدا می‌کند که مردم به رشد معنوی و کمال روحی نائل آمده باشند و تمام افراد و یا حداقل، بیشتر آنان خواهان عدل باشند.

پیامبران الهی در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه‌ی عدل در جهان و در بین همه‌ی انسان‌ها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود، قسط و عدل را به پا دارند، نه آن که به زور و قدرت حاکم، به عدالت تن در دهند. خداوند می‌فرماید:

«لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.» در این آیه‌ی شریفه، اقامه‌ی قسط به مردم نسبت داده شده است؛ یعنی مردم خود به اقامه‌ی قسط می‌پردازند. خداوند فرمود: «لِیَقِیْمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ»؛ پیامبران به عنوان حاکم عادل، مانند سایر زمامداران عادل، مردم را با نیروی نظامی و انتظامی و قدرت‌های اجرایی به رعایت عدل وا دارند؛ زیرا تفاوت است بین این که حاکمی خود عادل باشد و بخواهد در حکومت او عدل اجرا شود و به کسی ستم نگردد و بین آن که مردم در جامعه از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی برسند که خود اقامه‌ی عدل نمایند و بفهمند که عدل برتر از ظلم است و در آنان کششی نسبت به ظلم نباشد.

به هر حال، در اسلام و تعالیم الهی، عدل از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ تا جایی که همه‌ی انسان‌ها مأمور شده‌اند تا در تمام زمینه‌های زندگی خود - در اصول و فروع، در نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، در گفتار و کردار و... - عدالت را مراعات کنند. آیات و روایات در مورد شرافت، عظمت و اهمیت «عدالت» به قدری زیاد است که از گنجایش این نوشتار خارج می‌باشد.

کلمه‌ی «عدل» واژه‌ی غریبی نیست، اما حقیقتی قریب هم نمی‌باشد. بشر در طول تاریخ زندگی خود، همواره منتظر بوده که روزی این آرزو تحقق یابد و عدل در جوامع بشری حاکم شود. انسان‌های بسیاری نیز با اندیشه‌ی عدل و عدالت‌خواهی به فکر تحقق این آرزوی شیرین بشری بوده و تلاش بسیار کرده‌اند، اما تلاش آنان در بیشتر موارد کم‌ثمر یا بی‌ثمر بوده و عدالت در معنای حقیقی آن همچنان دست‌نیافتنی باقی مانده است. و چه سخت است

تعبیر نشدن این رؤیای شیرین و دلپذیر! رؤیایی که تمامی اجزای وجود انسان در طول تاریخ با آن عجین بوده و نگاه پر انتظار او در تعبیر آن، خسته و کم‌سو گشته است.

با همه‌ی این احوال، هیچگاه آرزوی تعبیر این رؤیا در اعماق دل و جان انسان‌ها به یأس و ناامیدی تبدیل نشده است. اما هر چه بر شماره‌ی اوراق تاریخ افزون می‌گردد، از شماره‌ی انتظار ما کاسته می‌شود و این همان چراغ امید است که قرن‌ها در دل انسان‌ها به عشق آمدن آن منجی، روشن و فروزان است؛ به عشق او که نامش «عدل» است:

«السَّلَامُ عَلَى الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ»<sup>۱</sup>

سلام بر عدالت گسترده.

دو مؤلفه‌ی زیر از شاخصه‌های اصلی حکومت او است:

الف. حکومت واحد جهانی، که تنها او است که چنین حکومتی را ایجاد می‌کند.

ب. عدل جهانی، که تنها در جامعه‌ای که او تشکیل می‌دهد و خود در رأس آن قرار می‌گیرد، عدل با تمام ابعاد، گسترده می‌شود. همان گونه که حکومت او جهانی است، عدل او نیز گسترده و جهانی می‌باشد. در روایات، این شاخصه از سایر شاخصه‌های حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه بارزتر و بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمودند:

«أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ...»<sup>۲</sup>

مژده می‌دهم شما را به مهدی که او در امت من به هنگام اختلاف و سختی‌ها برانگیخته می‌شود. پس زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد؛ همان طوری که از جور و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند و....

بنابراین، در مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی و در عصر ظهور آن منجی عالم، عمدتاً سخن از عدل و قسط به میان می‌آید؛ دامنه‌ی عدالت او تا اقصا نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۹۲.

می‌شود؛ عدالت همانند گرما و سرما در درون خانه‌های مردمان نفوذ می‌کند و مامن و مسکن وجود آنان را سامان می‌بخشد.<sup>۱</sup>

در حکومت آن حضرت، هیچ ویژگی به اندازه‌ی «عدل و قسط» برجستگی و روشنی ندارد. مردم، آن حضرت را عمدتاً از عدل او می‌شناسند. اکنون نیز آنچه در اولین لحظه از نام مبارک او در ذهن‌ها خطور می‌کند، عدل ایشان است.

#### ۴. علم در عصر ظهور

عصر ظهور، زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی است و مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، شهر علم و دانش است. با آمدن منجی عالم، همان گونه که ظلم و بیداد جای خود را به عدل و دادگری می‌سپارد و نابسامانی‌های اجتماعی به سامان می‌گراید، جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می‌دهد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می‌شود. دانش‌هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده‌ها مکنون مانده بود، ابراز می‌گردند و مرز دانایی و یادگیری تا سراپرده‌ی منازل و اعماق وجود تک‌تک انسان‌ها گسترش می‌یابد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ. فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا»<sup>۲</sup>

علم ۲۷ حرف است. (۲۷ شعبه و شاخه دارد.) تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف (و شاخه و شعبه‌ی) دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر قبلی را بدان ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف، کامل و منتشر گردد.

این حدیث، به روشنی جهش فوق‌العاده‌ی علمی عصر انقلاب مهدی عجل الله فرجه را مشخص می‌سازد؛ یعنی، تحول و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمامی دانش‌هایی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۲. همان، ص ۳۳۶.



که در اعصار همه‌ی پیامبران راستین به بشریت عطا شده است، پیش می‌آید و درهای تمامی رشته‌ها و شاخه‌های علوم مفید و سازنده به روی انسان‌ها گشوده می‌گردد و راهی که بشر طی هزاران سال پیموده، به میزان بیش از دوازده برابر آن در اندک زمانی پیموده می‌شود. حضرت امام باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ»؛<sup>۱</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آن‌ها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده و تکمیل می‌کند.

بدین ترتیب، در پرتو ارشاد و هدایت حضرت مهدی عجل الله فرجه و در زیر دست عنایت او، مغزها در مسیر کمال به حرکت درمی‌آیند و اندیشه‌ها شکوفا می‌شوند. کوتاه‌بینی‌ها، تنگ‌نظری‌ها و افکار پست و پلید - که سرچشمه‌ی بسیاری از تضادها و برخوردهای خشونت‌آمیز اجتماعی است - برطرف می‌گردد. مردمی بلندنظر، با افکاری باز، سینه‌هایی گشاده، همتی والا و بینشی وسیع پرورش می‌یابند. بدین ترتیب، هر ۲۷ حرف علم پیاده می‌شود.

## ۵. ارتباطات در عصر ظهور

در عصر ظهور، به جهت جهش علمی و پیشرفت فناوری و صنعت، وسایل ارتباطات و اطلاعات آن‌قدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست نشان می‌دهد و برای آگاهی از اقصا نقاط جهان، نیازی به وسایل و ابزار ارتباطی امروزی نیست. از این رو حکومت مرکزی نسبت به کل عالم - که تحت حکومت واحد او هستند - تسلط کامل دارد و به موقع و بدون فوت وقت، وارد عمل شده، مشکل را حل می‌کند و هرگونه توطئه و فساد را در نطفه خفه می‌سازد. بین امام مهدی عجل الله فرجه و مردم، نامه‌رسانی وجود ندارد و مردم در هر نقطه‌ای از کره‌ی زمین، امام را مشاهده می‌کنند و امام با آنان سخن می‌گویند. این مسأله به امام و رعیت اختصاص ندارد، بلکه مردم عادی نیز با همدیگر سخن می‌گویند و یکدیگر را مشاهده می‌کنند؛ در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب آن است.



امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَرِيدٌ؛ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ»<sup>۱</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنان و آن حضرت (رهبر و پیشوایان) نامه‌رسان نخواهد بود؛ او با آنها سخن می‌گوید و آنان سخنش را می‌شنوند و وی را می‌بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است (و مردم در نقاط دیگر جهان).

وسایل انتقال صدا و تصویر به طور همگانی، ساده و آسان در اختیار همه‌ی پیروان حضرت قرار می‌گیرد، آن چنان که چیزی به نام اداره‌ی پست در آن عصر، زاید به حساب می‌آید و مسائل جاری آن حکومت، بدون نیاز به کاغذ بازی حل و فصل می‌شود؛ زیرا همه‌ی دستورها و برنامه‌ها با سیستم «شهود و حضور» ابلاغ و اجرا می‌گردد.

امام صادق علیه السلام در گفتار دیگری این حقیقت را به گونه‌ای بارز تکمیل فرموده‌اند:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ»<sup>۲</sup>

مؤمن در زمان حضرت مهدی عجل الله فرجه در حالی که در مشرق است، برادر خود را در مغرب می‌بیند و همچنین کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق مشاهده می‌کند.

بنابراین، ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت، بلکه در میان عموم نیز عملی می‌شود. در این زمان، پیوندهای ظاهری، جسمانی و معنوی، دل‌ها را استحکام می‌بخشد؛ به گونه‌ای که جهان به راستی به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده درمی‌آیند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - لَهُ كُلَّ مُنْخَفَضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ خَفَضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفَعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ. فَأَيْكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي

۱. منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

رَاحَتِهِ شَعْرَةً لَمْ يَبْصُرْهَا؟»<sup>۱</sup>

وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت (حضرت مهدی عج) برسد، خداوند هر نقطه‌ی فرورفته‌ای از زمین را برای او مرتفع، و هر نقطه‌ی مرتفعی را پایین می‌برد، آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله‌ی کف دستش خواهد بود. کدام یک از شما اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی‌بیند؟ طبق این حدیث در عصر ظهور، یک سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها به وجود خواهد آمد که شاید تصور آن امروزه برای ما مشکل باشد. تمام جهان به منزله‌ی کف دست خواهد شد و پستی و بلندی‌های زمین مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد بود. البته بدون چنین سلطه‌ی اطلاعاتی و ارتباطی بر تمام کره‌ی زمین، حکومت واحد جهانی و صلح، امنیت و عدالت به طور همه‌جانبه، امکان‌پذیر نخواهد بود. برای اداره‌ی چنان حکومتی، امکانات زیادی لازم است که خداوند آن‌ها را در اختیار آن حضرت و تشکیلاتش قرار می‌دهد.

### ۶. رفاه و آسایش در عصر ظهور

مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، در حقیقت آرمان‌شهر آسایش و رفاه همگانی است. رفاه و تنعم به گونه‌ای خواهد بود که دیگر نیازمندی در سطح جامعه یافت نمی‌شود؛ زیرا توزیع عادلانه‌ی منابع و ثروت، جایی برای فقر و طبقه‌ی ضعیف باقی نمی‌گذارد. در آن جامعه، مانند جوامع کنونی عمل نمی‌شود که بیش از هشتاد درصد ثروت در دست کمتر از بیست درصد و بیست درصد آن در دست هشتاد درصد مردم باشد و در نتیجه، طبقه‌ی مرفه و فقیر پدید آید.

در آن عصر، به جهت اجرای عدالت، نه آسمان از ریزش برکات خود بر مردم دریغ می‌ورزد و نه زمین امساک می‌کند؛ بلکه هر چه دارند، در اختیار بشر قرار می‌دهند. در «شهر عدالت»، حقوق انسان‌ها محور توجه و برنامه‌ریزی است. از این رو، بذر این توجه، محصولی چون رفاه و برخورداری همگانی از موهبت‌های الهی را در پی خواهد داشت. این موضوع در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به خوبی تبیین شده است:

۱. همان، ص ۳۲۸.

«إِنَّهُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يَعْمُرُهُ»<sup>۱</sup>  
حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و گنج‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و در  
سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند؛ مگر این‌که آن را آباد خواهد ساخت.  
امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا  
وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ  
- فَحِينَئِذٍ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدَى بَرَكَاتِهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَوْضِعِهِ وَ لَا  
لِبِرِّهِ لِيُشْمُولَ غِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ...»<sup>۲</sup>

چون قائم قیام کند، بر اساس عدالت حکم می‌نماید و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود  
و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌گردد و زمین برکاتش را خارج می‌سازد و هر حقی  
به صاحبش می‌رسد، و در میان مردم، همانند داود و محمد صلی الله علیه و آله حکم و داوری می‌کند. در این  
هنگام، زمین گنج‌هایش را آشکار می‌سازد و برکات خود را ظاهر می‌نماید و کسی موردی را  
برای انفاق، صدقه و کمک مالی نمی‌یابد، زیرا همه‌ی مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد....  
بیان ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج‌ها، نشان می‌دهد که هم مسأله‌ی زراعت  
و کشاورزی به اوج ترقی خود می‌رسد و هم تمام منابع زیرزمینی کشف و استفاده می‌شود.  
درآمد سرانه‌ی افراد آن قدر بالا می‌رود که در هیچ جامعه‌ای فقیر پیدا نمی‌شود و همه به سرحد  
بی‌نیازی و خودکفایی می‌رسند.

امام علی علیه السلام فرمودند:

«يُزْرَعُ الْإِنْسَانُ مَدًّا، يُخْرَجُ لَهُ سَبْعِمِائَةَ مَدٍّ، كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ  
سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»<sup>۳</sup>

[در عصر حضرت مهدی عجل الله فرجه] انسان یک مد می‌کارد و هفتصد مد برداشت می‌کند؛

۱. منتخب الاثر، ص ۴۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۳. عقد الدرر، فصل ۷، ص ۲۱۱.

چنان‌که مضمون آیه‌ی شریفه‌ی قرآن است.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«وَيَخْرُجُ لَهُ مِنَ الْأَرْضِ أَفْلاذُ كَبِدِهَا وَ يَحْثُو الْمَالَ حَثْوًا وَ لَا يُعْذُهُ عَدَا»<sup>۱</sup>

زمین در آن عصر قطعات کبد خود را برای او بیرون می‌فرستد و او ثروت را بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می‌کند.

### ۷. سفر به فضا در عصر ظهور

در عصر ظهور به جهت وسایل فوق‌مدرنی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد، سفر به فضا و کرات بالا همانند سفرهای زمینی امری عادی خواهد شد. البته روایات، این باب سفر به آسمان‌ها را برای خود آن حضرت می‌دانند، ولی ظاهراً وضعیت آن زمان به گونه‌ای خواهد بود که سفر به آسمان‌ها همانند سفر از قاره‌ای به قاره‌ی دیگر در عصر ما بوده و امکانات سفر به فضا در اختیار همه قرار خواهد گرفت؛ یعنی زندگی بر روی زمین در آن مدینه‌ی فاضله وارد مرحله‌ی جدیدی خواهد شد، که به طور کلی با وضعیت گذشته فرق دارد. همان‌گونه که امروزه بشر به پیشرفت‌هایی در صنایع و نرم‌افزار دست‌یافته که اگر در گذشته گفته می‌شد، پذیرش آن تنها از طریق اعجاز مورد قبول واقع می‌گردید. از این رو، پیشرفت‌های آن عصر برای مردم امروز ما به آسانی قابل قبول نیست و عده‌ای هم آن را از باب اعجاز حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه قبول می‌کنند.

امام باقر علیه‌السلام در همین باره می‌فرمایند:

«ذُخِرَ لِصَاحِبِكُمُ الصَّعْبُ، قُلْتُ: وَ مَا الصَّعْبُ؟ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ أَوْ بَرْقٌ، فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ، أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقِي فِي الْأَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ»<sup>۲</sup>

برای صاحب و سرور شما، حضرت مهدی علیه‌السلام آن وسیله‌ی سرکش ذخیره شده است. راوی

۱. منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

می‌گوید، گفتم: منظور از وسیله‌ی سرکش چیست؟ امام فرمودند: ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است، او بر این وسیله سوار می‌شود. آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌شود و به آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه صعود می‌کند.

به طور مسلم، منظور از ابر، ابر معمولی نیست، چون ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آن‌ها سفر فضایی کرد؛ زیرا آن‌ها در جو زمین در حرکت‌اند و با زمین فاصله‌ی چندانی ندارند و نمی‌توانند از آن بالاتر روند. پس منظور، وسیله‌ی فوق‌العاده سریعی است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد و غرشی همانند رعد و قدرت و شدتی همچون صاعقه دارد. به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق‌العاده‌ی خود می‌شکافد و به پیش می‌رود و می‌تواند تا هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند. بدین ترتیب، آن وسیله‌ای فوق‌مدرن بوده و شبیه آن در وسایل کنونی وجود ندارد و از تصور ما خارج است.

### ۸. امنیت و سلامت در عصر ظهور

از جمله نیازهای اساسی بشر، که در میان نیازهای وی جایگاه ویژه‌ای دارد، امنیت است. این نیاز در ابعاد مختلف تجلی می‌یابد؛ امنیت اخلاقی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، خانوادگی و... از روایات ظهور استفاده می‌شود که مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، شهر امن و سلام است. قرآن کریم به انسان‌ها و مؤمنان مستضعف وعده‌ی چنین شهر امن و سلامتی را داده و فرموده است: «زندگی شما پس از خوف تبدیل به امن می‌گردد»، اما تا کنون برای بشر چنین امنیتی در عالم تحقق پیدا نکرده است. ائمه‌ی اطهار: در تفسیر این آیه فرموده‌اند: منظور، عصر ظهور حضرت مهدی آل محمد عجل الله فرجه است.

قرآن می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ يُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...»؛<sup>۱</sup>

همانا خداوند به آن دسته از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده می‌دهد که

آنان را جانشینان خود در زمین قرار خواهد داد؛ همان‌گونه که امت‌هایی از پیشینیان را خلافت بخشید و دینی را که برای آنان پسندیده، حاکم خواهد کرد و ترس آن‌ها را به امنیت تبدیل خواهد نمود.

در این آیه، سه وعده‌ی صریح به مؤمنان وارسته داده شده است:

۱. استخلاف در زمین؛ یعنی حکومت در زمین به عنوان نمایندگی از سوی خدا (حکومت حق و عدل)؛

۲. تمکین دین؛ یعنی نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمامی عرصه‌های زندگی؛

۳. تبدیل خوف به امنیت؛ یعنی برطرف شدن تمامی عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش بر روی همه‌ی زمین.

امام زین العابدین علیه السلام درباره‌ی مؤمنین یادشده در این آیه فرموده‌اند:

«هُم وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِنَّا وَهُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛<sup>۱</sup>

این گروه به خدا قسم، همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله‌ی مردی از خاندان ما این موضوع را تحقق می‌بخشد و او مهدی این امت است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

«نُزِلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ»؛<sup>۲</sup>

این آیه در شأن قائم آل محمد و اصحاب او نازل شده است.

از این رو، می‌گوییم مدینه‌ی فاضله‌ی عصر ظهور، همان مدینه‌ی امن و سلامت مورد وعده‌ی آیه‌ی یاد شده است.

## ۹. تربیت در عصر ظهور

بشر در چندین قرن اخیر برای آسایش تن، هرچه فرمول اقتصادی، سیاسی و هرچه امکانات علمی و تکنیکی در اختیار داشته، به استخدام درآورده است، تا شاید بتواند آسایش این جهانی

۱. مجمع البیان، ذیل آیه‌ی شریفه.

۲. تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور و کتاب الغیبه، ص ۲۴۰.

انسان را به او بازگرداند؛ حال آن که او پس از این همه تلاش، هیچ‌گونه آرامشی در خود نمی‌یابد؛ جهان را تنگ، تاریک و سرد می‌بیند و در آن احساس حقارت و پوچی می‌کند و این حالت به اعتقاد منتقدان درون این نظام (انسان‌محوری و انسان‌مداری) جز به نابودی انسان نمی‌انجامد.

اما در مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، تنها سخن از آسایش تن و وفور ثروت و رفاه مادی نیست؛ بلکه در تصویر مهندسان این مدینه‌ی فاضله، انسان موجودی دارای ابعاد مختلف است که تکامل و رشد او در گرو رشد متوازن تمامی آن ابعاد است. مدینه‌ی فاضله و بهشت زمینی موعود تحقق نمی‌یابد؛ مگر آن که بارقه‌ای از آسمان در آن حلول کند. تربیت و پرورش روح انسان‌ها و توجه به اخلاق و فضایل معنوی - که از اساسی‌ترین برنامه‌های ظهور است - در همین راستا معنا می‌یابد. مدینه‌ی فاضله، در عین این که شهر عدالت است، شهر رفاه، امنیت، تربیت، سجایا و فضایل انسانی نیز هست. در آن محیط، انسان‌های صالح تربیت می‌یابند تا جامعه‌ای آرمانی و صالح بنا نهند. انسان‌ها علاوه بر دستیابی به غنای مالی، از غنای قلبی و روحی نیز بهره‌مند خواهند شد و در کنار اتمام نعمت و وفور ثروت، به اکمال اخلاق و فضیلت‌های انسانی نیز راه خواهند یافت. کینه‌های اخلاقی از قلب‌ها ریشه‌کن می‌شود؛ دروغ، تزویر و نامردمی در روابط اجتماعی جای خود را به صداقت و یکرنگی می‌بخشد. در واقع، در چنین بستری؛ رفاه، عدالت و امنیت نیز معنا پیدا می‌کند و حقیقت خویش را باز می‌یابد. جز با این نگرش همه‌جانبه به انسان و در کنار هم چیدن اجزای حقیقی او، نمی‌توان به تعبیر رؤیای همیشگی انسان در تأسیس مدینه‌ی فاضله‌ی انسانی دست یافت.<sup>۱</sup>

۱. مجله‌ی حوزه، شماره‌های ۷۰ و ۷۱، صص ۷ - ۱۷۶، مقاله‌ی مهدویت و مدینه‌ی فاضله.

### سوالات پژوهشی

۱. سرنوشت فناوری‌های موجود که از تمدن غربی نشأت گرفته، در عصر ظهور چه خواهد بود؟
۲. تمایزهای مبنایی، محتوایی و غایی عصر ظهور با سایر اعصار چیست؟

### منابع مطالعاتی

۱. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه‌ی عباس جلالی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، بی تا.
۲. کمال هستی در عصر ظهور، جلال برنجیان و دیگران، تهران، میقات، بی تا.
۳. جهان بعد از ظهور، محمد خادمی شیرازی، علی اکبر مهدی پور، تهران، الغدیر، بی تا.



## درسنامه‌ی دوازدهم

### زن و مهدویت

- آنچه این درس به آن می‌پردازد:
- نقش زنان در دوران غیبت
- نقش زنان در حکومت مهدوی

## سرآغاز

زنان صالحه در طول تاریخ نقش‌های ویژه‌ای را در یاری صاحب‌الامر (ارواحنا فداه) ایفا کرده‌اند. بر اساس روایات، در عصر ظهور نیز بانوان نقش‌های ویژه‌ای در یاری ایشان به عهده خواهند داشت. تاریخ و روایات، مملو از الگوهایی برای زنانی است که در پی تحقق جامعه‌ی ظهور بوده و برای نقش‌آفرینی در آن لحظه‌شماری می‌کنند. این درس به بازخوانی تاریخ درخشان آن الگوها می‌پردازد.<sup>۱</sup>

## الف. نقش زنان در دوران غیبت صغری

در دوران سخت غیبت صغری، در روزهایی که شیعیان پس از دویست و شصت سال با یک آزمایش بزرگ روبه‌رو بودند و باید با غیبت امام خو می‌کردند، یک زن به عنوان مفرع و پناه مؤمنان معرفی می‌شود. وی مادر بزرگوار امام حسن عسکری علیه السلام است. در این دوره، اگرچه امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام زمینه‌ی غیبت را از پیش فراهم کرده بودند و شخصیت‌های مورد اعتمادی همانند عثمان بن سعید عمری و پسرش، محمد بن عثمان، را به عنوان وکیل معرفی نمودند، اما به دلایلی از موقعیت مادر امام عسکری علیه السلام معروف به «جده» استفاده شد و وی به عنوان پناه شیعه معروف گردید. از گفتگوی احمد بن ابراهیم با

۱. در این قسمت از بحث، از کتاب ارزشمند «زنان در حکومت امام زمان»، نوشته‌ی آقای محمدجواد طبسی، از انتشارات بنیاد مبارک مهدی موعود علیه السلام با اندکی تلخیص و پاره‌ای از اصلاحات استفاده شده است.

حکیمه خاتون - دختر امام جواد علیه السلام - برمی‌آید که پس از گذشت دو سال از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام بسیاری از کارها همچنان به دست مادر بزرگوار ایشان انجام می‌شده، که در حقیقت از سوی حضرت حجة بن الحسن علیه السلام و با فرمان آن حضرت صورت می‌گرفته است. شیخ صدوق رحمته الله از احمد بن ابراهیم نقل کرده است که در سال ۲۶۲، بر حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام وارد شدم و از پس پرده با وی سخن گفتم و از او درباره‌ی اعتقادش به امامان پرسیدم. او همه‌ی آن‌ها را یکایک شمرد و آنگاه حجة بن الحسن بن علی را نیز نام برد... .

از او پرسیدم: این فرزند کجاست؟ گفت: در پس پرده‌ی غیب است. گفتم: پس شیعه به چه کسی پناه برد؟ گفت: به جدّه، مادر امام حسن عسکری علیه السلام. سپس افزود: این دستور از سوی امام حسن عسکری علیه السلام و به پیروی از امام حسین علیه السلام صورت گرفته است؛ زیرا امام حسین علیه السلام در ظاهر برای حفظ جان فرزندش، امام سجاد علیه السلام، به خواهرش زینب کبری علیه السلام وصیت کرد و در نتیجه تا مدتی هر آنچه از امام زین العابدین علیه السلام صادر می‌گشت، به حضرت زینب علیه السلام نسبت داده می‌شد، تا امر پنهان باشد<sup>۱</sup> و حساسیت‌ها نسبت به امام سجاد علیه السلام کمتر گردد.

این امتیاز برای جدّه باقی بود، تا آن که کسانی مانند عثمان بن سعید و دیگر سفرا و نمایان خاص امام زمان علیه السلام در بین شیعیان شناخته شدند و منزلت یافتند.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام یک بانو نظر دستگاه خلافت بنی‌عباس را نسبت به تعقیب امام زمان تغییر داد. نوشته‌اند پس از گزارش جعفر کذاب مبنی بر این که در خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خردسالی از آن حضرت باقی مانده است، آن‌ها (مأموران بنی‌عباس) به خانه‌ی امام هجوم بردند و پس از دستگیری صیقل، یکی از کنیزان امام، فرزند خردسال را از او مطالبه کردند. او نخست انکار کرد و آنگاه برای این که موضوع بر آن‌ها پوشیده ماند، گفت: من حامله هستم. از این رو آن کنیز را به دست اَبی الشَّوَّارِب، قاضی وقت، سپردند تا از او مراقبت کند. در مدتی که صیقل زیر نظر قاضی نگهداری می‌شد، دستگاه خلافت با مرگ عُبَید بن خاقان و شورش صاحب الزَّنج روبه‌رو شد و صیقل از وضعیت آشفته، سود جست و فرار کرد.<sup>۲</sup>

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۷، الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۳۸.

۲. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۷۶.

## ب. نقش زنان در حکومت امام زمان

حال سزاوار است بدانیم زنان در حکومت قائم آل محمد علیه السلام چه می‌کنند، چه کسانی هستند، چند نفرند، از کجا می‌آیند و چه مسئولیتی بر عهده دارند. بر اساس برخی از روایات، حضور و نقش این زنان از نظر زمان و موقعیت چهار گونه است.

### ۱. حضور پنجاه زن در بین یاران امام زمان

اولین گروه از زنانی که به محضر امام زمان می‌شتابند، آنهایی هستند که در آن ایام می‌زیسته‌اند و همانند دیگر یاران امام علیه السلام به هنگام ظهور به ایشان می‌پیوندند. در این باره دو روایت وجود دارد:

روایت اول: ام سلمه ضمن حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی علایم ظهور، از ایشان روایت کرده است که فرمودند:

«يَعُوذُ عَائِدٌ مِنَ الْحَرَمِ فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَالطَّيْرِ الْوَارِدَةِ الْمُتَفَرِّقَةِ حَتَّى يَجْتَمِعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَارْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِ نِسْوَةٌ فَيُظْهَرُ عَلَى كُلِّ جَبَّارٍ وَابْنِ جَبَّارٍ...»<sup>۱</sup>

در آن هنگام پناهنده‌ای به حرم امن الهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند، به سوی او جمع می‌شوند، تا این‌که در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد آمده که برخی از آنان نیز زن می‌باشند، و (آن حضرت) بر هر جبار و جبارزاده‌ای پیروز می‌شود.<sup>۲</sup>

روایت دوم: جابر بن یزید جعفی، ضمن حدیث مفصلی از امام باقر علیه السلام در بیان برخی از نشانه‌های ظهور، روایت کرده است که:

«وَ يَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبِضْعَةُ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَزَعًا كَقَزَعِ الْحَرِيفِ وَ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۳</sup>

۱. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۵۰۰.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۳.

به خدا سوگند سیصد و سیزده نفر می‌آیند که پنجاه نفر زن در میان آن‌ها وجود دارد، و بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد؛ همان‌گونه که ابرهای پاییزی به هم می‌پیوندند. این است معنای آیه‌ی شریفه: «هرجا باشید، خداوند همه‌ی شما را حاضر می‌کند؛ زیرا او بر هر کاری توانا است.»

## ۲. زنان آسمانی

دسته‌ی دوم، چهارصد بانوی برگزیده هستند که خداوند آن‌ها را برای حکومت جهانی حضرت ولی‌عصر علیه السلام در آسمان ذخیره کرده است و با ظهور آن حضرت، به همراه حضرت عیسی علیه السلام به زمین می‌آیند.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که:

«يُنزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَى ثَمَانِ مِائَةِ رَجُلٍ وَ أَرْبَعِ مِائَةِ امْرَأَةٍ، خِيَارُ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ وَ أَصْلَحُ مَنْ مَضَى»<sup>۱</sup>

عیسی بن مریم به همراه هشتصد مرد و چهارصد زن از بهترین و شایسته‌ترین افراد روی زمین فرود خواهد آمد.

در این‌که این زنان از امت‌های پیشین یا امت اسلامی زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام می‌باشند یا از دوران‌های مختلف، و از چه زمان و به چه علت به آسمان برده شده‌اند و برای عهده‌داری منصبی در حکومت حضرت می‌آیند، یا برای مسائل دیگر؟ این‌ها پرسش‌هایی است که این حدیث از آن‌ها چیزی نمی‌گوید.

## ۳. رجعت زنان

سومین گروه از یاوران حضرت بقیة‌الله عجل الله فرجه زنانی هستند که خداوند به برکت ظهور امام زمان، آن‌ها را زنده خواهد کرد و بار دیگر به دنیا رجعت خواهند نمود. این گروه دو دسته‌اند: برخی با نام و نشان از زنده شدنشان خبر داده شده و برخی دیگر فقط از آمدنشان سخن به میان آمده است.

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۳۴؛ به نقل از فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۱۵.

پیش از ادامه‌ی بحث، عقیده‌ی شیعه را نسبت به رجعت بررسی می‌کنیم. یکی از عقاید مسلم شیعه، این است که همزمان با ظهور مهدی آل محمد علیهم‌السلام برخی از پیامبران مانند حضرت خاتم‌الانبیا و معصومین علیهم‌السلام همانند امیر مؤمنان و امام حسین علیهم‌السلام و برخی از مؤمنان حقیقی و پیروان اهل بیت به اذن پروردگار زنده خواهند شد و بار دیگر به دنیا باز می‌گردند. بازگشت این عده، نه تنها غیرممکن نیست، بلکه از نظر قرآن کریم امری مسلم نیز می‌باشد، که آیات متعددی از آن سخن گفته است. در سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۳ می‌خوانیم: «آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند و آنان هزاران نفر بودند؟ خداوند به آنها گفت بمیرید. سپس خدا آنها را زنده کرد و ماجرای زندگی دوباره‌ی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد...».

همچنین قرآن کریم در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد؛ در حالی که دیوارهای آن به روی سقف‌ها فرو ریخته بود و (اجساد و استخوان‌های اهل آن در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: چگونه خداوند آنها را پس از مرگ زنده می‌کند؟! (در این هنگام) خدا او را یکصد سال میراند، سپس زنده کرد و به او گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز. (خدا) فرمود: نه! بلکه یکصد سال درنگ کردی. نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی و با گذشت سال‌ها) هیچ گونه تغییری نیافته است، اما به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده است! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر تو است و هم برای این که تو را نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. اکنون به استخوان‌های مرکب خود نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم و گوشت بر آن می‌رویانیم. هنگامی که این حقایق بر او آشکار شد، گفت: می‌دانم، خدا بر هر کاری توانا است.»<sup>۱</sup>

سید مرتضی علم‌الهدی در این باره می‌نویسد:

«علت این که شیعه عقیده دارد خداوند در موقع ظهور امام زمان علیه‌السلام برخی از مردگان را زنده می‌گرداند، این است که به ثواب یاری امام زمان نایل شوند و دولت حق آل محمد علیهم‌السلام را که در



انتظار آن بوده‌اند، از نزدیک شاهد باشند و (نیز) تا انتقام (از) عده‌ای از ظالمان را به چشم ببینند و از ظهور حق و اعتلای کلمه‌ی توحید لذت ببرند.»<sup>۱</sup>

در منابع معتبر اسلامی نام سیزده زن یاد شده که به هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السلام زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت.

طبری در دلائل الامامه، از مفضل بن عمر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «همراه قائم آل محمد علیه السلام سیزده زن خواهند بود. گفتم: آن‌ها را برای چه کاری می‌خواهد؟ فرمود: به مداوای مجروحان پرداخته، سرپرستی بیماران را به عهده خواهند گرفت. عرض کردم: نام آنها را بفرمایید. فرمود: قنواء (دختر رُشید هَجَری)، اُمّ اَیْمَن، حُبَابَةُ وَالبیة، سَمیة (مادر عمار یاسر)، زُبَیْدَة، اُمّ خَالِدِ اَحْمَسِیَّة، اُمّ سَعِیدِ حَنْفِیَّة، صِیَانَةُ مَاشَطَة، اُمّ خَالِدِ جُهَنّیَّة.»<sup>۲</sup>

صیانه ماشطه در زمان حضرت موسی علیه السلام می‌زیسته است؛ مادر عمار یاسر در ابتدای بعثت به شهادت رسید؛ حبابه در زمان امام علی علیه السلام و قنواء در زمان‌های دیگری زندگی می‌کرده‌اند. این گروه سیزده نفری رجعت خواهند نمود و خداوند برای قدردانی از آن‌ها به برکت امام زمان عجل الله فرجه آنان را زنده خواهد کرد.

در این روایت امام صادق علیه السلام از آن سیزده زن فقط نام نه نفر را یاد می‌کنند. در کتاب خصایص فاطمی<sup>۳</sup>، به نام نسبیه، دختر کعب مازتیه و در کتاب منتخب البصائر، به نام‌های وُتَیْرَة و حَبَشِیَّة نیز اشاره شده است.<sup>۴</sup> جز این سه نفر، نام دیگری به میان نیامده است. اینک به اختصار به شرح حال برخی از این زنان اشاره می‌شود.

### – صیانه ماشطه

او یکی از همان سیزده بانویی است که در دولت حضرت مهدی علیه السلام حیات می‌یابد و به دنیا

۱. الشافی فی الامامة، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲. دلائل الامامه، ص ۲۶۰.

۳. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۴۱؛ به نقل از خصایص فاطمیه.

۴. چشم‌اندازی از حکومت مهدی علیه السلام، ص ۷۴؛ به نقل از بیان الائمه، ج ۳، ص ۳۳۸.

باز می‌گردد. وی همسر حزقیل، پسر عموی فرعون، است. وی آرایشگر دختر فرعون بود. این بانو همانند شوهرش به پیامبر زمان خود، حضرت موسی علیه السلام، ایمان آورده بود، اما همچنان ایمان خود را پنهان نگاه می‌داشت.

گویند روزی وی مشغول آرایش دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد و بی اختیار نام خدا را بر زبان جاری ساخت. دختر فرعون گفت: آیا نام پدر مرا بر زبان آوردی؟ گفت: نه! بلکه نام کسی را بر زبان آوردم که پدر تو را آفریده است. دختر فرعون ماجرا را نزد پدر بازگو کرد و فرعون، صیانه را احضار نمود و گفت: مگر به خدا بودن من اعتراف نداری؟ گفت: هرگز! من از خدای حقیقی دست نمی‌کشم و تو را پرستش نمی‌کنم.

فرعون دستور داد تا تنور مسی برافروزند و همه‌ی بچه‌های آن زن را در حضورش در آتش افکنند. چون نوبت به طفل شیرخوارش رسید، صیانه می‌خواست به‌ظاهر از دین براءت جوید که کودک به زبان آمد و گفت: مادر! صبر کن که تو بر حق هستی. فرعونیان آن زن و بچه‌ی شیرخوار را در آتش افکندند و سوزاندند و خداوند در اثر صبر و تحمل آن زن در راه دین، او را در دولت امام مهدی عجل الله فرجه زنده می‌گرداند، تا هم به آن حضرت خدمت کند و هم انتقام خود را از فرعونیان بگیرد.<sup>۱</sup>

### — سمیه؛ مادر عمار یاسر

وی هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و در این راه سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرد.<sup>۲</sup> او با شوهرش، یاسر، در دام ابوجهل گرفتار آمدند. ابوجهل، نخست آن‌ها را اجبار کرد که پیامبر خدا را دشنام دهند، اما آنان حاضر به چنین کاری نشدند. او نیز به سمیه و یاسر زره آهنین پوشانید و آن‌ها را در آفتاب سوزان نگاه داشت. پیامبر که گاه از کنارشان عبور می‌کردند، آنان را به صبر و مقاومت سفارش نموده می‌فرمودند:

«صَبْرًا يَا آلَ يَاسِرٍ! فَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْجَنَّةُ!»

۱. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲ (چاپ قدیم).

۲. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۸۱.





ای خاندان یاسر! صبر پیشه سازید که وعده‌گاه شما بهشت است. سرانجام ابوجهل بر هر یک ضربتی وارد ساخت و ایشان را به شهادت رساند.<sup>۱</sup> خداوند این زن را به پاداش صبر و مجاهده‌ای که در راه اعتلای اسلام نشان داد و بدترین شکنجه را از دشمن خدا تحمل کرد، در ایام ظهور مهدی آل محمد علیهم‌السلام زنده خواهد نمود، تا تحقق وعده‌ی الهی را ببیند و در لشکر ولیّ خدا به یاوران آن حضرت خدمت رساند.

### – نَسِيبَه؛ دختر کعب مازنیّه

او معروف به «امّ عماره» و از زنان فداکار صدر اسلام است. وی در برخی از جنگ‌های پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شرکت جسته، مجروحان جنگی را مداوا می‌کرد. او در «جنگ احد» بهترین نقش را ایفا نمود؛ با دیدن صحنه‌ی فرار مسلمانان و تنها گذاشتن پیامبر، به دفاع از جان شریف پیامبر پرداخت و در این راه، بدنش زخم‌های فراوان برداشت. پیامبر عزیز، این فداکاری را ستوده، به فرزندش، عماره، چنین فرمودند:

«امروز مقام مادر تو از مردان جنگی والاتر است.»<sup>۲</sup>

پس از فروکش کردن جنگ، نسیبه با سیزده زخم<sup>۳</sup> سنگین به همراه دیگر مسلمانان به خانه بازگشت و به مداوای خویش پرداخت. این بانوی فداکار با شنیدن فرمان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که فقط مجروحان جنگ باید به تعقیب دشمن بشتابند، از جای برخاست و آماده‌ی رفتن شد، اما به علت شدت خون‌ریزی نتوانست شرکت جوید. پیامبر از تعقیب دشمن برگشت و پیش از آن که به خانه برود، عبدالله بن کعب مازنی را برای احوال‌پرسی نسیبه نزد او فرستاد و چون عبدالله از سلامت وی آگاه شد، شادمان موضوع را به پیامبر خبر داد.<sup>۴</sup> نسیبه از کسانی است که برای یاری امام مهدی عجل‌الله‌فرجه زنده خواهد شد.<sup>۵</sup>

۱. ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۳۵۳.

۲. مغازی واقدی، ج ۱، ص ۳۷۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۷۰.

۵. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۴۱؛ به نقل از خصایص فاطمه.

### – امّ ایمن

امّ ایمن، از زنان پرهیزگار و خدمتکار حضرت رسول ﷺ است. پیامبر او را مادر خطاب می‌کردند و می‌فرمودند:

«هَذِهِ بَقِيَّةُ أَهْلِ بَيْتِي»<sup>۱</sup>

این زن باقی‌مانده‌ای از خاندان من است.

وی همواره در کنار زنان مجاهد در جبهه‌ی جنگ به مداوای مجروحان می‌پرداخت.<sup>۲</sup> امّ ایمن از شیفتگان خاندان امامت بود. در «ماجرای فدک»، حضرت زهرا علیها السلام او را به عنوان شاهد معرفی کردند. وی پنج یا شش ماه پس از پیامبر از دنیا رفت.<sup>۳</sup> خداوند به برکت مهدی آل محمد عجل الله فرجه به هنگام ظهور ایشان، او را زنده می‌گرداند تا در لشکرگاه امام به خدمت گماشته شود.

### – امّ خالد

در روایت، دو بانو بدین نام مشهور شده‌اند: امّ خالد اَحْمَسِيَّة و امّ خالد جَهْنِيَّة. شاید مقصود، امّ خالد مقطوعة الید (دست‌بریده) باشد. یوسف بن عمر پس از به شهادت رساندن زید بن علی بن الحسین در کوفه، دست او (امّ خالد) را به جرم شیعه بودن قطع کرد. در کتاب رجال کَشِي دربارهی شخصیت و مقام این زن فداکار از امام صادق علیه السلام مطلبی ذکر گردیده که حائز اهمیت است. ابوبصیر می‌گوید:

«در خدمت امام صادق نشسته بودیم که امّ خالد مقطوعة الید از راه رسید. حضرت فرمود: ای ابابصیر! آیا میل داری که کلام امّ خالد را بشنوی؟ من عرض کردم: آری، ای فرزند رسول خدا! با شنیدن آن شادمان می‌گردم. در همان موقع امّ خالد به خدمت امام آمد. گفت: دیدم وی در کمال فصاحت و بلاغت صحبت می‌کند. سپس حضرت پیرامون موضوع ولایت و برائت از

دشمنان سخن گفت.<sup>۴</sup>

۱. چشم‌اندازی از حکومت مهدی علیه السلام، ص ۷۶، تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۳۲۹.

۲. نقش زنان مسلمان در جنگ، ص ۲۰.

۳. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۳۸۷.

۴. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۸۱؛ به نقل از تنقیح المقال مامقایی.

### – زَبیده

مشخصات کاملی از آن زن نقل نشده است. احتمال دارد زبیده، زن هارون الرشید باشد که شیخ صدوق رحمته الله درباره‌اش گفته است: وی یکی از هواداران و پیروان اهل بیت علیهم السلام است. هنگامی که هارون دانست از شیعیان است، قسم خورد که طلاقش دهد. زبیده خدمات بسیاری انجام داده است؛ آبرسانی به عرفات از جمله خدمات آن بانوی فداکار می‌باشد. وی یکصد کنیز داشت که پیوسته مشغول حفظ قرآن بودند و همیشه از محل سکونت او صدای تلاوت قرآن شنیده می‌شد. زبیده در سال ۳۱۶ ق رحلت کرد.<sup>۱</sup>

### – حبابه والبیّه

او از زنان والامقامی است که دوره‌ی زندگی هشت امام معصوم علیهم السلام را درک کرده است. وی پیوسته مورد لطف و عنایت حضرات معصومین علیهم السلام قرار داشت. در یک یا دو نوبت به وسیله‌ی امام زین‌العابدین و امام رضا علیهم السلام جوانی‌اش به او باز گردانده شد. اولین ملاقات وی با امیر مؤمنان علیه السلام بود که از آن حضرت دلیلی بر امامت درخواست کرد. حضرت در حضور وی سنگی را برداشته، بر آن مهر خود را نقش کردند و اثر آن مهر در سنگ جای گرفت و به او فرمودند: پس از من هر که توانست در این سنگ چنین اثری بر جای بگذارد، او امام است. از این رو حبابه پس از شهادت هر امامی، نزد امام دیگر می‌رفت و آنان مهر خود را بر همان سنگ می‌زدند و اثر آن نقش می‌بست. تا این که نوبت به امام رضا علیه السلام رسید و آن حضرت نیز چنین کردند. حبابه نه ماه پس از شهادت امام رضا علیه السلام زنده بود و پس از آن بدرود حیات گفت.<sup>۲</sup> روایت شده است که وقتی حبابه خدمت امام زین‌العابدین علیه السلام رسید، یکصد و سیزده سال از عمرش سپری شده بود. حضرت با انگشت سبابه‌ی خود اشاره‌ای نمود و جوانی‌اش بازگشت.<sup>۳</sup>

### – قَنَواء

۱. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۸.

۲. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳. همان.

دختر رُشید هَجَری، یکی از شیعیان و پیروان علی علیه السلام و از یاران باوفای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است.<sup>۱</sup> وی دختر بزرگمردی است که در راه محبت و دوستی امیر مؤمنان علیه السلام به طرز دل‌خراشی به شهادت رسید. از گفتار شیخ مفید برمی‌آید که قنواء به هنگام ورود پدرش نزد عبیدالله بن زیاد، شاهد قطع دو دست و دو پای پدر خود بود و به کمک دیگران بدن نیمه‌جان پدر را از دارالاماره بیرون آورد و به خانه منتقل کرد.

روزی قنواء به پدرش گفت: پدر جان! چرا این همه خود را به رنج و مشقت عبادت می‌اندازی؟ پدر در جواب گفت: دخترم! پس از ما گروهی خواهند آمد که بینش دینی و شدت ایمانشان از ما که این همه خود را به زحمت عبادت انداخته‌ایم، بیشتر است.<sup>۲</sup>

#### د. بانوان منتظر

چهارمین گروه از یاران امام زمان، بانوان پرهیزگاری هستند که پیش از ظهور حضرت بقیة الله عجل الله فرجه رحلت کرده‌اند. چون به ایشان گفته می‌شود که امام تو ظاهر گشته است، اگر مایلی می‌توانی حضور داشته باشی، آنان نیز به اراده‌ی پروردگار زنده خواهند شد.

رجعت زنان مربوط به گروه خاصی نیست. هر بانویی خود را با حکومت مهدی آل محمد علیهم السلام تطبیق دهد، ممکن است در آینده از رحمت خداوندی بهره‌مند گشته، برای یاری امام زنده شود. یکی از آن شرایط، خواندن «دعای عهد» است که در فرد، نوعی آمادگی برای پذیرش حکومت آخرین ذخیره‌ی الهی ایجاد می‌کند. به فرموده‌ی امام صادق علیه السلام:

«هر که چهل صبح دعای عهد را بخواند، از یاران قائم ما شود و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود، خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد تا در خدمت آن حضرت باشد.»<sup>۳</sup>

۱. جامع الرواق، ج ۲، ص ۴۵۸؛ رجال، شیخ طوسی، ص ۳۴۱.

۲. اختصاص، شیخ مفید، صص ۷۲ - ۷۳.

۳. سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۹۴.

### سوالات پژوهشی

۱. نقش ویژه‌ی زنان در زمینه‌سازی ظهور چه می‌تواند باشد؟
۲. اصولاً نسبت زن و مهدویت چیست؟

### منبع مطالعاتی

زنان در حکومت امام زمان عجل الله فرجه، نجم‌الدین طبسی، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، بی تا.

## درسنامه‌ی سیزدهم

### تشرّفات

- آنچه این درس به آن می‌پردازد:
- تشرّف و امکان آن
- شرایط تشرّف به حضرت
- آسیب‌شناسی دامن زدن به تشرّفات

## سر آغاز

یکی از موضوعاتی که در این میان بسیار حائز اهمیت بوده و نیازمند دقت و توجه بیشتری است، پرداختن افراطی به موضوع تشرفات و ملاقات با امام زمان علیه السلام است. متأسفانه موضوع یادشده این روزها دست‌مایه‌ی بسیاری از کتاب‌ها و نشریات نوظهور قرار گرفته و نویسندگان و ناشران این قبیل کتاب‌ها و نشریات، تلاش می‌کنند که با داغ‌تر کردن فضای بحث و گفتگو، مخاطب بیشتری جلب کرده و بر تیراژ کتاب‌ها و نشریات خود بیفزایند. با توجه به اهمیت موضوع یادشده، این درس به بررسی ابعاد مختلف این موضوع می‌پردازد.

### ۱. امکان یا عدم امکان تشریف

امام مهدی علیه السلام در آخرین توقیعی که خطاب به چهارمین نایب خاص خود، علی بن محمد سمري، صادر می‌کنند، می‌فرمایند:

«يا عليُّ بنَ مُحَمَّدِ السَّمَرِيِّ! أَعْظَمَ اللهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ. فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ. فَاجْتَمِعْ أَمْرَكَ وَلا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ. فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ [التَّامَّة] فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَسَيِّئَاتِي إِلَى شِيَعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٌ»؛<sup>۱</sup>

ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز

دیگر می‌میری؛ پس کارت را سامان ده و به کسی به عنوان جانشین پس از خود وصیت نکن که دیگر غیبت تامه واقع شده است. دیگر ظهوری نیست، مگر به اذن خداوند و آن پس از مدتی دراز و بعد از آن که دل‌ها سخت شد و زمین از ستم پر شد، به وقوع خواهد پیوست. به زودی از شیعیانم کسانی خواهند آمد که ادعای دیدار (مشاهده) مرا می‌کنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی، ادعای دیدار مرا کرد، دروغگو و مفتری است.

این توقیع شریف، زمینه‌ساز بحث و گفتگوهای فراوانی در زمینه‌ی امکان یا عدم امکان ملاقات حضرت مهدی عجل الله فرجه در زمان غیبت شده و علمای شیعه را به اظهار نظر در این زمینه واداشته است. آنچه که از مجموع این بحث و گفتگو برمی‌آید، این است که در اصل امکان ملاقات با آن حضرت، تردیدی نیست و این که افراد زیادی در طول دوران غیبت کبری به این شرافت نایل شده‌اند، گواه روشنی بر این مدعاست. اما سخن در شرایط و ویژگی‌های آن است.

یکی از نکاتی که همه‌ی علمای شیعه در این زمینه بر آن اتفاق نظر دارند، این است که در عصر غیبت کبری، باب نیابت و سفارت، به گونه‌ای که در مورد نایبان خاص آن حضرت و در دوران غیبت صغری وجود داشت، بسته شده و هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که با آن حضرت در ارتباط بوده و هر زمان اراده کند، می‌تواند با ایشان ملاقات کند؛ یا به طور خاص از سوی ایشان نیابت یافته که اموری را به انجام رساند یا دستورهایی را به مردم ابلاغ کند.

نکته‌ی دیگری که بسیاری از علمای شیعه در کتاب‌ها و آثار خود به آن اشاره کرده‌اند، این است که ملاقات با امام زمان علیه السلام مستلزم لیاقت‌ها و شایستگی‌های خاصی است که حتی بسیاری از بزرگان به آن دست نیافتند و گروهی هم که به این توفیق دست یافتند، با مجاهدت‌ها و تلاش‌های فراوان بوده است.

## ۲. انواع و اقسام تشرفات

یکی دیگر از موضوعاتی که در این زمینه باید بدان توجه داشت، این است که آیا همه‌ی کسانی که ادعا می‌کنند با امام زمان علیه السلام ملاقات کرده‌اند، به راستی شخص آن حضرت و وجود واقعی ایشان را دیده‌اند، یا احتمالات دیگری در این میان وجود دارد؟



در پاسخ به این پرسش، باید گفت: احتمالات و فروض مختلفی در این زمینه مطرح است و هرگز نمی‌توان ادعا کرد که همه‌ی مدعیان رؤیت امام مهدی علیه السلام به واقع آن حضرت را دیده‌اند.

الف. خیلی از مواقع است که انسان بیماری سختی دارد و شفا پیدا می‌کند؛ یا گم‌شده‌ای دارد و پیدا می‌کند. اما آیا این‌ها به وسیله‌ی شخص حضرت انجام می‌پذیرد یا اولیای فراوانی که تحت نظر حضرت هستند، و یا شاگردان فراوانی که حضرت دارد، انجام می‌دهند؟ هیچ برهانی بر این مسأله نیست که برای مثال، آن کسی که شخص گمشده را به منزل می‌رساند، یا مشکل کسی را حل می‌کند، شخص حضرت باشد. اولیای فراوانی در خدمت و تحت تدبیر حضرت هستند. حضرت ممکن است به یکی از این‌ها دستور داده باشند و آن مشکل حل شود. در بعضی از موارد، آن تمثالات نفسانی را انسان مشاهده کرده و خیال می‌کند، واقعیت است. ب. در بخش دوم که حقیقتاً حضرت کسی را می‌بینند و مشکل او حل می‌شود یا مریضی را شفا می‌دهند یا گم‌شده‌ای را به مقصد می‌رسانند، در اینجا نیز هیچ برهانی وجود ندارد که به طور شفاف و قاطع کسی مدعی شود که این عمل توسط حضرت انجام شده است یا شاگردی از شاگردان او انجام داده‌اند. حضرت دارای شاگردان فراوانی هستند که هر کدام تحت تدبیر حضرت، دارای مأموریت مخصوص به خود است.

با توجه به مطالب یادشده، می‌توان گفت که: اولاً، نباید هر عنایتی که از سوی امام زمان علیه السلام به اشخاص می‌شود و هر گره‌گشایی که از سوی آن حضرت صورت می‌گیرد، به حساب ملاقات یا تشریف گذاشت و ثانیاً، نباید هر ادعای تشریفی را به‌سادگی پذیرفت و بر گفته‌های مدعی، مهر تأیید زد.

### ۳. خطرات دامن زدن به موضوع تشرفات

امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی، برای جلب توجه عوام و جذب هرچه بیشتر آن‌ها به موضوعات و مباحث مهدوی، با به فراموشی سپردن فلسفه‌ی واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفاً به نقل

خواب، رؤیا و حکایت‌های ضعیف و بی‌اساس مشغول داشته و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبّر در معارف مهدوی، برداشت‌های سطحی خود را از روایات، ملاک تحلیل و بررسی پدیده‌ی ظهور قرار داده‌اند.

سخنرانی‌ها و آثار مکتوبی که از سوی این گروه ارائه می‌شود، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت صاحب‌الامر عجل الله فرجه، و مسئولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل ساخته و آنان را به این اندیشه وا می‌دارد که تنها باید در خلوت خود به جستجوی امام غایب بود و تلاش کرد که با به دست آوردن ادعیه، توسلات و ختم‌ها، راهی برای تشرّف به خدمت آن حضرت پیدا کرد. به طور قطع، اگر این قبیل افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند، دچار دل‌زدگی و ناامیدی شده و شاید به‌طور کلی از فرهنگ مهدوی روی‌گردان شوند.

خطر دیگری که این قبیل سخنرانی‌ها و آثار دارد، این است که اعتقاد به امام مهدی عجل الله فرجه را در نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه‌ی مهدوی پی نبرده‌اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می‌دهد.

با توجه به این آسیب‌ها و خطرهای است که مراجع عظیم‌الشان تقلید و علمای حوزه، افراد را از دامن زدن به این مباحث بر حذر داشته و همه را به پرداختن بیشتر به مباحث اعتقادی و معارف اصیل و حقیقی دین دعوت می‌کنند.

#### ۴. محوریت یا عدم محوریت تشرّف

نکته‌ی حائز اهمیت دیگر، این است که آیا موضوع درخواست ملاقات با امام عصر عجل الله فرجه و تشرّف خدمت ایشان، از موضوعات محوری مباحث مهدویت است یا خیر؟

با بررسی روایات مهدوی، به دست می‌آید که آنچه بیش از هر موضوع دیگری در عصر غیبت اهمیت دارد، معرفت امام عصر عجل الله فرجه، منتظر بودن و عمل به شرایط انتظار و تکالیف منتظران است؛ تا آنجا که به تعبیر روایات، حتی اصل درک زمان ظهور هم چندان موضوعیتی نداشته و مهم این است که شیعه‌ی منتظر، در زمان غیبت امام خود را به‌درستی بشناسد و به

وظایف خود در برابر او به‌خوبی عمل کند، که در این صورت، درست مانند کسی خواهد بود که زمان ظهور را درک کرده و با امام خود همراه و هم‌داستان است.

ابوبصیر می‌گوید که به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَتَى الْفَرَجُ؟؛ فدایت شوم! این گشایش کی فرا می‌رسد؟ آن حضرت فرمودند:

«يَا أَبَا بَصِيرٍ! وَأَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا؟ مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فَرَجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ!»؛

ای ابابصیر! آیا تو از آن گروهی هستی که به دنبال دنیا بیایند؟ هر کس این امر را بشناسد، به سبب انتظارش، برای او گشایش حاصل می‌شود.

### سوالات پژوهشی

۱. آیا می‌توان قاعده‌ی کلی برای نحوه‌ی تشریف خدمت امام عصر عجل الله فرجه اراده داد؟
۲. مصلحت‌های کلی که باعث تشریف افراد متفاوت خدمت امام عصر عجل الله فرجه شده است چه چیزهایی هستند؟
۳. اصل اولیه در امکان تشریف در زمان غیبت چیست و دلایل آن کدام است؟

### منابع مطالعاتی

۱. میرمهر، سید مسعود پورسیدآقایی، مؤسسه‌ی آینده روشن.
۲. عنایت ولی عصر عجل الله فرجه به علما و طلاب، محمد رضا باقی اصفهانی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۳. نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

## درسنامه‌ی چهاردهم

### موضوعات فرعی مهدویت

آنچه این درس به آن می‌پردازد:

- طول عمر امام
- مکان و مسکن امام
- مهدویت و اهل تسنن
- و غیره

## سر آغاز

برخی از مسائل مربوط به امام عصر عجل الله فرجه مانند طول عمر، زن و فرزند و... در طول تاریخ به عنوان شبهه یا سؤال مطرح شده است، که به عقیده‌ی ما جزء مباحث اصلی مهدویت نیست و می‌توان آن‌ها را مسائل حاشیه‌ای یا استطرادی دانست. این فصل عهده‌دار این‌گونه مباحث خواهد بود.

## طول عمر

راز طول عمر، پرسشی است که از دیرباز در این باره مطرح بوده و ذهن‌ها را به خود مشغول داشته است و در این زمان نیز گاهی رخ می‌نماید. درباره‌ی طول عمر حضرت، سؤالات متنوعی مطرح است؛ از جمله این پرسش‌ها:

– آیا این امر در راستای قوانین طبیعی عالم است، یا جنبه‌ی غیبی و اعجازی دارد؟

– آیا امکان دارد از نظر ظاهری، فردی در این عالم عمری طولانی را سپری کند و شاداب

و باطراوت باقی بماند؟

موضوع طول عمر حضرت را می‌توان در پرتو آیات قرآن کریم، مسائل اعتقادی و دانش

روز بررسی نمود.

## الف. طول عمر در پرتو آیات قرآن کریم

وقتی که مسأله‌ی طول عمر بر قرآن عرضه می‌گردد، شواهد بسیار فراوانی از افراد بشر یافت می‌شود که خدای متعال برای آنان مقدر فرمود که زیستی طولانی داشته باشند. با وجود این نمونه‌ها، نه تنها طول عمر حضرت مهدی عجل الله فرجه امری عادی است، بلکه طول عمر هر انسانی که خداوند برای وی عمری طولانی مقرر فرموده باشد نیز امری معمولی است.

نمونه‌های قرآنی:

خدای متعال می‌فرماید:

«نوح را به سوی قومش فرستادیم. در میان آنان ۹۵۰ سال درنگ نمود. آن‌گاه آن قوم گرفتار طوفان شدند، که ظالم بودند.»<sup>۱</sup>

در حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند:

«نوح ۲۳۰۰ سال زندگانی کرد. ۸۵۰ سال قبل از آن که مبعوث شود و ۹۵۰ سال در میان قومش که آنان را دعوت می‌نمود و ۵۰۰ سال هم پس از آن که سفینه‌ی او به خشکی نشست و آب پایین آمد. آن‌گاه شهرها را ساخت و فرزندانش در شهرها ساکن گردیدند.»<sup>۲</sup>

از حضرت زین‌العابدین علیه السلام روایت است که:

«در قائم، سنتی از نوح است که آن سنت، طول عمر می‌باشد.»<sup>۳</sup>

قدرت الهی در تحقق مشیت و اراده‌ی او و مطیع نمودن طبیعت در داستان حضرت یونس نبی علیه السلام تجلی می‌کند: همان کسی که:

«ماهی او را - که مورد ملامت مردم هم بود - بلعید و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود، هر آینه تا روز قیامت در شکم ماهی باقی می‌ماند.»<sup>۴</sup>

ظاهر آیه این است که اگر حضرت یونس علیه السلام خدا را در شکم ماهی تسبیح نمی‌نمود، تا روز

۱. عنکبوت، ۱۴.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۳.

۳. همان، ص ۵۲۴.

۴. صافات، ۱۴۲ تا ۱۴۴.

قیامت در همان جا زنده باقی می‌ماند. بدین ترتیب، خدای تعالی می‌تواند ولیّ خود را از مرگ نگاه داشته، به وی صدها سال عمر ببخشد.

### ب. طول عمر از دیدگاه مسائل اعتقادی

اگر به موضوع طول عمر از دیدگاه مسائل اعتقادی بنگریم، به واقع آن را مطلبی معمولی خواهیم یافت؛ زیرا هر کس به خدای تعالی معتقد باشد، به این مطلب نیز اعتقاد دارد که سرآمد زندگی‌ها به دست خداوند است.

معنای این مطلب آن است که خداوند اجل‌ها را برای هر کس و برای هر موجود زنده‌ای مقدر می‌کند. بدیهی است که او اسباب مادی و طبیعی طول عمر را برای موجودات فراهم می‌سازد. همچنین ممکن است که عمر طولانی را برای مخلوقات به وسیله‌ی وسایل طبیعی و غیرطبیعی و ماورایی، هر دو فراهم ساخته باشد و لازمه‌ی این کار، خرق عادت و طبیعت نیست. همان گونه که در این مورد، می‌توان از وسایل و عواملی نام برد که عمر را کوتاه و مرگ را نزدیک می‌نماید، به همین ترتیب عللی موجود است که می‌تواند عمر را طولانی کرده و مرگ را به تأخیر افکند. هر دو نوع این وسایل و لوازم، در ید قدرت خدای تعالی یکسان است. با وجود این توضیحات، ممکن است که حضرت مهدی عجل الله فرجه در زندگانی‌شان جهات بهداشتی را به نحوی کامل و دقیق مراعات نموده، آنچه را که نافع است و مضر نیست، میل نمایند یا ملازم باشند، در نتیجه از تمام امراض به دور باشند و اندام و اعضای بدن آن حضرت فعال مانده و وظایف خود را به بهترین وجه مطلوب انجام دهند.

از همین جهات؛ پیری، ضعف، ناتوانی و پژمردگی در جسم آن حضرت راه نیافته و همواره از تازگی و طراوت برخوردار می‌باشد؛ گویی جوانی است کامل و قوی با اعضای سالم. همه‌ی این‌ها ناشی از قابلیت‌هایی است که خدای تعالی در جسم حضرت مهدی عجل الله فرجه قرار داده است.<sup>۱</sup>

۱. مجلة المقتطف، مصری، شماره‌ی سوم، سال ۱۳۷۹ ق، ص ۲۳۹.



## ج. طول عمر در پرتو علم روز

طول عمر از مسائلی است که نمی‌توان برای آن حدی دقیق معین نمود، بنابراین اگر بگویند فلان کس صدها سال و یا هزاران سال عمر کرد، بدین معنا نیست که آن شخص به حد اعلائی از عمر - که برای یک بشر امکان‌پذیر است - رسیده است؛ زیرا محدوده‌ای برای عمر بشر نمی‌توان در نظر گرفت. این مطلب را آخرین اکتشاف‌های علمی اثبات می‌نمایند.

عمرهای کوتاهی که در این زمان و یا قبل از آن متداول بوده است، نمی‌تواند معیار حدود عمر بشر شناخته شود؛ زیرا زندگی معمولاً آمیخته با حوادث، پیشامدها و مصائبی است که باعث کوتاهی عمر می‌شوند؛ مانند سوء تغذیه، بدی هوا، عدم رعایت تعلیمات بهداشتی، امراض سخت، فزونی غصه‌ها و اندوه‌ها که اثرات منفی فراوانی را در جسم و جان انسان‌ها گذاشته، باعث از بین رفتن زندگی و ایجاد عقده‌های روانی می‌شوند. این عوامل، بیماری‌های خطرناکی را به دنبال می‌آورند و حیات انسانی را در معرض مخاطره قرار می‌دهند.

در مجله‌ی «المقتطف» مصری آمده است:

«... اما دانشمندانی که سخن‌شان مورد اعتماد است، می‌گویند: کلیه‌ی اعضای اصلی در جسم قابلیت زندگی بی‌نهایت را دارند. از این رو ممکن است که انسان هزاران سال زندگی کند، تا وقتی که عوارضی که رشته‌ی حیات وی را پاره می‌کنند، بر او عارض نگردند.»<sup>۱</sup>

در صفحه‌ی ۲۴۰ همین شماره چنین نگاشته شده:

«ماحصل آنچه که از تجربه‌های مذکور ثبت گردیده، این است که انسان به این دلیل که عمرش به هشتاد و یا صد سال رسید، نباید از دنیا برود؛ بلکه عوارضی که به صورت بیماری‌ها بر برخی از اعضای وی حادث می‌شود، آن اعضا را از کار می‌اندازد و ارتباط اعضای کارافتاده با اعضای دیگر، باعث مرگ کل بدن می‌شود. اگر علم این توان را بیابد که چنین عوارضی را زایل نموده یا مانع تأثیر آن‌ها بر روی اعضای بدن شود، مانعی در راه زندگی صدها ساله وجود نخواهد داشت.»

ما در کتاب یا بیانی نخوانده و از هیچ طبیب، حکیم و یا فیلسوفی نشنیده‌ایم که حدی معین

برای عمر ذکر کرده باشند و بگویند که ممکن نیست عمر انسان از آن حد تجاوز نماید و یا به‌طور مثال محال است که انسان هزار سال زندگانی نماید؛ بلکه این معنا را یافته‌ایم که علم پزشکی نوین در این اندیشه است تا داروی طول عمر و جلوگیری از پیری و حفظ جسم انسان و غده‌هایی را که موجب تحرک و جنبش اعضای می‌شود، کشف کند و بر همین اساس تا کنون تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است.

امروزه اجتماعات بشری، اشیا را براساس اصول علمی نمی‌شناسند، بلکه عادت جاری را ملاک قرار می‌دهند؛ حتی آنان که نسبت به اصول علمی دانایی دارند، نمی‌توانند ادعای احاطه به تمام اسباب و مسببات را داشته باشند؛ بلکه خود اعتراف می‌کنند که همواره در ابتدای راه هستند و اقرار دارند که اصول علمی کشف‌نشده، به مراتب از آنچه که برای بشر کشف گردیده، زیادتر است.<sup>۱</sup>

## مکان و مسکن

از مسائلی که درباره‌ی زندگی امام زمان عجل الله فرجه مورد بحث و گفتگوست، مکان و محل سکونت ایشان است. آیا آن حضرت در مکان خاصی سکونت دارند یا نه؟ اگر در مکان ویژه‌ای است، آن مکان کجاست؟ اگر مسکن خاصی ندارند، پس چگونه زندگی می‌کنند و شناخته نمی‌شوند؟

روایات و اخبار در این زمینه، گوناگون و گاه مخالف یکدیگرند، که به سه دسته تقسیم می‌شوند.

۱. برخی از آن‌ها محل خاصی را تعیین نمی‌کنند و جایگاه حضرت را در بیابان‌ها و کوه‌ها معرفی می‌نمایند؛ از آن جمله، حضرت مهدی عجل الله فرجه به پسر مهزیار می‌فرماید:

«فرزند مهزیار! پدرم امام حسن علیه السلام از من پیمان گرفت... و فرمان داد که برای سکونت، سرزمین‌های خشک را برگزینم.»<sup>۲</sup>

این بخش از روایات، گویای آن است که حضرت از حوزه‌ی دسترسی مردم به دور هستند و

۱. همان، صص ۳۸۹ - ۳۹۰ (با تلخیص).

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶؛ به نقل از جمعی از نویسندگان حوزه، ص ۳۴۷.

به سختی و دشواری زندگی می‌کنند و کسی از محل سکونت ایشان آگاه نیست. این که کدام منطقه و سرزمین است، مشخص نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

۲. دسته‌ی دوم، روایاتی است که منطقه‌ی خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت نام می‌برند و محدوده‌ی آن را نیز تعیین می‌کنند. برخی از این روایات عبارتند از:

### الف. مدینه و پیرامون آن

ابی بصیر می‌گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمودند:

«صاحب‌الزمان عجل الله فرجه را عزلت و غیبتی است که در آن غیبت، نیرومند است به سی نفر که با حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می‌کنند او بر قوت وی می‌افزایند. و خوب جایگاهی است [مدینه‌ی] طیبه.»<sup>۲</sup>

از ظاهر روایت استفاده می‌شود که حضرت در مدینه‌ی منوره منزل دارند و افرادی هم همواره به صورت ناشناس با ایشان هستند. البته این مسأله با غیبت‌انواعی سازگارتر است تا غیبت شخصی.<sup>۳</sup>

روایت دیگری است که مکان حضرت را کوه «رَضْوِی» در اطراف مدینه نام می‌برد. عبدالعلی آل سام می‌گوید: با امام صادق علیه السلام از مدینه خارج شدیم، به «روحاء» [در اطراف مدینه] که رسیدیم، حضرت نگاهشان را به کوهی دوختند و مدت زمانی ادامه دادند... و فرمودند:

«این کوه رَضْوِی نام دارد. خوب پناهگاهی است برای خائف [امام زمان عجل الله فرجه] در غیبت صغری و کبری.»<sup>۴</sup>

### ب. مکه و پیرامون آن

از برخی روایات استفاده می‌شود که آن حضرت در مکانی به نام «ذی طوی» پیرامون مکه

۱. جمعی از نویسندگان حوزه، ۷۵، صص ۳۴۷ \_ ۳۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳؛ به نقل از جمعی از نویسندگان حوزه، ص ۳۴۸.

۳. غیبت‌انواعی؛ یعنی این که شخص امام در بین مردم بوده و مردم ایشان را به نام و عنوان دیگری غیر از عنوان امامت و مهدویت می‌شناسند. غیبت شخصی نیز به معنای عدم حضور شخص امام در میان مردم است.

۴. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲؛ به نقل از جمعی از نویسندگان حوزه، ص ۳۴۸.

زندگی می‌کنند و از همان جا نیز همراه یاران خود قیام خواهند نمود.

از آن جمله امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«امام زمان عجل الله فرجه را غیبتی است در بعضی از دره‌ها، و اشاره کردند به منطقه‌ی ذی طوی.»<sup>۱</sup>  
در ادامه‌ی این روایت و روایات دیگر، محل ظهور و خروج آن حضرت و مرکز تجمع یاران و دوستان ایشان نیز همین منطقه یاد شده است.

۳. دسته‌ی سوم، اخباری است که مانند دسته‌ی اول، جایگاه خاصی را نام نمی‌برند، اما از ایشان به عنوان فردی که با مردم حشر و نشر دارند و به گونه‌ای ناشناس زندگی می‌کنند، نام برده شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«صاحب‌الامر عجل الله فرجه شباهتی نیز به یوسف پیامبر علیه السلام دارد. جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صاحب‌الزمان عجل الله فرجه، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمد می‌کند و در بازار قدم می‌نهد و گاهی بر فرش منزل‌های دوستان می‌نشیند، ولی او را نمی‌شناسند، تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند؛ آن‌گونه که یوسف علیه السلام را اجازه داد، هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری! من یوسفم.»<sup>۲</sup>

بنابراین، بین این سه دسته از روایات، تضاد و تناقضی نیست و نام بردن مکان خاصی با زندگی به شکل ناشناس قابل جمع است. انتخاب کوه‌ها و مکان‌های دست‌نیافتنی در حال ضرورت و نیاز نیز امری طبیعی و موافق با «اصل تقیه» است.<sup>۳</sup>

## زن و فرزند

محور دیگری که پیرامون زندگی شخصی و کیفیت معیشت امام عصر عجل الله فرجه نیاز به بررسی دارد، مسأله‌ی زن و فرزند آن حضرت است. با توجه به فلسفه‌ی غیبت و این که آن

۱. نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲؛ به نقل از همان.

۲. همان، ص ۱۶۴؛ به نقل از جمعی از نویسندگان حوزه.

۳. جمعی از نویسندگان حوزه، ۷۵، صص ۳۴۹ - ۳۵۱ (با تخلص).

حضرت به شیوه‌ای ناشناس زندگی می‌کنند و کسی از مکان ایشان آگاه نیست، آیا ازدواج و داشتن فرزند با این مسأله سازگار است؟

منابعی که در اختیار است، یا اشکال سندی دارند و یا ابهام دلالتی، و نظر قاطعی را ارائه نمی‌دهند. در اینجا سه احتمال عقلی وجود دارد:

۱. اساساً حضرت مهدی عجل الله فرجه ازدواج نکرده‌اند؛

۲. ازدواج انجام گرفته، اما اولادی ندارند؛

۳. ازدواج کرده و دارای فرزندان نیز هستند.

اگر احتمال اول را بپذیریم، لازمه‌اش این است که امام معصوم علیه السلام یکی از سنت‌های مهم اسلامی را ترک کرده باشند و این با شأن امام سازگار نیست. اما از طرفی دیگر چون مسأله‌ی غیبت اهم است و ازدواج مهم، ترک ازدواج با توجه به آن امر مهم‌تر، اشکالی ایجاد نمی‌کند و گاهی برای مصلحت بالاتر، لازم و واجب نیز هست.

اما اگر احتمال دوم و اصل ازدواج بدون داشتن اولاد را بپذیریم، بین انجام سنت اسلامی و عدم انتشار مکان و موقعیت حضرت جمع می‌شود. ولی باز این اشکال باقی است که اگر قرار باشد آن حضرت شخصی را به عنوان همسر برگزینند، یا باید بگوییم که عمر او نیز مانند حضرت طولانی است، که بر این امر دلیلی نداریم، یا این که بگوییم مدتی با حضرت زندگی کرده و از دنیا رفته است، که در این صورت، حضرت به سنت حسنه‌ی ازدواج عمل کرده‌اند و پس از آن تنها و بدون زن و فرزند زندگی را ادامه می‌دهند.

احتمال سوم، آن است که حضرت ازدواج کرده‌اند و دارای اولاد نیز هستند و اولاد آن حضرت نیز فرزندان دارند. این مسأله، افزون بر آن که دلیل محکمی ندارد، اشکال اساسی آن این است که این همه اولاد و اعقاب، سرانجام روزی در جستجوی اصل خویش می‌افتند و همین کنجکاو و جستجو، مسأله را به جایی باریک می‌کشاند که با فلسفه‌ی غیبت حضرت سازگار نیست.<sup>۱</sup>

البته روایاتی نیز وجود دارد که علاوه بر ضعف سند، دلالتی بر اثبات فرزند برای امام زمان

۱. همان، صص ۳۵۱ - ۳۵۲.

پیش از ظهور، ندارد. بنابراین، این گونه روایات در حدی نیستند که وجود زن و فرزند را برای امام زمان عجل الله فرجه پیش از ظهور اثبات کنند. از سوی دیگر، روایاتی داریم که با صراحت وجود فرزند را از آن حضرت نفی می‌کند؛ از آن جمله:

مسعودی نقل می‌کند که علی بن حمزه، ابن سراج و ابن ابی سعید مکاری بر امام رضا عجل الله فرجه وارد شدند. علی بن حمزه به حضرت عرض کرد: از پدران نقل کرده‌ایم که هیچ امامی از دنیا نمی‌رود تا فرزندش را ببیند.

امام رضا عجل الله فرجه فرمودند:

«آیا در این حدیث روایت کرده‌اید، مگر قائم؟»<sup>۱</sup>

البته برخی خواسته‌اند با تمسک به داستان «جزیره‌ی خضرا»<sup>۲</sup> بگویند که امام عصر عجل الله فرجه فرزندان دارند و در آن جزیره زیر نظر ایشان، جامعه‌ی نمونه و تمام‌عیار اسلامی را تشکیل داده‌اند. ولی با بررسی‌های گسترده‌ای که انجام گرفته، جزیره‌ی خضرا افسانه‌ای بیش نیست و هیچ واقعیتی ندارد.

علامه مجلسی، داستان جزیره‌ی خضرا را جداگانه در نوادر بحار الانوار نقل کرده و می‌نویسد: «چون در کتاب‌های معتبر بر آن دست نیافتیم، آن را در فصلی جداگانه آوردیم.»<sup>۳</sup> شیخ آقا بزرگ تهرانی این داستان را داستانی تخیلی و رمانتیک شمرده است. افزون بر این، داستان به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را پذیرفت. تناقضات فراوان، سخنان بی‌اساس، همچنین وجود افراد ناشناخته‌ای در سلسله‌ی سند آن که نمی‌توان بر آنان اعتماد کرد و... بنابراین از این راه نیز نمی‌توان زن و فرزندی برای حضرت مهدی عجل الله فرجه ثابت کرد.<sup>۴</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷؛ به نقل از جمعی از نویسندگان حوزه، ص ۳۵۵.

۲. داستان جزیره‌ی خضرا به دو حکایت باز می‌گردد: حکایت اول از کمال‌الدین احمد بن محمد بن یحیی انباری در سال ۵۴۳ هـ ق. و حکایت دوم از علی بن فاضل مازندرانی. با تحلیل و بررسی مشخص می‌شود که این دو حکایت از لحاظ سندی، متنی و تاریخی دارای اشکالاتی هستند. (جمعی از نویسندگان بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله فرجه، صص ۶۴ تا ۷۷، با تخلص.)

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹؛ به نقل از همان.

۴. جمعی از نویسندگان حوزه، صص ۷۵، ۳۵۶ - ۳۵۵.

## رجعت

منظور از رجعت چیست؟ چه زمانی واقع می‌شود؟ چه کسانی مشمول رجعت می‌شوند؟ و فلسفه‌ی آن چیست؟

واژه‌ی «رجعت» در لغت به معنای «بازگشتن» است، و اصطلاحاً به معنای «زنده شدن و بازگشتن مؤمنان خالص و کافران محض بعد از ظهور امام زمان عجل الله فرجه» است. قرآن کریم به مسأله‌ی رجعت اشاره نموده و وقایع و رخدادهایی را در مورد امت‌های پیشین و بنی‌اسرائیل نقل کرده است؛ مانند:

- داستان «عزیر پیامبر» که مُرد و بعد از صد سال زنده شد.<sup>۱</sup>
  - داستان جمعیتی که خدا آن‌ها را میراند و بعد آنان را زنده کرد.<sup>۲</sup>
  - داستان هفتاد نفری که حضرت موسی علیه السلام برای رفتن به کوه طور انتخاب نمود و در وادی کوه طور بعد از این که صاعقه آن‌ها را فرا گرفت، مردند و بعد خدا آن‌ها را زنده کرد.<sup>۳</sup>
  - داستان کشته‌ی بنی‌اسرائیل که بعد از زدن قسمتی از گاو (ذبح‌شده) به آن زنده گشت.<sup>۴</sup>
  - زنده شدن مرده‌ها توسط حضرت عیسی علیه السلام.<sup>۵</sup>
  - داستان پرنده‌هایی که حضرت ابراهیم علیه السلام آن‌ها را کشت، گوشت بدنشان را مخلوط نمود و هر قسمتی از آن را بر کوهی نهاد و بعد آن‌ها را خواند و زنده شدند.<sup>۶</sup>
- (گرچه این موارد از مصادیق اصطلاحی رجعت نیست، اما) از مجموع این داستان‌ها امکان وقوع رجعت اثبات می‌شود. روایات در خصوص رجعت، متواتر است؛ به نحوی که وقوع رجعت را مسلم می‌کند. علاوه بر این، مسأله‌ی رجعت مورد اتفاق علمای شیعه و از مسائل ضروری مذهب شیعه است. علامه مجلسی در بحار الانوار، حدود ۲۰۰ روایت از بیش از ۴۰ نفر از روایت

۱. بقره، ۲۵۹.

۲. بقره، ۲۴۳.

۳. بقره، ۵۵ - ۵۶.

۴. بقره، ۷۳.

۵. مائده، ۱۱۰.

۶. بقره، ۲۶۰.

تفه و بزرگ پیرامون رجعت نقل کرده است. ایشان می‌گویند: بیش از ۵۰ کتاب توسط علمای بزرگ پیرامون رجعت نوشته شده است.

رجعت، بعد از ظهور امام زمان علیه السلام و در زمان حکومت جهانی ایشان پدید خواهد آمد. در روایات آمده است که مؤمنان خالص و کافران و مشرکان محض، مشمول رجعت می‌شوند و در زمان حکومت امام زمان علیه السلام زنده خواهند شد.

همچنین در روایات از افراد خاصی نام برده شده است که رجعت خواهند کرد؛ مانند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه علیهم السلام، حضرت عیسی علیه السلام، جمعی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله، سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری و... و اصحاب کهف. در روایات تصریح شده است نخستین امامی که رجعت می‌کنند، امام حسین علیه السلام هستند و ایشان مدتی طولانی حکومت خواهند کرد؛ به گونه‌ای که از کثرت سن، ابروهای حضرت روی دیدگانشان می‌ریزند.<sup>۱</sup>

علاوه بر تواتر روایات رجعت، در ادعیه و زیارات هم به رجعت اشاره شده است؛ از جمله در: زیارت جامعه:

«مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ...».

زیارت آل یاسین:

«وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا».

زیارت وارث:

«إِنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَابِكُمْ مَوْقِنٌ».

زیارت عاشورا:

«أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ».

و دعای عهد:

«اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ... فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي».

برای رجعت، دو حکمت و فلسفه ذکر کرده‌اند:

۱. تکمیل حلقه‌ی تکاملی مؤمنان خالص و کیفر دنیوی چشیدن کافران محض؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶.



۲. نشانه‌ی عظمت خدا و مسأله‌ی رستخیز برای انسان‌ها، تا با مشاهده‌ی آن به اوج ایمان و یقین برسند.

### علم امام به زمان ظهور

آیا اکنون حضرت مهدی علیه السلام به زمان ظهورشان علم دارند؟ یعنی آیا از آغاز غیبت، حضرت می‌دانستند چه زمانی ظهور خواهند کرد؟ این موضوع بین دانشمندان اسلامی مورد اختلاف است. برخی می‌گویند که حضرت به زمان ظهورشان علم ندارند و به نظر برخی دیگر، با توجه به این که امام زمان علیه السلام دارای علوم غیبی هستند و از آنچه واقع شده و می‌شود و خواهد شد، خبر دارند، پس می‌توان گفت که هم‌اکنون - بلکه از آغاز غیبت - حضرت، زمان ظهورشان را می‌دانند. چگونه امام زمان علیه السلام از زمان ظهورشان مطلع می‌شوند؟ بنابر آنچه در روایات آمده است، می‌توان گفت حضرت از سه راه به زمان ظهورشان علم پیدا می‌کنند:

#### الف. از طریق الهام

از براهین و روایاتی که در ابواب امامت وارد شده، استفاده می‌شود که امامان معصوم علیهم السلام: با عالم غیب ارتباط دارند و هنگام ضرورت، حقایقی را دریافت می‌کنند. در روایات آمده است که «امامان معصوم علیهم السلام صدای فرشته را می‌شنوند، اما خودش را مشاهده نمی‌کنند.<sup>۱</sup> بنابراین ممکن است خداوند متعال، زمان ظهور را از طریق الهام به امام زمان علیه السلام بفهماند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «امامی از ما غایب می‌شود، پس چون خداوند اراده کند که او را آشکار و ظاهر گرداند، اثری در دل وی پدید می‌آید، سپس بدین گونه به امر پروردگار ظاهر می‌گردد.»<sup>۲</sup>

۱. اثبات الهداة، ج ۶، ص ۴۳۷.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۶۴؛ مهدی موعود، ترجمه و نگارش علی دوانی، ص ۲۶۲.

### ب. از راه علایم و قرائن

ممکن است گفته شود که پیغمبر اکرم ﷺ زمان ظهور را توسط ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام به حضرت مهدی علیه‌السلام خبر داده‌اند و این از راه علایم و قرائنی است که پیغمبر معین کرده‌اند. در روایت است که پیغمبر ﷺ فرمودند:

«وقتی زمان ظهور مهدی فرا رسد، خداوند شمشیر و پرچم آن جناب را به صدا درمی‌آورد. می‌گویند: ای دوست خدا! به پا خیز و دشمنان خدا را به قتل رسان.»<sup>۱</sup>

### ج. از راه دستورالعمل معین‌شده برای امامان

در روایات آمده است برنامه و دستورالعمل تمام امامان به صورت مهرشده از جانب خداوند بر پیغمبر نازل شد و پیامبر ﷺ آن را به حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تحویل دادند. حضرت علی علیه‌السلام در موقع خلافت، صحیفه‌ی خویش را گشودند و بر طبق آن عمل نمودند و بعداً آن را به امام حسن علیه‌السلام تحویل دادند و به همین کیفیت، نوبت هر امامی که می‌رسید، مهر نامه‌ی خویش را می‌گشود و بر طبق آن عمل می‌نمود. اکنون هم دستورالعمل امام زمان علیه‌السلام در دست ایشان موجود است.<sup>۲</sup>

### بررسی کشتارها هنگام ظهور

اخباری که در آن‌ها کشتار در حجم وسیعی را مطرح کرده‌اند، بر دو قسم است:  
الف. قسمتی از آن‌ها مربوط به ملاحم و فتنه‌های قبل از ظهور است و هیچ‌گونه ارتباطی به دوران ظهور ندارد و تنها ناظر به اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور است. بیشتر این روایات از روایات مرسل اهل سنت است.

ب. دسته‌ای دیگر از روایات، مربوط به هنگامه‌ی ظهور و حکومت امام زمان علیه‌السلام است. این نوع روایات که غالباً از طریق عامه و از نبویات است، مشکل سندی دارند؛ به طوری که بعضی از آن‌ها مرسل است و برخی دیگر به پیامبر ﷺ منتهی نمی‌شوند؛ بلکه از افرادی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۹.

مانند کعب‌الاحبار نقل شده که در زمان پیامبر مسلمان نبوده است. عمده‌ی این روایات از اسرائیلیات است که با اغراض مختلفی وارد کتاب‌های روایی شده‌اند. عالمی از اهل سنت مانند ابن کثیر، هنگامی که به روایات امثال کعب‌الاحبار می‌رسد، می‌گوید: «خدا ما را از این همه اخبار دروغی که وارد تفسیرها و کتاب‌های روایی و... شده، بی‌نیاز کند...»<sup>۱</sup>

### حجم کشتارها

نمی‌توانیم ادعا کنیم که هنگام قیام امام زمان عجل الله فرجه هیچ‌گونه قتل و کشتاری رخ نمی‌دهد؛ زیرا به طور مسلم این واقعه‌ی عظیم بدون برطرف کردن خارها و دشمنان سر راه آن حضرت، میسر نخواهد شد. بنابراین، در روایات مشاهده می‌کنیم که اهل بیت علیهم السلام بر اصل قتل و خون‌ریزی هنگام ظهور و قیام حضرت اشاره کرده‌اند.

بشیر نبال می‌گوید: هنگامی که به مدینه وارد شدم، به سمت منزل ابوجعفر، امام باقر علیه السلام رفتم... عرض کردم: مُرَجِّئِه می‌گویند: «هنگامی که قیام قائم عجل الله فرجه روی دهد، همه‌ی کارها برای او هموار خواهد شد و به اندازه‌ی یک ظرف حجامت هم خون نمی‌ریزد.» حضرت فرمودند:

«... كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقُ وَالْعَلَقُ...»<sup>۲</sup>

هرگز چنین نیست! سوگند به آن که جانم به دست اوست، کار به جایی می‌انجامد که ما و شما عرق و خون بسته‌شده را پاک خواهیم کرد.

به این مضمون، روایات دیگری نیز رسیده است. اما از طرف دیگر تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام سعی داشته‌اند امور را به طور عادی و از مسیر طبیعی آن انجام دهند و حتی الامکان دست به شمشیر نبرند؛ زیرا هدف آنان ارشاد و هدایت مردم است. نهایت آن که گسترش عدل در جامعه گرچه اقتضای کشت و کشتاری در حدّ محدود را دارد - زیرا قرار نیست که تمام امور از طریق معجزه حل شود - اما اندیشه‌ی افراطی این

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۷.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.

مسأله نیز صحیح نیست و هرگز دلیل عقلی، عقلایی و نقلی بر گستردگی کشتارها در حدی وسیع وجود ندارد؛ به‌خصوص آن که مطابق ادعای برخی، از هر نه نفر هفت نفر یا از هر هفت نفر پنج نفر کشته می‌شوند!

### وقت کشتارها

با توجه به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام پی خواهیم برد که جهان اندکی قبل از ظهور، شاهد جنگ‌های خونین خواهد بود. بنابراین، می‌توان گفت که مردم با مشاهده‌ی این جنگ‌ها و مواجهه با آن، به استقبال مصلحی عالمی خواهند رفت و حضرت نیز از این موقعیت استفاده کرده، با کمترین استقامتی از سوی مخالفان خود و ظالمان، عالم را فتح خواهند نمود. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثُ النَّاسِ. فَقِيلَ لَهُ: إِذَا ذَهَبَ ثُلُثُ النَّاسِ فَمَا يَبْقَى؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِي؟»<sup>۱</sup>

این امر قیام امام زمان علیه‌السلام واقع نمی‌شود، تا این‌که دوسوم مردم از بین بروند. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: اگر دوسوم مردم از بین بروند، چه کسی باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: آیا راضی و خرسند نمی‌شوید که شما از یک‌سوم باقی‌مانده باشید؟»

زراره می‌گوید که به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا ندای آسمانی حقیقت دارد؟ فرمودند: «أَيُّ وَاللَّهِ حَتَّى يَسْمَعَهُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ. وَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَعْشَارِ النَّاسِ»<sup>۲</sup>

به خدا سوگند آری! چنان است که هر قومی به زبان خودشان آن را می‌شنوند. آن حضرت فرمودند: این امر محقق نمی‌شود، تا این‌که نه دهم مردم از میان بروند.

سلیمان بن خالد می‌گوید که از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمودند: «قَبْلَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَبْيَضَ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةِ خَمْسَةَ: الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ:

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، صص ۶۵۵ - ۶۵۶، ح ۲۹.

۲. الغیبه، نعمانی، باب ۱۴، ص ۲۷۴، ح ۵۴.

السَّيْفُ، وَالْمَوْتُ الْأَبْيَضُ: الطَّاعُونَ»<sup>۱</sup>

قبل از قیام قائم، دو نوع مرگ رخ می‌دهد: مرگ سرخ و مرگ سپید، تا این‌که از هر هفت نفر، پنج نفر از بین برود. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سپید با طاعون است. با ملاحظه‌ی این احادیث و احادیث دیگر، پی خواهیم برد که حجم وسیعی از کشتارها و خون‌ریزی‌ها مربوط به دوران پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه و قبل از ندای آسمانی است.

البته برخی از روایات نیز از مجعولات و اسرائیلیات هستند و با اهداف و انگیزه‌های خاصی مانند خدشه‌دار کردن چهره‌ی نهضت جهانی و حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه و یا توجیه کشتارها در فتوحات و... وارد کتاب‌های روایی شده و کشتارهای زیادی را به امام زمان عجل الله فرجه نسبت داده‌اند.

این نکته نیز قابل توجه است که حضرت کاری بس عظیم انجام می‌دهند؛ یعنی همان گسترش حکومت عدل جهانی در سطح کره‌ی زمین که اقتضای چنین قتل و کشتاری، گرچه در حدی محدود، را دارد؛ زیرا با قیام حضرت، ستمگران هرگز ساکت نخواهند بود. با این همه، این کشتارها در مقابل قیام‌ها و نهضت‌های دیگری که ملاحظه می‌کنیم، چندان قابل توجه نیست.

### چرا استفاده از زور؟

مطالعه‌ی تاریخ بشری به‌خوبی این واقعیت را آشکار می‌سازد که معمولاً موانع راه رشد و تکامل انسان، جز با قدرت و خون‌ریزی از سر راه - به‌طور کلی و عمومی - برداشته نمی‌شود و تعالیم اخلاقی و اصول تربیتی هرچند تأثیر ژرف و گسترده‌ای داشته است، اما این تأثیرها در برخی از افراد نجیب بوده، و در طبقه‌ی سلطه‌طلب، دنیادار و استثمارگر که منابع اقتصادی، سیاسی و نظامی جامعه‌ها را در دست داشته و دارند، یا هیچ تأثیری نداشته و یا تأثیر آن تحول‌آفرین و دگرگون‌ساز نبوده است. برای تربیت و هدایت آنان، باید عامل دیگری به کار

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، ص ۶۵۵، ج ۲۷.

می‌رفته است تا سدّ راه انسان‌ها نگردند و راه رشد را بر توده‌ها نبندند، تا همگان بتوانند بدون هیچ‌گونه مانعی، به راه رشد خویش ادامه دهند. از این رو، مسأله‌ی جنگ و کاربرد نیروی نظامی، به عنوان یک ضرورت برای دستیابی به اهداف انسانی مطرح می‌گردد. اسلام با توجه به همین واقعیت‌ها، جنگ را نه به عنوان هدف و آرمان، بلکه به عنوان راه و وسیله‌ای برای تحقق توحید و عدل پذیرفته است.

### امامت در سنین کودکی

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که چگونه حضرت مهدی عجل الله فرجه در پنج‌سالگی به امامت رسیده عهده‌دار این مسئولیت خطیر شدند؟ آیا این مسأله جنبه‌ی استثنایی داشت، یا امری معمولی و عادی است؟

در باور ما شیعیان، امامت در سنین کم محذوری ندارد و نمونه‌های دیگری نیز داشته است. قرآن مجید، به عنوان محکم‌ترین سند معارف دینی، از افرادی نام می‌برد که در خردسالی دارای حکمت و نبوت شدند. این نشانگر آن است که در میراث پیام‌آوران الهی، مسأله‌ی پیشوایی در کودکی، پدیده‌ای نوظهور نبوده و نیست:

«يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»<sup>۱</sup>

ای یحیی! کتاب را به نیرومندی بگیر و در کودکی به او دانایی عطا کردیم.

درباره‌ی نبوت حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

«فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا قَالَ إِنَّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا»<sup>۲</sup>

به فرزند اشاره کردند، پس گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است، سخن بگوییم؟ کودک گفت: من بنده‌ی خدایم. به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است.

بنابراین، مسأله‌ی امامت در سن کودکی، پدیده‌ی تازه‌ای نیست که مورد اعتراض واقع شود،

۱. مریم، ۱۲.

۲. مریم، ۲۹.



بلکه پیش از امام زمان علیه السلام در بین انبیا نمونه‌های فراوان داشته است. دو امام قبل از حضرت، - یعنی امام جواد و امام هادی علیهما السلام - هم در خردسالی عهده‌دار امامت بوده‌اند.

### داستان جزیره‌ی خضرا

تاریخ پرفراز و فرود اسلام، همواره باورها و افکاری را در امت اسلامی دیده است که گاه جای خرسندی و دیگر زمان، جای بسی نگرانی بوده است. اندیشوران سترگ مدرسه‌ی اهل بیت علیهم السلام همواره تلاش کرده‌اند با روشنگری‌های خود، غبار نگرانی را از چهره‌ی پیروان امامان معصوم علیهم السلام بگیرند. اما همواره دست‌هایی - از روی غفلت یا عمد - بر این نگرانی افزوده‌اند.

از آنجا که اغلب آموزه‌های دینی، برگرفته از سخنان نورانی پیشوایان معصوم علیهم السلام است، کسانی در پی آن بوده‌اند که این زلال ارجمند را به پیرایه‌هایی آلوده سازند. در مقابل، کم نبوده‌اند بزرگانی که سعی بر نگهبانی از این میراث گران سنگ کرده‌اند.

دروغ‌آفرینی، وارونه‌سازی و تحریف - با انگیزه‌های گوناگون - حرکتی تأسف‌بار در فرهنگ اسلامی است که پیشینه‌ای بسیار کهن دارد. از این رو، پالایش منابع روایی کاری بس ارزشمند و از مهم‌ترین دغدغه‌های بزرگان دین بوده و هست. بخشی از این پالایش، به حکایت‌هایی مربوط است که به انگیزه‌های گوناگونی به این منابع ارزشمند راه یافته‌اند.

موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه به دلایلی همواره مورد این هجوم بوده است. محل زندگی ایشان در دوران غیبت، که یکی از بحث‌های مهم و قابل توجه است، از جمله عرصه‌هایی بوده که از این‌گونه خیال‌پردازی‌ها مصون نبوده است.

داستان «جزیره‌ی خضرا» از داستان‌هایی است که در زمینه‌ی محل زندگی آن حضرت در پاره‌ای از متون اسلامی وجود دارد و لازم است درباره‌ی آن بحث شود.

به نظر می‌رسد بین منابع موجود، نخستین اثری که به نقل داستان جزیره‌ی خضراء پرداخته، بحار الانوار است. پس از آن، مرحوم محدث نوری در کتاب‌های خود در کنار نقل حکایاتی از این دست، به نقل این داستان و مانند آن مبادرت کرده است.

نخست لازم است به چکیده‌ی این داستان - که به دو داستان دیگر برمی‌گردد - اشاره کنیم. علامه مجلسی در بحار الانوار، در بابی با عنوان «نادرٌ فی ذکرٍ من رآه علیه السلام فی الغیبه الکبری قریباً من زماننا» - فقط به دلیل این که مشتمل بر دیدار با آن حضرت و نیز رخدادهای عجیب و غریب است - به نقل آن پرداخته، می‌نویسد:

«رساله‌ای یافتیم مشهور به داستان جزیره‌ی خضرا ... و چون آن را در کتاب‌های روایی معتبری ندیدم، آن را در فصل جداگانه‌ای آوردم.»

چکیده‌ی رساله‌ای که این عالم بزرگوار یافته چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحیم... نوشته‌ای یافتیم به خط شیخ فاضل، عالم عامل، فضل بن یحیی بن علی طیبی کوفی که متن آن چنین است:

... من در سال ۶۹۹ ق در کربلا از دو نفر داستانی شنیدم. آن‌ها داستان را از زین‌الدین، علی بن فاضل مازندرانی نقل می‌کردند. داستان مربوط به جزیره‌ی خضرا در دریای سفید بود. مشتاق شدم داستان را از خود علی بن فاضل بشنوم. به همین دلیل به شهر حله رفتم و در خانه‌ی سید فخرالدین با علی بن فاضل ملاقات کردم و اصل داستان را پرسیدم. او داستان را در حضور عده‌ای از دانشمندان حله و نواحی آن، چنین بازگو کرد:

سال‌ها در دمشق نزد شیخ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین‌الدین علی مغربی اندلسی دانش آموختم. روزی شیخ مغربی عزم سفر به مصر کرد. من و عده‌ای از شاگردان با او همراه شدیم. به قاهره رسیدیم. استاد مدتی در الازهر به تدریس پرداخت، تا این که نامه‌ای از اندلس آمد که خبر از بیماری پدر استاد می‌داد. استاد، عزم اندلس کرد. من و برخی از شاگردان با او همراه شدیم. به نخستین روستای اندلس که رسیدیم، من بیمار شدم. به‌ناچار استاد مرا به خطیب آن قریه سپرد و خود به سفر ادامه داد.

سه روز بیمار بودم. پس از آن، روزی در اطراف ده قدم می‌زدم که کاروانی از طرف کوه‌های ساحل دریای غربی وارد شدند. پرسیدم: از کجا می‌آیند؟ گفتند: از دهی از سرزمین بربرها می‌آیند که نزدیک جزایر رافضیان است.

هنگامی که نام جزیره‌ی رافضیان را شنیدم، مشتاق زیارت آنان شدم. تا محل آنان بیست



و پنج روز راه بود که دو روز بی آب و آبادی، و بقیه آباد بودند. حرکت کردم و به سرزمین آباد رسیدم. به جزیره‌ای رسیدم با دیوارهای بلند و برج‌های مستحکم که بر ساحل دریا قرار داشت. مردم آن جزیره شیعه بودند و اذان و نماز آن‌ها بر هیأت شیعیان بود.

آنان از من پذیرایی کردند. پرسیدم: غذای شما از کجا تأمین می‌شود؟ گفتند: از جزیره‌ی خضرا در دریای سفید که جزایر فرزندان امام زمان عجل الله فرجه است، که سالی دو مرتبه برای ما غذا می‌آورند.

چهل روز منتظر ماندم تا کاروان کشتی‌ها از جزیره‌ی خضرا رسید. فرمانده آن پیرمردی بود که مرا می‌شناخت و اسم من و پدرم را نیز می‌دانست. او مرا با خود به جزیره‌ی خضرا برد. شانزده روز که گذشت، آب سفیدی در اطراف کشتی دیدم و علت آن را پرسیدم. شیخ گفت: این دریای سفید است و آن جزیره‌ی خضرا. این آب‌های سفید، اطراف جزیره را گرفته است و هرگاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می‌گردد. وارد جزیره شدیم. شهر دارای قلعه‌ها و برج‌های زیاد و هفت حصار بود. خانه‌های آن از سنگ مرمر شفاف بود....

در مسجد جزیره، سید شمس‌الدین محمد را که عالم آن جزیره بود، ملاقات کردم. او مرا در مسجد جای داد. آنان نماز جمعه می‌خواندند. از سید شمس‌الدین پرسیدم: آیا امام حاضر است؟ گفت: نه! اما من نایب خاص او هستم. به او گفتم: امام را دیده‌ای؟ گفت: نه! اما پدرم صدای او را شنیده و جدم او را دیده است.

سید مرا به اطراف برد. آنجا کوهی مرتفع بود که قبه‌ای در آن وجود داشت و دو خادم آنجا بودند. سید گفت: من هر صبح جمعه به آنجا می‌روم و امام زمان را زیارت می‌کنم و آنجا ورقه‌ای می‌یابم که مسائل مورد نیاز در آن نوشته شده است.

من نیز به آن کوه رفتم و خادمان قبه از من پذیرایی کردند.... درباره‌ی دیدن امام زمان از آنان پرسیدم؛ گفتند: غیر ممکن است!

در مورد سید شمس‌الدین از شیخ محمد - که با او به خضرا آمدم - پرسیدم. گفت: او از فرزندان فرزندان امام است و بین او و امام پنج واسطه است.

با سید شمس‌الدین گفت‌وگوی بسیاری کردم و قرآن را نزد او خواندم. از او درباره‌ی ارتباط

آیات و این که برخی از آیات با پیش بی‌ارتباط هستند، پرسیدم.

پاسخ داد: ...مسلمانان پس از رسول خدا و به دستور خلفا، قرآن را جمع‌آوری کردند. از همین رو، آیاتی که در مدح و مذمت خلفا بود، از آن ساقط کردند. از این روست که آیات را نامربوط می‌بینی. اما قرآن علی علیه السلام که نزد صاحب‌الامر عجل الله فرجه است، از هر نقصی مبرا است و همه چیز در آن آمده است.

در جمعه‌ی دومی که آنجا بودم، پس از نماز سروصدای فراوانی از بیرون مسجد شنیده شد. پرسیدم: این صداها چیست؟ سید پاسخ داد: فرماندهان ارتش ما هر دو جمعه‌ی میانی ماه سوار می‌شوند و منتظر فرج هستند. پس از این که آنان را در بیرون مسجد دیدم، سید گفت: آیا آنان را شمارش کردی؟ گفتم: نه! گفت: آنان سیصد نفرند و سیزده نفر باقی مانده‌اند.

از سید پرسیدم: عالمان ما احادیثی نقل می‌کنند که هر کس پس از غیبت ادعا کند امام زمان را دیده است، دروغ می‌گوید. حال چگونه است که برخی از شما او را می‌بینید؟

سید گفت: درست می‌گویی! اما این حدیث به زمانی مربوط است که دشمنان آن حضرت و فرعون‌های بنی‌العباس فراوان بودند، اما اکنون که این چنین نیست و سرزمین ما از آنان دور است، دیدار آن حضرت ممکن است.

سید شمس‌الدین ادعا کرد: تو نیز امام زمان عجل الله فرجه را دو مرتبه دیده‌ای، اما نشناخته‌ای. همچنین گفت: آن حضرت، خمس را بر شیعیان خود مباح کرده است.

سپس جناب سید شمس‌الدین به من دستور داد در بازگشت درنگ نکرده و در سرزمین‌های مغرب توقف نکنم. پس از آن با همان کشتی‌ای که آمده بودم، بازگشتم.

واپسین مطلبی که از علی بن فاضل شنیدم؛ این بود که: در جزیره‌ی خضرا فقط نام پنج تن از دانشمندان شیعه مطرح بود: سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلی.<sup>۱</sup>

۱. اقتباس و تلخیص از: فصلنامه‌ی انتظار، شماره‌های ۱ تا ۴، مجتبی کلباسی، مقاله‌ی بررسی افسانه‌ی جزیره‌ی خضراء؛ و ش ۴، سید جعفر مرتضی، جزیره‌ی خضرا در ترازوی نقد، ترجمه‌ی محمد سپهری.

## بررسی و تحلیل داستان

۱. همان‌گونه که در اول متن آمده بود، ناقل داستان که خط فضل بن یحیی طیبی کوفی را دیده و از روی نوشته‌ی او این داستان را نقل کرده، نامعلوم است. بنابراین، داستان از نگاه سند نه فقط ضعیف، بلکه فاقد استناد می‌باشد و جز اشتهار در کتب متأخران - به ویژه پس از علامه مجلسی - هیچ مستند دیگری ندارد. آشکار است چنین نقل‌هایی باعث ارزش و اعتبار خبر نمی‌شود.

۲. این مرد «ناشناخته» چگونه فهمید آنچه پیدا کرده است، همان خط طیبی است؟ آیا خط طیبی که صد سال پیش از او وفات کرده بود، تا این حد برای مردم متداول و شناخته شده بود که این مرد ناشناخته نیز آن را می‌شناخته است؟

۳. معاصران او از قبیل علامه حلی و ابن داود که کتابش را در سال ۷۰۷ ق. به پایان رسانده، هیچ اشاره‌ای به وی نکرده‌اند.

۴. علی بن فاضل در روایت مذکور تصریح می‌کند از اول تا آخر روایت خویش را در حضور طیبی و گروهی از عالمان حله و اطراف آن، که برای دیدار این شیخ آمده بودند، نقل کرده است. با این وجود، ما هیچ یک از عالمان را نمی‌شناسیم که به طور مستقیم یا با واسطه، روایت یادشده را نقل کرده باشند.

## حرمت تسمیه

از برخی روایات چنین برمی‌آید که بردن نام اصلی امام یعنی «م ح م د» جایز نیست و مشهور بین محدثان نیز حرمت تسمیه به اسم شریف حضرت است، ولی در آن احتمالاتی وجود دارد. در این مسأله سه قول عمده وجود دارد:

۱. حرمت تسمیه به دوران غیبت صغری اختصاص داشت؛
۲. حرمت تسمیه دائر مدار «تقیه و خوف» است، که این رأی و نظر علامه حرّ عاملی است؛
۳. حرمت تسمیه مطلق و تا زمان ظهور است، که کسانی مانند شیخ مفید، مجلسی و شیخ صدوق این نظر را مطرح کرده‌اند.

روایات در این باره چهار دسته است:

الف. روایاتی که از آن‌ها حرمت تسمیه مطلقاً و بدون هیچ قید و شرطی استفاده می‌شود؛ مانند روایت کلینی از امام صادق علیه السلام:

«صاحبُ هذا الأمرِ لا يُسمیهُ بِاسْمِهِ إِلَّا کافرٌ»؛

نام صاحب امر را جز کافر نمی‌برد.<sup>۱</sup>

ب. روایاتی که تصریح به حرمت تسمیه به اسم شریف تا زمان ظهور ایشان دارند؛ مانند روایت امام هادی علیه السلام:

«لا یحلُّ ذِکْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى یُخْرَجَ...»؛

حلال نیست یاد آن حضرت به اسم شریفش تا زمان ظهور.<sup>۲</sup>

ج. روایاتی که علت حرمت تسمیه را خوف و تقیه ذکر می‌کنند؛ مانند روایت ابو خالد از امام باقر علیه السلام:

«... همانا تو از من چیزی سؤال کردی که اگر بنی فاطمه او را بشناسند، حرص ورزند که او را قطعه قطعه کنند.»<sup>۳</sup>

د. روایاتی که ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و یا اصحابشان تصریح به اسم شریف حضرت نموده‌اند؛ مانند روایت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«در آخر الزمان یکی از فرزندانم قیام می‌کند که دو اسم دارد: یکی مخفی و دیگری آشکار است. اسم مخفی او احمد و اسم آشکارش محمد است.»<sup>۴</sup>

ایشان (محدثان) در ادامه سه دلیل بر ردّ قول به حرمت آورده و می‌گویند: در دوران تقیه، چه خوف بر ایشان و چه خوف بر خودمان باشد، ذکر نام حضرت حرام است، اما در غیر از تقیه، دلیلی بر حرمت نداریم. همچنین روایات مطلق و بدون قید را بر موارد تقیه حمل می‌نماییم.<sup>۵</sup>

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. کمال الدین، ص ۲۱۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۵۹.

۴. موعود، ش ۴۶، ص ۷۱.

۵. به نقل از فصلنامه‌ی انتظار، ش ۳، ص ۲۲۱.

گرچه برخی روایات منع از تسمیه، مقید به خوف و تقیه می‌باشند، اما اکثر آن‌ها بر عموم منع از تسمیه در همه‌ی مکان‌ها و در همه‌ی زمان‌ها، حتی زمان غیبت کبری، دلالت دارند. برخی به طور مطلق و برخی صراحتاً از ذکر نام ایشان تا زمان ظهور منع می‌کنند.

پس مقتضای مجموع این احادیث، حرمت تسمیه‌ی آن جناب است؛ خواه در زمان ظهور و خواه در زمان غیبت صغری و کبری. مؤید این مطلب این‌که در بیش از هزار حدیثی که درباره‌ی ایشان در کتب حدیثی و ادعیه و زیارات آمده، به جز یک یا دو مورد، تصریح به اسم ایشان نشده است.

شایان ذکر است که نام مبارک آن حضرت عجل الله فرجه توسط حضرات معصومین علیهم السلام و از جمله از طریق ناحیه‌ی مقدسه‌ی امام عصر علیه السلام در برخی از ادعیه و زیارات معروف آمده است؛ نظیر دعای شریف ندبه:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَنَبِيِّكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَعَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ»؛

که مرجع ضمائر به نام مبارک «محمد» - که در ابتدای دعای ندبه آمده - برمی‌گردد، از این رو باید نام آن حضرت بوده باشد.

از جمع این‌گونه موارد با روایات دلالت‌کننده بر نهی و حرمت بردن نام ایشان، به این نتیجه می‌رسیم که در نبرد نام و کنیه‌ی مبارک ایشان - که همان نام و کنیه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد - در محافل و مجامع عمومی احتیاط نماییم؛ همان‌گونه که سیره‌ی بسیاری از علمای سلف نیز چنین بوده است.

### احادیث مهدوی از نگاه اهل تسنن

بزرگان زیادی از اهل سنت، احادیث مهدویت را تأیید و آن‌ها را نقل کرده‌اند، که از جمله‌ی این بزرگان، افراد ذیل هستند.

۱. ترمذی (م ۲۹۷)، پس از نقل چهار حدیث درباره‌ی مهدی علیه السلام، در مورد سه حدیث اول می‌گوید: «این حدیث‌ها نیکو و صحیح است.» درباره‌ی چهارمین حدیث نیز می‌گوید: «این

حدیثی نیکو است.»

۲. حاکم نیشابوری (م ۴۰۵)، پس از نقل حدیثی درباره‌ی مهدی علیه السلام می‌گوید: «اسناد این حدیث صحیح است، اما بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند.»
  ۳. بیهقی (م ۴۵۸) می‌گوید: «حدیث‌های مربوط به خروج مهدی صحیح‌ترین اسناد را دارد.»
  ۴. بغوی (م ۵۱۰ یا ۵۱۶) در کتابش، مصابیح السنه، در فصل «الصحاح» یک حدیث و در فصل «الحسان» پنج حدیث نقل کرده است.
  ۵. قرطبی مالکی (م ۶۷۱)، از معتقدان به متواتر بودن حدیث‌های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است. نکته‌ی مهم این است که وی ذیل حدیث ابن ماجه در مورد مهدی علیه السلام می‌گوید: «اسنادش صحیح است» و تصریح می‌کند: حدیث «مهدی از عترت من، از فرزندان فاطمه است»، از حدیث محمد بن خالد الجندی صحیح‌تر است.
- علاوه بر موارد یاد شده، دانشمندان فراوانی از اهل سنت به صحیح بودن روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه تصریح کرده‌اند.

#### تواتر احادیث مهدی در میان اهل سنت

احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام در کتاب‌های مذاهب اسلامی به اندازه‌ای فراوان است که درباره‌ی کمتر موضوعی به این میزان حدیث رسیده است. همین واقعیت باعث شده تا دانشمندان علم حدیث در موارد فراوانی به «متواتر» بودن احادیث مهدی علیه السلام تصریح کنند.

احمد بن محمد بن صدیق، ابوالفیض غماری حسنی شافعی مغربی، در کتاب ارزشمند «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون»، متواتر بودن حدیث‌های مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه را به شیوه‌ای بی‌نظیر و بی‌سابقه ثابت می‌کند و بی‌اساس بودن تضعیف‌های ابن خلدون را نسبت به این حدیث‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد. در مقابل، افرادی چون احمد امین مصری، محمد فرید وجدی و امثال آن‌ها، اظهار نظرهای ابن خلدون را مستندی برای گفته‌های ناصحیح خود برگزیده‌اند!



غماری مغربی، به تفصیل حدیث‌های مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه را با تحقیق گسترده از کتاب‌های اهل سنت استخراج و روایت کرده و راویان آن‌ها را به ترتیب برشمرده است: نخست اصحاب پیامبر اکرم ﷺ، سپس تابعین و تابعین تابعین و در نهایت محدثان. ابوالفیض در بخشی از کتابش می‌گوید:

«بر کسی پوشیده نیست که به طور طبیعی و معمولی، غیرممکن است گروهی بیش از سی نفر از طبقات مختلف اجتماعی - و بدون آشنایی با یکدیگر - بر یک سخن متفق شوند. البته این تعدادی است که تا امروز توانسته‌ایم از آن آگاه شویم. ما روایات مربوط به حضرت مهدی ﷺ را از برخی صحابه روایت می‌کنیم؛ مانند: ابوسعید خدری، عبدالله بن مسعود، علی بن ابیطالب ﷺ، ام سلمه، ثوبان عبدالله بن جزء بن حارث زبیدی، ابوهریره، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، قره بن ایاس مزنی، ابن عباس، ام حبیبه، ابوامامه، عبدالله بن عمرو بن عاص، عمار بن یاسر، عباس بن عبدالمطلب، حسین بن علی ﷺ، تمیم داری، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عمر بن الخطاب، طلحه، علی هلالی، عمران بن حصین، عمرو بن مرّة جهنی، معاذ بن جبل و مرسله شهر بن حوشب.»

ابوالفیض غماری شافعی، حدیث‌های مربوط به حضرت مهدی ﷺ را از بیش از سی صحابی پیامبر اکرم ﷺ روایت و سلسله‌ی راویان و محدثان آن‌ها را با دقت و تفصیل بیان کرده است.

برخی دیگر از کسانی که به تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی ﷺ تصریح کرده‌اند، بدین قرارند:

۱. حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی (م ۶۵۸ ق)، در کتاب البیان می‌نویسد: «تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ وَ اسْتَفَاضَتْ بِكَثْرَةِ رَوَاتِبِهَا عَنِ الْمُصْطَفَى فِي أَمْرِ الْمَهْدِيِّ»؛ احادیث پیامبر اکرم ﷺ درباره‌ی مهدی ﷺ به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است؛

۲. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق)، که او را «حافظ عصر» خوانده‌اند، در کتاب «فتح الباری» در شرح صحیح بخاری، می‌گوید: «تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ بَأَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنَّ عِيسَى ﷺ سَيَنْزِلُ وَ يُصَلِّي خَلْفَهُ»؛ اخبار متواتر رسیده است که مهدی ﷺ از این امت است و

عیسی علیه السلام فرود خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد خواند؛  
 ۳. ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ ق)، درباره‌ی این احادیث گفته است: «احادیثی که در آن‌ها مهدی علیه السلام ذکر شده است، فراوان و متواتر می‌باشند.»  
 به جز موارد یاد شده، دانشمندان دیگری نیز به متواتر بودن روایات حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### آغاز غیبت و داستان سرداب

پس از درگذشت و یا شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، مأموران خلیفه‌ی عباسی حرکت گسترده‌ای را آغاز کردند و به جست‌وجوی فرزند و جانشین آن حضرت پرداختند.<sup>۲</sup> در هر جا که احتمال وجود امام زمان علیه السلام را می‌دادند، حضور می‌یافتند. هدف آنان از هجوم به منزل امام حسن علیه السلام و اذیت و آزار بنی‌هاشم، دستگیری و قتل فرزند امام حسن علیه السلام بود. این پیگیری، خطری بزرگ برای آینده‌ی امامت بود که به قدرت و حکمت پروردگار، مهدی علیه السلام از نظرها پنهان گردید و از خطرها به دور ماند.

در مورد زمان آغاز غیبت، میان علما و دانشمندان اختلاف است. سه نظر در این موضوع وجود دارد:

الف. گروهی مانند شیخ مفید رحمته الله، آغاز غیبت صغری را از هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام به شمار آورده‌اند؛ زیرا از همان سال‌های آغازین ولادت، آن حضرت غیبت نسبی داشتند و شمار اندکی از یاران، حضرت را مشاهده کردند. بنابر این نظر، دوره‌ی غیبت صغری تقریباً ۷۴ سال می‌شود؛ یعنی از آغاز ولادت تا پایان سفارت آخرین سفیر حضرت.

ب. برخی بر آنند که غیبت صغری از سال ۲۶۰ هـ ق؛ یعنی سال درگذشت امام حسن علیه السلام آغاز شد و این مدت تا شروع غیبت کبری، دوران آمادگی شیعیان و انس آنان به جدایی از امام زمان علیه السلام نام گرفت. این دوران تقریباً هفتادساله، غیبت همه‌جانبه نبود. سفیرانی رابط بین امام و

۱. اقتباس و تلخیص از: منتخب الاثر، ص ۵، پانویس؛ و نیز رک: مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه‌ی اسلامی، صص ۶۰



مردم بودند و مردم با واسطه، پرسش‌های دینی و دنیایی خود را از آن حضرت دریافت می‌کردند. ج. گروهی، آغاز غیبت امام علیه السلام را از زمانی می‌دانند که مأموران خلیفه به منزل حضرت در سامرا هجوم آوردند تا ایشان را دستگیر کنند و آن حضرت در آن هنگام در سرداب بودند و همان جا از دیده‌ها پنهان شدند و تا کنون در آنجا بدون آب و غذا زندگی می‌کنند و روزی از آنجا ظهور خواهند کرد.

این داستان، چنان شهرت یافته که ایشان را «صاحب سرداب» لقب داده‌اند.<sup>۱</sup> در تحلیل این سخنان باید گفت: در منابع شیعی و کتاب‌های امامیه، هیچ نامی از «سرداب» نیست. نویسندگان اهل سنت در نوشته‌های خود بر این نظر اصرار می‌ورزند و متأسفانه این مسأله، دستاویز حمله‌ی ناآگاهانه‌ی برخی از آنان به تشیع گردیده است.<sup>۲</sup> پنداشته‌اند که شیعیان در میانه‌ی سرداب، امام خود را می‌جویند و ظهورش را از آن نقطه انتظار می‌کشند. از این روی، تهمت‌هایی به شیعه زده و زحمت مراجعه به منابع شیعی در این زمینه را به خود نداده‌اند. البته داستان حمله‌ی مأموران معتضد عباسی به منزل امام علیه السلام و برخورد آنان با آب فراوان و دیدن فردی که در گوشه‌ای نشسته و عبادت می‌کند و سپس هجوم به سوی وی و ناکام شدن آنان از دستگیری او، در برخی از منابع شیعی آمده است، اما در این نقل، بر فرض صحت سند و دلالت آن، اولاً از «سرداب» نامی برده نشده است، ثانیاً حمله‌ی دیگری که از ناحیه‌ی معتضد صورت گرفته، خلاف آن چیزی را که اهل سنت می‌گویند، ثابت می‌کند؛ زیرا بنابر این نقل، امام علیه السلام آن محل را ترک کردند و از پیش چشم مأموران گریختند و در نتیجه ایشان در سرداب نیست.<sup>۳</sup>

منشأ خرده‌گیری‌های ناآگاهانه‌ی برخی نسبت به شیعه در این زمینه، آن است که شیعیان به بخشی از حرم عسکرین در سامرا، یعنی «سرداب»، احترام و توجه خاصی دارند و آن را زیارت می‌کنند، خاطره‌های امامان خویش را گرامی می‌دارند و آن مکان را مورد عنایت قرار می‌دهند. و این مسأله نه به دلیل آن است که امام زمان علیه السلام در اینجا مسکن گزیده، زندگی می‌کند، بلکه

۱. اتفاق در مهدی موعود، سید اکبر قرشی، صص ۶۲ - ۱۱۱.

۲. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، ص ۳۷۲.

۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۱.

از آن جهت است که زمانی مرکز عبادت و سکونت چند تن از امامان راستین تشیع بوده است. گذشته از این، بر اساس احادیث فراوانی که در منابع شیعی وجود دارد، شیعیان بر این باورند که امام زمان علیه السلام در میان مردم در رفت و آمد هستند و در مراسم حج و مانند آن شرکت می‌کنند و مانند حضرت یوسف علیه السلام که برادرانش را می‌شناخت و آنان وی را نمی‌شناختند، دوستان خویش را می‌شناسند و...<sup>۱</sup>

پس داستان غیبت حضرت مهدی علیه السلام در سرداب سامرا و زندگی کردن حضرت در آن مکان، بهتان و دروغی بیش نیست و هیچ یک از بزرگان شیعه چنین باوری نداشته و ندارند.

### مراجع تقلید؛ نایبان امام زمان علیه السلام

مراد از نایب امام علیه السلام کسی است که در زمان غیبت آن وجود مقدس، از طرف ایشان سرپرستی جامعه‌ی شیعه را بر عهده دارد. البته نایبان به دو گروه خاص و عام تقسیم می‌شوند.

۱. نایب خاص: فردی است که به طور مشخص و معین از طرف امام معرفی می‌شود. نایبان خاص، چهار نفر بودند که از سال شروع غیبت به مدت هفتاد سال<sup>۲</sup> نیابت حضرت را بر عهده داشتند. نام آنان چنین است: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمري.

۲. نایب عام: فردی است که به طور مشخص و معین از طرف امام علیه السلام معرفی نشده است؛ بلکه دارای صفات و ویژگی‌هایی است که یک نایب باید داشته باشد. علاوه بر عقل، در روایات نیز به این ویژگی‌ها اشاره شده است. این شخص به نیابت از امام زمان عجل الله فرجه سرپرستی جامعه‌ی شیعه را بر عهده می‌گیرد، اما چون به صورت مشخص و به نام، از طرف امام معرفی نشده، «نایب عام» نامیده می‌شود.

اکنون باید روشن شود که کدام گروه از افراد جامعه‌ی شیعه، مصداق نایب عام هستند و وظیفه‌ی سرپرستی بر دوش آنان گذاشته شده است؟

۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۶۴.

۲. از سال ۲۶۰ هـ ق تا سال ۳۲۹ هـ ق.

از دیدگاه عقل، تنها فقها و مجتهدان جامع شرایط می‌توانند رهبری و سرپرستی جامعه را عهده‌دار باشند؛ چرا که جامعه‌ی اسلامی باید بر اساس دستور دین اداره شود. بنابراین، زمامدار باید مسلمانی باشد که نسبت به مبانی و احکام دین آگاه باشد، تا بتواند طبق مقررات اسلامی، جامعه را راهبری کند. این فرد کسی جز فقیه و مجتهدِ توانمند در تدبیر جامعه نیست. با رجوع به روایات نیز به‌روشنی به دست می‌آید که رهبری و اداره‌ی جامعه و نیابت حضرت مهدی عجل الله فرجه فقط شایسته‌ی مجتهد جامع‌الشرایط است و چنین فردی از سوی آن بزرگوار سکان جامعه را در دست می‌گیرد.

در اینجا به برخی از روایات در این باره اشاره می‌شود:

اسحاق بن یعقوب می‌گوید: از محمد بن عثمان عمّری (دومین نایب خاص) خواستم نامه‌ای را که مشتمل بر مسائلی بود، خدمت حضرت برساند و پاسخ آن‌ها را دریافت کند. تویق و نامه‌ای از وجود مقدس صادر شد و حضرت پاسخ‌هایی را مرقوم فرمودند که از جمله‌ی آن‌ها این سخن است:

«وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»؛ در رویدادهایی که واقع می‌شود، به راویان احادیث ما (علما و کارشناسان دین) رجوع کنید، پس به درستی که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم (تا دیگر عذری برای کسی باقی نماند).<sup>۱</sup>

روشن است که مراد از «حوادث واقعه»، پیشامدها و رخدادهایی است که بر جامعه وارد می‌شود و باید به صورت صحیح و طبق نظر دین از آن‌ها گذر کرد و مصلحت جامعه را درباره‌ی آن‌ها در سایه‌ی دین مد نظر قرار داد. در این تویق شریف، حضرت مهدی علیه السلام به مراجعه به راویان حدیث اهل بیت و دین‌شناسان امر کرده‌اند و آنان را از طرف خود، حجت بر مردم و خلیفه‌ی خویش معرفی می‌کند.

در «مقبوله»ی عمر بن حنظله نیز از وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره‌ی وظیفه‌ی شیعه در برابر مشکلات و منازعات و مرجع صالح برای رسیدگی به امور چنین نقل شده است:

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ب ۱۱، ص ۱۴۰، ح ۹.

«يَنْظُرَانِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا، وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا، فَلْيَرِضُوا بِهِ حَكْمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا، فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ، فَإِنَّمَا اسْتُخِفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رُدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللَّهِ»؛

باید نگاه کنند کسانی که از شما ایند (شیعیان) به کسی که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما تأمل و دقت می‌نماید و احکام ما را می‌شناسد. پس به حکم او باید راضی باشند. پس من او را بر شما حاکم قرار دادم. پس اگر او به حکم ما حکم داد و از او پذیرفته نشد، همانا به حکم خدا استخفاف شده است و ما رد شده‌ایم و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده و این در حد شرک به خداست.<sup>۱</sup>

مراد از شخص «آگاه به حلال و حرام»، همان فقیه است که با تأمل و اجتهاد در آیات و روایات، با احکام اسلامی و دستورهای دین آشنا می‌شود. امام صادق علیه السلام چنین فردی را شایسته دانسته و مردم را به رجوع به او و پذیرش حکم او ملزم کرده و او را حاکم قرار داده‌اند. وجود مقدس امام علی علیه السلام از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي - ثَلَاثًا - قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَأْتُونَ بَعْدِي، يَرُؤُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي»؛

خدایا! خلفای مرا رحمت کن، [این جمله را حضرت سه بار فرمودند] گفته شد: ای رسول خدا! خلفای شما چه کسانی‌اند؟ فرمود: کسانی که بعد از من می‌آیند و حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند.

«خلیفه»، معنایی کاملاً روشن دارد که همان جانشین پیامبر و فردی است که بعد از ایشان در جایگاه آن بزرگوار قرار می‌گیرد و عهده‌دار اموری می‌شود که ایشان بر عهده داشتند، که همان رهبری و سرپرستی جامعه است.

نکته‌ی مهم و قابل دقت در روایت، این است که حضرت به مهم‌ترین ویژگی جانشین اشاره دارند، که راوی حدیث و سنت و آشنا به دستورهای دین بودن است. بنابراین، طبق این روایات، فقیه و اسلام‌شناس، نایب امام خواهد بود.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ب ۱۱، ص ۱۳۶، ح ۱.

### سوالات پژوهشی

۱. چه تفاوتی میان اعتقادات سنی و شیعه درباره‌ی حضرت مهدی عج وجود دارد؟
۲. غیر از جزیره‌ی خضرا، چه داستان‌هایی در ارتباط با زندگی، زن، فرزند و مسکن امام نقل شده است و چه اندازه می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد؟
۳. نظریه‌ی «ولایت فقیه» را بر اساس مبانی، اهداف و ماهیت اندیشه‌ی مهدویت تبیین کنید.

### منابع مطالعاتی

۱. موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، قم، انتشارات جمکران، ۱۳۸۶.
۲. پیدای پنهان، سید مسعود آقایی، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آینده‌ی روشن، بی تا.
۳. چهره‌ی درخشان امام زمان (ترجمه‌ی الزام الناصب)، علی حائری یزدی، ترجمه‌ی سید محمدجواد مرعشی نجفی، قم، علمیه، بی تا.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن الحماد المروزی، ابو عبدا... النعیم؛ الفتن، تحقیق سهیل زکار، چاپ اول.
۳. ابن طاووس، سید علی بن موسی؛ الملاحم و الفتن، ترجمه‌ی محمدجواد نجفی.
۴. ابن الحنبل، احمد؛ المسند، ۳ جلد.
۵. باقی، عمادالدین؛ در شناخت حزب قاعدین زمان، تهران، انتشارات دانش اسلامی، ۱۳۶۲.
۶. باهنر، ناصر؛ از دین تلویزیونی تا آرمان تلویزیون دینی، هفته‌نامه‌ی سروش، اسفندماه ۱۳۸۱، ص ۸۶.
۷. راهبردهای آموزش دینی در تلویزیون با مطالعه در تطبیق رسانه‌های دینی، فصلنامه‌ی پژوهش و سنجش، ویژه‌نامه‌ی آموزش، ۱۳۸۲.
۸. البحرانی، السید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن.
۹. محجه.
۱۰. البخاری، ابو عبدا... محمد بن اسماعیل؛ الصحيح البخاری.
۱۱. بنی‌هاشمی، سید محمد؛ راز پنهانی و رمز پیدایی، نیک معارف، چاپ اول، تهران ۱۳۸۴.
۱۲. معرفت امام عصر (عجل الله فرجه)، تهران، نیک معارف، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۳. تاجری، حسین؛ انتظار بذر انقلاب (یادی از قیام جهانی مهدی عجل الله فرجه)، تهران، بدر، ۱۳۵۸.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی؛ الجامع الصحيح.
۱۵. السنن.

۱۶. تفسیر عیاشی.
۱۷. جعفری، محمدصابر؛ اندیشه‌ی مهدویت و آسیب‌ها، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۱۸. جمعی از نویسندگان، انتظار در اندیشه‌ها، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه، تهران ۱۳۷۹.
۱۹. جمعی از نویسندگان؛ شمیم (گزیده‌ای از مباحث مهدویت)، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله فرجه، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۰. حائری یزدی، شیخ علی؛ چهره‌ی درخشان امام زمان عجل الله فرجه (ترجمه‌ی الزام الناصب فی اثبات حجه‌... الغائب عجل الله فرجه)، ترجمه‌ی سید محمدجواد مرعشی نجفی، قم، علمیه، چاپ اول، ۳ جلد.
۲۱. الحاکم النیسابوری، محمدبن عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، ترجمه‌ی احمد جنتی، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶، ۷ جلد.
۲۳. وسائل الشیعة الی التحصیل مسائل الشریعه، ۱۳۱۴ هـ.ش.
۲۴. حکیمی، محمدرضا؛ خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۵. حیدری، معصومه؛ نظرسنجی از مردم ۳۰ شهر کشور درباره‌ی برنامه‌ی «به سوی ظهور»، گروه سنجش افکار، شماره‌ی تحقیق ۸۱/۱۶۶، ۱۳۸۱.
۲۶. الحمیری، ابوالحسن؛ قرب الاسناد.
۲۷. خلیل بیگی، نغمه؛ بررسی بازنمایی‌های مهدی در سری چهارم برنامه‌ی «به سوی ظهور»، پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی «تحقیق در ارتباطات»، دانشکده‌ی صدا و سیما، ۱۳۸۵.
۲۸. خمینی قدس سره، روح...؛ ولایت فقیه، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ دهم، ۱۳۷۹.
۲۹. صحیفه‌ی نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی قدس سره).
۳۰. روضة الکافی.

۳۱. سادات مدنی، علی اصغر؛ نشانه‌های ظهور (بحثی پیرامون علائم حتمیه‌ی ظهور)، تهران، منیر، ۱۳۷۳.
۳۲. الساده، مجتبی؛ شش ماه پایانی (تقویم حوادث شش ماهه‌ی پیش از ظهور)، ترجمه‌ی محمود مطهری‌نیا، تهران، موعود عصر، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
۳۳. سلیمان، کامل؛ روزگار رهایی (ترجمه‌ی یوم الخلاص)، ترجمه‌ی علی اکبر مهدی‌پور، تهران، نشر آفاق، چاپ سوم، ۱۳۷۶، ۲ جلد.
۳۴. سرایی، علی؛ بشارت به منجی موعود، تهران، موعود عصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۳۵. سیاح، احمد؛ صفات و خصال حضرت مهدی، تهران، موعود عصر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۳۶. السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الحاوی الفتاوی.
۳۷. شفیع‌ی سروسستانی، ابراهیم؛ انتظار، بایدها و نبایدها، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۳۸. معرفت امام زمان عجل الله فرجه و تکالیف منتظران، تهران، انتشارات موعود عصر عجل الله فرجه، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۳۹. صبور، رضا؛ گفتگوی نگارنده با تهیه‌کننده‌ی برنامه‌ی «به سوی ظهور»، ۱۳۸۵.
۴۰. صدر، سید محمدباقر؛ تاریخ پس از ظهور، ترجمه‌ی حسن سجادی‌پور، تهران، موعود عصر عجل الله فرجه، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴۱. صدوق، محمد بن علی بن الحسین (ابن بابویه)؛ کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ترجمه‌ی منصور پهلوان، قم، چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۲ جلد.
۴۲. صحیفه‌ی سجادیه.
۴۳. ضمیری، محمدرضا؛ رجعت (بازگشت به زمان)، تهران، موعود عصر، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۴۴. علیا نسب، سید ضیاء‌الدین و علوی نیک، سلمان؛ جریان‌شناسی انجمن حجتیه، قم، زلال کوثر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۴۵. عقد الدرر.
۴۶. طبرسی، احمد بن علی بن ابیطالب؛ الاحتجاج، تحقیق ابراهیم البهادر، محمدهادی، به کوشش جعفر سبحانی، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۳، ۲ جلد.



۴۷. طوسی، محمد بن حسن؛ مصباح المتعجب.
۴۸. کتاب الغیبة، عباداله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، موسسه‌ی معارف الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۴۹. فرائد السمطین.
۵۰. قزوینی، سید محمد کاظم؛ امام مهدی عجل الله فرجه از ولادت تا ظهور، تهران، دفتر نشر آفاق، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۵۱. قمی قدس سره، عباس؛ برگزیده‌ی منتهی الآمال (زندگی چهارده معصوم)، به کوشش رضا استادی، قم، دفتر نشر مصطفی، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۵۲. مفاتیح الجنان.
۵۳. قندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم؛ ینابیع الموده، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ۳ جلد.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی (اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و علمی)، ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ۴ جلد.
۵۵. کورانی، علی؛ عصر ظهور، ترجمه‌ی عباس جلالی، تهران، انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۲.
۵۶. کنز العمال.
۵۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ۱۱۰ جلد.
۵۸. مجموعه مقالاتی از نشریه‌ی راه مجاهد، انجمن حجتیه، نسلی مایوس از حرکت و انقلاب، تهران، انتشارات راه مجاهد، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۵۹. مطهری، مرتضی؛ قیام و انقلاب مهدی عجل الله فرجه از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۴.
۶۰. مفید، محمد بن محمد نعمان؛ الارشاد فی معرفة حجج... علی العباد، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیة، ۲ جلد.
۶۱. مؤسسه‌ی معارف الاسلامیه، معجم احادیث امام المهدی، زیر نظر علی کورانی، قم، موسسه‌ی معارف الاسلامیه چاپ اول، ۵ جلد.

۶۲. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر؛ کتاب الغیبه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ترجمه‌ی محمد جعفر غفاری، تهران، صدوق، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۶۳. نویسندگان مجله‌ی حوزه، چشم به راه مهدی عجل الله فرجه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی، ۱۳۷۵.
۶۴. نهج البلاغه، ترجمه‌ی فولادوند.
۶۵. واحد پژوهش موعود، موعود قرآن، تهران، انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۴.
۶۶. هاشمی شهیدی، سید اسدا...؛ ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۶۷. هیأت تحریریه‌ی مؤسسه‌ی در راه حق، پیشوای دوازدهم، حضرت امام حجة بن الحسن المهدی، قم، انتشارات مؤسسه‌ی در راه حق، چاپ نهم، ۱۳۷۰.
۶۸. هیشمی، شهاب الدین؛ الصوائق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه.
۶۹. مهدی‌پور، مهدی؛ شبهات مهدوی دوران ما (نقدی بر بهائیت)، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه‌ی دائمی اجلاس حضرت مهدی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۷۰. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی؛ مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ دوم، ۲ جلد.
۷۱. منتظر قائم، خلیل؛ مهدویت و بازتاب آن در رسانه‌ی ملی، ماهنامه‌ی موعود، شماره‌ی ۶۸، ۱۳۸۵.
۷۲. جاسم حسین؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله فرجه، ترجمه‌ی محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۷.
۷۳. سعیدی، احمد؛ نشانه‌هایی از مهدی عجل الله فرجه، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۷۴. شاکری زواردهی، روح...؛ ضرورت طرح مباحث مهدویت، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۷۵. شمس‌الدین، زین‌العابدین، شبهات مهدوی دوران ما (نقدی بر نظریه‌ی همگرایی ابن خلدون)، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه‌ی دائمی اجلاس حضرت مهدی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۷۶. صدر، سید محمدباقر؛ رهبری بر فراز قرون (پژوهشی درباره‌ی امام مهدی عجل الله فرجه)، تحقیق عبدالجبار شراره، ترجمه‌ی مصطفی شفیعی، تهران، موعود عصر عجل الله فرجه، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۷۷. فلسفه‌ی غیبت صغری، ترجمه‌ی محمد امام شیرازی، قم، دارالتبلیغ.
۷۸. فخرالدین، سید طلال؛ شبهات مهدوی دوران ما (پاسخ به شبهات احمدالکاتب)، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه‌ی دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله فرجه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۷۹. گروه پژوهشی مؤسسه‌ی فرهنگی موعود عصر عجل الله فرجه، انتظار منتظر، تکالیف منتظران، تهران، موعود عصر عجل الله فرجه، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۸۰. آخرالزمان در آیینه‌ی روایات، تهران، موعود عصر عجل الله فرجه، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۸۱. مفید، محمد بن محمد؛ ده انتقاد و پاسخ پیرامون حضرت مهدی عجل الله فرجه، ترجمه‌ی محمدباقر خالصی، تهران، راه امام.
۸۲. خادمی شیرازی، محمد؛ نشانه‌های ظهور او، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.
۸۳. کشف المراد (بررسی عقاید شیخیه و رد اتهامات)، مؤلف و ناشر: الف. حکیم هاشمی، تهران ۱۳۵۲ش.
۸۴. الموسوعة الذهبية للعلوم الاسلامية، دکتر فاطمه محجوب، دارالغد العربی، مصر، قاهره.